یادوارهٔ

بزرگداشت

خدیجهٔ کبری

در سال ۱۴۲۶-۱۴۲۷ قمری

تألیف: میر سید محمد مسعود ابطحی


بسم الله الرحمن الرحیم

یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)

نویسنده:

سید حجت موحد ابطحی

ناشر چاپی:

یاران خدیجه کبری

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری

مشخصات کتاب

نام کتاب: یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری

نویسنده:

میر سیّد حجّه موحّد ابطحی

فرزند مرحوم آیت اللَّه، حاج سیّد مرتضی موحّد ابطحی قدس سره

تاریخ انتشار: رمضان المبارک ۱۴۲۸ قمری - ۱۳۸۶

حروفچینی و صفحه آرائی: میرنگار - اصفهان

ناشر: یاران خدیجه کبری - اصفهان

نوبت چاپ: اوّل

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

* * * * *

اصفهان - حوزه علمیّه - مدرسه صدر بازار و مدرسه ذوالفقار

اصفهان - خیابان احمد آباد - کوچه ملک الأطبّاء - بیت الزّهراء عَلَیْهاالسَّلَام

میر سیّد حجّه موحّد ابطحی

به پیشگاه مقدس:

خاتم الانبیاء، داغدار مصیبت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام

فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام یادگار بزرگ و ثمره اصلی زندگی خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام

امیرالمؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام که سالها در سایه مهر و محبت و سرپرستی خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام بودند

همه امامان و امامزادگان بزرگوار، که به مادربزرگشان خدیجه کبری افتخار می نمودند

همه بزرگان و حق شناسانی که حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام را مایه مباهات خود می دانند

اهدا می گردد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم»

أَلْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمین

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِنا وَ طَبیبِنا

الَّذی بُعِثَ رَحْمَهً لِلْعالَمین وَ بَشیراً لِلْمُذْنِبینَ

محمّد خاتَمِ النَّبِیّین

وَ عَلی آلِهِ الطَّیِّبین الطَّاهِرینَ الأَنْجَبین، لا سِیّما

ألإمامِ الْمُنتَظَر وَ الْوَلِیِّ الْمُنْتَقِم

أَلْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِیِّ (عج)

وَ لَعْنَهُ اللَّهِ عِلی أعْدائِهِمْ أجْمَعین مِنَ ال آنَ إلی قِیامِ یَوْمِ الدّین

آمین آمین آمین

پیشگفتار

چند سالی بود که توجه به عظمت و ایمان و اخلاص و ایثار های برجسته و استثنائیِ حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و رحلت جانگداز آن بانوی بزرگ تاریخ اسلام مرا تحت تأثیر قرار داده بود و سعی می کردم در سالگرد وفات آن حضرت (در دهم رمضان المبارک) عرض ادبی داشته باشم و در سخنرانیهای روزهای ماه رمضان و در سایر مجالس و محافل، توجه دوستداران خاندان رسالت را به

آن شخصیت بزرگ تاریخ اسلام و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم جلب نمایم.

تا اینکه در ایام میلاد مبارک سیّد الشهدأ، امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در سال ۱۴۲۶ قمری، شبی به دیـدن یکی از انسانهای پاکیزه خوی و دلباخته خاندان عصـمت و طهارت عَلَیْهِمُالسَّلَام که از زیارت خانه خدا و مدینه منوره برگشـته بود رفتم و او که در آن سفر زیارتی به سـیری معنوی و پروازی روحانی دست یافته بود و در صـحنه های گوناگون، حالت توجه و تنبه یافته بود، سخن از عظمت یـاور دلسوز و همسـر فـداکار رسول خـدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به میـان آورد و از کوتاهی و قصور یا تقصـیر مسـلمانها و شـیعیان، در مـورد حقوق آن حضـرت که «ام المؤمنین» و «ام الائمّه» و «ام الزهراء عَلَیْهاالسَّلَام» و اول بـانوی مؤمنه جهان اسلام و بزرگترین ایثار گر در راه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و اسلام بوده است، سخن گفت و آنچنان سخن او از دل بر می آمد که لاجرم بر دل می نشست.

او با سوز دل از کوتاهی دربارهی معرّفیِ عظمت و شخصـیت آن حضـرت سخن گفت و از اینکه در مساجد و محافل دینی در ایام وفات آن بزرگ یار فـداکار پیامبر خـدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در ماه مبارک رمضان، که بهترین فرصت تبلیغ فراهم است، کمتر قـدمی برداشـته نمی شود، اظهار تأسف نمود و نه تنها از عهدهداران تبلیغات دینی گلایه نمود، که شدیداً خودش را ملامت می نمود که در این زمینه کوتاهی کرده است.

این کمترین ارادتمندِ خاندان رسالت عَلَیْهِمُالسَّلَام با اینکه در تمام مناسبت های مربوط

به شخصیت های بزرگ خانـدان نبوت و امامت عَلَيْهِمُ‌السَّلَام در حد توان عرض ارادتی دارم و در تشویق طلاب و مبلغین برای انجام وظیفه و فعالیت تبلیغی در معرفی و عرض ارادت به ساحت مقدس آن پیشوایان حق و عدالت و چراغهای هدایت و سعادت، گامهایی ولو کوچک بر می دارم، ولی در آن دیدار روحانی و پر فیض، انقلابی درونی در خود احساس کردم و بر خود لرزیدم و با خود حدیث نفس کردم که:

راستی ما و جامعهی ما، که مسلمانیم و خود را مرهون هدایتها و راهنماییهای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و قرآن و اسلام می دانیم، تا چه اندازه در برابر فداکاریها و ایثار گریهای بزرگ یاور پیامبر خدا، محمّد مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم یعنی حضرت خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام سپاسگزاری کرده و عرض ادب نموده ایم؟

آیا مگر نه اینست که آن حضرت با کمال صفا و صمیمیّت و ایمان و اخلاص، تمامیِ ثروت بی نظیر خود را در راه ترویج اسلام و تثبیت پایه های رسالت پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم مصرف نمود و زخم زبانها و شماتت زنهای قریش را بر جان خرید و دست از یاری و حمایت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بر نداشت و تا سالها تنها زنی بود که نماز می خواند و با تمام وجود و شخصیت و ثروت و جایگاه اجتماعیِ خود، از اسلام و قرآن حمایت می کرد؟ آیا مگر نه اینست که او تنها زنی بود که لیاقت داشت محل نشو و نمای کوثر قرآن، حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهاالسَّلَام باشد و با به

دنیـا آوردن چنـان گوهری، دریـای متلاطم غم و انـدوه پیـامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را ساکن سازد و با نزول سوره «انا اعطیناک الکوثر، فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ، إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ» برای همیشه، رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را از امواج غم و غصه برای آینده اسلام و مسلمین بره اند؟

آیـا مگر نه اینست که فـداکاریهای او آنچنان عظیم و کارساز و مخلصانه بود، که تا سالها پس از وفات او، هر گاه رسول خـدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نام خدیجه را می شـنیدند، چشـمان مبارکشان غرق در اشک می شد و از جانفشانیهای او با دنیایی از سوز و گداز یاد می نمودند؟

آیا مگر نه اینست که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم سال وفات آن بانوی برجسته و حضرت ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام را به نـام عـام الحزن (سـال غم) نامگـذاری نمودنـد و با این نامگـذاریِ تاریخی، سپاسـگزاریِ بی دریغ و کم نظیر خود را نسبت به فداکاریهای آن دو چهره برجسته عالم اسلام اظهار داشته و در صفحه تاریخ ثبت نمودند.

و آیا؟ و آیا؟ و آیا؟

آن شب، این افکـار و سؤالات، در دل و جان من طوفانی به راه انـداخته بود و تصـمیم گرفتم که با توان محـدود و امکانات و تجربیّاتی که در سالهـای نهضت فـاطمیّه عَلَیْهاالسَّلَام با عنایات الهی و لطف خانـدان عصـمت و طهارت عَلَیْهِمُالسَّلَام به دست آورده ام، وارد میـان عمـل شـده و بـا تهیهی پرچم و پوسـتر و تهیه و توزیـع کتابهـای منـاسب و تشویـق و تبلیغ برای برگزاری مجالس بزرگداشتِ سالگرد وفات آن حضرت، در دهم ماه مبارک

رمضان و فعالیّت گسترده برای افطاری دادن در مساجد و حسینیه ها و منازل شخصی و تهیّه برنج و روغن و خرما و حبوبات به عنوان افطاریِ خانواده های نیازمند و توزیع آنها به یاد احسان و انفاق های حضرت خدیجه و بحث و سخنرانی درباره ی آن حضرت در عموم مساجد و محافل دینی و ... عرض ارادت نموده، تا اینکه از برکات گسترده ی این حرکت معنوی بهره مند شویم و لذا تصمیم گرفتم که با مذاکره و نشست با علما و خطبا و ائمّه جماعات و شعراء و مداحان اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام و خیراندیشان جامعه و امناء مساجد و دیگر اقشار مردم با ایمان و ولایت، برنامه های مناسبی را طراحی نموده و به اجرا بگذاریم و سالگرد وفات حضرت خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام را گرامی بداریم.

در بخشهای گوناگون این یادواره، از برنامه ها و اقدامات انجام گرفته، به شکل فشرده یاد می نماییم.

عوامل مؤثر در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

اشاره

در دو سال گذشته، عوامل گوناگونی، در تحقق بزرگداشت حضرت خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام مؤثر بود و دست به دست هم دادن آن عوامل، حرکت نورانیِ تجلیل از آن بانوی بزرگ را جامه ی عمل پوشانید، که بعضی از آن عوامل، گروه هایی برجسته از جامعه بودند و بعضی دیگر حالتهایی در نهاد ملّت و دسته سوم، اعمال و برنامه هایی، که در ایجاد جنبش و حرکت مردمی نقش بسزایی دارد و با توجه به اینکه شناختن این عوامل می تواند در گسترش و تداوم برنامه های بزرگداشت حضرت، تأثیر اساسی داشته باشد و برکات شناخت و الگوگیری از زندگی حضرت خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام را افزایش دهد، لذا ما در ضمن چند بخش، مهمترین آن عامل ها را بیان می نماییم.

نقش اساسی ائمه جماعات و خطباء در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

با توجه به اینکه سالگرد رحلت بانوی بزرگ تاریخ اسلام، حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام دهم ماه مبارک رمضان است و در عموم مساجد، علاوه بر نماز جماعت (با حضور گسترده ی مردم با ایمان) برنامه سخنرانی بعد از نماز ظهر و عصر برقرار می باشد و در بسیاری از مساجد و حسینیه ها، در شبهای ماه رمضان، برنامه تفسیر قرآن و سخنرانی به اجرا در می آید و ائمه جماعات شخصاً عهدهدار سخنرانی می باشند و یا از خطبا عالیقدر دعوت می نمایند برای سخنرانی، لذا فرصت بسیار مناسب و شایسته ایست برای بیان ابعاد شخصیت و فداکاریها و ایثار گریهای حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و بدون اینکه نیاز به سرمایه گذاری مادّی و معنویِ ویژه و جداگانه ای باشد، امامان جماعت و خطبا بزرگوار، می توانند در روزها و شبهای قبل و بعد از دهم رمضان المبارک، با سخنرانی دربارهی تاریخچه زندگانی و ازدواج و فداکاریها و رحلت جانگداز حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

(که در متن تاریخ اسلام و قرآن و پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم است و آشنایی با آن، عبادتی بزرگ می باشد و فراگیری درسهایی از آن، از اهداف مقدس روزه داری ماه رمضان «لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ» به شمار می رود و از مقاصد اصلیِ اجتماع در مساجد و محافل دینی می باشد) گام بزرگی در معرفی شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بردارند و بدین وسیله در رشد انس و علاقه ی مردم نسبت به دین و ایمان و پایبندی آنها به ارزشهای متعالی اسلامی، نقش مؤثری ایفا نمایند.

نقش استادان، معلمان، مسؤولان آموزش و پرورش در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

جایگاه مقدس تعلیم و تربیت و گستردگیِ میدان فعالیت استادان و معلمان و مسؤولان با نفوذ و تأثیرگذار دانشگاهها و مراکز آموزش و پرورش، رسالت مهمی را در امر احیاء همه ی ارزشهای دینی و اجتماعی و اخلاقی، بر دوش آنها می گذارد.

آنها به خوبی می توانند در معرّفیِ الگوهای مثبت و سازنده و جلب توجه جوانان و نوجوانان به بزرگان علم و دین و اخلاق و فضیلت، نقش بی نظیری بر عهده گیرند و بر این مبنا شایسته است، از امکانات مادّی و معنوی که در اختیار دارند بهره جسته و در تجلیل و بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام که الگوی فضیلت و ایثار، آزادی و آزادگی، اخلاق و شرف اجتماعی، معنویت و خداجویی هستند، گامهای بلندی برداشته و در تکامل انسانیِ بزرگترین سرمایه های جامعه (یعنی جوانان) به توفیق بیشتری دست یابند.

وظیفه شناسی شعرا عالیقدر دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

پس از شروع حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، از اولین گروه هایی که دست به کار شدند و آمادگی خود را برای انجام وظیفه دربارهی آشنایی با عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و سپس اقدام برای معرفی آن بزرگوار به جامعه (از طریق سرودن شعر) نشان دادند، شعرا با ایمان و معتقد به مکتب ولایت و امامت بودند، که بخشی از آن سروده ها در سال ۱۴۲۶ با عنوان «غروب ماه حجاز» و بخش مفصلتری، در سال ۱۴۲۷ قمری، به عنوان «شمع محفل طه» به همت مداح دلسوخته اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور جمع آوری و منتشر گردید (۱)، که همین اقدام ارزشمند، دیگر شعرای مکتب ولایت را در شهرهای مختلف به حرکت واداشته و پس از انتشار دو اثر یاد شده، شعرهای فراوان دیگری، دربارهی مدح

و منقبت یا رثا و مصیبت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام سروده شده، که امید است در آینده ای نزدیک، مجموعه های ارزشمندی با کمیت و کیفیت بالاتری، که مناسب عظمت والای حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام باشد، منتشر گردد.

نقش مداحان اهل البیت در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

با توجه به جایگاه و نفوذ مداحان اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام در میان مردم، نقش آنها در مسأله بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به خوبی روشن می شود. آنها با حضور گسترده ای که در مجالس دینی و اجتماعی دارند و علاوه بر هیئات مذهبی، در بسیاری از اجتماعات و گردهماییهای تأثیرگذار، جایگاه قابل توجهی دارند، می توانند در فرهنگ سازی در امر بزرگداشت بانوی بزرگ اسلام، به مسؤولیت بزرگ خود، توجه جدّی مبذول دارند و با انجام وظیفه در این میدان و فضای الهی، اجر و قرب معنوی تحصیل نمایند.

نقش پرچمها و پوسترها در بیداری جامعه نسبت به عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

از ابتدای فعالیت برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام تا کنون، چندین نوع پرچم، با تعداد زیاد تولید گردیده و با نصف قیمت در اختیار مردم علاقه مند قرار گرفته و بیش از پانزده نوع پوستر (با طرحهای جالب و متنوع) به چاپ رسیده و در شهرهای مختلف و بعضی از کشورهای دیگر، در سطحی وسیع و با تیراژ زیاد منتشر گردیده است، که نقش بسیار مؤثری در جلب توجه عموم مردم و بیداریِ وجدانهای آنها داشته است.

بسیاری از مردم و حتی روحانیون و تحصیل کرده ها، برای اولین بار با دیدن پرچمها و پوسترها، توجه به سالگرد حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام پیدا کردند و سپس به سوی شرکت در برنامه های بزرگداشت آن حضرت و مطالعه دربارهی عظمت و شخصیت آن بزرگوار، کشیده شدند و چه بسا قدمهای مؤثری در آگاهی بخشی به دیگران و آشناسازی علاقه مندان، برداشتند.

جلسات تفسیر قرآن و دعا و معرفی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

ماه مبارک رمضان، فرصت بسیار مناسبیست برای تشکیل جلسات تفسیر قرآن برای عموم مردم (اعم از مرد و زن) و نیز زمینه مساعدیست برای برگزاری مجالس دعا (همانند دعای افتتاح، دعای ابوحمزه و ...) که با حضور گسترده ی مردم از رونق ویژه ای برخوردار است.

ارتباط بسیار نزدیک شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام با تاریخ اسلام و زندگی و رسالت پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و نزول و تثبیت قرآن و احکام آن، زمینه ی بسیار مناسبیست برای مطرح نمودن بخشهایی از فداکاریها و خدمات و عظمتهای آن حضرت در جلسات قرآن و دعا و بیان شرح حال و زندگی بزرگ الگوی کمال و فضیلت، می تواند بر صفا و معنویت جلسات یاد شده بیفزاید و شرکت کنندگان و مستمعین

را تحت تأثیر عینیِ مباحث قرآنی و دعاها (که همه مدیون فداکاریهای حضرت خدیجه می باشند) قرار دهد.

با توجه به توضیح یاد شده، شایسته است که برگزار کنندگان جلسات یاد شده و گویندگان و خوانندگان دعا، در این گونه محافل نورانی، انجام وظیفه نموده و با تلاش برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و ذکر فضائل آن حضرت، دَینِ خود را ادا نموده و در پیشگاه رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و حضرت زهرای مرضیه عَلَيْهاالسَّلَام و ائمه معصومین عَلَيْهِ السَّلَام سربلند و سرافراز گردند.

افطاری دادن و انفاق به نام خدیجه کبریٰعَلَيْهاالسَّلَام

از راه های بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و زنده نگاه داشتن خاطره فداکاریها و انفاق های آن حضرت، افطاری دادن به روزه داران، در مساجد، حسینیه ها، مدرسه ها و منازل شخصی می باشد که نه تنها فیض و ثواب افطاری دادن دارد، بلکه توجه همه را به آن همه ایثار و انفاق مالی آن بزرگوار، که موجب پیشرفت اسلام و تحکیم مبانی آن در جامعه گردید، جلب می نماید. علاوه بر اینکه درس عملی، برای همگانی شدنِ احسان و انفاق به شمار می رود و اقتباس از روش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم (که به یاد حضرت خدیجه قربانی می نمودند و به نیازمندان و بالاخص دوستان خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام اعطا می کردند) محسوب می گردد.

و همچنین تهیه و توزیع ارزاق مورد نیاز مستمندان، با نام و یاد حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام (۲) برنامه ی بسیار مؤثری است، که می تواند اثر ماندگاری در ذهن و خاطر اعضا خانواده نیازمند به جای گذارد و آنها را دلبسته ی اسلام و احکام آن و علاقه مند به چهره ی فداکار حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام که حامی و یاور راستین پیامبر گرامی

اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بوده است، بنماید و رشته ی ارتباط دل و جان آنها را با بزرگان دین و مذهب مستحکم نماید.

حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه از متن جامعه و اعتقادات دینی

هر حرکتی که بخواهد مستمر، گسترده، عمیق و ماندگار باشد، باید از متن جامعه و اعتقادات و باورهای پاک و احساسات لطیف مردم، سرچشمه بگیرد، تا اینکه به وسیله ی پشتیبانی و حمایت و سرمایه گذاری های مادّی و معنوی، شخصی و عمومی، علمی و فرهنگیِ لا یزال جامعه، گسترش و عمق و استمرار پیدا کند و ماندگار شود.

از ویژگیهای حرکت اخیر، در مورد بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام اینست که، با الهام از نهضت عاشورای حسینی و نهضت بزرگ فاطمیه (در دو دهه ی گذشته) سعی شده است که مراسم تجلیل از بانوی بزرگ اسلام، در متن مردم و جامعه و در مساجد و حسینیه ها، مجالس دعا و قرآن، عموم مدارس و مراکز علمی، از شهرهای بزرگ تا دورترین روستاها برگزار گردد و از افطاری دادن با خرما یا شیر و ... (به شکل ساده) تا توزیع غذا به وسیله ی مردم در محل برگزاری نماز جماعت (به شکل گسترده) بهرهگیری شود و در جلسات چند نفری، تا همایش های بزرگ، یاد و خاطره آن حضرت گرامی داشته شود، که به صورت یک فرهنگ عمومی و برخاسته از عمق دل و جان مردم، تَجَلِّی پیدا کند، که طبیعتاً همراهیِ اصحاب رسانه ها و صاحبان موقعیت های بزرگ اجتماعی و رسمی را نیز به دنبال خواهد داشت.

رشد فعالیت های مربوط به بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام نشان می دهد که به تدریج، گویندگان و نویسندگان، اندیشمندان و هنرمندان، ثروتمندان و نیازمندان و ... همه و همه را تحت تأثیر

قرار داده و به عنوان احساس مسؤولیت دینی و وجدانی، همه را شریک و همراه خواهد نمود، آن چنان که هر کسی احساس کند بزرگ داشتن حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام یعنی تجلیل از قرآن، پیامبر، اسلام و همه پاکیها و ارزشهای انسانی و دینی و نه تنها زنان جامعه، بلکه همه ی مسلمانها، از آن بزرگ افتخار تاریخ اسلام و انسان، الگوی بزرگی برای تکامل خود برگزینند.

بستر سازی برای تحقیق و تألیف دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

توجه عمومی و گسترده طبقات گوناگون اجتماع به یک موضوع و تمایل آنها به آشنایی با ابعاد گوناگون آن موضوع، زمینهساز گرایش محققین و نویسندگان به سوی تحقیق و تألیف دربارهی جنبه های متنوع آن موضوع می باشد و خوشبختانه فعالیت های دو سال گذشته، دربارهی بزرگداشت حضرت خدیجه نه تنها موجب مطالعه نوشته های گذشتگان دربارهی این شخصیت بزرگ و مراجعه به مقاله های منتشره در مجله های مختلف شده است، بلکه محقّقین و نویسندگان را آماده ی فعالیّت وسیع در این فضای مقدّس نموده است، چنانچه نشر و فروش آثار منتشره دربارهی خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام افزایش یافته و کتابهایی با تیراژ قابل توجه و بعضاً در چند نوبت به چاپ رسیده و مورد استفاده ی تشنگان آشنایی با عظمت های آن حضرت قرار گرفته است و برخی از مقالات منتشره در برخی از مجلات، یا بخش مربوط به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام از کتابی جامع، جداگانه تکثیر و منتشر گردیده و نقش خود را در آگاهیِ طالبان حقیقت، دربارهی عظمت آن بانوی بزرگوار ایفاء نموده است و در اینجا لازم است از همه محققین و مؤلفین درخواست کنیم، که دست به کار شوند و در مورد هر یک از ابعاد با عظمت روحی، اخلاقی، ایمانی و عملیِ حضرت

خدیجه، تحقیق نموده و تشنگان معرفت را سیراب سازند و هم اکنون که جامعه، آماده ی آشنایی با این یار فداکارِ رسولِ خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و اسلام و قرآن شده است، رسالت خود را جامه ی تحقق بپوشانند و دینِ خود را اداء نمایند.

آمادگی روحی ملت ایران، زمینهساز موفقیت مراسم بزرگداشت

تجربه هـای مکرر در مناسبت هـای گونـاگون در ارتبـاط با چهره های برجسـته خانـدان رسالت و امامت عَلَیْهِ السَّلَام (علاوه بر چهـارده معصوم عَلَیْهِمُالسَّلَام) هماننـد حضـرت زینب عَلَیْهاالسَّلَام، حضـرت ابالفضل عَلَیْهِ السَّلَام، حضـرت علی اکبر عَلَیْهِ السَّلَام، حضـرت معصومه عَلَیْهاالسَّلَام و ... نشـان می دهـد که جـامعه ی فرهیخته و بـا ایمـان و ولاـیت ایرانی، در هنگـامی که متوجه عظمت و جلالـت شـأن هر یک از مفاخر اسـلام و مکتب اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام بشود، از هیـچ اقـدام و حمایت مادی و معنوی فروگذاری نخواهد کرد زیرا می داند که:

۱ – بزرگداشت از بزرگان دین و مکتب، تجلیل از خوبی ها و ارزشهاییست که این ملّت با فرهنگ، خواهان آنهاست.

۲ – تجلیل از چنین بزرگانی، می توانـد نقش مؤثری در معرفی و مطرح کردن الگوهایی که در تکامل ملت و بالاخص جوانان و نوجوانان [دارند] ایفا نماید.

۳ – چنین حرکتی، می توانـد نقش مؤثری در خودبـاوریِ اجتمـاعی ایفـا نمایـد و جـامعه را از خودباختگی در برابر دشـمنان و مخالفان در دین و مذهب و فرهنگ غنی ملت، مصون و محفوظ بدارد.

و بر همین مبنـا است، که ملت مسـلمان و شـیعه ی ایرانی، هزینه هـای سـنگین مادّی و معنوی، شخصـی و اجتماعی و ... چنین برنامه هایی را بر عهده می گیرد و نتیجه ها و برکات آن را نیز کسب می نماید.

نامگذاری مراکز علمی، دینی، اجتماعی به نام حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

یکی از راه های جلب توجه عمومی به عظمت و برجسـتگی شخصـیت های بزرگ و حفظ نام و یاد آنها در جامعه، نامگذاری مراکز مهم علمی و دینی و اجتماعی به نام آنهاست.

دربارهی حضـرت خـدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در برخی از شـهرهای بزرگ و کوچک، گامهایی برداشـته شـده و نامگذاریهایی انجام گرفته، که ذیلاً به مواردی که اطلاع یافته ایم (۳) اشاره نموده و

امیدواریم در آینده، مراکز مهم دیگری از قبیل: مدرسه ها، مسجدها، حسینیه ها، خیریه ها، دارالشفاها و درمانگاهها و ... به نام مقدس آن حضرت @نامگذاری گردد و بدین وسیله، نام و یاد آن حضرت، هر چه بیشتر در دلها و زبانها باقی بماند و اینک مواردی را به اطلاع علاقه مندان می رسانیم:

۱ - مدرسه علمیه حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام در تهران

۲ - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام نجف آباد

۳ - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام خیرآباد قهاوند همدان

۴ - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام تایباد

۵ - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام یزدی هوایی

۶ - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام شهر سه قلعه

۷ - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام شهر «نودشه» از توابع شهر پاوه و اورامانات

۸ - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام کاشان

۹ - کانون حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام مشهد مقدس

۱۰ - مؤسسه غیر انتفاعی حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی

۱۱ - مسجد حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام - قم - ملکه شاه احمد قاسم

۱۲ - حسینیه حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام اراک

۱۳ - ساختمان پزشکان حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام کرج - فردیس ...، بعد از فلکه دوم، خیابان هیجده

۱۴ - ویژه نامه «بانوی حجاز» متعلق به دانشگاه تربیت معلم کرج، دربارهی حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و زندگی و شخصیت و اخلاق و فضائل آن حضرت

امید است، در آینده ای نه چندان دور، نام بلند حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام در سردربهای مراکز مهم علمی و دینی و اجتماعی، در شهرهای مختلف ایران و سایر کشورها، زینت بخش باشد.

نمونه هایی از شعارهای بزرگداشت خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام

حمایتها و ایثار های خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام در راه نشر و گسترش اسلام، ما مسلمانها را مدیون آن حضرت ساخته است.

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام اولین نمازگزار زن بوده اند و همه بانوان

و دختران مسلمان، آن حضرت را الگوی خود می شناسند.

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام صدف پاکیزه ای بوده اند، که کوثر قرآن، فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام را در خود پرورده اند.

خدیجه الکبری صدف الکوثر و حامیه الرسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

سالگرد وفات اسوه النساء، حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام تسلیت باد

بزرگداشت حبیبه الرسول و صدف الکوثر، خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام تجلیل از اسلام و قرآن و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و اداء دَینِ هر مسلمان، به آن حضرت است.

دوستداران و دلباختگان حضرت زهراء عَلَیْهاالسَّلَام تجلیل از حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام را بر خود لازم می دانند.

انفاق و احسان، به نیّت اهداء به روح مقدس حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام تداوم بخش راه مقدس آن حضرت است.

ای خدیجه ی کبری و ای پشتیبان بی دریغ رسول خدا، در سالگرد وفات شما، در دهم ماه رمضان، انفاق و احسان و سفره ی افطار خود را گسترش می دهیم.

هفته بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در ماه مبارک رمضان، زمینه مناسبی برای آشنایی با عظمت و فداکاری و ایمان و صداقت آن حضرت است.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم همه ساله به یاد حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام قربانی می کردند و برای دوستان آن حضرت و نیازمندان می فرستادند.

در جریان فتح مکه، پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در سه روز اقامت خود در آن شهر، بالای سر قبر حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام خیمه زدند و در آن اقامت جستند.

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام در خطبه تاریخی شام، به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام افتخار نمودند.

حضرت زینب عَلَیْهاالسَّلَام در گودال قتلگاه، درد دل خود را برای رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و فاطمه زهراء

عَلَيْهاالسَّلَام و خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام بیان نمودند.

امامان ما، حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام را وسیله ی افتخار خود می دانستند.

ای فاطمه زهراء اشک چشمان شما، در هنگام وفات مادرتان، حضرت @خدیجه کبری، آتش به جان ما زده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، حضرت علی مرتضی عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت زهراء عَلَيْهاالسَّلَام در هنگام وفات حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام گریان و دلشکسته شدند.

جایگاه جلسات توجیهی در گسترش امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

در دو سال گذشته، در آخرین جمعه ی ماه شعبان، با دعوت از علما و شعراء و مداحان و امناء مساجد و خیریه ها و سایر دست اندر کاران امور دینی و اجتماعی، جلسه ای تشکیل داده شد، که با تشریح اهمیت بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و بیان راهکارهای عملی و مؤثر در این امر مهم، موجی شایسته در روح و روان آنها ایجاد گردید، که هر کدام از حاضرین را برای تصمیمگیری در اقدام و حمایت از این امر بزرگ، آماده می ساخت.

هر یک از شرکت کنندگان در مجلس یاد شده، در محلّه، یا مسجد و مدرسه و اداره و مؤسسه و ارگانی، دست به کاری شدند، که نتیجه آن، توجه دادن جمعی دیگر از مردم، به بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و ایجاد علاقه عمومی نسبت به این امر مهم، به شمار می رود.

اثر و برکت جلسه های توجیهی یاد شده این بود که، امر بزرگداشت بانوی بزرگ اسلام، به عنوان عمل به یک وظیفه دینی و با حالت خود جوش و با امکانات مادی و معنویِ خود مردم، تحقق یابد و به طور طبیعی رشد و گسترش یافته و به تدریج به صورت یک فرهنگ عمومی و برخاسته از عمق جان و اعتقاد مردم در آید.

آثار و برکات

جلسات توجیهی یاد شده، بسیار فراوان و گسترده می باشد، که با تأیید الهی و عنایات خاندان عصمت و طهارت عَلَیْهِمُالسَّلَام امید می رود، در آینده ای نه چندان دور، شاهد عمومی شدن برنامه های گسترده ی این حرکت معنوی و نورانی باشیم.

علاوه بر جلسه توجیهی یاد شده، با دعوت از فضلای حوزه علمیه، در یک مجلس ویژه برای طلاب و مبلغین، اهمیت بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و آثار آن در پیشرفت دین و عمق یافتن آثار تبلیغات دینی در ماه مبارک رمضان و راه های عَمَلی این برنامه مقدس و پر برکت تشریح گردید و حاضرین در مجلس که هر کدام به شهر یا روستایی می رفتند، همراه با امکاناتی مناسب، از قبیل کتاب، پرچم، پوستر و ... برای توزیع در میانِ مردم هر منطقه، عازم محل تبلیغ خود می گردیدند و با روش های مناسب و با اشکال گوناگون، توجه مردم با ایمان و ولایت را به ابعاد زندگی حضرت خدیجه و نقش آن حضرت در تثبیت پایه های دین و نماز و روزه و زکوه و ... جلب می نمودند، که گزارش های واصله، گویای آثار و برکات این اقدام مبارک می باشد.

رسالت مبلّغین اعزامی به شهرها و روستاها در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

ایام مبارک ماه رمضان، در امر تبلیغ، فرصت بسیار عظیمی به شمار می رود برای تشریح و تفسیر مسائل و مباحث اعتقادی و اخلاقی و تربیتی، برای عموم مردم، در همه شهرها و روستاها، بالاخص در مناطقی که از دسترسی به روحانیین و مبلغین دینی، در اکثر فصول سال محروم می باشند و با توجه به اینکه سالگرد وفات حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در دهم ماه رمضان می باشد، مبلغین دینی، که از حوزه های علمیه به شهرها و روستاها و دورترین مناطق کشور می روند، رسالت سنگینی

بر دوش دارند، در امر آگاه سازی مردم نسبت به مهمترین مباحث دینی (اعم از اعتقادی، تاریخی، اخلاقی و ...) و می توانند در توجه دادن مردم، به عظمت شخصیت های بزرگی، که الگوی فضائل و کمالات علمی و عملی، اعتقادی و اخلاقی و ... هستند، نقش بسیار زیادی را بر عهده گیرند.

در دو سال گذشته، بسیاری از مبلغین عظیم الشأن، که برای امر تبلیغ به شهرها و روستاهای گوناگون و دور دست سفر کردند و دور از خانه و خانواده، به وظیفه ی سنگین هدایت مردم اشتغال یافتند، برای اولین بار، با سخنرانی و طرح مباحث دربارهی شخصیت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و تشویق مردم به برگزاری مراسم بزرگداشت آن بزرگوار و حرکت دادن آنها به سوی افطاری دادن و احسان و انفاق نمودن به یاد آن یار وفادار اسلام و قرآن و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، شور و شوق تازه ای در مؤمنین ایجاد نمودند، که حاصل آن، علاوه بر آشنایی با تاریخ اسلام و دوره ی افتخارآمیز سالهای اول بعثت پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، حرکت عملی در راه عمل به دستورات دینی و بالاخص احسان و انفاق به روزه داران عموماً و نیازمندان خصوصاً، به حساب می آید.

گزارشهای واصله در دو سال گذشته، گویای حرکتی پر برکت، در بسیاری از شهرها و روستاها می باشد، که تحت عنوان بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام اقدامات شایسته ای انجام گرفت، که نقش سازنده ای در گرایش مردم به سوی مساجد و محافل دینی و فعال نمودن برنامه های تبلیغی و یاری رساندن به ضعفاء و نیازمندان داشته است و امیدواریم این حرکت تداوم یابد و همه ساله

به شکل روزافزون، مبلغین دینی بتوانند رسالت خود را در این امر مهم و پر فیض و برکت ایفا نمایند.

محتوای گزارشات شوق آفرین است

اشاره

پس از جلسه توجیهی که برای فضلای حوزه علمیه و مبلغین اعزامی به شهرها و روستاها، قبل از حلول ماه مبارک رمضان برگزار گردید، مقرر شد که هر کدام از آنها در محل تبلیغ خود قبل از رسیدن دهم ماه مبارک رمضان مشغول تبلیغ و آماده سازی مردم برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام بشوند و با پخش پوستر و پرچم و جزوه ها و مقالات مربوط به آن حضرت و برگزاری برنامه مسابقات علمی و فرهنگی در مورد آن بانوی بزرگ و فراهم نمودن مقدمات برای افطاری دادن به نام مبارک آن حضرت، زمینه را برای توجه عموم مردم به این موضوع مهم جلب نمایند.

پس از مراجعت مبلغین از سفر تبلیغیِ خود، هر کدام گزارش مکتوب و مفصلی از برنامه های انجام شده ارائه دادند، که بسیار جالب و امیدوار کننده بود و اشک شوق را بر گونه ها جاری می ساخت. در این گزارشها از استقبال مردم از این برنامه ها و اعتراف عموم مردم به قصور در شناخت عظمت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و همکاری عملیِ مردم در مناطق گوناگون، خبر داده شده بود.

در این گزارشها موارد زیر ذکر گردیده بود:

۱ - برگزاری جلسات قرائت قرآن عمومی، بیاد حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و ختم قرآن نمودن (به شکل تقسیم جزء های قرآن بین حاضرین)

۲ - افطاری عمومی دادن در مساجد، به روزه داران و افطاری دادن به دانش آموزان مدارس، به نام حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۳ - اجرای برنامه مسابقات علمی و دینی برای جوانان

۴ - توزیع حواله ی نان بین نیازمندان و

تحویل در نانواییهای محل

۵ – توزیع ارزاق بین خانواده های نیازمند، به یاد حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۶ – تشکیل مجالس اختصاصی به یاد آن حضرت

۷ – اختصاص دادن سخنرانی های شب و روز دهم رمضان، به بحث دربارهی حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و ...

[۱ –] در گزارشی آمده است:

جلسه توجیهی برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام قبل از ماه مبارك رمضان، با حضور جمع کثیری از طلاب و سربازان حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام و مداحان اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام و خدمتگزاران آستان مقدس چهارده معصوم عَلَيْهِمُالسَّلَام با سخنان مولای مکرم ... آغاز شد.

ایشان در ضمن بیانات نورانی و دلنشین و جذاب خود، حاضران را نسبت به وظایفشان در برابر حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام آشنا نمودند و بیان کردند که همه ی ما (اعم از طلاب، مبلغین و مداحان و ...) در مقابل حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام مدیون و مسؤول هستیم، خدیجه ای که پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم نسبت به او عشق می ورزید و علاقه نشان می داد و هر گاه سخن از همسران دیگر به میان می آمد، می فرمود:

وَ اَيْنَ مثل خدیجه ...

در پایان جلسه، پوسترهای حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و جزوه ها و کتابهای مربوط به آن حضرت، به همراه اطلاعیه های مراجع تقلید، در میان طلاب و حاضران توزیع و تقسیم شد و هر کسی موظف شد که آنچه در توان دارد، در جهت معرفی این بانوی ارزنده، در طبق اخلاص گذارد و کوتاهی نکند.

گروهها و اکیپ های مختلف، به شهرها و شهرستانهای گوناگون اعزام شدند، برای دهم رمضان، سالروز وفات حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام انجام وظیفه نمایند.

اینجانب هم طبق وظیفه ی شرعی و دینی و عرفی و اخلاقی و اجتماعیِ خود، این وظیفه و مسؤولیت الهی

را به عهـده گرفته و با شور و نشاط و حال خاصـی که در همه طلاب و شـرکت کنندگانِ در این حرکت الهی و خدا پسـندانه، دیده و مشاهده می شد، انجام وظیفه نمودم.

روز دهم ماه مبارک رمضان، هنگام صبح حرکت کردیم و از ناحیه ۴ آموزش و پرورش، شـروع به توزیع پوستر در قسمتهای مهم آن اداره نمـودیم و در ضـمن، افرادی را که مسؤولیت فرهنگی و تبلیغی داشـتند تشویـق نمـودیم که خودشـان در تـوزیع پوسترها اقدام نمایند.

در چندین آموزشـگاه پسـرانه و دخترانه، با مدیران و مسؤولان فرهنگی و دینی آنها ارتباط حضوری و شـفاهی برقرار کردیم و آنها را تشویق به فعالیت در امر بزرگـداشت حضـرت خدیجه نمودیم. (و سـپس گزارشـی از تبلیغات وسـیع در میان مردم و در مسـجد ارائه شـده و آمـده است) ... مردم با عشق و علاقه پذیرا می شدند و اسـتقبال می نمودند و تمام وجود و چهره هایشان مالامال و سرشار از محبت و علاقه به بانوی نمونه و با وفای پیامبر گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود و این مطلب در سیمای آنها موج می زد.

[۲ –] و در گزارش یکی دیگر از مبلّغین آمده است:

اینجانب پس از شـرکت در جلسه توجیهی که قبل از ماه مبارک رمضان در منزل جنابعالی تشکیل شد، به این نتیجه رسیدم که در این زمینه بی توجهی شده و سالهای قبل، نسبت به شناساندن این بانوی فداکار، به امت مسلمان کوتاهی شده، که باید طلب بخشـش نموده و عـذرخواهی کنیم و بـا خود عهـد ببنـدیم که در آینـده، جبران مافـات، به احسن وجه بنمـاییم. بـا تـذکرات و توجیهاتی که از طرف جنابعالی انجام شد، تصمیم گرفتیم که انشاء الله در سالگرد

رحلت این بانوی محترمه، اقداماتی را جهت شناساندن خدمات این بانوی بزرگ، به اسلام و پیامبر عظیم الشأن اسلام و تربیت مادر ولایت (فاطمه زهراء عَلَیْهاالسَّلَام) سامان دهیم ...

و لذا در ماه رمضان، با بقیه ی برادران روحانی، که از قم جهت تبلیغ در ماه رمضان، به منطقه سمیرم سفلی اعزام شده بودند، جلسه گذاشتیم و تصمیماتی برای بزرگداشت حضرت خدیجه گرفتیم و پوسترهایی را که از اصفهان آورده بودیم در اختیار آنها گذاشتیم ...

پس از ایام رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام روحانیون اعزامی به روستاهای اطراف شهرستان اظهار داشتند که: این حرکت بسیار به جا و نو بود و جای آن واقعاً خالی بود و این اقدام را مرضی خدا و پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و ائمه عَلَیْهِ السَّلَام دانستند و به پایهگذاران این حرکت درود فرستادند و توفیقات بیشترشان را خواستار شدند و مقرر شد که در سالهای آینده، در این زمینه اقدامات گسترده ای را انجام دهند.

آنها اظهار می داشتند:

برای مردم منطقه، این حرکت جالب و غیر منتظره بود و با خود می گفتند:

چرا تا به حال کسی یا اشخاصی به دنبال این مسائل و شناساندن این بانوی بزرگ و فداکار نبودند ...

[۳ –] گزارشی دیگر

و در گزارش دیگری آمده است:

با الطاف همیشگی خدای بزرگ و ائمّه اطهار عَلَیْهِمُالسَّلَام و با رهنمودهای @حضرتعالی، دو مرتبه دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و چگونگی زندگی آن حضرت سخنرانی کردم و آنقدر مردم تحت تأثیر قرار گرفتند، که در وسط جمعیَّت نمازگزار، یکی بلند شد و گفت:

من شب دهم رمضان را افطاری می دهم و بعد دیگری بلند شد و گفت:

آقا! شب نوزدهم (شب قدر) را من افطاری می دهم و

دیگری آمد کنار محراب و گفت:

شب بیست و یکم را من افطاری می دهم. در حالی که ما هیچ سالی برنامه افطاری نداشتیم و بر اثر نام مبارک حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام آنچنـان اثری ظـاهر شـد، که من متعجب شـدم، که چگونه بـدون هماهنگیِ قبلی، این چنین مردم متحول شدنـد و تصـمیمگیری نمودنـد و از برکت نـام حضـرت خـدیجه عَلَيْهاالسَّلَام، در مسـجدمان فـداکاریهایی را از مردم می بینم که سابقه نداشته است.

[۴ –] گزارش چهارم

در گزارش دیگری، یکی از مبلغین با اخلاص چنین نوشته است:

... رمضـان امسال رمضانی متفاوت بود ... هشت سال بود که بنـده به این روسـتا می رفتم برای تبلیغ، ولی گاهی اصـلاً متوجه ایام وفات حضـرت خـدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام نبودم و اگر متوجه بودم با اشاره ای گـذرا و در یک جمله، از آن رد می شـدم. ولی امسـال که نهمین سـال حضـور بنـده در این روسـتا بود، بـا ابتکـار عمـل و توجه خـاص اسـتاد معظم، به حضـرت خـدیجه عَلَيْهاالسَّلَام با آن جلسه معنوی که قبل از ماه مبارک رمضان در منزل جنابعالی برگزار شـد و طلاب محترم از آن جلسه ارتزاق روحی و معنوی شدنـد، مراسم گرامی داشت حضـرت خـدیجه عَلَيْهاالسَّلَام (نه در حـد شـأن آن بـانو) ولی متفـاوت با سالهای گذشـته، برگزار شـد که انشـاء الله اثرات معنویِ آن باعث سـربلندی و عزّت و سـلامت اجتماع خواهـد بود و در یک کلام، از گزارشـهای رسیده چنین استفاده می شود که: از یک طرف، مردم آمادگی برای حرکت در این مسیر نورانی و انجام وظیفه در بزرگـداشت حضـرت خـدیجه عَلَيْهاالسَّلَام را دارنـد و از طرف دیگر، عموم علما و مبلغین و عهـده داران امور دینی و فرهنگیِ جامعه، به

قصور و یا تقصیر خود در امر خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام اعتراف دارند و از طرف سوم، لزوم جبران گذشته، مورد قبول همگان قرار گرفته و لذا حرکت های مناسب در این زمینه، مورد استقبال قرار گرفته و سریعاً به نتیجه می رسد.

مراجع بزرگ تقلید و بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

اشاره

در ملاقات ها و گفتگوهایی که در این دو سال، با مراجع معظم تقلید داشتیم، همه اظهار می داشتند که: تا کنون در مورد حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام قصور یا تقصیر انجام گرفته است و در اثر فشارهای دشمنان اسلام، به مکتب اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام، دوستان و یاران خاندان نبوت و امامت، در مورد مفاخر بزرگ خود کوتاهیهایی داشته اند، که در این فرصتِ به دست آمده، باید جبران گردد.

حضرت آیت اللّه العظمی، وحید خراسانی، مد ظلّه العالی در دو نوبت (در سال ۱۴۲۶ و ۱۴۲۷ قمری) همراه با اشک، از عظمتهای حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام یاد نمودند و اهمیت اقدام در بزرگداشت آن حضرت و آشناسازی جامعه با فداکاریها و عظمت های آن بانوی بزرگ اسلام و بشریت را، مورد تأکید قرار دادند.

و همچنین بسیاری از مراجع معظم تقلید و مفاخر حوزه های علمیه و عالم روحانیت، در شهرهای مختلف، با عبارات و جمله های تکان دهنده ای، لزوم آشنایی با شخصیّت و فداکاریهای حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و فوائد و برکات الگو گیری، از زندگی و حمایت های بی دریغ آن بانوی بزرگ اسلام در راه قرآن و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را، مورد تاکید قرار می دادند و کتباً و شفاهاً دعوت به سوی این حرکت نورانی و مقصد معنوی می نمودند، که ذیلاً سه نمونه از اطلاعیه های مورد اشاره را تقدیم می نماییم (۴):

پیام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی، صافی گلپایگانی مد ظلّه العالی

بِسْمِ اللَّه الرحمن الرحیم

افضل نساء اهل الجنه خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمّد ... (حدیث نبوی)

تجلیل و تعظیم از شخصیت یگانه ی بانویی که با ایثار ها و فداکاری ها و همراهی ها و همدلی ها، پیامبر عظیم الشأن، حضرت خاتم الانبیاء صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را در انجام

بزرگترین مأموریت های جهانی الهی پشتیبان و نقطه اتکایی منیع و عزیز بود، وظیفه ی حقشناسی همه ی ملت و امت است.

باید همواره یاد ایشان تازه و تجدید گردد، به راستی توصیف نقش و اثر این چهره نورانی در به ثمر رسیدن دعوت اسلام فوق بیان است.

نهال نو پای توحید، تا هفت سال به وجود او و حضرت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام در کنار رسول اعظم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بر پا و پایدار بود، مصیبت فقدان این بانو برای اسلام و مسلمین و شخص حضرت خاتم المرسلین صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به قدری سنگین بود، که در تاریخ اسلام سال ارتحال او، عام الحزن نامیده شد.

امّتی که بانوانش الگو و اسوه ای مثل خدیجه کبری و حضرت سیده نساء العالمین علیهما السلام دارند، باید به آن، بر امم دیگر مباهات و افتخار نمایند و بانوانشان در فضیلت و شخصیت و حق پرستی و اعتماد به نفس و اخلاق ملکوتی و ایمان و نجابت و خودسازی و ستر و عفاف، باید ممتاز و در جایگاه بلند و قله های رفیع ارزش های اسلامی و قرآنی باشند.

امید است بزرگداشت روز ارتحال آن بانوی بزرگ اسلام، موجب تعظیم شعائر و آشنایی بیشتر خواهران مسلمان به مکتب و سیره و مواضع و مواقف شکوهمند و پر از صلابت و مهابت آن نمونه برتر فضائل شود.

از خداوند متعال برای عزیزان و دلباختگان آستان اقدس اهل بیت نبوّت و رسالت عَلَیْهِمُالسَّلَام که سالروز ارتحال آن بانوی دنیا و آخرت را در این ماه عزیز خدا، گرامی می دارند، توفیق و تأیید مسألت می دارم.

و السلام علیهم و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات و

رحمه اللّه و بركاته

غرّه ماه صيام ۱۴۲۶ لطف اللّه صافى

متن اطلاعيه مرجع عاليقدر، حضرت آيت الله العظمى، آقاى حاج سيد صادق روحانى، مُدَّ ظِلُّهُ العَالِى

به مناسبت دهم ماه مبارك رمضان، سالروز ارتحال حضرت خديجه كبرى عَلَيْهاالسَّلَام

باسمه جلّت اسمائه

خديجه كبرى عَلَيْهاالسَّلَام آن قدر فضائلش زياد است كه، به اين مختصـر نتوان بيان كرد، با توجه به چند امر، تا حدّى مقام آن بزرگوار روشن مى شود:

۱) در روايات است كه، پيغمبر اكرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در سـفر آسمانىِ وصف ناپذير معراج، به هنگام بازگشت، به فرشته وحى مى فرمايد:

من به سوى زمين بر مى گردم، پيامى هست؟

فرشته وحى مى گويد:

درود و سلام خدا و فرشته فرمانبردارش را به خديجه برسان.

پيغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم اين پيام را اول نزول، به خـديجه رسانـد. خـديجه چنين پاسـخ داد - اِنَّ اللَّه هُوَ السَّلامُ وَ مِنْهُ السَّلام وَ اِلَيْهِ السَّلام وَ عَلى جَبرائيل السّلام

۲) در وحى خداى تعالى به مسيح عَلَيْهِ السَّلَام در وصف پيغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چنين است:

نسل او از مباركه است و او مانند مادر توست در بهشت.

۳) علماء فريقين از مقامات الهيّه خديجه، با عظمت زيادى نقل كرده اند.

۴) مادر فاطمه زهراست، كه در شكم مادر با او سخن مى گفت:

حتى در يك روايت است كه، روزى خديجه در نماز به ترديد افتاد، كه ركعت سوم است يا چهارم.

حضرت زهرا عَلَيْهاالسَّلَام از سازمان وجود مادر ندا داد:

قُومى يا امّاه فَاِنَّكِ فِى الثّالثه.

۵) در کتب عـامه و خاصه روایت شـده است که، پیغمبر مکرر فرموده است که، خـدیجه یکی از چهار زنی است که از بهترین زنان عالمین می باشند.

۶) در گسترش اسلام، یکی از ارکان مهم آن مال خدیجه بود، که آن همه ثروت را

در اختیار آن حضرت گذاشت.

با این خصوصیات، یکی از کارهای لازم و با عظمت، کاریست که آن مرد بزرگوار، جناب مستطاب، حجت الاسلام و المسلمین آقای ابطحی، شروع کرده اند که برای بزرگداشت خدیجه کبری، برنامه هایی به اجراء در آورند و من به تمام مؤمنین توصیه می کنم که، برای خشنودی رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و ائمّه طاهرین عَلَیْهِمُالسَّلَام همراهی نموده و به حد امکان، برنامه ها را با عظمت بر پا نمایند و مطمئناً امام زمان (ارواح من سواه فداه) را خشنود نموده و خدای بزرگ به همه جزای خیر عنایت خواهد فرمود.

اول رمضان المبارک ۱۴۲۶ الرّوحانی

متن نامه مرجع عالیقدر، حضرت آیت اللَّه العظمی، آقای حاج سید صادق شیرازی، مُدَّ ظِلُّهُ العَالِی

دربارهی اهمیت بزرگداشت سالروز وفات حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام که در پاسخ به نامه ای که به محضر مبارک ایشان ارسال گردیده، مرقوم فرمودند.

بِسْمِ اللَّه الرحمن الرحیم

جناب مستطاب حجّه الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید حجّت موحد أبطحی دامت تاییداته. السلام علیکم و رحمه الله تعالی و برکاته

حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بهترین همسران رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و مادر دوازده معصوم بعصمه کبری، منزلتی بس رفیع نزد خدای متعال و رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم دارند، تا جایی که مرویست حضرت پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، انفاق ایشان را ردیف دفاع حضرت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام قرار دادند و اعتلاء و استقامت دین مبین اسلام را در انحصار این دو دانستند و آن سالی که ایشان و حضرت أبی طالب عَلَیْهِ السَّلَام از دنیا رفتند را «عام الحزن» نامیدند.

و چه بجاست، مؤمنین و مؤمنات کرام، در همه جا روز وفات این بانوی عظیم اسلام را ارج

نهـاده و مراسم تجلیـل آن بزرگوار را به کیفیّتی که منـاسب آن شأن عالی است، برگزار نموده، که مسلّماً مورد عنایت مولا و آقا، حضرت بقیه اللّه اعظم «عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف و صلوات اللّه علیه» قرار خواهد گرفت

و الله ولی التوفیق و القبول

۷ شعبان المعظم ۱۴۲۷ ه صادق الشیرازی

کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

اشاره

در سـال ۱۴۲۷ قمری جمعی از علاقه منـدان به خانـدان عصـمت و طهارت عَلَیْهِمُالسَّلَام بالاخص حضـرت خـدیجه عَلَیْهاالسَّلَام تصمیم گرفتند که برای بزرگداشت آن حضرت کنگره ای تشکیل دهند، که با اقدامات متنوع و گسترده خود در سطح کشور، گامی در تجلیل و آشـنا سازی جامعه با فضائل و مناقب و فداکاریها و حمایت های بی دریغ آن حضـرت در راه اسلام و قرآن بر دارند.

تصمیمگیری یاد شده، جامه عمل پوشید و با توجه به انگیزه الهی و ولائیِ برگزار کنندگان کنگره، برنامه های متنوع و برجسته ای در سطحی وسیع، به اجرا در آمد که خلاصه ای از آن ذیلًا مورد اشاره قرار می گیرد.

۱ – طرّاحی و راه اندازی سایتی با نام مقدس حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام حاوی منابع غنی و بدیع.

۲ – تـدوین و چاپ کتاب داسـتان، ویژه کودکان، در رده سنّی ابتـدایی، با صـفحه آرایی و طراحی بسـیار جذّاب و ارسال آن برای حداقل ۱۳۰۰۰ دبستان در سراسر کشور.

۳ – طرّاحی مسابقــات فرهنگی و چــاپ پوسترهـای مربـوط بـه آن، ویژه مقـاطع راهنمـایی و متوســطه، شامـل مقـاله نویســی، شعرسرایی، نقاشی، خطاطی، گرافیک و و ارسال آن برای حدود ۲۳۰۰۰ مرکز آموزشی در سراسر کشور.

۴ – چـاپ بروشوری ویژه، حـاوی گزیـده ای از خصـائص شخصـیتی و منش و رفتـار این بانوی بزرگ و همچنین ساخت لوح فشرده و ارسال آن برای

۳۶۰۰۰ مرکز آموزشی در تمام استانهای کشور.

۵ - گرد آوری و چاپ کتابهای: (۱) سرچشـمه کوثر: اثر نویسنده محقق، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور. (۲) (متن پیاده شده سـخنرانی حجه الاسـلام و المسـلمین، آقای حاج شـیخ حامد رضا معاونیان، در مورد حضـرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام) که در جریان همایش عظیم بزرگداشت حضرت خدیجه در تهران، ایراد شده بود.

(۳) شـمع محفـل طاها (مجموعه شـعر دربارهی حضـرت خـدیجه عَلَيْهاالسَّلَام)، (۴) نمونه زنهـا، (۵) تجدیـد چـاپ کتاب فروغ آسمان حجاز، (۶) چاپ و نشر کتاب «نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام» که دو کتاب اخیر، اثر نویسنده محقق و توانا، آقای حاج شیخ علی کرمی فریدنی می باشد.

۶ - برگزاری مراسم سوگواری و سـخنرانی، در آستان مطهر امامزاده جعفر بن الرّضا عَلَيْهِ السَّلَام با حضور محققین و روحانیون و عامه مشتاقان و دوستداران حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و انعکاس اخبار آن در رسانه های جمعی.

۷ - ارسـال نـامه ای به تمـام مراکز آموزشـی در سراسـر کشـور (برای مقـاطع تحصـیلی ابتـدایی، راهنمـایی، متوسـطه) و طرح پیشـنهاداتی بسـیار جالب و مؤثر برای بزرگـداشت حضـرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام که ذیلاً متن آن نامه در معرض مطالعه همگان قرار می گیرد.

ایجاد سامانه اینترنتی بنام حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

در ضـمن فعـالیت هـای کنگره نکوداشت حضـرت خـدیجه عَلَيْهاالسَّلَام ایجاد سامانه اینترنتی به نام آن حضـرت می باشـد، که شامل تصاویر، مقالات و سخنرانی های مربوط به همایش است.

از قسـمتهای دیگر این سایت می توان به زندگینامه حضـرت خدیجه، معرفی کتاب های مربوط به آن حضرت و قسمت ترویج نام حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام اشاره کرد. این سامانه را می توان با مراجعه به آدرس زیر بازدید کرد.

www. Khadijeh. com

مراسم بزرگ نکوداشت حضرت خدیجه در اصفهان

در شب و روز نهم و دهم مـاه مبـارک رمضان ۱۴۲۷ قمری، در عموم مساجد در برنامه سـخنرانی پس از نماز ظهر و عصـر، از عظمت و فداکاری حضـرت خدیجه یاد گردید و در عموم جلسات قرآن و دعای افتتاح و ابوحمزه (۵) در سخنرانیِ وسط دعا، از مقام و شخصـیت آن حضـرت تجلیل به عمل آمد، علاوه بر برنامه عمومی یاد شده، در شب دهم و یازدهم، در جوار بارگاه ملکوتی امامزاده جعفر بن الرضا (۶) عَلَيْهِ السَّلَام جنب فرودگان بین المللی اصفهان، مراسم بزرگداشت ویژه ای برگزار گردید، که با مـداحی و مرثیه سـرایی مداح اهل البیت آقای حاج علیرضا مهرپرور و سـخنرانی خطیب توانا، حجه الاسـلام و المسـلمین آقای حاج شیخ حامد معاونیان (در شب دَهم)

و سخنرانی خطیب مکتب انتظار حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسن یوسفی (در شب یازدهم) و نیز با اجرای برنامه گروه تواشیح «فلق» و مرثیه سرایی و عزاداری عموم مردم و مداحان اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام به انجام رسید.

در این مراسم بزرگ، علاوه بر علما اصـفهان و مردمی که از اصـفهان و شـهرهای مجاور حضور یافته بودند، دسته سینه زنی از یکی از مساجد اصفهان شرکت کرد، که بر شور و حال مجلس افزود

و حال و هوای عزاداری بر حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، همگان را تحت تأثیر قرار داد.

آثار و برکات کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

اشاره

نامه های واصله از مدارس و مراکز آموزشی سراسر کشور و مقاله های رسیده و نقاشیهایی که دانش آموزان دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام ارسال نمودند و آثار گوناگونی که فرستادند و گزارشاتی که از مراسم افطاری بنام حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به دست آمد، به خوبی روشن ساخت که آمادگی ملت ایران و شیعیان و دوستان اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام برای احیأ امر اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام بسیار زیاد و بالخصوص احساسات پاک جوانان (اعم از دختر و پسر) مهیای جهت گیری در مسیر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام می باشد و به خوبی معلوم شد که استعدادهای درخشانی در میان جوانان با ایمان کشور وجود دارد، که می تواند سرمایه بزرگی برای اجرای برنامه های دینی و ولایی به شمار آید.

از میان نامه های رسیده و اظهار نظرهای اندیشمندان و صاحب نظران، دربارهی آثار کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام توجه خوانندگان را به نمونه هایی جلب می نماییم.

نامه ای از شهرستان دهلران

بسمه تعالی

کنگره نکوداشت حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام

ضمن تشکر از بانیان این کنگره، به خاطر معرّفی دقیق و عمیق چهره پرافتخار شخصیّت تاریخ ساز اسلام، حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام که تأثیر اندیشه ژرف و اموال پر خیر و برکت ایشان، در اجرای رسالت پیامبر اعظم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بسیار مؤثر بوده است و تبریک سال پیامبر اعظم، به تمام مسلمین جهان و هم وطنان گرامی و قبولی طاعات و عبادات شما بزرگواران، به همین نیّت، یعنی معرفی چهره تابناک حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام. وقتی که برنامه های پیشنهادی شما به دستمان رسید، بهانه خوبی بود که این دبستان، در این ایام مبارک، یعنی ماه مبارک رمضان اقدام به برنامه های زیر نماید.

۱ - اجرای مراسم نماز، دعای توسل

و برنامه ای کوتاه، در خصوص شخصیّت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و کلاسهای انس با قرآن، در محل نمازخانه مدرسه، با حضور دانش آموزان و دعوت از اداره آموزش و پرورش منطقه، در روز دهم ماه مبارک رمضان (روز وفات حضرت خدیجه).

۲ - نصب پوستر در محل مراسم و اهداء جوایز به دانش آموزانی که اسم آنان خدیجه می باشد.

۳ - اختصاص دادن انشای دانش آموزان، به معرفیِ شخصیت حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام و اجرای مسابقه از زندگانی آن بزرگوار، بین اولیای دانش آموزان.

۴ - نامگذاری ضیافت افطاری، به نام این بزرگوار، بین دانش آموزان بی بضاعت و بردن مواد غذایی به خانه های آنان و معرفی ده نفر از دانش آموزان بی بضاعت به مؤسّسه خیریّه، جهت کمک در ماه مبارک رمضان، ضمناً سی - دی این مراسم به ضمیمه ارسال می گردد.

آدرس: استان ایلام. شهرستان دهلران. خیابان معلم. دبستان راضیه

نامه ای از رفسنجان بسمه تعالی

به ستاد بزرگداشت مقام حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

فراخوان ادبی، هنری سرچشمه کوثر، استان اصفهان

از مدرسه راهنمایی نمونه دولتی شهید مجتبی اسدی رفسنجان

ضمن سلام و دعای خیر؛ احتراماً بدین وسیله به استحضار می رساند، در پی فراخوان ادبی، هنری سرچشمه کوثر مبنی بر موضوع مسابقات انشاء نویسی، شعر سرایی، خوشنویسی و نقاشی و نامه ای به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام مجموعه عملکرد دانش آموزان این آموزشگاه به حضورتان ارسال می گردد.

۱ - موضوع انشاء: اولین نمازگزار اسلام، از دانش آموز محمّد عرب، کلاس دوم راهنمایی

۲ - موضوع انشاء: قسمتی از زندگینامه حضرت خدیجه، از ابوالفضل ترابی کلاس دوم راهنمایی

۳ - موضوع انشاء: حضرت خدیجه، از دانش آموز، فرید نبی زاده، کلاس دوم راهنمایی

۴ - موضوع انشاء: زنان بهشتی، از دانش آموز، محمّد رضا نصیری راد، کلاس

دوم راهنمایی

۵ – موضوع انشاء: اگر خدیجه نبود، از دانش آموز، آرش سلطانی، کلاس اول راهنمایی

۶ – شعر یاور دین، از دانش آموز، امیرعباس عباسپور، کلاس اول راهنمایی

۷ – نقاشی در خصوص حضرت زینب عَلَیْهاالسَّلَام، از دانش آموز، محمدرضا بصیری راد کلاس دوم راهنمایی

امید است مورد پذیرش آن ستاد قرار گیرد

نامه ای از نجف آباد بسمه تعالی

به: کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

از: دبیرستان دخترانه معرفت

موضوع: ارسال پژوهش، مقاله، شعر (در رابطه با موضوع سرچشمه کوثر)

پس از حمد خدای متعال و با صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با احترام، به پیوست، هشت جلد تحقیق، یک عدد شعر و دو عدد مقاله، مربوط به مسابقه سرچشمه کوثر (حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام) حضورتان ارسال می گردد.

نامه ای از شهرضا

به: دبیرخانه کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

از: مدرسه راهنمایی شاهد، سید جلال طبیبیان، شهرضا

موضوع: ارسال آثار با سلام

پس از حمد خدا و درود و صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم آثار برتر دانش آموزان شرکت کننده در مسابقه فرهنگی هنریِ سرچشمه کوثر، جهت هر گونه اقدام به حضورتان ارسال می گردد.

اظهار نظر و نتیجه گیری یکی از داوران کنگره

هر نوع تحقیق و بررسی در هر موضوعی که باشد، به خودی خود روزنه های جدید و افقهای تازه را به روی فرد تحقیق کننده می گشاید و به دنبال آن، خوانندگان این موضوعات نیز، از دستیابی های تازه بهره مند می شوند.

در آثار رسیده از دانش آموزان کشورمان در زمینه بررسی «زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام» نیز، این اصل به خوبی قابل

مشاهده بود.

رد پای حقیقت یابی در قلم کودکانه دانش آموزان ابتدایی، در تعبیرات ادبی و لطیف

دخترانه و در جستجوی اینترنتی پسرانه دیده می شد.

شایـد انگیزه مادّی و کسب جایزه، بخشـی از این تلاش و یا آغازگر این تلاش بوده، امّا نظم در پوشه بنـدی ها و حاشـیه هایی که با دست و مداد رنگ کشیده شده بود، شیرینیِ تحقیق را نمایان می کرد.

ضعفی که در پروژه ها دیـده می شد، به برنامه ریزیِ کتب درسـی دانش آموزان بر می گردد، ای کاش کتب درسـی، هر چند وقت یکبار، با مطالبِ به روز پژوهشـگران، تطابق داده می شد، تا یافته های جدید نیز به اطّلاعات فرزندان این مرز و بوم اضافه شود. ماننـد کتـاب «فروغ آسـمان حجـاز» نوشـته آقـای علی کرمی فریـدنی، که بـا قلم زیبـای خود در مورد این بـانوی بزرگ پژوهش کرده و حداقل، دو مطلب را برجسته کرده اند، که در اکثر منابع مهجور مانده است:

۱ – خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام دوشیزه ای ۲۸ ساله بود، نه زنی ۴۰ ساله، که قبلاً دو شوهر داشته است.

۲ – یک زن می توانـد با همه نجابت و زنانگی، تـدبیر مسأله ای حسّاس، ماننـد اقتصاد و مـدیریّت گروهی بزرگ، ماننـد تُجّار عربستان را در دست بگیرد.

پیشنهاد:

رواج این نوع تحقیقات، افقهای فکری دانش آموزان و دانش پژوهان را باز و گسترده می سازد. آشنایی با منابع و مراجع مانند کتابخانه ها، اینترنت و ... راهگشای این موضوع است.

اظهار نظر یکی دیگر از داوران مسابقه فرهنگی هنری کنگره

در مراسمی که نهم و دهم رمضان ۱۴۲۶ ه ق به مناسبت وفات حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و در نکوداشت ایشان برگزار شد، نخستین مسأله، افتخار خـدمت برای اولین بار به آن حضـرت بود، شخصـیتی که در سالهای قبل، بسـیاری حتی از تاریـخ وفات ایشان آگاه نبودند، چه رسد با زندگی و اتفاقات و حوادث مهم زندگی ایشان و این نکوداشت، جرقه

شروع برای آگاهی یافتن بسیاری از شیعیان و محبّین خاندان عصمت و طهارت عَلَیْهِ السَّلَام بود، که این آگاهی و افتخار شرکت و خدمت، نه تنها برای دست اندر کاران این مراسم و بانیان آن بود، بلکه برای کسانی که حتی در مراسم شرکت کرده بودند و یا از شهرهای دور و نزدیک و دیگر استانها در وصف و شخصیت و زندگینامه آن حضرت تحقیق کرده و یا مطلبی نوشتند، بسیار جالب و با ارزش بوده، که از شخصیتی می نویسند و می خوانند، که تا به حال سخنی کامل و مطلبی جامع از ایشان نشنیده و نخوانده بودند و چه اشتیاقی دارد و چه حس و حالی معنوی، برای فیض بردن از چنین شخصیتی، که ام المؤمنین است.

از نشانه های چنین حس و حال معنوی اینست که بعضی، در آثاری که برای ما و در جواب دعوت ما برای شرکت در فراخوان حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام ارسال داشتند، چنین نوشته اند:

در جاهایی، آن حضرت را به عنوان مادرِ خود خطاب کرده و یا درد دل کرده و مدد گرفته اند، بعضی تازه فهمیده اند که چقدر غافل بوده اند از وجود چنین فردی و چقدر کم توجهی و کم کاری کرده اند.

کسانی در توصیف این احساس خود، در برابر حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام می گویند:

شاید اگر جای آن حضرت بودند، از مال و زرق و برق دنیا و این همه ثروت نمی گذشتند و این گونه بخشش نمی کردند.

در وصف این همه صبر و استقامت و از خود گذشتگی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام کسانی می نویسند:

خوشا به حال ایشان که چقدر خوب و با معرفت، حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را شناختند و پی به

وجود شخصیّت پیامبر اسلام بردند

کسانی هم از حس مادری و افتخار مادری حضرت زهرا عَلَيْهاالسَّلَام نوشته اند.

بعضی، آرزویشان زیست در زمان حضرت بود و از اخلاق و زندگی حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام درس می گرفتند. خیلی از شرکت کنندگان، آرزوی دیدن آن حضرت را حتی در خواب می کردند.

خیلی ها سعی در پیدا کردن و به دست آوردن نجابت و پاکی، چون حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام را دارند.

و شرکت کنندگانی دیگر آورده اند که: حیران مانده اند، چه واژه ای در وصف چنین شخصیت و فردی به کار گیرند، که لایق و شایسته ایشان باشد.

داور آثار هنریِ رسیده به کنگره می نویسد

آثار هنری (نقاشی و خط) رسیده به ستاد نکو داشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام بسیار خلاق و صادقانه بود و برخواسته از روح ساده و پاک سن کودکی و نوجوانی بود.

پیشنهاد من اینست که این کار در حد وسیع تری انجام گیرد و گستره آثار هنری ارسالیِ آن هم بیشتر شود و نمایشگاهی از آثار ارسالی برای بازدید عموم بر پا شود. به طور مثال، فراخوان ارسال آثار هنری - برای حوزه های هنری سراسر کشور - ادارات ارشاد و فرهنگ اسلامی استانها - ارسال شود و از افراد برگزیده، در مراسم بزرگداشتی تقدیر به عمل آید و ارتباط مستمر با آنها صورت گیرد.

اظهار نظر یکی از مدّاحان نامدار

مداح اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور، که به خاطر گستردگی فعالیت مدّاحی در مناطق گوناگون و شهرهای مختلف و نیز به علت ارتباط با علما و شعرا و اقشار مردم، آگاهیِ زیادی در چگونگی گرایشهای اجتماعی و برنامه ریزیهای دینی و ولایی دارند، اظهار نظری نموده اند که ذیلاً ملاحظه می فرمائید:

با تفضلات الهی، سوّمین سال است که کنگره ی نکوداشت بانوی بزرگ

اسلام حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام با شعار (مدیون توایم) در اصفهان برگزار می گردد که این موهبت، جای تشکر و سپاس فراوان دارد.

آنچه مسلّم است، تجلیل از قدر و منزلت آن بزرگوار، تعظیم شعائر الهی و تکریم کرامتها و فضیلتهاست، البته شناختن و شناساندن شخصیت ارجمندی که همواره درود و سلام خداوند متعال، با نزول وحی توسط جبرئیل به او ابلاغ می شده، کاری بس دشوار است، ولی با این وصف، بر حسب وظیفه و در حد امکان، می بایست این امر مهم صورت پذیرد. بدیهیست ماه مبارک رمضان، خاصّه در شب و روز دهم این ماه، که سالگرد ارتحال همسر مهربان رسول خدا می باشد، بهترین فرصت برای بزرگداشت و پرداختن به ذکر مناقب و مصائب آن بانوی نمونه است.

در سالهای گذشته، در ایام وفات آن حضرت، در اکثر مساجد و محافل، یا اینکه ذکری از حضرت خدیجه کبری به میان نمی آمد، یا اینکه در حد مختصر بود که قادر به سیراب کردن تشنگان معرفت آن بزرگوار نمی بود.

خدیجه ای که هر مسلمانی خود را مدیون او می داند، زیرا اشاعه فرهنگ غنی اسلام و تشیع، مرهون اخلاق نازنین و شریف نبوی، دست و بازویِ توانا و رشادتهای علوی و ایثار اموال خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام می باشد، امّا دریغ از یک سخنرانیِ مبسوط، یا مدّاحیِ مربوط به آن حضرت.

البته علّت آن معلوم است، چون دربارهی آن بانوی بزرگوار، با آن همه عظمت و شخصیت، کتاب مستقل و مفصّل به زبان فارسی به رشته تحریر در نیامده بود، جز دو کتاب، آن هم در سالهای اخیر، یکی «فروغ آسمان حجاز» و دیگری «حضرت خدیجه اسطوره مقاومت» و طبیعیست که شاعران و مدّاحان نیز،

دست مایه علمی و مستند، در این زمینه جز اندکی نداشتند و این بی بضاعتی در تشرّف به مکه معظمه، هنگام زیارت و عرض ارادت به حضرت خدیجه در حجون (قبرستان حضرت ابوطالب) بیشتر محسوس بود، که معمولاً به خواندن شعر آقای حسان

«محمد را نکو همسر خدیجه

عزیز قلب پیغمبر خدیجه»

و چند شعر دیگر خلاصه می شد و دربارهی حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام هم که دیگر معلوم بود و این در حالیست که این دو بزرگوار، مشترکاتی دارند از جمله اینکه هر دو به خدای یگانه ایمان داشتند و بر دین ابراهیم حنیف بودند و دیگر ایمان و علاقه آنها به پیامبر اسلام، حتی قبل از بعثت بسیار ریشه دار بود و اینکه هر دو یاور و دلسوز نبی مکرم بودند. هر دو در یک سال با اندک فاصله وفات نمودند، که پیامبر بزرگوار، آن سال را «عام الحزن» نام نهادند و نیز هر دو در یک مکان (حجون) دفن شدند و بالاخره اینکه ریشه شجره طیّبه ولایت و امامت، از آنها تشکیل شده است.

یکی عموی ارجمند خاتم رسولان و پدر امیرمؤمنان و جد امامان، که به قول استاد صاعد اصفهانی:

بگو مدحت باب و جد امامان

شجاع شجاعان، عموی پیمبر

و دیگری همسر مهربان و فداکار رسول خدا، مادر گرامی فاطمه زهرا و جدّه یازده امام معصوم، که باز به قول استاد صاعد:

زوج نبی، جدّه ی قبیله ی عصمت

مادر سادات و افتخار محمّد

ولی بحمدالله، در دو سال گذشته، برنامه های گسترده و شایسته ای به اجرا در آمده، که در انجام آنها برکت و عنایت امامزاده جعفر بن الرضا عَلَيْهِ السَّلَام یار و پشتیبان بوده است و به عنوان نمونه می توان از فراهم آمدن

و انتشار کتاب «شمع محفل طاها» که مجموعه شعری دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و حضرت ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام می باشد، نام برد.

امید است همه ساله شاهد تشکیل با شکوه تر محافل نکوداشت بزرگ بانوی اسلام، در همه شهرها باشیم، تا با شناخت مقام رفیع آن بزرگوار، مسیر رستگاری را بپیماییم و به سعادت جاوید دست یابیم.

آثار فراخوان ادبی – هنری سرچشمه کوثر

از برنامه های جالب و مؤثرِ «کنگره بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام» فراخوان ادبی و هنری بود، که از همه دانش آموزان سراسر کشور (دختر و پسر) دعوت به عمل آمد، که با سرودن شعر و نوشتن مقاله و نقاشی و نامه نویسی به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام عشق و علاقه و احساسات و عواطف و آگاهی و نبوغ خود را در طبق اخلاص گذارند و در میدان عرض ادب به ساحت مقدس بهترین یار و یاور رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ظاهر شوند.

این حرکت نورانی، یک جهش جالبی ایجاد کرد و از سراسر کشور، نامه ای مشتمل بر سروده ها، نقاشی ها، مقاله ها و نامه های به حضرت خدیجه به سوی شهر اصفهان و دبیرخانه کنگره بزرگداشت سرا زیر گشت، که برگزیده های مسابقه، به اَشکال گوناگون و با استفاده از امکانات مادّی و معنوی فراوان، مورد تشویق قرار گرفتند و در ویژه نامه ای به نام «سرچشمه کوثر، حضرت خدیجه کبری» شماری از مقاله ها و نقاشی های برجسته، به چاپ رسیده، که بسیار جالب و ارزشمند به شمار آمد.

مقاله های برجسته

۱ – مقاله ای با عنوان «خدیجه اُم المؤمنین» از ویدا صادقی و سمیره نظری

۲ – مقاله ای با عنوان «اولین لبیک گو» از محترم رضایی

۳ – شعری از عاطفه نادری از شهرستان کلاله

۴ – نامه ای به حضرت خدیجه، از «هدیه علاقبند»

۵ – مقاله ای با عنوان «خدیجه، بزرگ بانوی اسلام» از راضیه عوض زاده

۶ – نامه ای به حضرت خدیجه، با عنوان «شما حرفهای دل مرا می شنوید» از عاطفه سرگلزایی

۷ – نامه ای به حضرت خدیجه با عنوان «خدیجه پاکترین زن زمان بود» از زهرا ضیایی

۸ – نامه ای به حضرت خدیجه، از الهه صمدی

– مقاله ای با عنوان «بانوی سبزپوش سماواتی زمین» از فرزانه سلیمی نیا

۱۰ – مقاله ای، با عنوان «چهار بانوی برتر عالم» از زهرا ملاوی

و نیز از تلاش های ویژه خانم علیزاده، از شهرستان کلاله، مدرسه بنت الهدی صدر، در ایجاد حرکت در میان دانش آموزان برای شرکت در مسابقه و موفقیّت آنان، قدردانی شده است.

در ویژه نامه یاد شده، فهرستی از آثار رسیده به ستاد نکوداشت حضرت خدیجه و نام صاحب اثر و نام آموزشگاه و نام شهر و استان آن مرکز آموزشی ذکر شده است.

در این فهرست، در بخش «تحقیق و مقاله و انشاء» از ۱۳۵ صاحب اثر نام برده شده و در بخش شعر از ۹ نفر و در بخش نامه ای به حضرت خدیجه از ۱۹ نفر اسم برده شده است.

همایش بزرگ برای تجلیل از حضرت خدیجه در تهران

در سال ۱۴۲۶ قمری، در تهران در شب دهم ماه مبارك رمضان، با همکاری جمعی از علاقه مندان به حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام از اصفهان، همایش بزرگی در تهران برگزار گردید، که با حضور علما و دانشگاهیان و جمعی از اصحاب رسانه های جمعی (صدا و سیما) و اقشار مردم، از حال و هوای جالبی برخوردار گردید. شاعر و مداح اهل البیت عَلَيْهاالسَّلَام آقای سازگار، متخلص به «میثم» به مدح و رثای حضرت خدیجه پرداختند و سپس خطیب دلسوخته اهل البیت، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ حامد معاونیان، سخنرانی پر شور و سوز و پر محتوایی ایراد کردند، که همه را تحت تأثیر قرار داد و اشکها را بر گونه ها جاری ساخت. در این سخنرانی، دربارهی قصور و تقصیرهای انجام گرفته، دربارهی خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام و بی توجهی عمومی نسبت به عظمت آن حضرت و لزوم

جبران گذشته ها، بحث بسیار جالب و فشرده ای انجام گرفت و گوشه هایی از فداکاریها و برجستگیهای اعتقادی و اخلاقی و عملیِ حضرت، با بیانی جذاب و مهیّج تشریح گردید، که فوق العاده مورد استقبال همه قرار گرفت (۷)

متن سخنرانی پر محتوی و پر شور و سوز خطیب دانشمند و دلسوخته اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان، در همایش بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام در تاریخ دهم رمضان المبارک ۱۴۲۶ قمری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

سخن راندن از خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام هم سهل است و هم صعب! چرا که کدام مسلمان است که نام این بانوی بزرگوار و حکایت ایثار بی مانند او و تأثیر آن در احداث، ابقاء و اقامه دین و اسلام را نشنیده باشد؟ و دشوار است چون با شخصیتی عظیم روبرو هستیم، که مات و مبهوت عظمت و جلال اوییم.

به راستی با این زبان الکن و کوتاه مجالِ ما، چگونه می توان کمال و جلالش را بیان نمود:

بزرگ بانویی که هر گاه جبرئیل امین بر پیامبر نازل می شد، عرض می نمود، یا رسول اللَّه! حاجتی دارم:

سلام من و پروردگارت را به خدیجه برسان و حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام در کمال ادب می فرمود:

اِنَّ رَبّی هُوَ السَلام وَ مِنهُ السَّلام و اِلَیه السَّلام. البته هر کسی از دیدگاهِ تحلیل شخصیتهای اسلام، با عظمت این بانو روبرو می شود، اولین چیزی که چشم او را خیره می نماید، ایثار بی مانند آن بزرگوار است.

دار و ندار خویش را در ره یار باختم

بدین امید کز کرم، تا بکند به دل قرار

خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام تاجر بود و به راستی تجارتی کرد که هرگز کهنه و نابود نمی شود! (۸) زنی بود بسیار متموّل و دارای حشمتی در قریش، خدم و حشم بسیار داشت، کاروانهای تجاری فراوان از آنِ او بود، زهی تجارت که او کرد. هستی خود را به پای سیّد ابرار ریخت و نثار کرد، بدون منّت و بدون

طلب مزد، اما چیزی را خرید که مگو و آن هم:

دل سیّد ابرار و محبّت حبیب اللّه را! چندان که رسول خدا تا آخر عمر می فرمود:

هیچکس برای من خدیجه نمی شود! محبت او در صمیم دل حضرت آنچنان جای گرفته است، که نه خدیجه را، بلکه دوستان و دوستداران خدیجه را هم دوست می دارد.

می دانید که همه، خیره به ایثار آن بانو هستند (که واقعاً هم خیره کننده است)، می بینیم آن همه ثروت را، با شیدایی نثار و ایثار می کند.

در لحظه اولین ازدواج با پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دار و ندار خویش را به پیامبر می بخشد و پیامبر هم بدون هیچ تعارفی، همه آنها را به «باد بقاء» می دهد. او چهارهزار، چهارهزار درهم اگر به پای پیامبر ریخت، پیامبر نیز همه را به این و آن داد، چندان که فرمود:

ثروتی به مانند ثروت خدیجه، برای من مفید فایده نیفتاد. «برای من» یَعنی «برای اسلام» یَعنِی برای احیای دین، که پیامبر همه را خرج کرد و بخشید.

بانویی که روزگاری، بر سر او کنیزکان از پر طاووس سایبان می گسترانیدند قصرها داشت و خانه ها، با آن همه حشمت و ثروت، کارش به جایی رسید که سه سال در شعب ابی طالب، میان یک درّه سنگلاخ، در آن آفتاب سوزان حجاز و عربستانی، حتی لقمه نانی هم نداشت که بخورد و سایبانی که بیارامد. !

اهل تاریخ می دانند که در دو جا از حیات بزرگوار پیامبر، گرسنگی ظاهری ایشان را آزار داد:

اول:

در محاصره مدینه، در غزوه احزاب دوم:

در شعب ابی طالب، تا جایی که گاهی، سنگی با شال بر شکم مبارک خود می گذاشت، می بست و می فشرد که

احساس گرسنگی نکند.

بـانوی بطحـا، سه سـال تمـام در غربت، گرسـنگی و حـالت وحشت، که هر آن امکـان ترور پیـامبر وجود داشت، بـدون نـانی، سایبانی و آبی برای خوابانیدن عطش به سر برد و همین بود که بعد از گذشت سه سال، این بانوی بزرگ از شدت شکنجه و رنج نحیفه شد و به راستی به شهادت رسید.

همگـان می داننـد اگر شـکوه نبرد ذوالفقار علی عَلَيْهِ السَّلَام و انبوه ثروت خـدیجه عَلَيْهاالسَّلَام نمی بود، نه از اسـلام اسـمی می ماند و نه از قرآن رسـمی! به راستی آن یک پشـتوانه مالی بود و آن یک پشتوانه نظامی، برای دین خدا و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم تـا مـا مسـلمان شـدیم. اسـلام مـا به یقین همـان انـدازه که مرهون نبرد و رزم علی عَلَيْهِ السَّلَام است، به همان اندازه، مدیون ثروت خدیجه است، نه ثروت او، بلکه ایثار او.

مسـلمانی ما وامدارِ «لَضَربَهُ عَلیٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ اَفْضَلُ مِنْ عِبادَهِ الثَّقَلین» است (که اگر آن ضربت نبود، آن روز که همه ایمان در مقابـل همه کفر روبرو ایسـتاده بودنـد، خبری از جـان جانـان نمی مانـد، تـا چه رسـد به فرقان او) و هم بـدهکار انفاق خـدیجه عَلَيْهاالسَّلَام است، که اگر ثروت او نمی بود، باز هم از ایمان و قرآن اثری نبود، پس ما مسـلمانیِ خود را مـدیون اوییم و اکنون از خود بپرسیم که چقدر ممنون اوییم؟

اگر گبر و آتش پرست نیستیم، اگر حقیقت توحیـد را می بینیم و ره بیگـانه نزدیم، اگر از هفتـاد و دو ملت شـمرده نمی شویم، بلکه «فرقه ناجیه» هستیم، به برکت حضرت خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام و امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام است، همین دو و

بس و البته وقتی به این نکته می رسیم می بینیم:

گر خواجه شفاعت نکند روز قیامت

باید که ز مشّاطه نرنجیم که زشتیم

از رسول خدا و خدیجه کبری شرمنده ایم! چرا که در بزرگداشت بانوی بزرگ اسلام، قاصر، نه که مقصریم، کوتاهی ها کرده ایم، در نکو داشت نام و ترویج مرام او، که مرام بانوانی است ولایت مدار، که هستی شان را فدای خاتم النبیین و امیرالمؤمنین می کنند.

این فرخنده زن که نه تنها همسر و همدم رسول خدا بوده، بلکه تنها رحم پاک و منزه او را خدا در تقدیر خود انتخاب کرده بود، تا لؤلؤی یکتا و گوهر والایی را که در خزانه خود داشت، بپروراند و خدیجه را به عنوان پاکترین صدف برگزیند.

طاهره قریش، سرچشمه کوثر بود و که می داند کوثر چه خیر کثیریست؟

خدای متعال حکیم است و عادل و حکیمِ عادل وضع شَی فی مَوضِعِهِ می کند و هر چیز را به هر کس نمی دهد. فیض حق را قابلیت لازم است و این چه رحم قابلی بوده، که نور زهرای مطهر اطهر را شایستگی داشت، که خدا به او بدهد.

سِرِّ این موهبت چیست؟

سرّش اینست که او هر چه داشت در راه خدا داد و خدا هم بهترین آنچه را که در خزانه داشت به او داد، که «اِنَّ اللّٰه شاکرٌ عَلیم».

از اسامی مقدس ذات حضرت حق شاکر است، اگر کسی قدمی در راه حق برداشت، خداوند فوراً جبران می کند.

خدیجه هستی اش را در راه حبیب اللّٰه داد، خدای متعال هم حبیبه ی خودش را به او داد، چندان که این دختر بی مانند هستی، در رحم مادر هم انیس و مونس جان او بود، آقای رحمانی همدانی در کتاب «فاطمه الزّهراء

بهجه قلب المصطفی» از مدارك عامّه و اهل سنت، از عالمی شافعی نقل کرده است که: پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بر خدیجه وارد شدند، در خانه کسی نبود و رسول اللّه مشاهده فرمودند، خدیجه مشغول صحبت است، فرمودند:

با چه کسی صحبت می کنی؟

عرض کرد:

این جنین که در شکم من است با من سخن می گوید و در ایام غربت شما مرا تسلی می دهد.

فرمودند ای خدیجه خشنود باش! ای که هستی ات را در راه من دادی، خشنود باش! این دختریست که از او یازده نور به جهان خواهند آمد.

امّا و صد امّا، که خدیجه گر چه این است، اما نه همین است، بلکه بسیار فراتر و بالاتر از اینست. مطلب بسیار بالاتر از ایثار دار و ندار و انفاق ثروت است!

چرا و چگونه؟ چون که می دانید فرزندان آدم و آدمیان، این چنین نیستند که همیشه هم سن، یا هم عصر خود باشند. روانشناختی انسان را که نگاه کنید:

برخی از سن خود بزرگترند، کسانی هم سن و سال خویشند و بعضی کوچکترند، برخی عمری را سپری کرده اند، ولی هنوز در ایام کودکی اند و افرادی نیز در ایام جوانی، به مانند پیران، متین و وزین اند، پس این چنین نیست که هم سن و هم عصر خود باشند. نیز برخی از افق دیدشان، فراختر از زمان حال بوده و دید وسیعتری داشته اند و جهان بینیشان بسیار گسترده تر از ظرف مکان و زمان خود بوده و کسانی که هم سن خود هستند، معاشرت با هم سن و سالان خود برایشان راحت تر خواهد بود، اما کسی که دید و افق او بالاتر بود و در ظرف مکان

و عصر خود جای نشد، رنج خواهد برد، چرا که اطرافیانش نخواهند توانست او را دریابند، چیزی که او می بیند را نمی توانند ببینند.

هر که هشیارتر رخ زردتر

هر که او بیدارتر بیمارتر

در حدیثی حضرت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند صَدیقُ العاقلِ التَّعبُ: همنشین و همراه مرد خردمند، همیشه رنج است، چرا که مرد خردمند دید و افقش در سطحی است، که اطرافیان نمی توانند او را دریابند، چون او پیشتاز است و آنها افتاده در راهند، پس مزاحم اویند و نمی توانند عظمتش را دریابند و از همین رو، ممکن است به او طعنه زده و مسخره اش کنند.

تمام بنی آدم در این خاک و در این زمین خاکی بیگانه اند، چه برسد به انسان کامل! چه رسد به سر سلسله رُسُل، چه برسد به عقل کل. آن مرغ باغ ملکوتی که نبود از عالم خاک نبی بود، او بود که چند روزی قفسی ساخته بودند تنگ از بدنش. او ملک بود؟! نه! ملک کجا و او کجا! رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند. جبرئیل در معراج از همراهی او فرو ماند و گفت:

اگر بال دیگری زده و به اندازه بند انگشتی بالاتر بیایم آتش خواهم گرفت. او کسیست که جبرئیل و میکائیل خُدّام درگاه اویند؛ مگر از کجا آمده و آمدنش بهر چه بوده؟ از عرش به فرش آمده است و آمده تا که تقریر کتاب و حکمت کرده و ما را پاک و منزه نماید، پس اصولاً خاتم انبیاء و حبیب خدا، بر روی زمین غریبه است.

اینجا خانه او نیست، سرسرای او سرای دیگری ست. زمین تبعیدگاه اوست و تنها برای تعلیم زمینیان آمده است.

اگر بعثت

وی به جای اینکه در جاهلانه ترین قوم و در بدترین نقطه آب و هوایی جهان بود، در جای دیگری مثلاً در روم مبعوث می شد و به آکادمی های فلاسفه وارد می شد، یا به جندی شاپور ما آمده و همگی بر زانو نشسته و از محضرش بهره ها می بردند، باز هم در بین آنها غریبه بود، چرا که افق دید او در جای دیگری بود، چون روح او بالاتر از عالم مُلک بود.

بنگرید کسی که در درّه ای سنگلاخ به دنیا آمده و به ظاهر شخصی عامی است، در همان روز اول بعثت خود می گوید:

دین من دینی جهانی است و مهدی عَلَیْهِ السَّلَام دارم، که عالم را از عدالت پر خواهد کرد. این دید دید بسیار وسیع و بزرگیست. کسی که آمده دید بشر را باز کند، که ای برادر تو همه اندیشه ای، آمده بگوید که: شما با مرگ تمام نمی شوید، بلکه جاودان هستید. چنین شخصیتی، حتی اگر از بزرگان، دانشمندان، حکما و فلاسفه جهان می آمدند و دستش را بوسیده و می گفتند «لطف آن چه تو اندیشی! حکم آن چه تو فرمایی!» باز هم غریب بود، چه برسد به آنکه در بین قومی آمد و مبعوث شد، که می گفتند:

«یا اَیهَا الَّذی نُزِّلَ عَلَیهِ الذِکرَ اِنَّکَ لَمَجنُون» (۹) و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. !

او که سراسر شفقت بود، می سوخت برای این که خلق هدایت شوند و خوابش نمی برد که: غم این خفته، چند خواب در چشم ترم می شکند.

حال بگو چه کسی می توانست او را در آن بیابان حجاز، در آن درّه های سنگلاخی و در آن قوم جاهلی درک کند؟ کسی نبود! هیچکس او را درک نمی کرد

و زبان حالش این بود که:

مُردم اندر حسرت فهم درست.

آنان گاهی ساحرش می خواندند و مردم ان، زمانی مجنونش گفتند. از خانه که بیرون می آمد، خاکروبه ها بر سرش می ریختند. او را در لحظه اول دعوتش سنگسار کردند، تا جایی که از کوه بالا رفت و از پیراهن مبارکش خون می چکید و وقتی که فرشتگان خواستند اجازت بدهد، تا آن مردم را عقاب کنند، با نهایت شفقت فرمود:

«اَللَّهُمَّ اغفِر لِقَومی فاِنَّهُم لا یَعلَمون»! با این همه درکش نمی کردند.

ابن عاص پلید (مظهر حیله، مکر، کینه و شرک) هفتاد بیت شعر در هجو، مسخرگی و استهزاء او سروده بود و به کودکان مکه آموخت که هر گاه از خانه بیرون آمد، به دنبالش بدوید، مانند دیوانگان سنگش بزنید و این اشعار را بخوانید.

و او، این روح بیکران، چقدر دردمندانه و چقدر غریبانه می زیست! در آن بیابان غربت و در آن اوج بی کسی، هیچکس را نداشت، مگر یک نفر زن: خدیجه. خدیجه نه به عنوان یک همسر، نه به عنوان جفت زناشویی و زنِ خانه، بلکه برای اینکه تنها او می توانست این همای عرش نشین را درک کند.

به راستی فقط او می توانست پیامبر را با روح بزرگش دریابد و رسول اللّٰه در هیچ کجا آرام نمی گرفت، مگر در کنار خدیجه طاهره و این آرامش نه جسمانی بود و زمینی، که روحانی بود و آسمانی.

کار پاکان را قیاس از خود مگیر

گرچه باشد در نوشتن شیر شیر

نه چون محبت یک شوی به همسرش و نه مردی به جفت اش، بلکه فراتراز اینها

این محبّت زان محبّتها جداست

حب محبوب خدا، حب خداست

شاعری شعری زیبا سروده، در حکایت حال امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام می گوید:

هر کجا بودم

امیدم خانه بود (وقتی با نهایت خستگی می آمدم)

فاطمه بر روی من در می گشود

خنده های دلگشا، یادش به خیر!

به راستی مادر فاطمه هم برای رسول خدا این چنین بود، پشت در همیشه در انتظار، که سیّد ابرار بیاید، تا در را باز کرده، گرد و غبارها و آلودگی ها را از لباس پیامبر بزداید. زمانی بر سر و روی مبارک پیامبر شکمبه پر از آلودگی یک شتر را انداختند و این گستاخی چقدر دردآور بود، ولی چون که می آمد، خدیجه در را باز می کرد و با یک دریا محبت پیش آمده، گرد و غبار و کدورت هایی را که بر روی این مرآت الله، از این همه جفا و جاهلیّت نشسته بود، می تکاند، یعنی که اگر هیچکس یارت و غمگسارت نیست، من هستم. همچنان که دخترش به امیرالمؤمنین می گفت:

اگر همه مدینه به تو جفا کردند، برای همسرت فرقی ندارد، برای من امیرالمؤمنینی! خدیجه هم می گفت:

یا رسول اللّه! اگر هیچکس دعوت تو را نمی پذیرد، این همه جسارت به تو می کنند من همراه توأم و اولین ایمان آورنده به تو! آری این خدیجه است.

ما عظمت خدیجه را در ثروتش نمی دانیم، عظمت خدیجه را فقط در این نمی دانیم که او پشتوانه مالی پیامبر بود، بلکه به راستی، او بهترین پشتوانه روحیِ پیامبر بود.

بهترین تعبیری که می توانم گفت، اینست که، خدیجه دلارام پیامبر بود، پیامبر با او آرام می گرفت. رسول خدا تا آخرین لحظه های عمر، هر گاه اسم خدیجه را می شنیدند اشک می ریختند، آنقدر نام او را می برد که عایشه به اعتراض گفت:

یا رسول اللّه! چقدر یاد خدیجه می کنی؟!

فرمود:

عایشه ساکت باش! هیچکس برای من خدیجه نمی شود و چنین بود که هر از گاهی

وقتی گوسفندی ذبح می کردند، می فرمود:

گوشتش را بین دوستان و دوستداران خدیجه توزیع کنید.

خدیجه عَلَیْهِ السَّلَام حالت شیدایی عجیبی نسبت به پیامبر داشت، تا جایی که او خود خواستگار پیامبر بود.

کسی را واسطه قرار داد که چون رسم و رسوم مردمان این است، بگویید محمّد به خواستگاری من بیاید و وقتی آمدند پیامی برای ابی طالب فرستاد که مَهر و صداق بر عهده ی خودم و این مقدار درهم و دینار را به عنوان مَهر من بپذیرد و هنگامی که ابی طالب در مجلس خواستگاری بلند شد و فرمود، مهر چنین است و آن را عروس خانم بر عهده خود پذیرفته است

ابولهب بلند شد و به طعنه گفت:

از کی تا به حال مهر را زنان می پذیرند؟!!

ابی طالب فرمود:

خموش باش! اگر کسی به مانند محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم باشد، می شود که همه زنان برای او جان دهند، تا چه برسد که مهر خود را ببخشند.

آن همه اظهار محبّتهای بی تابانه، که پیامبر به فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام می کرد، یکی این بود که «اِنَّ اللَّهَ اَمَرَنی بِحُبِّ فاطِمَه» و دیگر اینکه فاطمه پاره جانش بود.

سوم اینکه می فرمود:

فاطمه روح میان دو پهلوی من است.

آخر آن که: بوی گل را از که جوییم از گلاب! رسول اللَّه، در فراق خدیجه با بوئیدن و بوسیدن فاطمه، به خود آرامش می داد. از همین رو حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

پیامبر تا فاطمه زهرا را نمی بوسید، شب به خواب نمی رفت. باید حتماً می آمدند زهرا را می بوسیدند، مدّتی سر بر سینه او می گذاشتند و او را می بوئیدند، تا آرامش پیدا نموده و بعد می رفتند.

آری پیامبر هم، این همه شیدای خدیجه و فاطمه او بود،

امّا خـدیجه، چون محبّتش محبّتی الهی است، محبّت زمینی و عشق مجـازی نبوده و فراتر از این هـاست و چون پیامبر را خوب درک می کند، با این همه بی تابی که نسبت به پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم داشت، هر سال که یکی دو ماه رسول اللّه در خلوت خود در غار حراء به سر می برد، یک مرتبه هم اعتراض نکرد و فقط اطاعت می کرد و همراهی. وقتی هم پیامبر بر می گشتند، با رویی گشاده، با آغوشی باز، از ایشان استقبال می کرد.

هنگامی هم که به پیامبری برگزیده شدند و فرمودند:

من رسول خدایم، من مبعوث شده ام، خدیجه نگفت:

به چه دلیل؟ عجب! بلکه گفت من از آغاز می دانستم! به راستی این روح چقدر پر درک بوده است؟!

امیرالمؤمنین به یاران و مردمان گله می فرمودند، که من از شما خسته شده ام و شما از من، من را امروز نمی شناسید و فرداها خواهید شناخت. این خانم که بود که اُستادِ امیرالمؤمنین، حضرت سیّد المرسلین را خوب می شناخت و درک می کرد. شایان ذکر است، آنچه که ما در وصف خدیجه گفتیم، در حد عقل و درک قاصر ماست، خدیجه شناسی را زمانی باید، که امام عصر عَلَیْهِ السَّلَام صبح دولتش بدمد، در کنار مسجد الحرام، منبری گذاشته شود و او بگوید خدیجه که بود!

این تعبیر نیز که بگوییم:

خدیجه اشرف زوجات الرسول است، تعبیر خیلی مناسبی نیست، چرا که هر چند در میان زوجات رسول اللّه، زنان بزرگی چون ام سلمه و ... داریم، ولی گمان نمی کنم بتواند این قیاس، عظمت خدیجه را نشان دهد که بگوییم:

خدیجه اشرف است.

اینها همه کنیزکان خدیجه هستند، خدیجه ای که حق بر او عرض

سلام می کند کجا؟! آنان کجا؟ خدیجه ای که مرحوم محدث قمی، صلواتی را بر معصومین، از حضرت امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند، که در مقطعی از آن، در زمره معصومین و در این سلسله طیبه، صلوات بر خدیجه کبری آمده است.

خدیجه ای که در نیایش صبحگاهان آدینه خطاب به حجه بن الحسن عَلَیْهِ السَّلَام می گویید:

و ابن خدیجه الغراء! یعنی:

می سزد که تو یا مهدی به خود ببالی که فرزند خدیجه ای. خدیجه ای که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام روز عاشورا می گفت:

اَنا ابنُ خدیجه الکبری. بنا بر این دیگر زوجات رسول اللّه با وی قابل مقایسه نیستند. آری این چنین است که ما به راستی در بزرگداشت نام و یاد همچون او کوتاهی کرده ایم و همّتی باید که جبرانی کنیم.

نکته ای دیگر اینکه، ما به عنوان یک چهارم مسلمانان دنیا، آیا حق مطالبه را نداریم که بپرسیم، چرا قبور اولیاء و ابناء رسول اللّه را در بقیع سالیانی پیش این چنین ویران کردند؟ و چرا مطالبه ای برای آبادانیِ قبور آنها نمی شود؟ بدانید اگر چنین تقاضاهایی در سطح دنیا زیاد باشد، یقیناً بی تأثیر نخواهد بود.

چرا که امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند:

«کسی که به دنبال طلب چیزی برود، یا به همه آن چیز می رسد یا لااقل به اندکی از آن (۱۰)» و همچنین قبر خدیجه کبری و قبر سرآمد اُمُّ المؤمنین ها، چه بگویم، خدیجه کبری را اُمُّ المؤمنین بنامم؟ (که البته هست) اما او اُم سیّدَهِ نساء العالمین است، اُمُّ الائمّه المعصومین است، او کافِلَه امیرالمؤمنین است، او بود که برای امیر مؤمنان مادری کرد، هنگامی که رسول اللّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم علی عَلَیْهِ السَّلَام را در شش سالگی،

به بهانه قحطی به خانه ی خود آورد و به خدیجه سپرد.

آری این خدیجه بود با آن همه شیدایی! ببین شیدایی و بی تابی او تا به کجا رسیده، که چقدر مؤدّبانه، چقدر ملتمسانه، چقدر خاضعانه، هنگام رحلتش، خود هم به رسول اللّه نگفت، بلکه به دختر پنج ساله اش، زهرا عَلَيْهاالسَّلَام گفت:

به پدرت بگو:

منّتی بر من بگذارد، من که از دنیا رفتم، خواهشی دارم و آن اینکه من را در پیراهن خود کفن کند.

! زلیخا کجا، یوسف کجا؟ و این عشق های مجازیِ زمینی کجا؟ بیا بنگر که عشق الهی اینجاست (۱۱).

تو گویی می گوید:

آنقدر دلبند حبیبم رسول خدایم، که می خواهم در قبر هم با پیراهن یوسف باشم، در قبر هم بوی او را استشمام کنم و بعد هم ملتمسانه از رسول خدا خواهش کرد که، منّت بگذار و من را بادست خودت کفن کن و پیامبر هم همین کار را کرد، جز اینکه فرمود در هنگام احتضار خدیجه، زهرا را بیرون برید که حاشا مادر دهد جان و کُنَد دختر تماشا!

دختر پنج ساله اش زهرا عَلَيْهاالسَّلَام را از خانه بیرون بردند، تا این لحظه را نبیند، در همان لحظه آخرین هم خداوند بر او سلام فرستاد و او جواب سلام خداوند خود را داد. پیامبر با یک دنیا اندوه، بدن مطهر خدیجه را برداشته دفن کرد و به خانه آمد. تمامیِ غمهای عالم به دلش نشست، زهرا پیش آمد؛ در چشم پدر غم می بیند و اشک، در اتاقهای خانه خبری از مادر نیست، پیراهن عربی پدر را گرفت و تکان می داد. می گریست و می گفت:

ابتاه اَینَ امّی (پدرم، مادرم خدیجه کجاست؟)

آنقدر که پیغمبر بیچاره شد، ماند که به دخترش چه

بگوید؟ جبرئیل به کمک پیامبر آمد و عرض کرد:

یا رسول اللّه! آمده ام کمکتان! خدایت می فرماید:

زهرا را بر روی زانویت بنشان و بگو زهرا جان خدا به تو می گوید برای مادرت قصری از یاقوت سرخ درست کرده ایم و در بهشت پیش ماست، جایش راحت است و دل دختر آرام گرفت.

بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در شهرستان کرج

برخی از علاقه مندان به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در سال ۱۴۲۶ فعالیت مخلصانه ای را در شهر کرج در بزرگداشت آن بزرگوار انجام دادند که پایه گذاری یک حرکت بسیار وسیع در سال ۱۴۲۷ گردید.

در این سال ستادی برای بزرگداشت تشکیل گردید که موارد بسیار جالبی را به اجرا در آوردند که از جمله آنها است:

۱ - ایراد سخنرانی مفصل راجع به حضرت خدیجه قبل از نماز جمعه اولین جمعه ماه مبارک رمضان.

۲ - اطعام و افطاری به ایتام و نیازمندان در شب وفات، در سطحی گسترده.

۳ - ارسال سخنان پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم راجع به حضرت خدیجه، به همه ادارات شهر

۴ - توزیع پرچم و پوستر و کتاب و سی - دی مربوط به حضرت خدیجه در مساجد

۵ - ارسال کتاب «سرچشمه کوثر» به شاخه های کمیته امداد و کلیه مدارس آموزش و پرورش چهار ناحیه شهر جهت برگزاری مسابقه خدیجه شناسی.

۶ - برگزاری مسابقه مقاله نویسی با موضوع حضرت خدیجه در سطح مدارس.

۷ - برگزاری مراسم بزرگداشت حضرت خدیجه، ویژه دانش آموزان دختر دبیرستانی همراه با اهداء کتاب و سی - دی و تکریم کسانی که نام خدیجه دارند و برگزاری مسابقه در جمع حاضر در مراسم.

۸ - برگزاری ویژه برنامه، مربوط به حضرت خدیجه، در مراسم صبحگاهی و برنامه نماز ظهر

و عصر، در روز وفات آن حضرت، در کلیه مدارس و ادارات آموزش و پرورش.

۹ – برگزاری مسابقه خدیجه شناسی در سطح عموم مردم

۱۰ – بزرگداشت حضرت خدیجه در تابلوهای شهر

۱۱ – برگزاری مراسم ویژه شب و روز وفات، در مساجد، ادارات، مدارس.

۱۲ – پخش برنامه میز گرد و مسابقه خدیجه شناسی در رادیو کرج.

جالب است که بدانیم، دست اندر کاران برنامه، دامنه فعالیت بزرگداشت را به شهرهای نظر آباد، شهریار، رباط کریم، ساوجبلاغ و ... کشانیدند.

فعالیت های انجام شده در شهر کرج، می تواند راهنمای خوبی برای دیگر شهرها و مناطق کشور باشد.

برنامه بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در سایر شهرها

گفتگوهای انجام شده و ارسال پرچمها و پوسترها به شهرهای گوناگون، حرکت نورانی بزرگداشت حضرت خدیجه را در عموم شهرها و روستاها، مطرح نمود و با تفاوتهایی در کمیّت و کیفیت برگزاری مراسم، در زمینه تجلیل از عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام پایه گذاری های خوبی انجام گرفته است، که می تواند در سالهای بعد گسترده و فراگیر شود.

گزارشی و اشارتی و سفارشی

نویسنده محقق و جامع و پژوهشگر، دلسوخته اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام حضرت حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، که از ابتدأ حرکت نورانی «بزرگداشت حضرت خدیجه» با قلم و اندیشه، همت و پشتکار، تشویق و حمایت خود، در راه بزرگداشتن مقام حضرت خدیجه، مجدّانه و پیگیرانه اقدام نمودند، در مقاله ای زیبا، گزارشی اجمالی از این حرکت نورانی ارائه نموده اند و اشاره ای به فضائل گسترده و برجسته حضرت خدیجه داشته اند و در پایان، سفارشاتی جامع و پیشنهاداتی به همه اصحاب قلم و قدم و صاحبان ذوق و هنر و دست اندر کاران کارهای بزرگ علمی و دینی و اجتماعی، ارائه نموده اند، که شایان توجه می باشد و اینک متن مقاله یاد شده:

بر کرانه ی سرچشمه ی کوثر

در اوایل ماه مبارک رمضان ۱۴۲۶ ه که برای تبلیغ و ترویج معارف اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام در تهران بودم، یکی از خدمتگزاران صدیق اهلبیت از اصفهان تماس گرفته اظهار نمود:

دوستان اهل وفا از اخلاصمندان آل عبا، تصمیم گرفته اند که روز دهم رمضان به مناسبت سالروز ارتحال ملکه ی اسلام، حضرت خدیجه ی کبری عَلَیْهاالسَّلَام همایش شکوهمندی در تهران و اصفهان برگزار کنند، به این منظور قرار شده نوشتاری

در این زمینه تهیه شود و شما را برای انجام این مهم در نظر گرفته اند.

با تمام ذرّات وجودم پذیرا شدم، ولی گفتم زمان بسیار محدود است، گفتند:

در حد امکان.

به منزل صدیق ارجمند، محقق بزرگوار، استاد اهری رفته، از کتابخانه ی نفیس و غنی ایشان بهره جستم، جزوه ای تحت عنوان: «سرچشمه ی کوثر» تهیه گردید.

هر بخشی که مهیّا می شد به اصفهان فاکس می کردم، عزیزان تایپ کرده با فاکس می فرستادند، اغلاط تایپی اصلاح شده، برگشت داده شد.

سر انجام این

نوشتار در کمتر از ۲۴ ساعت فراهم شد و پیش از فرا رسیدن روز وفات حضرت خدیجه در تیراژ وسیعی منتشر شد، که باید به دوستان با همّت و پر تلاش اصفهانی دست مریزاد گفت.

شب ارتحال حضرت خدیجه به اصفهان رفته، مصاحبه ای با سیمای اصفهان انجام دادم که در سطح استان پخش شد.

پس از همایش باشکوه اصفهان، همایش با شکوه دیگری در یکی از تالارهای مهم تهران برگزار گردید.

در این همایش جمعی از عالمان خدمتگزار، محققان تلاشگر، شاعران متعهد و مادحان اخلاصمند حضور داشتند، که پس از صرف افطار از برنامه های جالب و جاذب، به ویژه سخنرانی خطیب ارجمند «استاد معاونیان» که از مشهد مقدس به این منظور به تهران آمده بود، استفاده شد.

گروهی از تلاشگران تأثیر گزار «صدا و سیما» در این همایش، با اجرای برنامه های سودمند، حاضران را در فضای معنوی پر شوری قرار دادند.

در کرج و اطراف آن مسابقه هایی پیرامون حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام برگزار شد و جوایز ارزنده ای تقدیم گردید.

رمضان ۱۴۲۷ که مصادف با «یک هزار و چهارصد و سی امین سال» ارتحال بزرگ ملکه ی اسلام بود، کتاب «سرچشمه ی کوثر» باز نویسی شده، در تیراژ وسیعی تجدید چاپ شد.

کتاب ارزشمند دیگری شامل مدایح و مراثی مربوط به حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام تهیه شده، تحت عنوان: «غروب ماه حجاز» چاپ و منتشر شد.

آثار دیگری در شرح حال حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام خریداری شده، به ۳۶۰۰۰ مدرسه از مدارس کشور ارسال گردید.

تابلوهای فراوانی به صورت پوستر، پلاکارد، کارت پستال تهیه شده، در چند استان توزیع گردید.

پرچمهای جالب و چشمنوازی تهیه و توزیع گردید.

مصاحبه ای دیگر با شبکه ی اول انجام گرفت و در پگاه دهم رمضان

در آستانه ی طلوع فجر، که همه ی عزیزان روزه دار بیدار بوده، مشغول تهجد، نماز شب، تلاوت قرآن، دعای افتتاح، ابوحمزه و غیره بودند و چشم به راه طلوع فجر و ندای ملکوتی اذان صبح بودند و لذا دیده ها به صفحه ی تلویزیون دوخته شده بود و می توان گفت که آن لحظه پر بیننده ترین لحظات سیما در طول شبانه روز بود، این مصاحبه پخش شد و مورد توجه دلهای شیفته و شیعیان دلسوخته ی اهلبیت عَلَيْهِمُالسَّلَام قرار گرفت.

آثار و برکات بزرگداشت:

و اینک با گذشت دو سال تمام از نخستین همایش حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام به قسمتی از آثار پر بار این همایش می پردازیم:

۱. فرهنگسازی برای گرامی داشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام برای همیشه، در ایام ارتحال آن حضرت.

۲. چاپ و نشر کتابهای مربوط به آن حضرت در بسیاری از استانها.

۳. چاپ و نشر انواع پوستر، پلاکارد و بر چسب.

۴. چاپ و توزیع پرچمهای مزیّن به احادیث مربوط به آن حضرت.

۵. تجلیل و گرامی داشت آن ملکه ی اسلام، در ایام وفاتش از صدا و سیما.

۶. ثبت تاریخ وفات آن حضرت در همه ی تقویمهای کشور.

۷. اختصاص سخنرانی خطبای ارجمند سراسر کشور، در آن ایام به آن حضرت.

۸. گسترش چشمگیر @نامگذاری نوزادان دختر با نام نامی و یاد گرامی آن حضرت ۹. تبادل پیامهای کوتاه تسلیت ارتحال آن حضرت، به وسیله ی تلفن، تلگراف، اس. ام. اس و غیره.

۱۰. نامگذاری بسیاری از مراکز فرهنگی با نام نامی آن حضرت.

۱۱. چاپ و نشر مقالات علمی در جراید و مجلات کشور، پیرامون شرح زندگانی حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و تاریخچه ی تخریب گنبد و بارگاه آن حضرت در «جنه المعلا» به سال ۱۳۸۴ ه توسط وهّابیان بد سرشت.

آموزه های سرچشمه ی کوثر

دُرهای شاهوار فراوانی در کتب تفسیر، حدیث، تاریخ و سیره، پیرامون ملکه ی اسلام، سرچشمه ی کوثر، همسر پیمبر، مادر گرامی حضرت زهرای اطهر آمده است، که پژوهشگران را به کار آید، شیفتگان را به وجد آورد، بر تارک صفحات زرین تاریخ جای گیرد.

اشاره ای به نکات برجسته ی زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

و اینک نکات برجسته ای که از شرح زندگانی حضرت خدیجه، کمتر مورد توجه قرار می گیرد را، در اینجا یادآور می شویم:

۱ - حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ۲۵ ساله بود (۱۲)

۲ - حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به هنگام ارتحال ۵۰ ساله بود، که ۲۵ سال آن را خدمت پیامبر اکرم سپری کرده بود (۱۳)

۳ - حضرت خدیجه قبل از پیامبر اکرم با هیچکس ازدواج نکرده بود (۱۴)

۴ - از حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام تنها یک دختر به یادگار مانده، که حضرت زهرا عَلَیْهاالسَّلَام بود (۱۵)

۵ - پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم تنها یک داماد داشت، که مولای متقیان امیرمؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام بود (۱۶)

۶ - زینب و رقیه دختران هاله، خواهر حضرت خدیجه بودند. (۱۷)

۷ - مهریه ی حضرت خدیجه ۵ / ۱۲ اوقیه (برابر ۵۰۰ درهم) بود (۱۸)

۸ - حضرت خدیجه ۴۰۰۰ دینار به محضر پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرستاد، که آن را به خانواده ی حضرت خدیجه به عنوان مهریّه تقدیم نماید (۱۹) ولی پیامبر اکرم فقط ۵۰۰ درهم از آن را به عنوان مهریّه فرستاد، تا مهر السّنه باشد (۲۰)

۹. حَضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر دختر و دوشیزه بود (۲۱) حضرت ابوطالب نیز در خطبه ی خود گفت:

برادرزاده ام از دختر شما که بانویی با فضیلت،

مشهور به عفت و سخاوت و دوشیزه ای بلند جایگاه است، خواستگاری می کند (۲۲)

۱۰. شایعه ی ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام با دو تن دیگر، پیش از پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم تحریف عمدی تاریخ است، برای طرح عایشه به عنوان تنها دختری که پیامبر اکرم با آن ازدواج کرده است، چنانکه طرح دامادی عثمان و ملقب کردن او به «ذوالنورین» منحصراً برای تراشیدن رقیب سیاسی، برای مولای متقیان، امیرمؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام می باشد.

فضایل ویژه ی حضرت خدیجه

در میان همسران پیامبر، بلکه در میان بانوان جهان برای حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام فضایل ویژه ای هست که به شماری از آنها در اینجا فقط اشاره می کنیم:

۱. خداوند منان در کلام قدسی از او به «مبارکه» تعبیر نموده است (۲۳)

۲. خداوند متعال هر روز چندین بار با وجود حضرت خدیجه به ملائکه ی مقرب مباهات می کند (۲۴)

۳. پیک وحی درود و تحیت پروردگار را به خدیجه کبری ابلاغ می کرد. (۲۵)

۴. در عهد جاهلی حضرت خدیجه به «طاهره» ملقب بود (۲۶) و آن به جهت شدت عفت و پاکدامنی او بود (۲۷)

۵. پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم او را «صدیقه» تعبیر می کرد (۲۸) و آن به معنای داشتن بهره ای از مقام عصمت می باشد (۲۹)

۶. پیامبر اکرم در همه ی امور با او مشورت می کرد. (۳۰)

۷. به نقل ابن بطوطه خانه ی حضرت خدیجه به «قبه الوحی» شهرت داشت. (۳۱)

۸. پیامبر اکرم حضرت خدیجه را برترین «ام المؤمنین»ها (۳۲) و برترین بانوی امت خواند. (۳۳)

۹. حَضرت خدیجه در بهشت نیز افتخار همسری پیامبر را دارد. (۳۴)

۱۰. امیر مؤمنان در سوک حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام چکامه ای سروده، از او به عنوان: «سیّده النسوان» تعبیر کرده

است (۳۵)

۱۱. پیامبر اکرم در ارتحال حضـرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به قدری اندوهگین شد که برای سلامتی آن حضرت احساس خطر شد (۳۶)

۱۲. حَضـرت خـدیجه به قدری به امیرمؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام محبت داشت، که در میان مردم علی عَلَیْهِ السَّلَام را «نور چشم خدیجه» می خواندند. (۳۷)

۱۳. پیامبر اکرم خطاب به حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام می فرمود:

خداوند بطن مادرت را به عنوان وعاء امامت برگزید. (۳۸)

۱۴. ایمان آوردن حضرت خدیجه در نخستین لحظات مشاهده نور نبوت، نشان عقل وافر و عزم راسخ آن حضرت بود (۳۹)

۱۵. خداوند منان کاخ حضرت خدیجه را به پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم عرضه داشت. (۴۰)

۱۶. پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم همواره از ایثار و فداکاری حضرت خدیجه یاد می کرد و می فرمود:

خداوند از او برای من فرزند عطا کرد و دیگر همسرانم را محروم نمود. (۴۱)

۱۷. به هنگام فتح مکه، چادر فرماندهی خود را در کنار قبر حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام نصب کرد. (۴۲)

۱۸. در روز رستاخیز ۷۰ / ۰۰۰ فرشته با پرچمهای مزیّن به گلواژه ی: «اللَّه اکبر» به استقبال حضرت خدیجه می شتابند. (۴۳)

۱۹. فرزانه ی قریش با هوش سرشار و مغز اقتصادی بی نظیرش، برای جوانان قریش اشـتغال درست می کرد، سرمایه در اختیار آنها قرار می داد و به صورت مضاربه آنان را به تجارت وا می داشت. (۴۴)

۲۰. پیامبر اکرم هرگز برای احدی اجیر نشد (۴۵) و حضرت خدیجه آن حضرت را در رأس کاروان تجارتی خود به دمشق می فرستاد.

پیشنهاداتی به فرهیختگان، در بزرگداشت حضرت خدیجه

و اینک در پایان این مقال چند پیشنهاد در رابطه با گرامی داشت حضرت خدیجه تقدیم می گردد.

۱. از همه ی خطبای ارجمند می خواهیم که شب دهم و یازدهم ماه رمضان

را به ذکر فضائل، مناقب، سیره، شخصیت و دیگر ابعاد وجودی آن حضرت اختصاص دهند.

۲. از همه ی روزنامه های متعهد کشور می خواهیم که ضمیمه ای به آن حضرت اختصاص دهند.

۳. از همه ی ارباب جراید می خواهیم، بخشی از مجله و صفحه ای از روزنامه ی خود را به آن حضرت اختصاص دهند.

۴. از صدا و سیما می خواهیم که با پخش برنامه های مفید در ایام وفات حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، دَین خود را به آن بانوی بزرگ ادا کنند.

۵. از ارباب قلم می خواهیم که هر کدام کتابی پیرامون زندگانی آن مادر نمونه، همسر نمونه و بانوی نمونه تدوین کنند.

۶. از صاحبان قریحه، می خواهیم با ذوق سرشار و طبع روان خود، آثار ماندگاری پیرامون آن حضرت پدید آورند.

۷. از پدران و مادران وظیفه شناس می خواهیم که با نامگذاری یکی از فرزندان خود به نام «خدیجه» در ترویج این نام زیبا سهیم باشند.

۸. از مسؤولان مربوطه می خواهیم که: تالارها، کتابخانه ها و دیگر مراکز فرهنگی خود را با نام نامی این بانو مزین کنند.

۹. از خطاطان، نقاشان و دیگر هنر آفرینان می خواهیم که، از نیروی خلاقه ی خود در آفرینش آثار ارزشمندی در حوزه تخصصی خود تلاش کنند.

۱۰. از هنرمندان متعهد می خواهیم که فیلمهای آموزنده ای از زندگی سراسر ایثار و فداکاری حضرت خدیجه، که در حفاظت و حراست از پیامبر اکرم، تربیت برترین بانوی جهان، تجارت، بازرگانی توأم با متانت، انتخاب کارگزاران امین، رفتار شایسته با کارگزاران، سامان دادن وضع اقتصادی و هزینه کردن آن در راه نشر آیین حق و دیگر آموزه های آن بانوی با فضیلت، فیلمهای جالب و جاذب تهیه کنند.

با تقدیم مراتب سپاس به همه ی تلاشگران در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

سرچشمه کوثر

نویسنده محقق

و نامدار، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام عزه، که عمری را در راه تحقیق و تألیف و نشر آثار اهل بیت عَلَيْهِمُ‌السَّلَام صرف نموده اند، علاوه بر همکاری های بیدریغ و مخلصانه خود در امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام اثر نفیسی را تقدیم به محضر مبارک آن حضرت نمودند، با نام «سرچشمه کوثر» که تا کنون دو نوبت به چاپ رسیده و چاپ دوم آن در پانزده هزار نسخه منتشر گردیده است

در مقدمه کتاب، با توجه به پیشتازی اصفهان در اقامه شعائر مذهبی و ولایی و لزوم اهتمام در امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام، نکات جالبی را بیان داشته اند، که علاقه مندان را به مطالعه آنها دعوت می نمائیم:

بِسْمِ اللَّه الرحمن الرحیم

از الطاف بیکران ایزد منّان بر شیعیان شیفته و پاکباخته اصفهان، پیشتازی و پیشگامی آنان در اقامه بسیاری از شعائر مذهبی و اسلامیست.

«سلمان» پیشتاز مسلمانان جهان، از این شهر باستانی برخاسته، غوّاص بحار علوم اهل بیت عَلَيْهِمُ‌السَّلَام «علّامه مجلسی» آب زلال خاندان عصمت و طهارت را از این شهر به سرتاسر جهان اسلام روانه ساخته است.

«نهضت فاطمیّه» و حرکت عظیم مردم ی، در روز شهادت دخت گرامی پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در این شهر شکل گرفت، آنگاه با عنایت مرجعیّت اعلای جهان تشیّع، به اوج شکوه و عظمت خود رسید.

«دهه مبارکه مهدویّه» از این شهر نشأت گرفت، مرزها را درنوردید، از کشورهای اسلامی فراتر رفت، در مناطقی چون سوئد، دانمارک، روسیه و ... نورافشانی کرد.

همایش مردمی و راهپیمایی عظیم نیمه شعبان، از این شهر آغاز شد، شهرهای مختلفی را تحت تأثیر قرار داد و در حریم

کریمه اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام و مسـجد مقدّس جمکران به اوج شکوه و عظمت رسید و اینک برای اوّلین بار در تاریخ، همایش بزرگداشت سرچشمه جاری کوثر، مادر گرامی صدّیقه اطهر، همسر فرزانه رسول اکرم، ام المؤمنین، خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام

یـک هزار و چهارصـد و سـی امین سـالروز ارتحـال محبوبه یکتـا، در این شـهر برگزار می شود و صـفحه زرّین دیگری بر دفتر مفاخر شـهر سلمان افزوده می گردد امید می رود که در سال های بعد، شاهد برگزاری همایش های عظیم تری، در جای جای میهن اسلامی، به همین مناسبت باشیم.

این نوشتار گامی کوتاه در راستای این هدف مقدّس و برگی کمرنگ از این دفتر شکوهمند می باشد.

عذر تقصیر

ای برترین قلّه شـرف، ای والاترین دُردانه خلقت را صدف، ای مفتخر به دامادی ات، شاه نجف، ای مزار مهجورت زائران خانه خـدا را هـدف؛ ای خـدیجه کبری، ای محبوبه یکتـا، ای همسـر طاهـا، ای مادر زهرا، ای نور چشم مولا؛ ما همه مـدیون توئیم، شیفته و شیدای کوی توئیم، مفتخر و سرفراز به پیروی از خاندان توئیم، معترف به تقصیر در آستان مَلَک پاسبان توییم.

سرچشمه کوثر

یک هزار و چهارصد و سی سال تمام از ارتحال جانگداز سرچشمه همیشه جاری کوثر، اُم الائمّه النّجباء، مادر گرامی حضرت زهراء عَلَیْهاالسَّلَام، همسـر فرزانه خاتم الانبیاء، یار و یاور رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، فرزانه سرزمین بطحاء؛ حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام می گذرد.

در طول قرون و اعصار، از سوی همه اقشار، در بزرگداشت این مام فضـیلت ها، کوتاهی شده و مراسم گرامی داشت آن بانوی بانوان بهشتی، در سطحی شایسته و جایگاهی بایسته برگزار نشده است.

در این دنیای آکنده از نشست ها و همایش ها، که هر روز

در ده ها حوزه فرهنگی و هنری و عرصه های بین المللی، برای چهره هایی که یک هزارم فضائل آن مام فضیلت ها را ندارند، چه حماسه ها که آفریده نمی شود؟ چه چکامه ها که سروده نمی گردد؟ چه مقاله ها که نگاشته نمی شود؟ چه فیلم ها که تهیه نمی شود؟ چه همایش ها که ترتیب داده نمی شود؟!

ولی برای این بانوی گرامی، همسر شایسته خاتم النبیّین، مادر مهربان سیّده نساء العالمین، مادر خانم گرانسنگ امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام برترین مصداق «ام المؤمنین» در کتاب رب العالمین، امّت اسلامی هیچ تلاشی که شایسته جایگاه رفیع و مقام منیع آن شخصیت والای جهان خلقت باشد، انجام نداده اند.

بانوی بزرگواری که ۲۵ سال تمام آرام بخش قلب شریف حضرت ختمی مرتبت صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در حسّاس ترین و بحرانی ترین مقطع زندگی آن حضرت بوده، اسد اللّه الغالب، علی ابن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام را از شش سالگی در کانون آکنده از مهر و صفای خود، در کنف حمایتش قرار داده، سرور بانوان جهان، حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام را در دامن پر مهر خود پرورش داده، هیچ تلاش شایان ذکری انجام نگرفته است.

سال گذشته برای نخستین بار در تاریخ، همایش «سرچشمه کوثر» در دو شهر تهران و اصفهان، نه در شأن آن مام فضیلت ها، بلکه در حد عذر تقصیر به آستان مقدّس آن سرچشمه همیشه جاری کوثر، برگزار گردید.

و اینک در یکهزار و چهارصد و سی امین سالروز ارتحال آن سرچشمه کوثر در ماه نزول قرآن، در سالِ مزین به نام نامی پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در شهر مفتخر به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» مردم مؤمن، متدّین، متعهّد و متصلّب در ولایت

اصـفهان، با عزمی راسـخ و گامی اسـتوار، در صـدد برآمده اند که نخستین گام را در این راسـتا بردارند و با تلاش های طاقت فرسای خود، مرهمی بر دل مجروح و داغدار دخت گرانمایه اش، حضرت زهرای مرضیّه عَلَیْهاالسَّلَام بگذارند.

شرح عظمت و بیان مناقب آن مام فضیلت ها در این مختصر نمی گنجد، این نوشتار به عنوان «عذر تقصیر» در پیشگاه آن ملکه اسلام، به محضر مقدّس فرزند برومندش، حضرت بقیه اللّه «ارواحنا فداه» تقدیم می گردد.

به امید که آن مام فضـیلت ها، دستی به سوی حق تعالی برافراشته، خدای را به حق خود و حق شوی گرامی اش، حضرت خاتم الانبیـا، داماد گرانمایه اش اشـرف اوصـیاء، نور دیـده دُردانه اش، سیّده النّساء و غنچه در خون تپیـده نشـکفته اش محسن زهرا بخواند، که از بقیّه دوران غیبت کبری صرف نظر فرموده، در فرج فرزند برومندش حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه تعجیل نموده، دیدگان رَمَد کشـیده شـیعیان منتظر، به ویژه تلاشـگران در عرصه گرامی داشت همایش با شـکوه «سرچشـمه کوثر» را با دیدار جمال بی مثال یوسف زهرا در دوران حکومت حقّه آن بنیانگـذار حکومت واحـد جهانی، بر اساس عدالت و آزادی، روشن و منوّر سازد.

۱۵ شعبان ۱۴۲۷ ه علی اکبر مهدی پور

نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

نویسـنده محقق و توانا، حجه الاسـلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی کرمی فریدنی، پس از تألیف گرانسنگ «فروغ آسمان حجاز، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام» در ۵۸۲ صـفحه، که در نوع خود بی نظیر است و با سـبکی نو و نگاهی عمیق، ویژگی ها و عظمت هـای آن حضـرت مـورد تشـریح قرار گرفته و تـا کنون چنـدین بـار چـاپ شـده است، به پیشـنهاد «کنگره نکو داشت حضـرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام» قلم به دست گرفتند

و با نگاهی جدید و به شکلی فشرده، اثر دیگری دربارهی شخصیت و زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در ۱۴۴ صفحه به نگارش در آوردند، که با تیراژ ده هزار نسخه به چاپ رسید و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت.

نویسنده عالیقدر کتاب، در مقدمه آن، نکاتی را مورد اشاره قرار داده اند، که ذیلاً در اختیار خوانندگان گرامی قرار می گیرد:

در رواق سخن

دفتری که در دست شما خواننده ی گرامی است، نگاهیست گذرا، امّا تازه و زنده، به سیما و سیره ی الهام بخش خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، یار و مشاور اندیشمند و پشتیبان پر اعتبار پیامبر و خداجویانِ آغازینِ روزها و سال های طلوع اسلام و فرود آغازینِ آیه ها بر جان پاک محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم است.

پرتوی از زندگی آموزنده ی بانویی است، که در حیات درخشانش، پیش از بعثت، دخت فرزانه ایست که در خودسازی، چنان توفیق می یابد که سمبل ایمان به خدای ابراهیم می گردد و مردم روزگارش او را پاک منش عنوان می دهند و از دگر سو، نمونه ی آینده نگری، کمال جویی و آزادیخواهی، در آن دنیای تیره و تار است.

انسان ترقی خواه و بالنده ای که به برکت همین هوشمندی و پاک منشی، سر انجام به دریای موّاج عظمت قرآن و محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیوند می خورد و رنگ خدایی می گیرد و به تدریج به صورت شریک دغدغه های پیامبرِ آزادی و حقوق بشر قامت بر می افرازد.

و سر انجام در راه رشد و شکوفایی، بر سکوی افتخار اوج می گیرد و در اندیشه و منش و رفتار برای همیشه می درخشد و در شمار برترین زنان تاریخساز جلوه می کند و از پیامبر، این مدال افتخار را دریافت

می دارد که: چهار زن نواندیش، در زندگی به گونه ای با درایت و شهامت درخشیدند که سالار زنان شدند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه ... «اَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَیِّداتُ ساداتِ عالَمِهِنَّ: مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرانَ وَ آسِیَهُ بِنْتُ مُزاحِمٍ وَ خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ وَ فاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ...» (۴۶)

این نوشته، نگاهیست نو به زندگی درخشان خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، که در یک هزار و چهارصد و سی امین سالروز رحلت یار و مشاور خردمند و همسر فرزانه ی پیامبر و مام فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام در راستای برگزاری همایشی پرشکوه، در سالروز رحلت او، به پیشنهاد برخی از شیفتگان اهل بیت در اصفهان - که توفیق پیشگامی در برگزاری همایش و خدمت در آستان آن حضرت را از خدا گرفته اند - به قلم آمد؛ امید که برای همه، به ویژه زنان و دختران نواندیش و معنویت خواه، مفید افتد و شاید هم ادای وظیفه در برابر حق بزرگی که آن مام بزرگ، بر همه ی نسل های آزادیخواه دارد و نیز برگ سبزیست به پیشگاه او و ریحانه اش فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام و به پیامبر حق شناس - که حق او را بزرگ می داشت و پس از رحلت او نیز نام بلندش را با دانه های درشت اشک وفا بدرقه می فرمود. امید که در آینده شاهد همایش های پرشکوه تری در سالروز رحلت جانسوزش - که با پیام علما و آیات، به ویژه آیه اللّه العظمی صافی گلپایگانی، آیه اللّه العظمی سیّد صادق روحانی و آیه اللّه العظمی سیّد صادق شیرازی، از شهر خاطره انگیز اصفهان آغاز شده است باشیم و راه پر افتخاری را که او پیشتازش بود، راه زندگی قرار دهیم.
علی کرمی فریدنی / تابستان ۸۵

کتابنامه خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام

اشاره

ارباب

قلم و صاحبان اندیشه ولایی، از دیرزمان، دربارهی شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به اجمال یا تفصیل، تحقیق و تألیف داشته اند، که بعضاً به صورت کتابی مستقل، عرضه شده است و عمدهً در ضمن کتابی دربارهی همسران رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و یا اصحاب و یاران آن حضرت و یا زنان برجسته تاریخ اسلام ومکتب اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام و یا دائره المعارف و یا رجال حدیث و و یا به صورت مقاله ای در مجله های دینی و علمی و اجتماعی در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

در این یادواره، بر آنیم که شماری از این کتابها و مقاله ها را نام برده و زمینه را برای طالبان تحقیق دربارهی آن بانوی بزرگوار آماده نماییم و از طرف دیگر، مقدمات تهیه یک کتابنامه مفصل و جامع را در این موضوع مهم، فراهم نماییم.

بدین منظور، ابتدأ دو مجموعه فراهم شده را تقدیم نمود (۴۷) و در پایان موارد دیگری را اشاره نموده و در انتظار تلاش بیشتر محققین دلباخته اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام روز شماری می نمائیم:

۱ – پژوهشکده باقرالعلوم در شهر مقدس قم، در پی تحقیقات گسترده خود مجموعه ای در اختیار ما قرار داده که تقدیم می داریم:

۱: آخرین گفتارها در پایان زندگی، ج ۲

مکان نشر: باختران

ناشر: محمّد راجی قمی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ش

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: شرح حال ۴ / ۴ / ۲

ریز موضوعات:

۲۷۱ – ۲۵۷ حبیب بن عدی، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲: آخرین مرد آسمانی

مکان نشر: باختران

تاریخ نشر: ۱۳۵۶ ش

نویسنده:

جعفری - رحیم

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۱۳۲ - ۱۲۳ نقش ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، اسلام در طایف

۳: آسیه الگوی مقاومت

مکان نشر: قم

ناشر: نورالسجاد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۰

نویسنده:

جلالوند - علی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: شرح حال ۳ / ۳ / ۸

ریز موضوعات:

۷۴ - ۶۷ فضایل آسیه (پرستاری از خدیجه - همسر بهشتی پیامبر - همنشین خدیجه و فاطمه)

۴: آموزشهای دینی برای نوجوانان، ج ۲

مکان نشر: مشهد

ناشر: آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۱ ش

نویسنده:

سید امیر علی رسولی

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات

۳۸ – ۲۷ ازدواج محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، خدیجه، معنی سنت و علی عَلَیْهِ السَّلَام

۵: اخلاق در قرآن، حالات خوب نفس

مکان نشر: تهران

ناشر: فیض کاشانی

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۵ ش

نویسنده:

سید کاظم رفیع

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اخلاق ۴۳ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۲۰۸ – ۲۰۴ رابطه خدیجه با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم

۶: از اسلام چه می دانیم (محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم)

مکان نشر: قم

ناشر: خرم

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۵ ش

نویسنده:

سید حسن اسلامی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۰ – ۴۸ ازدواج خدیجه و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۷: اعتصام ش ۳

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ – ۵۲ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۸: افق وحی

مکان نشر: تهران

ناشر: جمعیَّت راه خدا

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۷ ش

نویسنده:

میرزا خلیل کمره ای

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۵۴ - ۲۲۳ فجر اسلام، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۹: الدرالثمین فی ایقاظ النائمین

مکان نشر: قم

ناشر: علمیه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۸ ق

نویسنده:

حسینعلی امامی نائینی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۱۷۱ - ۱۶۳ حجاب زن و فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۰: الوقایع و الحوادث، ج ۷

مکان نشر: قم

ناشر: دارالکتاب

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

محمّد باقر ملبوبی

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۸ – ۲۵ وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۱: الوقایع و الحوادث، ج ۱

مکان نشر: قم

ناشر: کتابفروشی خرد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۱ ش

نویسنده:

محمّد باقر ملبوبی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱۲ / ۱ / ۱

ریز موضوعات:

۱۳۲ – ۱۲۷ زندگی خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۲: امام علی عَلَیْهِ السَّلَام از ولادت تا شهادت

مکان نشر: قم

ناشر: دلیل ما

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۰ ش

نویسنده:

قزوینی - محمّد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۸ / ۳ / ۳

ریز موضوعات:

۱۰۲ - ۸۵ امام علی عَلَیْهِ السَّلَام ایثار، هجرت، لیله المبیت،

و وفات حضرت خدیجه و ابوطالب

۱۳: امیران ایمان یا زندگینامه خدیجه

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه اهل بیت، بنیاد بعثت

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۰ ش

نویسنده:

هاشم معروف الحسنی و دیگران

کتابخانه: استان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

۱۴: انیس العهد و مونس اللحد

مکان نشر: اراک

ناشر، چاپخانه محمود شفیعی اصفهانی

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ق

نویسنده:

صدرالدین واعظ قزوینی

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۸۸ - ۱۷۵ سفر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، عروسی

خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۵: بانوی بانوان جهان

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۶

نویسنده:

دوانی - علی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۳۱ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۲۷ - ۲۳ شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۶: بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و ...

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ش

نویسنده:

ثریا مکنون، مریم صانع پور

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: تربیتی ۲۲ / ۵ / ۳

ریز موضوعات:

۹۴ – ۸۹ خدیجه همسر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۹۵ – ۹۴ خدیجه و بعثت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۹۶ – ۹۴ فرزندان خدیجه و محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۹۷ – ۹۶ وفات خدیجه

۹۸ – ۹۷ پیامبر پس از مرگ خدیجه

۱۷: پاسدار اسلام شماره ۹۲، سال ۸

مکان نشر: قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

گروهی

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

۲۲ - ۲۰ وفات ابوطالب و خدیجه

۱۸: پاسدار اسلام ش ۴۷

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

- استدراج: پیامبر، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام ۱۹

۱۹: پاسدار اسلام ش ۴۹

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

– ۲۶ پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۰: پاسدار اسلام ش ۸۹

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ – ۲۰ وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۱: پاسدار اسلام ش ۹۴

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۲۰ وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۲: پاسدار اسلام ش ۹۲

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۲۰ وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۳: پیام انقلاب ش ۱۲

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: ۱

تاری نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

سپاه پاسداران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ – ۲۷ حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۴: پیام انقلاب ش ۶۱

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

سپاه پاسداران

ریز موضوعات:

– خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام ۶۲

۲۵: پیامبران، سه جلد در یک مجلد

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی زوار

تاریخ نشر: ۱۳۵۳ ش

نویسنده:

زین العابدین رهنما

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۴۵۸ – ۲۴۳ حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۶: پیامبر موعود در تورات و انجیل

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد فرهنگی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۶ ش

نویسنده:

دریایی - محمّد رسول

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۱ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۵۴ - ۴۶ شخصیت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم پیش از اسلام و چگونگی ازدواج با حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۲۷: پیام زن س ۲ ش ۱۲ (ماهنامه)

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۲ ش

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۰ - ۶ شرح حال حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام:

ازدواج، کرامت، مقام

۲۸: پیام زن س ۳ ش ۱ (ماهنامه)

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۲ – ۶ ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و حضرت خدیجه

۲۹: پیشوای اسلام

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: ۵

تاریخ نشر: ۱۳۵۵ ش

نویسنده:

حسین عماد زاده

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۲۳ – ۲۱۹ عمر و ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۳۰: پیغمبر و یاران ج ۲

مکان نشر: قم

ناشر: دانش

تاریخ نشر: ۱۳۴۶ ش

نویسنده:

محمّد علی عالمی

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام ۳۴۰ - ۳۵۴

۳۱: تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت

مکان نشر: قم

ناشر: جامعه مدرسین

تاریخ نشر: ۱۳۶۳ ش

نویسنده:

دوانی - علی

ریز موضوعات:

۶۹ - ۵۹ ولادت و ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۲: تاریخ اسلام (دوران پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم)

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

گرد آور: واحد آموزش عقیدتی سیاسی سپاه

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱۰ / ۱ / ۲

ریز موضوعات:

۱۰۳ - ۸۵ وفات خدیجه و ابوطالب و بیعت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم اهل مدینه

۳۳: تاریخ اسلام در آثار شهید آیت اللّٰه مطهری رحمهم الله ج ۱

مکان نشر: قم

ناشر: نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۸

نویسنده:

مطهری - مرتضی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۳ / ۱ / ۲

ریز موضوعات:

۱۸۴ - ۱۵۷ عوامل موفقیت و گسترش اسلام (تبلیغ اسلام، اموال خدیجه، شجاعت علی عَلَیْهِ السَّلَام)

۳۴: تاریخ ایران اسلامی دفتر اول از پیدایش اسلام، ایران اسلامی

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

جعفریان - رسول

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ ۴ / ۵ / ۲

ریز موضوعات:

۵۹ - ۵۵ پیامبر در شعب ابوطالب، وفات ابوطالب و خدیجه،

سفر پیامبر به طائف

۳۵: تاریخ پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: دانشگاه تهران

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

آیتی - محمّد ابراهیم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۱۷۲ - ۱۶۸ وفات ابوطالب و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و سفر به طائف

۷۱ – ۶۳ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۶: تاریخ پیغمبر خاتم ج ۱

مکان نشر: تهران

تاریخ نشر: ۱۳۷۶ ق

نویسنده:

لواسانی نجفی و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۸۰ – ۳۲۸ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۷: تاریخ تحلیلی اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: بضعه الرسول

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش

نویسنده:

زرگری نژاد – غلامحسین

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱۵ / ۱ / ۲

ریز موضوعات: ۲۹ – ۱۵ تولد، ازدواج با خدیجه، بعثت و دعوت پیامبر

۳۸: تاریخ تحلیلی اسلام ج ۲

مکان نشر: قم

ناشر: پاسدار اسلام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۳۹: تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

علی اکبر حسنی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۳۵ - ۱۳۲ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۴۰: تاریخ سیاسی اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: پیروز

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

قاضی شکیب - نعمت اللَّه

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۱۶ - ۲ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۴ - ۱۷ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و فرزندان او

۴۱: تاریخ صدر اسلام

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۴ / ۱ / ۲

ریز موضوعات:

۱۹۲ – ۱۷۶ زندگی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم از تولّد تا ازدواج با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۹۸ – ۱۹۳ ازدواج پیامبر و خدیجه

۲۹۳ – ۲۷۹ مقاومت مسلمین در شعب ابی طالب و رحلت ابوطالب و خدیجه

۴۲: تاریخ فقه و فقها

مکان نشر: تهران

ناشر: سمت

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

گرجی – ابوالقاسم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: فقه ۳ / ۳ / ۲

ریز موضوعات:

۳۷ – ۳۰ آغاز دعوت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و اولین مسلمانان (علی عَلَیْهِ السَّلَام، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام)

۴۳: تاریخ مختصر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: جامعه تعلیمات اسلامی

تاریخ نشر: ۱۳۲۷ ش

نویسنده:

میر خلیل نقوی

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۳ - ۶ عربستان، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، بعثت

۴۴: تاریخ مقدس

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ق

نویسنده:

واشینگتن ارونیک آمریکایی و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات: ۴۶ - ۴۰ تجارت پیامبر و ازدواج با خدیجه

۴۵: تاریخنامه طبری ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۶ ش

نویسنده:

طبری - محمّد بن جریر و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱ / ۲ / ۱

ریز موضوعات:

۳۱ - ۲۳ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، ویرانی کعبه

۴۶: تاریخنامه طبری، ج ۳ تا ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۸

نویسنده:

ابوجعفر بن جریر طبری و دیگران

کتابخانه: ارشاد اسلامی قم

ریز موضوعات: ۲۶ - ۲۳ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۴۷: تحلیلی از تاریخ اسلام ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: نهضت زنان مسلمان

تاریخ نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

شهیدی - سید جعفر

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۲۳ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۴۸ – ۴۲ ابوطالب و خدیجه، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در مدینه

۴۸: تشخیص، تصمیمگیری و اقدام خواص در وقت لازم

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۷

نویسنده:

نیارئیس – سید مهدی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۱ – ۴۹ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و بعثت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و جانبازی علی عَلَیْهِ السَّلَام در لیله المبیت

۴۹: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام قدس سره

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ش

نویسنده:

موسسه تنظیم آثار امام خمینی قدس سره

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۴۸ – ۴۶ شخصیت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و امام خمینی

۵۰: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره (تبیان آثار موضوعی هَشتم)

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه نشر آثار امام خمینی قدس سره

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ش

گرد آور: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام قدس سره و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تربیتی ۱ / ۵ / ۳

رده کتابخانه: امام ۸ / ۳ / ۳

ریز موضوعات:

۵۳ – ۴۶ حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام، زینب و مریم از نظر امام خمینی

۵۱: جمال و کمال زن

مکان نشر: قم

ناشر: طلیعه نور

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۸

نویسنده:

ابراهیمی - رحمت اللّه

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تربیتی ۳۱ / ۵ / ۳

ریز موضوعات:

۱۷۴ - ۱۵۷ زنان نمونه (فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام، خدیجه، زینب عَلَیْهاالسَّلَام، فضه، مریم)

۵۲: چشمه در بستر (تحلیل از زمان شناسی حضرت زهرا عَلَیْهاالسَّلَام)

مکان نشر: قم

ناشر: حضور

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۵ ش

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۷ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۲۲۴ - ۲۱۰ انس زهرا عَلَیْهاالسَّلَام با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، علی عَلَیْهِ السَّلَام و فرزندانش

۵۳: حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیرکبیر

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۶۳ ش

نویسنده:

علی محمّد علی دخیل و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

رده کتابخانه: شرح حال ۳ / ۲ / ۸

۵۴: حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: تربیت

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۹ ش

نویسنده:

ارفع - کاظم

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۵ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۱۷ - ۶ نامگذاری حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام و دوران بارداری حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۵۵: حج

مکان نشر: باختران

ناشر: انتشارات جامعه مدرسین

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۵ ش

نویسنده:

محسن قرائتی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات: ۱۷۲ - ۱۶۰ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۵۶: حجاب مقدس ترین وسیله استحکام

مکان نشر: قم

ناشر: دارالنشر

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

حشمت الواعظین قمی - محمّد تقی

کتابخانه: موسسه امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات

۱۶۱ - ۱۵۹ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بانوی نمونه صدر اسلام

۵۷: حوادث تاریخی

مکان نشر: تهران

ناشر: صدر

نویسنده:

لطف اللّه صافی

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- ۶ وفات ابوطالب و خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام ۳۸ - ۶۶

۵۸: حیات القلوب، ج ۲

مکان نشر: تهران

ناشر: جاویدان

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

علامه محمّد باقر مجلسی

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۰۴ - ۸۷ فضائل خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام ازدواج با پیامبر

۵۹: خدیجه شکوه زندگی

مکان نشر: قم

ناشر: نورالسجاد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش

نویسنده:

کمالی نیا - محمّد تقی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: شرح حال ۵ / ۳ / ۸

ریز موضوعات:

۳۴ – ۲۲ پدر، مادر، خاندان خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و حمایت از پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۵۶ – ۳۵ ازدواج خدیجه با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم زمینه ها و چگونگی آن

۹۴ – ۷۷ خدیجه و بعثت پیامبر (قاسم، عبداللّه، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه)

۶۰: خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: امید

نوبت چاپ: ۲

نویسنده:

محمّد تقی کمالی نیا

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۱ – ۱۴ ضرورت بررسی زندگی خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۴ – ۳۲ همسران خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام قبل از محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۴۷ – ۳۵ آشنایی خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام با محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۵۳ – ۴۸ ملاک ارزیابی و انتخاب خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۹۷ – ۷۴ فرزندان خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام از پیامبر

۶۱: خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: امید

نوبت چاپ: ۲

نویسنده:

محمّد تقی کمالی نیا

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۶۲: خصایص فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: عبداللّٰه تهرانی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۹ ش

نویسنده:

محمّد باقر واعظ تهرانی

کتابخانه: آستانه حضرت معصومه عَلَیْهاالسَّلَام

ریز موضوعات:

۱۲۸ - ۱۲۲ فضایل خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۳۱ - ۱۲۸ اولاد خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۶۳: خلاصه تاریخ اسلام از پیدایش عرب ج

مکان نشر: تهران

ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۵۷ - ۵۲ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۵۸ - ۵۶ فرزندان و فضایل خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۶۴: خلاصه زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۷۸ ش

نویسنده:

شهیدی - جعفر

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۴۹ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۱۸ - ۱۶ مرگ حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و حضرت ابوطالب

۶۵: خورشید رسالت محمّدی

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه الغدیر

تاریخ نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

جعفریان - عزیز اللَّه

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- ۳۶ ازدواج محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۶۶: خون و خورشید

مکان نشر: تهران

ناشر: خیام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ش

نویسنده:

نعمت اللّه قاضی

کتابخانه: آستانه حضرت معصومه عَلَیْهاالسَّلَام

ریز موضوعات:

۲۱۹ - ۱۹۴ فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام - خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام - عایشه

۶۷: داستان پیامبران، ج ۳

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

علی قرنی گلپایگانی

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۵۰۹ - ۵۰۰ فضائل خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و فرزندانش

۶۸: درسهایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۴

مکان نشر: تهران

ناشر: وزارت ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۲ ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات: ۶۹ - ۲۹ وفات ابوطالب

و خدیجه

۶۹: در مکتب فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیری

نوبت چاپ: ۶

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

قائمی - علی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۵ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۴۷ – ۲۸ خدیجه و محمّد و خانواده و تربیت

۱۹۹ – ۱۸۹ صبر و تحمل حضرت فاطمه: وفات پیامبر، حضرت خدیجه

۷۰: دروس تاریخ اسلام دوره ۱

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

تاریخ نشر: ۱۳۸۸ ق

نویسنده:

صدر بلاغی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۹۴ – ۸۲ حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۷۱: دلائل النبوه ج ۲

مکان نشر: تهران

ناشر: علمی و فرهنگی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

احمد بن حسین بیهقی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه اللّٰه مرعشی نجفی

رده کتابخانه: اهل بیت ۶ / ۱ / ۲

ریز موضوعات:

۸۱ - ۷۷ وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۷۲: رسول اللّه، محمّد بن عبداللّه

مکان نشر: تهران

ناشر: آیین

تاریخ نشر: ۱۳۵۵ ش

نویسنده:

محسن شفایی

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات: ۱۲۷ - ۱۲۲ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۷۳: رمضان در آینه تاریخ

مکان نشر: قم

ناشر: مرکز نشر علوم دانشگاهی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

محمّد حسن پناهیان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۵۸ – ۵۳ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم

۷۴: رمضان در تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: قدر

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

صافی – لطف اللَّه

ریز موضوعات:

۷۹ – ۶۵ شخصیت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۷۵: روضه الصفا، ج ۲

مکان نشر: تهران

ناشر: علمی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

محمّد بن خاوند شاه بلخی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۳ / ۳ / ۱

ریز موضوعات:

۲۳۸ - ۲۳۴ مرگ ابوطالب و خدیجه و خزرجیان

۷۶: رویدادها ج ۳ مناسبت های ماه های قمری

ناشر: دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۰ ش

نویسنده:

دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۴۲۰ - ۴۱۳ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۷۷: ره توشه راهیان نور (ویژه ماه مبارک رمضان) ۱۴۱۹ ق – ۱۳۷۷ ش

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

استادی رضا و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۰۲ - ۹۷ زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۷۸: ره توشه راهیان نور، (ویژه ماه مبارک رمضان) ۱۴۲۱ ق – ۱۳۷۹ ش

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۹ ش

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۱۹ – ۲۰۹ فضایل و مقام و علاقه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و وفات حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۷۹: ریاحین الشریعه، ج ۲

مکان نشر: تهران

ناشر: دارالکتب الاسلامیه

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

محلاتی – ذبیح اللَّه

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

رده کتابخانه: شرح حال ۱ / ۱ / ۸

ریز موضوعات:

- خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام ۲۰۲ - ۲۷۱

- ۲ ضرای خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و مریم عَلَیْهاالسَّلَام ۲۷۱ - ۲۸۳

۸۰: زنان اسوه در قرآن

مکان نشر: تهران

ناشر: فردابه

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۸۰ ش

نویسنده:

اسلامی فرد - زهرا

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: شرح حال ۲۲ / ۲ / ۸

ریز موضوعات:

۱۴۲ - ۱۰۲ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام در قرآن

۸۱: زنان پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: نشر محمّد

نوبت چاپ: ۶

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

عماد الدین حسین اصفهانی

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۱۸ - ۳۰۴ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۸۲: زنان مرد آفرین تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: نبوی

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۶

نویسنده:

محمّد مهدی اشتهاردی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: ارشاد اسلامی قم

رده کتابخانه: شرح حال ۳۶ / ۲ / ۸

ریز موضوعات: ۸۲ - ۷۹ حضرت خدیجه اولین زن پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۸۳: زنان نامدار در قرآن، حدیث و تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

بهشتی - احمد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: شرح حال ۲۷ / ۲ / ۸

ریز موضوعات: ۲۹ - ۱۵ آمنه و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۸۴: زن در زندگی پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت چاپ و نشر بین المللی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۳ ش

نویسنده:

صدر - بنت الهدی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تربیتی ۴۴ / ۵ / ۳

ریز موضوعات:

۳۰ - ۱۸ اجمالی از زندگی فاطمه بنت اسد و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام همسر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۸۵: زندگانی حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

مکان نشر: تهران

ناشر: انتشار

تاریخ نشر: ۱۳۴۰ ش

نویسنده:

سعیدی - سید غلامرضا

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۸ - ۱۷ ازدواج رسول خدا با خدیجه

۸۶: زندگانی حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: حافظ

تاریخ نشر: ۱۳۲۰ ش

نویسنده:

ابوالنصر - عمر و دیگران

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۸ - ۲ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام دختر خویلد

۳۹ - ۳۱ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در اخلاق و نسب و دارایی

۵۰ - ۴۰ زناشویی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۸۷: زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: شیراز

ناشر: کاوه

تاریخ نشر: ۱۳۵۴ ش

نویسنده:

دستغیب - سید عبدالحسین

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۰۳ - ۹۶ خدیجه نخستین زن مؤمنه

۸۸: زندگانی علی عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱

مکان نشر: باختران

ناشر: چاپ اراک

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۲۰ ش

نویسنده:

علی اکبر خدیور محسنی

ریز موضوعات:

۳۰۹ - ۳۰۵ زنان پیامبر، خدیجه س، عایشه

۸۹: زندگانی فاطمه زهراء عَلَيْهاالسَّلَام و زینب کبری عَلَيْهاالسَّلَام

مکان نشر: شیراز

ناشر: کانون تربیت

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۶۵ ش

نویسنده:

سید عبدالحسین دستغیب

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت ۵۴ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۱۲۶ - ۱۰۲ آسیه، مریم، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و

فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

۹۰: زندگانی محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی علمی

نویسنده:

محمّد حسنین هیکل و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۰۰ - ۱۷۳ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و فرزندان

۹۱: زندگانی محمّد پیامبری که از نو باید شناخت

مکان نشر: تهران

ناشر: آسیا

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۳ ش

نویسنده:

کنستان ویرژیل کتورگیو و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۲ – ۴۱ ازدواج با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و بعثت

۹۲: زندگانی محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: اقبال

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۸ ش

نویسنده:

خلیلی – محمّدعلی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۷ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۹۱ – ۷۶ چوپانی حضرت محمّد، ازدواج با خدیجه و بازرگانی شام

۱۱۰ – ۱۰۴ بعثت پیامبر – ایمان خدیجه و امام علی، داستان زید

۱۷۵ – ۱۶۵ وفات ابوطالب و خدیجه، سفر طائف، ازدواج حضرت

۹۳: زندگی پیامبر اسلام از بعثت تا هجرت

مکان نشر: تهران

ناشر: فروغی

تاریخ نشر: ۱۳۳۸ ش

نویسنده:

خدیور محسنی - علی اکبر

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۵۱ - ۴۱ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، امام علی عَلَیْهِ السَّلَام، زید بن حارثه

۳۲۹ - ۳۱۷ ابوطالب و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۹۴: زندگی حضرت محمّد خاتم النبیین

مکان نشر: تهران

ناشر: علمیه اسلامیه

تاریخ نشر: ۱۳۵۶ ش

نویسنده:

رسولی محلاتی - سید هاشم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

رده کتابخانه: اهل بیت ۴ / ۲ / ۲

ریز موضوعات: ۲۱۹ - ۱۹۸ عمر و معراج و ابوطالب و خدیجه

۹۵: زندگی محمّد پیامبر اسلام، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی اسلامیه

تایخ نشر: ۱۳۴۷ ش

نویسنده:

ابن هشام و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۱۵۸ - ۱۵۴ ورقه بن نوفل - خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۷۷ - ۲۶۵ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، سفر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

به طائف

۹۶: زندگینامه خدیجه کبری و فاطمه علیهما السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد بعثت

تاریخ نشر: ۱۳۶۰ ش

نویسنده:

معروف الحسنی - هاشم و دیگران

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

کلمه اهل بیت - ۵۱ - ۲۳

تصریح بر امامت ائمه از طرف - ۶۲ - ۵۳

زندگی خدیجه - ۸۵ - ۶۵

۹۷: زندگی سیاسی حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهاالسَّلَام

ناشر: عابد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۸ ش

نویسنده:

خفاوی - شهین و دیگران

ریز موضوعات:

۹۸: زن و شوهر: ج ۲

مکان نشر: مشهد

ناشر: شهید هاشمی نژاد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۱ ش

نویسنده:

محمّد علی صفوی (زرافشان)

کتابخانه: آیه اللّٰه مرعشی نجفی

ریز موضوعات: ۲۸۵ - ۲۳۲ عروسی محمّد و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۹۹: ستارگان درخشان، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

نوبت چاپ: ۶

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

محمّد جواد نجفی

کتابخانه: فیضیه

ریز موضوعات:

۵۸ - ۴۶ پیامبر و ازدواج با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۰۰: سروش، ش ۱۵۴

مکان نشر: تهران

ناشر: صدا و سیما

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۰ - ۳۴ ازدواج پیامبر با خدیجه

۱۰۱: سلام بر خورشید، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: اطلاعات

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ش

نویسنده:

سید علی اکبر حسینی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۹ - ۱۱ زندگی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و آشنایی با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۰ - ۲۰ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۰۲: سلام در اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: محمود ارگانی حائری

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

ارگانی حائری محمود

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۶۸ - ۶۵ سلام خداوند به یوسف عَلَیْهِ السَّلَام، اسماعیل عَلَیْهِ السَّلَام، خدیجه

۱۰۳: سیرت رسول اللّه، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: خوارزمی

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

ابن هشام متوفی ۲۱۸ و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت ۷ / ۲ / ۱

ریز موضوعات:

۴۱۸ - ۴۱۳ وفات خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و ابوطالب

۱۰۴: سیره چهارده معصوم عَلَیْهِ السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: مطهر

نوبت چاپ: ۴

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش

نویسنده:

محمّدی اشتهاردی - محمّد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱ / ۳ / ۱

ریز موضوعات:

چوپانی حضرت محمّد، ازدواج با خدیجه، فرزندان پیامبر

۱۰۵: سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام ج ۲

مکان نشر: قم

ناشر: آزاد گرافیک

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

جعفر مرتضی عاملی و دیگران

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۷۱ – ۲۶۹ خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و زینب دختر جحش

۱۰۶: سیری در تاریخ صدر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیرکبیر

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۹ ش

نویسنده:

قنبری همدانی – حشمت اللَّه

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱۸ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۵۵ – ۴۹ خواستگاری، ازدواج حضرت محمّد، حضرت خدیجه

۱۰۷: سیف الواعظین

مکان نشر: تهران

ناشر: عباسعلی ناصری

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

ناصری – عباسعلی

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۰ - ۱۰ تولد پیامبر ازدواج با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

- و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام ۲۰ - ۲۲

۱۰۸: سیمای زنان در آیینه زمان

مکان نشر: تهران

ناشر: حقایقی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۵ ش

نویسنده:

محمّد عباد زاده کرمانی

کتابخانه: دانشگاه باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: ۴۱ / ۶ / ۳

ریز موضوعات:

۲۰۳ - ۱۹۹ خدیجه، فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام، زینب عَلَیْهاالسَّلَام، معصومه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۰۹: سیمای زنان فداکار صدر اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: ناصر

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۷۰ ش

نویسنده:

سید علی اکبر صداقت

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۸ - ۵ زندگی خدیجه عَلَيْها السَّلَام

۱۱۰: سیمای زنان در قرآن

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت سهامی انتشار

نوبت چاپ: ۹

تاریخ نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

سید خلیل خلیلیان

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۲ - ۴۸ خدیجه عَلَيْها السَّلَام، سمیه، سهله، فارعه

۱۱۱: شاهد ش ۹

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد شهید

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۰ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۱۴ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۱۲: شرح حال و فضایل خاندان نبوت

مکان نشر: مشهد

ناشر: به نشر

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۹ ش

نویسنده:

ابن جوزی - یوسف بن قزاوغلی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۹ / ۲ / ۱

ریز موضوعات:

۴۲۵ - ۳۹۸ شرح حال حضرت خدیجه و فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

۴۰۳ - ۳۹۸ ازدواج حضرت خدیجه و فضایل و وفات آن حضرت

۱۱۳: شکوه زندگی

مکان نشر: باختران

ناشر: امید

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

محمّد تقی کمالی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۲۱ – ۱۴ ویژگی زندگی خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۱ – ۲۷ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام پناهگاه زنان

۴۴ – ۳۵ چگونگی ازدواج خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و پیامبر

۱۰۸ – ۹۸ زندگی دختران خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و پیامبر

۱۱۴: شمع انجمن

مکان نشر: قم

ناشر: چاپخانه اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۱ ش

نویسنده:

رضا علماء قمی

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۵۹۲ – ۵۸۶ وفات خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۱۵: شهبانوی اسلام

مکان نشر: باختران

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۵ ش

نویسنده:

ایرج زندبگله (صفا علی)

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۶ – ۱۱ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و تولد زهرا عَلَیْهاالسَّلَام

۱۱۶: صدیقه شهیده، زهرا عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ش

نویسنده:

سید عبدالرزاق موسوی مقرم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت ۱ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۲۷ – ۱۲ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۱۷: صدیقه طاهره بانوی نمونه اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: هیأت فاطمیون تهران، نوید اسلام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۴۷ – ۳۶ پیامبر و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۵۴ – ۴۸ فضایل خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۱۸: طبقات، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۵ ش

نویسنده:

کاتب واقدی – محمّد بن سعد و دیگران

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۳۹ – ۱۲۶ فرزندان پیامبر و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۱۹: طریق المؤمنین

مکان نشر: قم

ناشر: علمیه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۵ ش

نویسنده:

عباس علی وحیدی منفرد

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۷۹ - ۲۴۶ خدیجه بزرگترین روح اسلام

۱۲۰: طریق المؤمنین در بیان ارکان دین

مکان نشر: قم

ناشر: عباسعلی وحیدی منفرد

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۷

نویسنده:

وحیدی منفرد - عباسعلی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۹۱ - ۲۴۶ زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، عبدالمطلب و ابوطالب

۱۲۱: فاطمه الزهرا عَلَیْهاالسَّلَام از ولادت تا شهادت

مکان نشر: قم

ناشر: مرتضی

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۸۰ ش

نویسنده:

قزوینی – محمّد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۳ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۱۷۸ – ۱۷۴ رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۲۲: فاطمه چه گفت؟ مدینه چه شد؟

مکان نشر: تهران

ناشر: سروش

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش

نویسنده:

زورق – محمّد حسن و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۴ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۱۸۷ - ۱۷۷ محمّد و خدیجه قبل از بعثت

۱۲۳: فاطمه زهراء عَلَيْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت سهامی طبع کتاب

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۴۳ ش

نویسنده:

عماد زاده - حسین

کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۵۴ - ۲۲ اهل بیت و خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۱۲۴: فاطمه بر کرسی رهبری

مکان نشر: تهران

ناشر: روزبه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۵ ش

نویسنده:

دین پرور - سید جمال الدین

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۱ – ۹ شخصیت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۲۵: فاطمه زهرای عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی رجبی

تاریخ نشر: ۱۳۴۸ ش

نویسنده:

زندبگه – ایرج

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۵ – ۷ خدیجه بانوی فداکار اسلام

۱۲۶: فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام از ولادت تا شهادت

مکان نشر: تهران

ناشر: آفاق

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

قزوینی – سید محمّد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۳ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۵۸ – ۴۴ ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۴۶ – ۱۳۲ وفات خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و کودکی

فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۲۷: فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ش

نویسنده:

سازمان تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۲۱ – ۱۱ پیامبر و ازدواج با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۲۱ – ۱۸ مقام خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۲۸: فرهنگ فاطمیه (الفبای شخصیتی حضرت زهرا عَلَیْهاالسَّلَام)

مکان نشر: اصفهان

ناشر: مرکز فرهنگی شهید مدرس

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۰ ش

نویسنده:

نیلی پور - مهدی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۴ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۲۶۷ - ۲۶۶ خدیجه مادر حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۶۷ - ۳۶۶ خدیجه مادر حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۲۹: فریاد یک رسالت

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نویسنده:

محمّد یوسف حریری

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۳۳ - ۲۷ ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۳۰: فهرست موضوعی تراجم

مکان نشر: قم

ناشر: کتابخانه عمومی آیت اللّه مرعشی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۱ ش

گرد آور: ایرانی قمی - اکبر و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۶۵ - ۲۶۱ خدیجه، عایشه و زنان دیگر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم (۲۸ عنوان)

به فارسی و عربی

۱۳۱: قصص الانبیاء

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی اسلامیه

نوبت چاپ: ۱۰

نویسنده:

مولانا محمّد جویری

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۲۵۲ - ۲۵۲ داستان تزویج خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۳۲: قصص قرآن، تاریخ انبیاء

مکان نشر: تهران

ناشر: صدوق

نوبت چاپ: ۷

تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ش

نویسنده:

سید محمّد باقر موسوی - اکبر غفاری

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت ۸ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۴۱۸ - ۴۱۶ وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام هجرت

۱۳۳: کامل ج ۱ تاریخ بزرگ اسلام و ایران

مکان نشر: تهران

ناشر: علمی

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

عز الدین علی بن الاثیر و دیگران

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۹ - ۳۴ ازدواج با خدیجه - حلف الفضول

۱۳۴: کتابی که باید خواند

مکان نشر: تهران

ناشر: چاپخانه پایا

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ش

نویسنده:

بانو جلالی خمینی

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۵ – ۲۳ ازدواج پیامبر و خدیجه

۹۸ – ۹۵ وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه

۱۳۵: کوثر س ۱ ش ۱

مکان نشر: قم

ناشر: آستان مقدسه حضرت معصومه عَلَیْهاالسَّلَام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۶ ش

صاحب امتیاز: آستانه مقدسه حضرت معصومه عَلَیْهاالسَّلَام و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۳۳ – ۲۴ زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، اوضاع اجتماعی زنان در عصر جاهلیت

۱۳۶: گلستان قرآن س ۴ ش ۹۵ پیاپی ۱۳۹ سال ۱۳۸۰

مکان نشر: تهران

ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۰

زیر نظر: مسجد جامعی – احمد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۲ – ۱۹ تأثیر حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بر زندگی سیاسی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۲۸ – ۲۷ روایت های تاریخ دربارهی ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۰ – ۲۹ فرزندان حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۳۶ – ۳۲ فضیلت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در گفتار بزرگان

۱۳۷: گنجینه های ویران

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

محمّد عبایی خراسانی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۵۵ – ۴۹ ارقم، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، کلثوم بن هدم و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۱۳۸: ماتمکده

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۲۸۷ ق

نویسنده:

ملا محمّد خراسانی

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۳ - ۳ ظلم قریش بر پیامبر، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۳۹: مادر نمونه اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: امیر

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۴ ش

نویسنده:

غلامعلی رحیمیان

ریز موضوعات:

۱۳ - ۵ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۴۰: مجالس الواعظین، ج ۳

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

تاریخ نشر: ۱۳۵۴ ش

نویسنده:

محلاتی - ذبیح اللَّه و دیگران

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات: ۱۲۸ - ۱۲۰ وفات خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و بیعت با القادر

۱۴۱: مجموعه زندگانی چهارده معصوم

مکان نشر: تهران

ناشر: طلوع

نوبت چاپ: ۵

تاریخ نشر: ۱۳۴۸ ش

نویسنده:

عماد زاده - حسین

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

۲۲۶ - ۲۱۳ خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۱۴۲: محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیامبر خدا

مکان نشر: باختران

ناشر: کتابفروشی صحافیان

تاریخ نشر: ۱۳۴۷ ش

نویسنده:

دنت - ای و دیگران

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۴۵ - ۳۹ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و ریاست کاروان

خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۵۳ – ۴۷ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۵۳ – ۴۷ حل منازعه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۴۳: محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیام آور آزادی، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: حکمت

تاریخ نشر: ۱۳۵۶ ش

نویسنده:

شرقاوی – عبدالرحمن و دیگران

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۷۶ – ۷۰ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۹۷ – ۱۹۴ وفات خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و ابوطالب

۱۴۴: محمّد رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

مکان نشر: تهران

ناشر: روزنامه آریان

تاریخ نشر: ۱۳۵۸ ش

نویسنده:

قدیمی رضوانی – ذبیح اللَّه

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام ۱۸۹ - ۲۰۴

- خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام ۲۱۶ - ۲۲۸

۱۴۵: محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیغمبری که از نو باید شناخت

مکان نشر: تهران

ناشر: خواندنیها

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۲ ش

نویسنده:

کونستان ویرژیل کیورکیو و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَيْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیت اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۸ - ۳۰ ازدواج محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۱۴۶: محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیغمبر شناخته شده

مکان نشر: قم

ناشر: چاپ حکمت

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ش

نویسنده:

محمّد علی انصاری

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۴۳ – ۲۹ ازدواج محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۱۴۷: محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم خاتم پیغمبران، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: حسینیه ارشاد

تاریخ نشر: ۱۳۴۷ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳ – ۹۲ خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام و ازدواج های پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

– خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام ۳۸۴ – ۳۸۸

۱۴۸: محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در شیرخوارگی و خردسالی

مکان نشر: باختران

تاریخ نشر: ۱۳۴۲ ش

نویسنده:

محمّد شوکت التونی و دیگران

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- ۹ محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و قافله سالاری خدیجه ۳۸۹

۵۲ - ۴۲۲ مراجعت مکه و ازدواج با خدیجه ۴

۱۴۹: مکتب انقلاب ش ۵

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

ریز موضوعات:

۰ - ۶۸ ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۵۰: ناسخ التواریخ حضرت عیسی عَلَیْهِ السَّلَام ج ۳

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۳ ش

نویسنده:

محمّد تقی سپهر

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

رده کتابخانه: ادیان ۱ / ۴ / ۱

ریز موضوعات:

۵۱۴ – ۵۰۸ ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۵۱: وفات حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: خیام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

سید عبدالرزاق موسوی مقرم و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۲ – ۱۳ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۵۲: همراه با پیامبران در قرآن

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نویسنده:

طباره – عفیف عبدالفتاح و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: قرآن ۵ / ۵ / ۶

ریز موضوعات:

۵۴۱ – ۵۳۶ همسران پیامبر (خدیجه، سوده، عایشه، حفصه، ام حبیبه)

۱۵۳: همسران رسول خدا

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۵۲ ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی – عبدالرحیم

کتابخانه: جامعه الزهرا عَلَیْهاالسَّلَام

ریز موضوعات:

۱۹ – ۱۳ خدیجه

۳۰ – ۲۶ سوده، عایشه – زینب بنت خدیجه

۱۵۴: یک بحثی تحلیلی و تاریخی دربارهی همسر

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۵۲ ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۱۹ – ۱۳ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

۱۵۵: ینابیع الموده ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: بوذرجمهری

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۷ ش

نویسنده:

سلیمان بلخی قندوزی حنفی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

کتابخانه: آیه اللَّه مرعشی نجفی

رده کتابخانه: اهل بیت ۷ / ۱ / ۱

ریز موضوعات:

۴۳۰ – ۳۹۷ پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و فضایل خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام

ب – محقق و نویسنده دلسوخته اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، مجموعه ای را در اختیارمان قرار داده اند، که به محضرعلاقه مندان به تحقیق دربارهی حضرت خدیجه تقدیم می نماییم.

کتابنامه حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

الف؛ به عربی

۱. ام المؤمنین، خدیجه بنت خویلد / علی محمدعلی دخیل / بیروت / ۱۳۹۹ ه.

۲. ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد / عبدالمنعم محمد عمر / قاهره / ۱۹۸۲ م.

۳. خدیجه ام المؤمنین / احمد عبدالجواد الدومی / بیروت.

۴. خدیجه ام المؤمنین / بثینه توفیق / قاهره / ۱۹۵۵ م.

۵. خدیجه ام المؤمنین / ذوالفقار مهران / قاهره /

۶. خدیجه ام المؤمنین / عبدالّله علایلی / بغداد /

۷. خدیجه ام المؤمنین / عبدالحمید محمد شاکر زهراوی / قاهره / ۱۹۸۲ م.

۸. خدیجه ام المؤمنین / ؟ / قاهره / ۱۹۵۵ م.

۹. خدیجه، اوّل امٍّ للمؤمنین / احمد عبد المنعم عبدالسّلام حلوانی / قاهره / ۱۹۶۹ م.

۱۰. خدیجه بنت خویلد / محمد عبدالغنی حسن / قاهره / ۱۹۶۲ م.

۱۱. خدیجه بنت خویلد / محمد علی قطب / بیروت / ۱۹۸۸ م.

۱۲. خدیجه زوجه الرّسول / طه عبدالباقی سرور / قاهره / ۱۹۵۷ م.

۱۳. خدیجه الکبری / عبدالستار بعاج / نجف اشرف / ۱۹۵۶ م.

برای کودکان:

خدیجه بنت خویلد ام المؤمنین / مؤسّسه اعلمی / بیروت / ۱۴۲۴ ه.

ب؛ مقاله عربی:

۱۴. خدیجه / ام مریم / مجلّه الرائد / بُن / ش ۹۰ و ۹۱ / ۱۴۰۶ ه

۱۵. خدیجه بنت خویلد / مجلّه منار الاسلام / سال ۹ / ش ۱۰ / ۱۴۰۴ ه.

۱۶. خدیجه بنت خویلد / محمد خلیفه تونسی / مجلّه الکویت / ش ۵۴ / ۱۴۰۷ ه.

۱۷. خدیجه الکبری ام المؤمنین / هنا عبدالحمید / مجلّه رساله ی الجهاد / ش ۲۱ / ۱۹۸۴ م.

ج؛ به فارسی:

۱۸. خدیجه / دخیّل / ترجمه دکتر فیروز حریر چی / تهران / ۱۳۶۱ ش.

د؛ مقاله:

۱۹. خدیجه بزرگ بانوی اسلام / مجلّه پیام انقلاب / سال ۳ / ش ۶۱ / ۱۳۶۱ ش.

۲۰. خدیجه، ملکه اسلام / جعفر سبحانی / مکتب اسلام / سال ۲ / ش ۱۱ / ۱۳۸۰ ه.

ه؛ ضمنی:

۲۱. ام سیّده نساء العالمین / امّهات المعصومین / عبدالعزیز کاظم البهادلی / ص ۴۸ – ۶۸.

۲۲. خدیجه ابنه خویلد / سیر اعلام النبلاء / ذهبی / ج ۲ / ص ۱۰۹.

۲۳. خدیجه، اولی زوجات النّبی / بُول / دائره المعارف الاسلامیه / ج ۸ / ص ۲۳۴ / ۲۳۶.

۲۴. خدیجه بنت خویلد / اسدالغابه / ابن اثیر / ج ۵ / ص ۴۳۴ – ۴۳۹.

۲۵. خدیجه بنت خویلد / الاستیعاب / ابن عبدالبر / ج ۴ / ص ۲۷۹ – ۲۸۹.

۲۶. خدیجه بنت خویلد / الاصابه / ابن حجر / ج ۴ / ص ۲۸۱ – ۲۸۳.

۲۷. خدیجه بنت خویلد / اعلام النّساء / کحاله / ج ۱ / ص ۳۲۶ – ۳۳۱.

۲۸. خدیجه بنت خویلد / اعیان النّساء / محمدرضا حکیمی / ص ۱۰۵ – ۱۱۰.

۲۹. خدیجه بنت خویلد / تراجم اعلام النساء / اعلمی / ج ۲ / ص ۴۱ تا ۵۴.

۳۰. خدیجه بنت خویلد / تراجم سیّدات بیت النبوه / عایشه بنت الشاطی / ص ۲۱۳ – ۲۳۸.

۳۱. السیّده خدیجه / امّهات المعصومین / آیه اللّه شیرازی / ص ۵۳ – ۹۶.

۳۲. فضائل خدیجه / مقتل الحسین / خوارزمی / ج ۱ / ص ۴۱ – ۵۶.

و؛ ضمنی / به فارسی:

۳۳. خدیجه الکبری / لغتنامه / دهخدا / حرف خ / ص ۳۵۵.

۳۴. زندگانی ام المؤمنین خدیجه / ریاحین الشریعه / محلاتی / ج ۲ / ص ۲۰۲ – ۲۸۳.

[موارد دیگر]

در پایان، موارد دیگری را اشاره می نماییم

در دائره المعارف ها، همانند «دائره المعارف تشیع» در لغت خدیجه و لغتنامه ها همانند «لغتنامه دهخدا» و کتب حدیث، همانند «بحارالانوار» علامه مجلسی و کتب تاریخ، که مربوط به دوره پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم می باشد، همانند ناسخ التواریخ و کتب تراجم همانند:

«اعیان الشیعه» در لغت خدیجه و «ریحانه الادب» (در لغت ام المؤمنین) و کتب رجال حدیث، همانند «تنقیح المقال» و «معجم رجال الحدیث»، دربارهی خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام بحث و بررسی انجام گرفته است و علاوه بر اینها، کتابهای مستقل دیگری تألیف گشته و یا در ضمن کتابی مربوط به موضوعی گسترده، دربارهی حضرت خدیجه، فصلی قرار داده شده است که ذیلاً ذکر می نماییم.

۱ – الانوار السّاطعه، من الغرّأ الطاهره / غالب السیلاوی

۲ – خدیجه نخستین مسلمان و همسر پیامبر / رسیت هیلامازر / ۱۳۸۵ ش / ترکیه / به زبان انگلیسی

۳ – مثلهن الاعلی، خدیجه / عبدالله العلائلی / ۱۴۱۲ قمری / بیروت

۴ – الکوثر فی احوال فاطمه بنت النبی / موسوی / بخش مربوط به خدیجه

۵ – السیّده خدیجه، رمز التضیحه / علی اصغر مدرسی / ۱۳۸۱ شمسی

۶ – المجموعه الکامله لمؤلفات العقاد / عباس محمود عقاد / بخش مربوط به خدیجه

۷ – عظمأ الاسلام / شیخ محمد حسن قبیسی عاملی / بخش مربوط به خدیجه

۹ – فصلنامه قرآنی کوثر / مجله / شماره ۲۰ سال ششم / ۱۳۸۵ ش

۱۰ – الذرّیه الطاهره

/ حماد انصاری رازی دولابی / بخش مربوط به خدیجه

۱۱ - فروغ آسمان حجاز، خدیجه / علی کرمی فریدنی / چاپ دوم / ۱۳۸۳

۱۲ - نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه / علی کرمی فریدنی / ۱۳۸۵ ش

۱۳ - سرچشمه کوثر / علی اکبر مهدی پور / ۱۳۸۵ ش

۱۴ - شمع محفل طه / سید محمد حسن سجاد / علیرضا مهرپرور / ۱۳۸۵

مقاله هایی دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

اشاره

نویسندگان محقق و اندیشمند و دلسوخته خاندان رسالت و امامت، مقاله های ارزشمندی دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام نوشته و منتشر نموده اند، که با تفاوت ها و تنوعهایی که از نظر انتخاب موضوعات مورد بحث و سبک نگارش و اجمال و تفصیل مطلب و ... دارد، می تواند نقش مؤثری در آگاهی نسبت به عظمت و شخصیت و فداکایهای آن حضرت داشته باشد.

بخشی از این مقاله ها، در مجله های معتبر منتشر گردیده و بعضی در ضمن کتابی دربارهی پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و یا مجموعه ای دربارهی زنان برجسته و یا همسران رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و ... درج گردیده است و هم اکنون، به منظور زمینه سازی برای آشنایی با زندگی و شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و دسترسی آسان به شماری از این مقاله ها که در کتابها و مجله های گوناگون منتشر گردیده، گزیده ای از این مقالات را در این یادواره، به محضر علاقه مندان به آن بانوی بزرگ تقدیم می نماییم و در بخش «کتابها و مقاله ها دربارهی حضرت خدیجه» آدرس و مشخصات شمار بسیاری از آثار منتشر شده دربارهی آن حضرت را در اختیار پژوهشگران علاقه مند قرار می دهیم.

مقاله اول

اشاره

استاد محقق و نویسنده عالیقدر و نامدار حضرت آیه الله حاج شیخ جعفر سبحانی دامت برکاته در کتاب بسیار نفیس و محققانه «فروغ ابدیت» در بخش نهم، قسمت قابل توجهی را به ازدواج پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و حضرت خدیجه پرداخته اند، که هم اینک در اختیار علاقه مندان قرار می دهیم:

... کاروان «قریش» آماده حرکت شد، کالاهای بازرگانی «خدیجه» نیز در آن میان بود، در این هنگام «خدیجه» شتری راهوار

و مقداری کالای گرانبها در اختیار وکیل خود گذارد و ضمناً به دو غلام خود دستور داد، که در تمام مراحل کمال ادب را به جا آورند و هر چه او انجام داد، ابداً اعتراض ننمایند و در هر حال مطیع او باشند.

بالاخره کاروان به مقصد رسید و همگی در این مسافرت سودی بردند، ولی پیامبر بیش از همه سود برد و چیزهایی نیز برای فروش در بازار «تهامه» خرید.

کاروان «قریش» پس از پیروزی کامل، راه مکه را پیش گرفت، جوان قریش در این سفر برای بار دوم از دیار عاد و ثمود گذشت، سکوت مرگباری که در محیط زندگی آن گروه سرکش حکمفرما بود، او را بیشتر به عوالم دیگر متوجه نمود، علاوه بر این، خاطرات سفر سابق تجدید شد، بیاد روزی افتاد که همراه عموی خود همین بیابانها را پشت سر می نهاد، کاروان قریش به مکه نزدیک شد، «میسره» رو به رسول خدا نمود و گفت:

چه بهتر شما پیش از ما وارد «مکه» شوید و «خدیجه» را از جریان تجارت و سود بی سابقه ای که امسال نصیب ما گشته است، آگاه سازید، پیامبر اکرم، در حالی که «خدیجه» در غرفه خود نشسته بود، وارد مکه شد، «خدیجه» به استقبال او دوید و او را وارد غرفه نمود؛ پیامبر با بیان شیرین خود جریان کالاها را تشریح کرد، چیزی نگذشت که «میسره» وارد شد.

(۴۸)

غلام «خدیجه» (میسره) آنچه را در این سفر دیده بود که تمام آنها بر عظمت و معنویت «محمّد امین صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم» گواهی می داد برای خدیجه مو به مو تعریف کرد، از جمله اینکه: «امین» بر سر موضوعی

با تاجری اختلاف پیدا نمود، آن مرد به او گفت به «لات» و «عزی» سوگند بخور، تا من سخن تو را بپذیرم، «امین» در پاسخ او چنین گفت، پست ترین و مبغوض ترین موجودات پیش من همان لات و عزیست که تو آنها را می پرستی (۴۹) و نیز میسره اضافه نمود که در «بصری» «امین» به منظور استراحت، زیر سایه درختی نشست، در چنین هنگام، چشم راهبی که در صومعه خود نشسته بود به امین افتاد و آمد از من نام او را پرسید سپس چنین گفت:

«این مرد که در زیر سایه این درخت نشسته است همان پیامبریست که در «تورات و انجیل» در باره او بشارت های فراوانی خوانده ام! (۵۰)

خدیجه بانوی اسلام

تا آن روز وضع مالی و اقتصادی رسول اکرم مرتب نشده بود و هنوز به کمک های مالیِ عموی خود ابوطالب نیازمند بود، وضع کار و کسب او ظاهراً چندان ریشه دار نبود، که بتواند همسری انتخاب کند و تشکیل عائله دهد.

سفر اخیر وی به شام آن هم به طرز وکالت و نمایندگی از طرف یکی از زنان ثروتمند و سرشناس قریش (خدیجه) تا حدی وضع مالی و اقتصادی او را تثبیت نمود، دلاوری و کاردانی جوان قریش مورد اعجاب خدیجه قرار گرفت، حاضر شد که مبلغی را علاوه بر قرارداد، به عنوان جایزه بپردازد ولی «جوان قریش» فقط اجرتی را که در آغاز کار معین شده بود دریافت نمود و سپس راه خانه ابوطالب را پیش گرفت و آنچه در این راه به دست آورده بود، برای اینکه گشایشی در وضع زندگی ابوطالب به وجود آید؛ همه را در اختیار او گذارد.

عموی چشم به راه، با

دیـدن برادر زاده خود که یادگـار پـدر (عبـدالمطلب) و برادر بود، اشـک شوق در چشـمان او حلقه زد و از پیروزی او در کار تجارت و سودی که عاید او گشـته بود بسیار خوشحال گشت و حاضر شد که دو اسب و دو شتر در اختیار برادر زاده بگذارد، تـا بـه شـغل بازرگـانی ادامه دهـد و از طلاـ و نقره ای که در این سـفر به دست آورده و همه را در اختیـار عمـو گـذارده بـود، همسری برای او انتخاب کند.

در چنین شـرائط، رسول اکرم صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَـلَّم تصـمیم قاطع گرفت که همسـری به عنوان شـریک زنـدگی انتخاب نمایـد. ولی چطور شـد این قرعه به نام خـدیجه افتاد، که قبلًا پیشـنهاد ثروتمندترین و متنفذترین رجال قریش را، مانند عقبه بن ابی معیـط و ابوجهـل و ابوسـفیان دربارهی ازدواج با خود، رد کرده بود و چه عللی پیش آمـد که این دو شـخص را که از نظر زنـدگی کاملاًـ مختلف بودنـد، به هم نزدیـک کرد و آن چنان رابطه و الفت و محبت و معنویت میان آنان به وجود آورد، که خـدیجه تمام ثروت خود را در اختیار محمّد صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَـلَّم گذارد و تجارتیکه دامنه آن به مصـر و حبشه کشـیده بود، در راه توحیـد و اعلاء کلمه حق مصـرف گردیـد، خانه ای که اطراف آن را کرسـیهای عاج نشان و صدف نشان پر کرده بود و حریرهای هند و پرده های زربفت ایران آرایش داده بود، بالاخره پناهگاه مسلمانان شد.

ریشه این حوادث را باید در تاریخ زندگانی خدیجه پیدا نمود. چیزی که مسلم است اینست که: این نوع خدمات

و گذشت و فداکاری تا ریشه ثابت و پاک و معنوی نداشته باشد، به طور مسلم پیوسته نمی گردد.

صفحات تاریخ گواهی می دهد که این ازدواج معلول و مولود ایمان خدیجه به تقوی و پاکدامنی و عفت و امانت عزیز قریش بود و شرح زندگانی خدیجه و روایاتی که در فضیلت او وارد شده است، این مطلب را بیشتر روشن می نماید.

چون وی زنی پاکدامن و عفیف بود، همواره دنبال شوهر متقی و پرهیزگار می گشت و از این نظر پیامبر دربارهی وی فرمود:

«خدیجه از زنان با فضیلت بهشت است» و اول کسی که از زنان به محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ایمان آورد، خدیجه بود.

امیر مؤمنان در خطبه ای که به غربت اسلام در آغاز بعثت اشاره می نماید، می فرماید:

خانواده مسلمانی در اسلام نبود، جز خانواده ای که از پیامبر و خدیجه تشکیل یافته بود و من سومین نفر آنها بودم (۵۱)

«ابن اثیر» می نویسد:

که تاجری «عفیف» نام، وارد مسجد الحرام شد و از اجتماع و عبادت یک جمعیَّت سه نفری کاملاً در شگفت مانده؛ دید وی با خدیجه و علی عَلَیْهِ السَّلَام مشغول نماز است، برگشت، با عموی پیامبر «عباس» ملاقات کرد و آنچه را دیده بود به وی گفت و از حقیقت امر پرسید، وی گفت:

پیشوای آن سه نفر مدعی نبوت و پیامبری و آن زن، همسر وی خدیجه است و نفر سوم فرزند برادرم علیست سپس افزود:

در روی زمین کسی را سراغ ندارم که پیرو این آیین باشد جز همین سه نفر. (۵۲) و تفصیل و نقل روایاتی در فضیلت او وارد شده است که از حوصله گفتار ما بیرونست چه بهتر به تفصیل عللی که

این حادثه تاریخی را به وجود آورد بپردازیم.

علل ظاهری و باطنی این ازدواج

مردان مادّی که همه چیز را از دریچه مادّیگری مطالعه می کننـد، پیش خود چنین تصور می کنند که: چون خدیجه ثروتمند و تجارت پیشه بود، برای امور تجارتی خود به یک مرد امین، بیش از هر چیزی نیازمند بود، از این لحاظ با محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ازدواج نمود و محمّد نیز از وضع زندگی آبرومندانه او آگاه بود با اینکه توافق سنّی نداشتند؛ تقاضای او را پذیرفت.

ولی آنچه را تاریخ نشان می دهد اینست که محرک خدیجه برای ازدواج با امین قریش، یک سلسله جهات معنوی بود، نه جنبه های مادی، اینک شواهد ما:

۱ - هنگامی که از «میسره» سرگذشت سفر جوان قریش را می پرسد او کراماتی را که در طول این سفر از او دیده بود و آنچه را از راهب شام شنیده بود برای او نقل می نماید، «خدیجه» شوق مفرطی که سرچشمه آن علاقه به معنویّت «محمّد» صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود، در خود احساس می کند و بی اختیار به او می گوید، میسره کافی است، علاقه مرا به محمّد دو چندان کردی، برو، من تو و همسرت را آزاد کردم و دویست درهم و دو اسب و لباس گرانبهایی در اختیار تو می گذارم.

سپس آنچه را از «میسره» شنیده بود برای «ورقه بن نوفل» که دانای عرب بود، نقل می کند او می گوید:

صاحب این کرامات پیامبر عربیست (۵۳)

۲ - روزی «خدیجه» در خانه خود نشسته و دور او را کنیزان و غلامان گرفته بودند، یکی از دانشمندان «یهود» نیز در آن محفل بود، اتفاقاً «جوان قریش» از کنار منزل آنها گذشت و چشم

دانشـمند «یهود» به پیامبر افتاد، فوراً از خدیجه در خواست نمود؛ که از «محمّد» تقاضا کند از مقصد خود منصـرف شود و چند دقیقه در این مجلس شـرکت نمایـد، رسول اکرم صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَـلَّم؛ تقاضـای دانای «یهود» را که مبنی بر نشان دادن علائم نبوت در بدن او بود پذیرفت، در این هنگام «خدیجه» رو به دانشمند «یهودی» کرد و گفت:

هر گاه عموهای او از تفتیش و کنجکاوی تو آگاه گردنـد، عکس العمل بدی نشان می دهند، زیرا آنان از گروه یهود به برادر زاده خود هراساننـد. در این موقع، دانای «یهود» گفت: مگر می شود به محمّـد کسـی صدمه ای برساند، در صورتی که دسـت تقدیر او را برای ختم نبوت و ارشاد مردم پرورش داده است «خدیجه» گفت:

از کجا می گویی که او حائز چنین مقام می شود؟ وی گفت:

من علائم پیامبر آخر الزمان را در تورات خوانـده ام و از نشانه های او اینست که پـدر و مادر او می میرنـد و جد و عموی وی، از او حمایت می نمایند و از «قریش» زنی را انتخاب می نماید که سیده قریش است، سپس اشاره به «خدیجه» نمود و گفت:

خوشا به حال کسی که افتخار همسری او را پیدا کند! (۵۴)

۳ - ورقه عموی خدیجه از دانایان عرب بود و اطلاعات فراوانی دربارهی کتب عهدین داشت و مکرر می گفت که:

مردی از میـان «قریش» از طرف خـدا برای هـدایت مردم برانگیخته می شود و یکی از ثروتمنـدترین زنـان قریش را می گیرد و چون «خدیجه» ثروتمندترین زنان قریش بود، از این لحاظ گاه و بیگاه به خدیجه می گفت:

روزی فرا رسد که تو با شریفترین مرد روی زمین وصلت می کنی!

۴ - خدیجه

شبی در خواب دید:

خورشید بالای مکه چرخ خورد و کم کم پایین آمد و در خانه او فرود آمده، خواب خود را برای ورقه نقل کرد وی چنین تعبیر نمود:

با مرد بزرگی ازدواج خواهی نمود و شهرت او عالم گیر خواهد شد.

اینها جریاناتیست که بعضی از مورخان و مرحوم علامه مجلسی (۵۵) نقل نموده اند و در بسیاری از کتب تاریخی نیز ثبت شده است.

مجموع اینها علل تمایل خدیجه را آفتابی می کند، که این تمایل بیشتر مولود ایمان و اعتقاد به معنویت جوان قریش بود و اینکه امین برای تجارت او از دیگران مناسبتر است، شاید کمترین اثری در ایجاد این وصلت نداشته است.

کیفیت خواستگاری خدیجه

قدر مسلم اینست که پیشنهاد، ابتدا از طرف خود خدیجه شده است، حتی ابن هشام (۵۶) نقل می کند که خدیجه شخصاً تمایلات خود را اظهار کرد و چنین گفت:

عمو زاده! من بر اثر خویشی که میان من و تو برقرار است و آن عظمت و عزتی که میان قوم خود داری و امانت و حسن خلق و راستگویی که از تو مشهود است، جدّاً مایلم با تو ازدواج کنم. «امین قریش» او را پاسخ داد که، لازم است عموهای خود را از این کار آگاه سازد و با صلاحدید آنها؛ این کار صورت بپذیرد.

بیشتر مورخان معتقدند که نفیسه دختر «علیه» پیام خدیجه را به پیامبر به طرز زیر رساند.

محمّد! چرا شبستان زندگی خود را با چراغ همسر روشن نمی کنی، هر گاه من تو را به زیبایی و ثروت، شرافت و عزت دعوت کنم می پذیری؟ پیامبر فرمود:

منظورت کیست؟

وی «خدیجه» را معرفی کرد، حضرت فرمود:

آیا (خدیجه) به این کار حاضر می شود، با اینکه وضع

زندگی من با او فرق فاحش دارد؟

نفیسه گفت:

اختیار او در دست من است و من او را حاضر می کنم، تو ساعتی را معین کن، که وکیل او (عمرو بن اسد) (۵۷) با شما و خویشانتان دور هم گرد آمده و مراسم عقد و جشن برگزار شود.

رسول اکرم با عموی بزرگوار خود (ابوطالب) جریان را مذاکره کرد، مجلس با شکوهی که از شخصیتهای بزرگ قریش را در برداشت، تشکیل گردید؛ نخست ابوطالب خطبه ای خواند که آغاز آن حمد و ثنای خداست و برادرزاده خود را چنین معرفی کرد:

برادر زاده من محمّد بن عبداللَّه با هر مردی از قریش موازنه و مقایسه شود؛ بر او برتری دارد؛ او اگر چه از هر گونه ثروتی محروم است لکن ثروت سایه ایست رفتنی واصل و نسب چیزیست ماندنی ... (۵۸)

چون خطبه ابوطالب مبنی بر معرفی قریش و خاندان هاشم بود در برابر آن، ورقه عموی خدیجه ضمن خطابه ای گفت:

کسی از قریش منکر فضل شما نیست، ما از صمیم دل می خواهیم دست به ریسمان شرافت شما بزنیم ...

عقد نکاح جاری شد و مهریه چهارصد دینار معین شد و بعضی گفته اند که مهریه بیست شتر بوده است.

مقاله دوم

اشاره

محقق عالیقدر و دلباخته اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام مرحوم آیت الله سید محمد کاظم قزوینی قدس سره در کتاب گرانسنگ «فاطمه الزهراء من المهد الی اللحد» که به وسیله نویسنده گرانمایه و عالیمقام، آقای حاج شیخ علی کرمی فریدنی دامت برکاته ترجمه شده، سه بخش را به مسائل مربوط به حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام اختصاص داده است که ذیلاً در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

مام گرانمایه او

مام گرانمایه فاطمه عَلَيْهاالسَّلَام بانوی ارجمندیست به نام خدیجه.

بانویی سپید چهره و نورانی و بلند قامت و زیبا، که در میان جامعه و مردمش پر شرافت و سخت محترم بود و در کارهایش اندیشور و بسیار خردمند. از هوشمندی و درایت بهره ای بسیار داشت و در امور و شئون، از بینشی ژرف و فراوان برخوردار بود.

در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به نفس خویش می زیست و به برکت مغز متفکّر و هوشمند خود چرخهای امور

اقتصادی و تجاری گسترده خویش را به حرکت می آورد و به اصول و مبانی و مقرّرات صادرات و واردات و مدیریّت شایسته اقتصادی آگاه بود.

اینها همه از صفات شایسته و ویژگی های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان شریف و یک زن با شخصیّت بود.

امّا صفات برجسته او به عنوان یک همسر و برای زندگی مشترک.

بانویی بود که هزاران هزار، از ثروت و دارایی خویش را به شوی گرانقدرش بخشید، تا به هر صورتی که می خواهد و می پسندد در آن تصرّف نماید و بی هیچ تردیدی دارایی هنگفت و سرمایه عظیم تجاری و اقتصادی این بانوی هوشمند و فداکار در پیشرفت و استواری اسلام نقش اساسی داشت.

چرا که اسلام در آن مرحله از حیاتش، در حال

شکل گرفتن و قـدرت یافتن بود و نیاز شدیدی به ثروت و امکانات اقتصادی و زندگی داشت و خداوند بر اثر درست اندیشـی و اخلاـص آن بـانو، این افتخـار را به او داد که دارایی و امکانات تجاری و مالی اش را برای اسـلام مهیّا ساخت و با تأمین نیاز اقتصادی اسـلام، در آن مرحله حسّاس، هدف پیامبر نیز که پیشرفت اسلام بود به طور عملی تحقّق یافت و پایه های آن، استوار گردید.

به همین جهت است که پیامبر فرمود:

هیچ ثروتی همانند ثروت «خدیجه» برای اهداف بلند من سود بخش و مفید نیفتاد.

ما نَفَعَنی مالٌ قَطْ مِثْل مَا نَفَعَنی مالُ خَدیجَه

پیامبر گرامی با بهره گیری از ثروت «خـدیجه» وام وامداران را می پرداخت و بردگان را آزاد می نمود و به درماندگان کمک می کرد و بار را از دوش آنان بر می داشت و در رخـدادهای ناگوار زنـدگی، از آن به هر انـدازه لازم بود مصـرف می کرد و زیر بـال محرومـان را می گرفت و هنگامی که در مکّه بود به یاران بینوای خویش کمک می کرد و پول و امکانات لازم برای هجرت مهاجران را می پرداخت.

پیـامبر در زمـان حیـات این بانوی فـداکار آنچه صـلاح می دانست از دارایی او هزینه می کرد و پس از رحلت او نیز باقیمانـده ثروتش را، او و فرزندانش به ارث بردند. (۵۹)

و درست به همین جهت است که سخن جاودانه پیامبر مفهوم روشن خویش را پیدا می کند که فرمود:

اسـلام پس از جاذبه و معنویّت خود، تنها با شجاعت و شهامت و شمشیر عدالت علی و دارایی خدیجه بر پای ایستاد و استواری یافت.

ما قامَ وَ لا اسْتَقامَ الدّینُ اِلا بِسَیفِ عِلیٍّ وَ مالِ خَدیجَهَ

نام بلند آوازه او

زندگی و همگامی

و همراهی این بانوی بزرگ و فداکار با پیامبر، در طول همه زندگی مشترک، در خور هر گونه تحسین و تکریم است.

به همین دلیل است که پیشوای بزرگ توحید، هر گاه پس از رحلت او نیز از وی و نام بلند آوازه اش یاد می کرد، یا نامش به میان می آمد، با همه وجود برای او طلب آمرزش می کرد و قلب مصفّا یش به یاد او می شکست و چه بسا که قطرات اشک دیدگانش، در اندوه فقدان آن یار مهربان و همسنگر و پشتیبان فداکار و هوشمند، بر گونه هایش می غلتید و فرو می ریخت.

روزی آن گرانمایه عصرها و نسلها، از خدیجه، همانند همیشه با عظمت و احترام بسیار یاد کرد که عایشه گفت:

ای پیامبر خدا! او بانویی سالخورده و از کار افتاده بود و خداوند بهتر از او را به شما داده است! پیامبر فرمود:

«هرگز این گونه که تو می پنداری نیست. خدا بهتر از او را به من نداده است، چرا که او هنگامی به من ایمان آورد، که مردم به من کفر ورزیدند و زمانی مرا تصدیق کرد، که مردم دروغگویم شمردند و آنگاه او مرا در ثروت و دارایی هنگفت خویش شریک ساخت، که مردم مرا از ثروت خویش محروم ساختند و خدا فرزندانی از آن بانوی پاک و فداکار به من ارزانی داشت و از دیگر زنان، فرزندی به من ارزانی نداشت و یا طبق خواست حکیمانه اش باقی ننهاد.»

پیامبر و پیمان زندگی مشترک

درست ۲۵ بهار از عمر گرانبها و پر برکت پیامبر می گذشت، که با بانوی چهل ساله ای به نام «خدیجه» که برترین بانوی روزگار خویش بود، پیمان زندگی مشترک را امضاء کرد و فصل جدیدی در زندگی اش

آغاز شد.

برخی سن و سال خدیجه، آن بانوی هوشمند و پاک را ۲۶ و ۲۸ سال نیز نوشته اند، امّا مشهورترین دیدگاه، همان است که او به هنگام ازدواج با پیامبر، ۴۰ بهار از عمرش می گذشت.

برخی بر آنند که «خدیجه» پیش از پیمان زندگی مشترک با پیامبر، دو بار ازدواج کرده و همسرانش یکی پس از دیگری از دنیا رفته بودند و برخی نیز بر این اندیشه اند که او تا هنگام ازدواج با پیامبر دختر و ازدواج نکرده بود.

ازدواج پیامبر با «خدیجه» شباهتی به ازدواج های شناخته شده نداشت، بلکه در نوع خود بی نظیر و دارای ویژگی هایی بود، چرا که این پیوند مبارک و مقدّس، نه ثمره عشق زودگذر و دوستی بی پایه و اساس بود و نه برخاسته از انگیزه های مادّی یا دیگر امور و اغراض و اهداف رایج، که در ازدواج چهره های مشهور و سرشناس دنیا وجود دارد.

و نیز هدف های سیاسی نیز در امضاء و تشکیل این زندگی مشترک و ساختار آن، نقشی نداشت.

افزون بر اینها، زندگی و شرایط اقتصادی پیامبر و «خدیجه» نیز با یکدیگر تناسبی نداشت و میان آنان فاصله بسیاری بود، چرا که پیامبر خود دارای ارزشهای مادّی و امکانات اقتصادی نبود و همانگونه که دوران کودکی راتحت سرپرستی و کفالت عموی گرانقدر خویش زندگی کرده بود، باز هم با او می زیست، امّا «خدیجه» ثروتمندترین و بی نیازترین زن در مکّه و جهان عرب بود.

به همین جهت فاصله زیادی میان سطح زندگی پیامبر و ثروتمندترین بانوی عرب می نگریم، امّا آن بانوی خردمند شنیده بود و خوب می دانست که آینده درخشان و بسیار امید بخشی در انتظار پیامبر است.

شاید این واقعیّت را از غلام

هوشـمند خویش «میسره» دریافته بود، که در سفر اقتصادی پیامبر با کاروان تجارتی «خدیجه» به سوی دمشق، همسفر پیامبر بود و نشانه های بسـیاری از شـکوه و عظمت و درایت و امانت و اقتـدار را در او دیده و همه را ضـمن تقدیم گزارش کار به بانوی خردمنـد حجاز، گزارش نموده بود، یا اینکه پیشـگویی آن راهب و عابد دیر «بصـری» در منطقه شام، در مورد آینده شـکوهبار «محمّد» به گونه ای به گوش «خدیجه» رسـیده بود و او نیز در پرتو ژرف نگری و الهام قلبیِ خویش، به آن آینده درخشان دل بسته بود.

بر این اساس بود که بانوی پر شـرافت حجاز، برنامه پیوند با پیامبر را تهیّه نمود و خود با قِداست و هوشـمندی ویژه اش، سـخن را در مورد آن مطلب، با پیامبر آغاز کرد و از آن حضـرت تقاضا نمود که گام به پیش نهد و از راه پدرش «خویلد» یا عمویش از او خواستگاری نماید، امّا پیامبر با وجود پیشگامیِ بهترین و ثروتمندترین بانوی جهان عرب برای پیوند با او، بهتر می دید که با بانویی که از نظر اقتصادی و مادّی با او هماهنگ باشـد زندگی مشترک را آغاز کند و به همین دلیل هم از «خدیجه» پوزش خواست و به او پاسخ مثبت نداد.

امّا از آنجایی که «خـدیجه» بانویی خردمنـد و دوراندیش و آگاه و با فضـیلت بود، در برابر دلیلِ پاسخِ منفیِ پیامبر به ازدواج با او گفت:

«آیا کسـی که تصـمیم گرفته است خویشـتن را به پیامبر ببخشد و جان ناقابل را فدای او کند، برای او مشکل است که ثروت و دارایی خویش را نیز بر او ببخشد و هر

آنچه دارد همه را نثار قدم دوست کند؟»

و با این دیدگاه بود که از پیامبر تقاضا نمود، تا عموهای خویش را به خانه پدرش «خویلد» گسیل دارد و به طور رسمی از او خواستگاری کند.

عموهای پیامبر پس از شنیدن این خبرِ شادی بخش، که در نوع خود بی نظیر بود، شگفت زده شدند و عمّه های آن حضرت نیز با شنیدن خبر این پیشنهاد از سوی بانوی حجاز، در بهت وحیرت فرو رفتند، چرا که به راستی هم، رخداد شگرفی بود!

بانویی که هزاران هزار دینار، ثروت و امکانات در اختیارش بود و ده ها و صدها کارگزار و کارمند از برکت سود سرشار کاروانهای تجاریِ او - که در فصل های گوناگون سال، میان «یمن» و «مکّه» از یکسو و «مکّه» و «دمشق» از سوی دیگر در حرکت بود - زندگی می کردند، بانویی که دارایی و امکانات گسترده اش، لحظه به لحظه در حال پیشرفت و توسعه بود، بانویی که بزرگان و سرشناسان و قدرتمندان روزگار از او خواستگاری نموده و به همه پاسخ منفی داده بود، اینک چگونه دل در گروِ مهر مقدّس و عشق پاک و پر معنویّت جوانی نهاده است، که از ارزشهای مادّی و زرق و برق روزگار، چیزی ندارد و در کنار عموی گرانقدر خویش ابوطالب زندگی می کند؟

راستی بانوی حجاز چگونه از او تقاضای ازدواج نموده و از آن حضرت خواسته است که این افتخار را به او بدهد و بپذیرد؟ چگونه؟!

آیا این گزارش درست است و به راستی حقیقت دارد؟

عمّه پیامبر «صفیّه» دخت بزرگوار «عبدالمطلب» برخاست و به سوی اقامتگاه «خدیجه» رفت، تا در این مورد تحقیق و بررسی نماید و آنگاه که با

بانوی حجاز دیدار کرد و با او روبرو شد به طور شگفت انگیزی با خوش آمد گویی و احترام و تکریم او روبرو شد و آمادگی او را بـا همه وجودش دریـافت و دیـد، آری بهترین و هوشـمندترین و ثروتمنـدترین بـانوی عرب، آمـاده امضاء پیمان زنـدگی مشترک با والاترین جوان عرب می باشد.

خردمندترین بانوی عرب در آستانه نیک بختی

«صفیّه» پس از دیدار با بانوی حجاز و اطمینان از درستی خبر، به سوی برادرانش بازگشت و حقیقت را با آنان در میان نهاد.

عموهای پیامبر پس از دریافت صحّت گزارش، شادمان شدند، امّا شادمانی آنان با نوعی بهت و حیرت همراه بود.

چرا که «خدیجه» بانوی بزرگی بود که قدرتمندان و اشـراف و امیران عرب به خواسـتگاریش شتافته بودند و او آنان را همشأن و همتای خویش ندیده و دست رد بر سینه همه آنان زده بود.

اینک چه انگیزه ای او را بر آن داشـته است که دل در گرو عشق مقـدّس جوانمردی نهد که از زرق و برق و ارزش و امکانات مادّی و مالی، نه زر و سیمی دارد و نه از زمین پهناور خدا، یک وجب خاک را مالک است؟!

عموهـای پیـامبر برخاسـتند و به اقامتگـاه بانوی حجاز شـتافتند و او را از پـدرش «خویلـد» یا عمویش، برای پیامبر خواسـتگاری کردند.

پدرش در برخورد نخست، پاسخ مثبت نداد، امّا به اشاره دخترش با آن پیوند موافقت کرد.

موضوع مهریّه پیش آمد و اینک باید مهریه ای در خور مقام و موقعیت بانوی بزرگ حجاز، از سوی پیامبر تقدیم گردد، امّا از کجا و چگونه؟ و چه کسی می تواند این مبلغ سنگین و در خور شخصیّت و موقعیّت «خدیجه» را تقدیم دارد؟

درست

در این لحظات بود که، دگر باره بانوی حجاز به کار جالب و شگرفی دست زد و با هدیّه نمودن چهار هزار دینار به پیامبر، از آن گرانمایه جهان هستی تقاضا کرد که آن را به عنوان مهریه به پدرش «خویلد» بپردازد، گرچه در یک روایت آمده است که جناب «ابوطالب» مهریه را با سرفرازی و شادمانی از اموال خویش تقدیم داشت و پیمان زندگی مشترک به امضاء رسید.

آری، با اینکه بانوی خردمند حجاز به ارزشهای والای اخلاقی و انسانی بهاء می دهد و در راه به دست آوردن شرافت و کرامت، ارزشهای مادی را فدا می کند.

با این وصف پدرش «خویلد» از این اندیشه بلند بی بهره است و این اختلاف دیدگاه را تنها میان این پدر و دختر نمی نگریم، بلکه این نا هماهنگی در اندیشه و این دو طرز تفکّر میان پدران و فرزندان و میان دو برادر و دو همسر و پدر و فرزند نیز، هم در روزگاران گذشته و هم در جهان معاصر، بسیار فراوان است.

به هر حال، جریان به خوبی پیش رفت، امّا رخدادی بی سابقه و بی نظیر و بهت آور بود.

در میان عرب کسی به خاطر نداشت که زنی خود مهریه اش را به همتای زندگی اش هدیه کند.

به همین جهت جای شگفت ندارد که حس حسادتورزیِ ابوجهل فوراً ن کند و آتش حسد در دل او زبانه کشد و فریاد زند که:

هان ای مردم! ما دیده بودیم که مردان مهریه زنان را می پردازند، امّا ندیده بودیم که زنان مهریه خویش را به مردان زندگی آینده خویش هدیه کنند و ابوطالب، فرزانه عرب پرخاشگرانه به او پاسخ داد که:

«مردک کم خرد و پست، چه می گویی؟

به جوانمردی همانند «محمّد» هم دختر می دهند و هم مهریه اش را خود هدیه می کنند، امّا مردک کم خردی چون تو، اگر هدیه هم تقدیم داری، پذیرفته نمی شود و پاسخ مثبت نخواهی شنید.»

و بنا بر روایتی، او را این گونه سرزنش کرد:

«اگر خواستگار همانند برادرزاده سرفراز من باشد، او را به بالاترین و گرانبهاترین قیمت ها می برند و پرشکوه ترین مهریه ها را به او هدیه می دهند. امّا اگر بسان تو باشد، با مهریّه سنگین هم نمی تواند با زنی شایسته ازدواج کند.»

این پیوند مبارک به بهترین صورت تحقّق پذیرفت و پیامبر به تقاضای «خدیجه» به اقامتگاه او گام نهاد.

از آن لحظات بیاد ماندنی بود که دیگر «خدیجه» همواره احساس می نمود که نیکبختی در کامل ترین شکل ممکن به او روی آورده و خورشید خوشبختی اش طلوع نموده است، چرا که او به بزرگترین آرزوی خویش - یعنی ازدواج با پیامبر - رسیده بود.

بانوی بزرگ حجاز در این زندگی مشترک، پسرانی به دنیا آورد که همگی آنان در کودکی از دنیا رفتند و دخترانی به نامهای «زینب» و «ام کلثوم» و «رقیّه» و «فاطمه» به او و پیامبر ارزانی شد، که کوچکترین، امّا برترین و پرشکوه ترین آنان فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام بود.

مورّخان در مورد دو دختر او، «زینب» و «ام کلثوم» دیدگاه متفاوتی دارند برخی بر این اندیشه اند که آن دو، از ثمرات شیرین این پیوند مقدّس نیستند. امّا درست اینست که این دو تن نیز، فرزندان پیامبرند. (۶۰)

دوری از یار مهربان

در روایت آمده است که:

فرشته وحی بر پیشوای بزرگ توحید فرود آمد و گفت:

ای «محمّد»! خداوند بلند مرتبه درودت می فرستد و به تو دستور می دهد که به مدّت چهل شبانه روز از همسرت «خدیجه» دوری گزینی.

این فرمان

بر پیامبر گران آمد، چرا که او آن بانوی خردمند و با ایمان را بسیار دوست می داشت.

آن حضـرت با وجود عشق و علاقه فراوان به «خـدیجه»، فرمان خدا را به جان خرید و این مدّت چهل شـبانه روز را، شب ها به نیایش و عبادت و روزها به روزه داری کمر بست و به «خدیجه» نیز به وسیله عمّار پیام فرستاد که:

«هر گز چنین مپنـداری که دوری گزیـدن از تـو، به خـاطر بی تـوجّهی و یـا کـدورت و نـاراحتی است، بلکه حقیقت اینست که پروردگارم مرا به این کار فرمان داده است و من تنها به انجام دستور می اندیشم. از این رو این دوری گزیدن را جز به نیکی و خیر نسبت به من گمـان نداشـته بـاش، چرا که خداونـد هر روز چنـدین مرتبه، به وجود شایسـته تو بر فرشـتگان گرانمـایه اش مباهات می کند».

از این رو هنگـامی که شب فرا می رسـد در را ببنـد و برای اسـتراحت به بسـتر خویش درآی و آگـاه بـاش که من نیز در خـانه «فاطمه بنت اسد» هستم.

هنگامی که پایان چهلمین روز فرا رسید، فرشته وحی بر پیامبر فرود آمد و گفت:

هان ای «محمّـد»! خدای بلند مرتبه درودت می فرسـتد و فرمان می دهد که خویشـتن را برای دریافت تحیّت و ارمغان او آماده سازی.

غذای بهشت

پیامبر از فرشته وحی پرسید:

ارمغان پروردگار جهانیان چیست؟

«جبرئیل» گفت:

من نمی دانم.

پیامبر آماده بود که «میکائیل» فرود آمد و طبقی را که بر روی آن روپوشی از دیبا بود، در برابر او، به زمین نهاد.

فرشته وحی پیش آمد و گفت:

ای محمّد! پروردگارت به تو فرمان می دهد، که امشب با این غذا افطار نمایی.

امیر مؤمنان در این مورد آورده است که:

«روش همیشگی پیامبر این بود

که هر گاه می خواست افطار نمایـد، به من دسـتور می داد که درب خانه را باز گذارم، تا هر کس از راه می رسد وارد شود و اگر میل به غذا دارد، بتواند غذا بخورد. امّا آن شب مرا بر درب خانه نشاند، تا مانع ورود مردم گردم و فرمود:

علی جان! این غذاییست که جز بر من، حرام است».

امیر مؤمنان می افزاید:

من به دسـتور پیامبر، کنار درب خانه نشسـتم و پیامبر با ارمغان آسـمان تنها ماند. هنگامی که سرپوش را از روی طبق برداشتند، دیدم خوشه ای خرمای تازه و خوشه ای انگور در آن سینی نهاده شده است.

پیامبر از آن ارمغان آسمانی سیر خوردند و آب گوارا نیز نوشیدند.

آنگـاه دست مبارک را برای شسـتشو دراز کردنـد، فرشـته وحی بر دست آن حضـرت آب ریخت و «میکائیل» آن را شـست و «اسرافیل» آن را با دستمال خشک کرد و باقیمانده غذا نیز با همان سینی به آسمان بالا رفت.

پیامبر برخاست تا نماز آغاز کند که «جبرئیل» پیش آمد و گفت:

اینک نماز بر شـما ممنوع است، تا به سـرای «خـدیجه» برویـد، چرا که خـدا به ذات پاکش سوگند یاد کرده است که امشب از شما، فرزند پاک و پاکیزه و نسل سرفرازی را پدید آورد.

پیامبر شتابان به سرای «خدیجه» آمد. آن بانوی بزرگ می گوید:

من دیگر با تنهایی خو گرفته بودم. از این رو هنگامی که شب فرا می رسید:

سرم را می پوشانیـدم و پرده ها را می انـداختم و پس از نماز و بسـتن درب خانه، چراغ را خاموش می کردم و در بستر خویش می آرمیدم.

آن شب درست میان خواب و بیداری بودم، که به ناگاه پیامبر محبوب، در خانه را به صدا در آورد

صدا زدم

چه کسی حلقه در خانه ای را می کوبد، که جز «محمّد» نباید دیگری باشد؟

پیامبر با نوای دلنشین و لکن آرام بخش و زیبایش فرمود، خدیجه! منم «محمّد»، درب را باز کن، منم، من!

خدیجه می گوید:

در اوج شادمانی از آمدن پیامبر، برخواستم و درب خانه را گشود م و پیامبر وارد شد.

آن حضرت این گونه بود که پس از ورود به خانه، ظرف آبی می طلبید و وضو می ساخت و دو رکعت نماز می خواند و پس از نماز به بستر می رفت. امّا آن شب آب نخواست و آماده نماز نشد، بلکه میان من و او، آنچه میان دو همسر انجام می شود، انجام شد.

آنگاه «خدیجه» سوگند یاد می کند که:

به خدایی که آسمان بلند را برافراشت و آب را از زمین جوشانید و جاری ساخت که آن شب هنوز پیامبر خدا از کنار من دور نشده بود، که سنگینی وجود و حضور گرانمایه دخت سرفرازم «فاطمه» را در سازمان وجود خود حس کردم ... (۶۱)

از این روایت نکاتی چند دریافت می گردد:

۱ - خدا به پیامبرش دستور می دهد که از بانوی خردمند حجاز برای مدّتی جدا شود، تا بر اثر دوری از او، شور و شوق پیامبر بر او بسیار گردد.

۲ - پیامبر در این چهل شبانه روز، بیش از همیشه به عبادت و راز و نیاز پرداخت و بر اثر ارتباط همیشه و پیوسته با عالم بالا، از روحانیّت و معنویّت و شرایط روانی و روحیِ ویژه ای بهره ور می گردد.

۳ - آن حضرت با ارمغان آسمان افطار می نماید، با موهبتی که به خاطر لطافت ویژه اش به سرعت به نطفه تبدیل می شود.

۴ - نطفه، از آن ارمغان آسمانی و بهشتی، که هیچ

شباهتی به غذاهای جهان مادّه ندارد، فراهم می آید.

۵ - و دیگر حرکت فوری پیامبر به اقامتگاه «خدیجه» به منظور انتقال دادن نطفه با آن مُقَدَّمات و تدابیر شگرف و هدف خاص.

لازم به یادآوریست که این روایت را دانشمندان اهل سنّت نیز با اندک تغییر آورده اند.

(۶۲)

رحلت بزرگ بانوی جهان عرب

چرخ روزگار به گردش خویش ادامه می داد و سالها یکی پس از دیگری می گذشت، در حالی که زندگی دخت فرزانه پیامبر، همچنان با رویدادهای تکان دهنده و حوادث حزن انگیز آمیخته می گشت و او کودکی را پشت سر می نهاد و به سوی بهاران نوجوانی و جوانی گام می سپرد.

او در هشتمین بهار زندگی بود، که ناگهان با فاجعه ای بزرگ روبرو شد.

فاجعه ای که غم آن بر زندگی اش سایه افکند و اندوه جانکاه آن، بر قلب پر مهرش خیمه زد و حزنِ آن، دلش را آکنده ساخت. این فاجعه غمبار، فاجعه رحلت جانسوز مام گرانمایه اش خدیجه بود.

همان مام اندیشمند و شایسته کرداری که با نگاهی سرشار از حزن و اندوه، به دخت عزیز و کوچک خویش می نگریست، چرا که می دانست «زهرای» او به زودی به سوک مام پر مهر خویش خواهد نشست.

بانوی بزرگ حجاز در بستر رحلت افتاده و شَبَح مرگ بر او سایه افکنده بود، آخرین لحظات زندگی را می گذرانید، که پیامبر بر او وارد شد و با مهر و بزرگواری همیشه فرمود:

«خدیجه» رحلت تو بر ما گران است امّا، هنگامی که بر بانوان برگزیده جهان هستی و دوستان همردیف خویش وارد شدی، سلام مرا به آنان برسان.

بانوی بزرگ حجاز پرسید:

ای پیامبر خدا! آنان کیانند؟

پیامبر فرمود:

«مریم» دختر عمران، «کلثوم» خواهر موسی و «آسیه».

«خدیجه» گفت:

به خوشی و مبارکباد، ای پیامبر خدا! (۶۳)

پیامبر گرامی

خطاب به او می فرمود:

من دستور یافته ام که «خدیجه» را به اقامتگاهی پر شکوه در بهشت پرطراوت و زیبا که از مروارید ساخته شده است، مژده دهم. اقامتگاهی که نه در آن سر و صدا و هیاهوی دنیاست و نه رنج و فرسودگی آن.

زمان به سرعت می گذشت، بانوی خردمند جهان عرب گریه می کرد و آه می کشید. «اسماء» به او گفت:

شما که سالار زنان هستی و همسر پر مهر و با وفای پیامبر و از آن حضرت مژده بهشت دریافت داشته ای، چرا گریه می کنی؟

او پاسخ داد:

گریه ام برای آن است که دخت گرانمایه ام را ترک می کنم و شب عروسی اش، در کنارش نیستم تا او را یاری کنم. دخترم نوجوان است، نگران آنم که در شب عروسی اش یار پر مهر و مشاور و مددکار دلسوزی نداشته باشد.

«اسماء» گفت:

سرورم! من اینک با تو پیمان می بندم که اگر تا آن زمان زنده بودم، به جای تو او را مادری کنم و آنگاه بود که بزرگ بانوی جهان عرب «خدیجه» آرام و مطمئن، چشم بر هم نهاد و در سن شصت و سه سالگی جهان را بدرود گفت.

ضربه هولناک مرگ خدیجه

مرگ غمبار این بانوی بزرگ، ضربه ای هولناک بر پیکر پیامبر فرود آورد و قلب مقدّس او را آکنده از حزن و اندوه ساخت، به ویژه که آن پیشوای بزرگ، چندی پیش از مرگ خدیجه، به سوگ عموی گرانقدر و مدافع بزرگ و نستوه خویش نشسته بود، که این مصیبت نیز بر غم و اندوه او افزون گشت. به گونه ای که آن سال را، سال اندوه نامید، چرا که دو یار پر مهر و دو پشتیبان پر اقتدار خود را در آن سال از

دست داده بود.

آن حضرت از سویی به سوک «خدیجه» نشست، به سوک بانویی که نه تنها همسر وفادار و پر مهرش بود، بلکه نخستین ایمان آورنده به خدا نیز بود.

بانویی بود که پشتیبان پر اقتدار پیامبر در فراز و نشیب زندگی به حساب می آمد و شخصیت بزرگی بود که ثروت و دارایی بسیارِ خویش را برای پیشرفت اهداف اسلام و پیامبر به او هدیه کرد و نه تنها در میان زنان مکّه، که در همه جهان عرب بی نظیر بود.

آری خدیجه، جهان را بدرود گفت و پیکر او را در نقطه ای بنام «حجون» به خاک سپردند. پیامبر کنار قبرش آمد و پیش از به خاک سپاری او، به قبرش فرود آمد، در حالی که «فاطمه» دخت ارجمندش دامان پدرش، پیامبر را گرفته بود و دور پدر می گشت و می پرسید:

پدر جان! مادرم کجاست؟

و پیامبر پرسش او را بی پاسخ می گذاشت. او به سوی دیگران می رفت و از آنان سراغ مادر پر مهر خویش را می گرفت، که در این هنگام «جبرئیل» فرود آمد و به پیامبر خبر داد که:

«پروردگارت به شما فرمان می دهد که، سلام ما را به «فاطمه» برسان و به او بگو:

مادرش «خدیجه» اینک در بهشت زیبا و پر طراوت خداست.

در کاخی از مروارید که غرفه هایش از طلا و ستونهایش از یاقوت سرخ است و او در کنار «آسیه» و «مریم» دختر «عمران» و مادر «مسیح» است.

پیامبر، «فاطمه» را در آغوش گرفت و مورد محبّت قرار داد و پیام خدا را به او رسانید.

او گفت:

پروردگارم سر چشمه سلام و برکت و نعمت و آرامش است.

سلام از اوست و سلام به او باز می گردد. (۶۴)

مقاله سوم

اشاره

از نویسنده و

شاعر اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام، حجه الاسلام آقای حاج شیخ جواد محدثی دام عزّه، در مجلّه «پیام زن» سال دوم، شماره دوازدهم، مقاله جالبی دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام منتشر گردیده است، که ذیلاً در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد:

گاهی دست تقدیر و نظر لطف خدا، فرجامی نیک برای برخی رقم می زند که از افتخار، سر بر فلک می سایند و بر فرشتگان هم می بالند.

«خدیجه» یکی از این چهره های نمونه و الگو است، که لیاقت آن را یافت تا ظرف پدید آمدن گوهری چون «فاطمه» گردد.

اگر خدیجه کبری، که شرافت و ارجمندیِ والایی دارد، هیچ فضیلتی نداشت جز آنکه «مادر زهراء» باشد، برای او بس بود.

در این بخش، با گوشه هایی از حیات پرفروغ این بانوی بزرگ، آشنا می شویم:

کرامت نفس

خدیجه را از انسانهای اندیشمند، با شرافت، آینده نگر، عفیف و فرزانه شمرده اند.

شرافت دودمان از یک سو، همسری رسول خدا از سویی دیگر و خدمات او در راه آیین مقدس اسلام از طرف دیگر، به او عظمت و موقعیت خاص بخشیده است.

پدرش، «خُویلد بن اسد» از قبیله «بنی کلاب» بود.

مادرش «فاطمه بنت زایده» نام داشت.

از ثروت و شهرت ویژه ای در جزیره العرب برخوردار بود.

در میان همتایان و همسالان خود، همچون ستاره ای می درخشید. وقتی هم که در خدمت اسلام و پیامبر قرار گرفت، آنچه را داشت، وقف راه خدا و رضای رسول کرد و در سایه حمایت از «دین آسمانی» نام خویش را زنده جاوید ساخت.

همسران پیشین

گرچه بعضی مدّعی شده اند که حضرت خدیجه، پیش از ازدواج با رسول خدا، همسری نداشته و ازدواج نکرده بوده است، اما مشهور میان سیره نویسان، آن است که وی بیوه ای بود که قبلاً شوهر داشت.

شوهر پیشین او «عتیق بن عائذ» بود.

از این ازدواج، دختری داشت به نام «هند». شوهرش درگذشت و پس از مدتی به همسری «ابوهاله بن بناش» درآمد. از این ازدواج نیز خداوند به او پسری داد. نام او را هم هند گذاشتند.

دربارهی فرزندان خدیجه، سخنان دیگری هم گفته اند.

از جمله آن که خدیجه خواهری داشته، که چندان معروف نبوده است.

پس از درگذشت آن خواهر، دختران او در دامن خدیجه بزرگ شدند. هنگام ازدواج پیامبر با خدیجه، آن دو دختر کوچک بودند. چون سنت عرب بر آن بود که تربیت شده در دامان کسی را به او نسبت می دادند، خواهر زادگان خدیجه را هم دختر خدیجه شمردند و به رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نسبت

دادند.

به هر حال، شوهر خدیجه کبری در گذشته بود و این بانوی ثروتمند و نام آور، همچنان بیوه می زیست و خواستگاران متعددی را هم که مشتاق وصلت با او بودند رد می کرد.

سر انجام، ستاره اقبال او طلوع کرد و افتخار همسری رسول خدا را یافت و اما خلاصه ماجرا:

ازدواج با پیامبر

عشق محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در دل خدیجه بود، عشقی پاک و آسمانی. علاقه ای که از صداقت و پاکی و امانتداری پیامبر سرچشمه می گرفت. محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم بیست و پنج سال داشت و بانوی مشهور حجاز، چهل سال. خدیجه، با ثروت هنگفتی که داشت به تجارت می پرداخت. سرمایه در اختیار بازرگانان قرار می داد، تا مال التجاره او را به آفاق برند و بفروشند و برایش داد و ستد کنند.

ابوطالب (عموی پیامبر) آگاهی یافت که خدیجه، قصد دارد مال التجاره خود را با کاروانی تجارتی به شام بفرستد. به حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیشنهاد کرد که حاضری تو را برای این کار بفرستیم؟

فرمود:

هر طور دوست داری.

ابوطالب نزد خدیجه رفت و گفت:

شنیده ایم در نظر داری فلانی را همراه اموال خویش به تجارت بفرستی، آیا ممکن است به جای او «محمّد» را بر این کار بگماری؟

خدیجه گفت:

اگر این درخواست را، برای دشمن بیگانه ای می کردی، حرف تو را رد نمی کردیم، تا چه رسد به اینکه برای یک دوستِ نزدیک می خواهی!

سر انجام توافق شد.

پیامبر خدا، با غلام خدیجه بنام «میسره» به سفر رفتند و در آن داد و ستد، سود سرشاری به دست آوردند و خدیجه از نتیجه سفر بسیار خشنود شد و احساس کرد که «محمّد»

را قلباً دوست می دارد. پیش خود دربارهی ازدواج با محمّد فکر می کرد و تصمیم به این کار گرفت، ولی بهانه ای لازم بود.

با «نفیسه» (که خواهر یا دوستش بود) این تصمیم را در میان گذاشت. نفیسه مقدمات کار را از قبیل گفتگو با عمویش و با خود پیامبر فراهم کرد. طی تشریفات خاصی ازدواج صورت گرفت. دو ماه پس از بازگشت از سفر تجاری شام بود که در سایه این پیوند مقدّس، خدیجه و محمّد علیهما السلام زندگی مشترك خود را آغاز کردند.

نخستین مسلمان

سالها از این زندگی خجسته گذشت.

فصل نوینی در زندگی حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم آغاز شد، که فصل جدید حیات خدیجه هم محسوب می شد.

نخستین جلوه های ملکوت، بر این خانه سرنوشت ساز تابیدن گرفت.

پیش از بعثت پیامبر، ابتدا آن حضرت خوابهایی می دید.

آنچه در خواب می دید، چون روز روشن به حقیقت می پیوست و تعبیر می شد.

از آن پس بود که پیامبر، علاقه مند به تنهایی و خلوت با خویش شد.

گاهی چندین شبانه روز پیاپی به «غار حرا» می رفت و خلوت می کرد و به تفکر و عبادت می پرداخت. نزد خدیجه می آمد. پس از مدتی باز هم پای به فراز «حرا» می کشید و به پرستش خدا می پرداخت.

در یکی از همین نوبتها بود که جبرئیل در حرا، بر آن حضرت فرود آمد و پیام آسمانی «اقرأ باسم ربّك الّذی خلق ...» را آورد.

و محمّد، مبعوث به رسالت شد.

از حرا فرود آمد و نزد خدیجه بازگشت.

حالتی شگفت داشت و از خدیجه طلب کرد که او را بپوشاند، تا به حالت عادی برگردد. آیا تِ «یا ایّها المدّثّر ...» و «یا ایّها المزمّل» در همین دوره نازل شد.

خدیجه،

حالات خاص رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را به پسر عموی خویش «ورقه بن نوفل» باز گفت. وی به کتب آسمانی پیشین آشنا بود و در جاهلیّت، کیش مسیحی داشت و به عبری می نوشت. البته در اواخر عمر نابینا شده بود.

به خدیجه بشارت داد که آنچه بر او نازل شده است، ناموس بزرگ خلقت و وحی آسمانی است، که بر موسای کلیم هم نازل می شد.

به خود محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم هم گفت:

کار تو بالا خواهد گرفت، قومت تو را بیرون خواهند کرد. نه تنها تو، بلکه هر که چنین دعوت داشته، مورد ستم قرار گرفته است.

اگر من آن روزگار را درک کنم، حتماً به یاری تو برخواهم خاست.

خدیجه، اولین بانویی بود که اسلام را پذیرفت و به دین محمّد در آمد. حمایت و پشتیبانی او از شوهرش پیامبر خدا، ستودنی است.

حضرت رسول هم همواره او را به نیکی یاد می کرد و فضایل او را از نظر دور نداشت.

محمّد در مسجد الحرام، در برابر کعبه به نماز می ایستاد و همراهش جز یک زن و یک نوجوان، کسی نبود.

یک طرفش خدیجه می ایستاد، طرف دیگر علی ابن ابیطالب.

عباس بن عبدالمطلب، دربارهی آن مقطع، به کسی که برای تجارت به مکه آمده و آن صحنه را دیده بود، ضمن معرفی آن سه چهره ایستاده در برابر کعبه و در آستان خانه خدا، گفت:

این پسر برادرم می گوید:

که پروردگارش، پروردگار آسمان و زمین است و خدای هستی او را به این دین فرمان داده است.

به خدا قسم که غیر از این سه نفر، در حال حاضر هیچ کسی در روی زمین، بر این

آیین نیست! ...

پشتیبان مکتب

ثروت خدیجه، پشتوانه مالی دعوت به حق بود.

از روزهای آغازین بعثت پیامبر، تا سالهای سخت و پر مخاطره گرویدن مسلمانان نخستین به اسلام عزیز، خدیجه کبری از بذل هیچ گونه مساعدتی در راه «مکتب وحی» دریغ نکرد.

برای بسیاری، ثروت و مال «پای بند» است، ولی آنان که دل به ارزشهای متعالی سپرده باشند، ثروت و دنیا، نه تنها مانع کمال جویی نیست، بلکه ابزاری و وسایلی در خدمتِ ارزشهاست.

حضرت خدیجه، هم پشتیبان روحی و معنوی همسر گرامی خویش بود و رسول خدا دلگرم به حمایتها و یاریهای همه جانبه همسر وفادار و حقشناس خود بود و هم به لحاظ نیاز مسلمانان و دعوت اسلام در آن دوره سخت، همه دارایی خویش را در بست، در اختیار پیامبر نهاد، تا آنها را صرف مصالح دین خدا کند و به خدا باورانِ تهیدست و محرومانِ با ایمان، مساعدت نماید.

قلب پر مهر خدیجه، همواره رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را مأمن و مأوا بود، خانه اش نیز محل آرامش و اطمینانِ پیامبر رحمت.

خدیجه، همواره پیامبر را احترام می کرد، سخن او را تصدیق می نمود و این حالتِ پذیرش و اطاعت و همدلی، هم پیش از بعثت رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود و هم پس از بعثت.

آزارها و تکذیبهای مشرکان و سخنان زشت و زخم زبانهای قریش، کافی بود که هر صاحب عزمی را به تزلزل وادارد. اما پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم غیر از صلابت و صداقت و استواری شخصیِ خویش، از حمایت و دلداری و تشویق همسر فهمیده و آگاهش، برخوردار بود.

خدیجه، غم

از چهره محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم بر می گرفت و با آبِ زلال محبت و حمایت، غبار یأس و خستگی را از سیمای گروندگان به وحی، به ویژه صاحب رسالت می زدود. خدیجه به پسر عمویش «ورقه بن نوفل» گفت، اعلام می کنم که هر چه مال و ثروت و غلام دارم، همه را به محمّد بخشیدم تا آنگونه که می خواهد تصرّف کند.

ورقه بن نوفل، در جایگاهی میان زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند فریاد برآورد:

«ای گروه عرب! خدیجه شما را گواه می گیرد که خود، اموال و غلامان و همه دارایی خود را به محمّد بخشیده است، تا نشان دهد که او را بزرگ می دارد و مقامش را تکریم می کند و به او علاقه مند است.»

خدیجه، لباس و عطر و گوسفندان و اموال فراوانی را پیش ابوطالب فرستاد و از او خواست تا مهمانی مفصّلی را برای اهل مکّه ترتیب دهد. ابوطالب هم بساط ولیمه ای گسترد و سه روز اهل مکه را طعام داد که شهرنشینان و بادیه نشینان همه بر سفره او بهره مند شدند.

این گونه ایثار و فداکاری و گذشتن از دارایی در راه دین و رسول خدا، نشانه عمق باور و اوج عشق و خلوص خدیجه نسبت به دین اسلام بود.

در چشم و دل محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

رسول خدا، حدود ۲۵ سال با خدیجه بزرگ، زندگی مشترک داشت، همراه با یک دنیا صفا و صمیمیت و محبت. زندگانی همراه با حمایت از دین و فداکاری در راه شوهر، آن هم به خاطر خدا. پشتیبانیهای مادّی و روحی خدیجه از رسول اکرم، چنان بود که جایگاه و پایگاه عمیقی در دل رسول امین خدا پیدا کند.

تا خدیجه

زنده بود، پیامبر به احترام او و وفا و صفایش، همسر دیگری نگرفت. پس از وفات خدیجه هم نام و یادش، از زبان و دل پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نمی افتاد.

عایشه نقل می کند که پیامبر، هر گاه از خانه بیرون می رفت، از خدیجه یاد می کرد و او را می ستود. روزی که از خدیجه یاد کرد، مرا غیرت در گرفت و گفتم:

خدیجه جز بیوه ای پیر نبود و خدا بهتر از او را به تو داده است.

پیامبر خدا به شِدَّت خشمگین شد و فرمود:

نه به خدا قسم! هرگز بهتر از او را خدا روزی من نساخته است! او در دوره ای به من ایمان آورد، که مردم کافر بودند و زمانی مرا تصدیق کرد، که دیگران مرا تکذیب می کردند و در دورانی که مردم دارایی خود را از من دریغ می داشتند، او همه هستی و ثروت خود را در اختیارم نهاد و خداوند از خدیجه به من فرزند بخشید، در حالی که از همسران دیگرم فرزندی برایم نبود.

عایشه می گوید:

پیش خودم گفتم:

هرگز دیگر خدیجه را به بدی یاد نخواهم کرد!

مؤرخان گفته اند:

در مراسم ازدواج فاطمه زهراء عَلَیْهاالسَّلَام وقتی همسران پیامبر با آن حضرت صحبت می کردند و از خدیجه (که درگذشته بود) یاد کردند، به نقل از ام سلمه، همین که نام خدیجه را شنید گریست و فرمود:

خدیجه! کیست که مثل خدیجه باشد؟ و به ستایش از او پرداخت.

مقام خدیجه

در مجموع احادیث ما، ستایشهای عظیمی از خدیجه کبری شده است.

یاد چند نمونه از آنها مفید است:

پیامبر فرموده است:

جبرئیل نزد من آمد و گفت:

ای پیامبر خدا! اینک این خدیجه است که نزد تو آمده است، با ظرفی پر از

غذا و آب، وقتی آمد، سلام خدا و سلام مرا به او برسان و مژده بده که خانه ای شایسته و آسوده در بهشت دارد. (۶۵)

پیامبر خدا فرمود:

بهترین زنان جهان چهار نفرند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. (۶۶) و نیز فرمود:

خدیجه، پیشتاز زنان جهان در ایمان به خدا و به محمّد است.

(۶۷)

و فرمود:

از مردان، بسیاری به کمال رسیده اند، ولی از زنان، تنها چهار نفر به کمال وجودی رسیدند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه (۶۸).

عایشه می گوید، هر گاه رسول خدا گوسفندی ذبح می کرد، می فرمود:

مقداری هم برای دوستان خدیجه بفرستید.

من روزی در این باره حرفی زدم، حضرت فرمود:

من، دوستدار خدیجه را هم دوست می دارم! (۶۹)

برای خدیجه، همین افتخار و مقام بس، که قلب عالم امکان و حبیب خدا، او را دوست بدارد، چرا که محبوب پیامبر، محبوب خدا نیز هست.

جدایی

زندگی خدیجه، با حیات رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم گره خورده است.

روشن است که جدایی، برای دل هر دو سنگین باشد و غمی جانکاه. خدیجه، وقف اسلام و محمّد بود و جز رضای خدا و پیامبر، چیزی نمی خواست، همین گونه نیز شد.

هم خدا از او راضی بود و از زبان جبرئیل، به او سلام رساند، هم رسول گرامی اسلام، از وی دلشاد و خرسند بود.

خدیجه، به ۶۵ سالگی رسیده بود.

پیـامبر هم دوران سـخت و پر فشـار مکه را می گذرانـد. سه سـال پیش از هجرت به مـدینه، این بـانوی بزرگ، دیـده از جهان بست.

در لحظه مرگ، رسول خدا نزد خدیجه بود، فرمود:

خـدیجه! آیا مرگ را کراهت داری؟ مرگ برای تو خیر است، به بهشت الهی می روی. پیامبر، هنگام دفن خـدیجه، خود وارد قبر شد و با دستان

مبارکش، پیکر سرد و بی جان خدیجه را گرفت و در گور وارد کرد و به خاک سپرد.

وفات خدیجه در مکه بود، قبرش نیز در همین شهر است.

این جدایی، برای پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بسیار ناگوار و سنگین بود، اما او عادت داشت که به خاطر خدا، غمهای سنگین و مصیبتهای توان فرسا را تحمل کند و اجرِ صبوری را از خدا بگیرد.

سلام بر خدیجه و ایمانش. درود بر آنان که از خدیجه، الهام ایمان و وفا می گیرند و خدیجه، برایشان اسوه صبوری و الگوی ایثار، در راه عقیده و باور است.

مقاله چهارم

اشاره

در ماهنامه مبلغان، شماره سی و پنجم، مقاله ای به قلم نویسنده محقق و توانا، حجه الاسلام آقای حاج شیخ عبدالکریم پاک نیا دام عزه، با عنوان «نگاهی به آموزه های تربیتی، در زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام» منتشر گردیده، که دارای درسهای سازنده ای برای پیروان مکتب قرآن و اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام می باشد، که در اختیار علاقه مندان قرار می دهیم:

... در این نوشتار بر آن شدیم که، نقش این بانوی خجسته را در گسترش آموزه های مکتب تربیتی اسلام مورد توجه قرار داده و مواردی قابل توجه از آن را به خوانندگان گرامی تقدیم داریم. به امید اینکه بتوانیم از این شخصیت برجسته و بانوی نمونه در جهان اسلام، درس ها آموخته و با شناخت فضائل و مناقب آن بزرگوار، از او به عنوان اسوه و الگوی تربیتی پیروی کنیم.

۱ – فضائل اخلاقی و علمی

مطالعه تاریخ زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام نشان می دهد که او، هم در دوران جاهلیّت و هم بعد از بعثت خاتم الانبیاء صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دارای فضائل اخلاقی و کمالات معنوی بوده است.

او در جامعه خود به عنوان یک الگوی زن برتر، تأثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است.

سخاوت، کرامت، ایثار و فداکاری، عفت و پاکدامنی، دور اندیشی و درایت و توجه به مستمندان، عطوفت و مهربانی و صبر و استقامت، از جمله فضیلت های پسندیده ایست که صفحات تاریخ این زن نمونه را نشان می دهد.

به همین جهت، آن بانوی یگانه در میان زنان رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم شرایط هم کُفو بودن را احراز نمود و یک همتای واقعی برای حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود.

عدم ازدواج مجدد پیامبر

اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در زمان حیات خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام نشانگر جاذبه های معنوی و فضائل اخلاقی بی شمار در وجود آن حضرت است، که بدون تردید برخورداری از آن صفات، نقش مهم و اساسی در زندگی رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم داشته است.

به همین جهت، پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم این بانوی تربیت یافته را از برترین زنان بهشتی شمرده و می فرماید:

اَفْضَلُ نِساءِ اَهْلِ الْجَنَّهِ خَدیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلَدَ وَ فْاطِمَهُ بِنْتُ محمّد

وَ مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرانَ وَ آسِیَهُ بِنْتُ مُزْاحِمَ اِمْرَأَهُ فِرْعَوْنَ (۷۰)

«بهترین زنان اهل بهشت عبارتند از:

خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمّد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم (یعنی) زن فرعون.»

وفاداری این بانوی آسمانی، در راه رسیدن به اهداف والای همسر خویش، مورد توجه سیره نویسان و محققان قرار گرفته است.

او از اولین لحظات بعثت، به رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ایمان آورد و تا آخرین لحظات بر ایمان خود پای فشرد و لحظه ای شک و تردید به دل راه نداد.

گذشته از فضائل اخلاقی، او از کمالات علمی نیز برخوردار بود.

تاریخ گواهی می دهد که خدیجه در مورد دانش عصر خود اطلاعات فراوانی داشت و از کتابهای آسمانی آگاه و از نظر عقل و درایت و زیرکی، بر تمام زنان حتی بسیاری از مردان معاصر برتری داشت. بنا بر این او دارای تمام کمالات و امتیازهایی بود که یک زن می تواند داشته باشد.

با توجه به نکات یاد شده، خدیجه به عنوان اولین بانوی مسلمان در ترویج فرهنگ اسلامی و الگوهای یک زن مسلمان و با کمال، نقش والای

خود را ایفا کرده است و بانوان بسیاری از تربیت عملی وی درس ها آموخته اند.

اهمیت فضائل اخلاقی و کمالات انسانی در وجود این بانوی با فضیلت، آنگاه به اوج خود می رسد، که نگاهی به وضع زن در ایام جاهلیّت و قبل از بعثت پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بیندازیم.

زن در آن روز، نه تنها از حقوق خود محروم بود و با رقّت آورترین وضع زندگی می کرد، بلکه به عنوان مایه ننگ و عار و موجودی شوم، زنده به گور می شد.

خدیجه در چنین عصری اثبات نمود که یک زن نه تنها حق حیات دارد و باید حقوق مسلم خود را استیفا نماید، بلکه می تواند با اعمال شایسته و تلاش و کوشش، به مرحله ای برسد که خداوند متعال به او سلام برساند؛ همچنان که امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام از پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نقل می کند، شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت از سفر معراج، به جبرئیل گفتم:

ای جبرئیل! آیا خواسته ای از من داری؟ گفت:

خواهش من اینست که از طرف خداوند و من؛ به خدیجه سلام برسانی (۷۱).

۲ – پرورش فرزندان صالح

بدون تردید، مادر به عنوان مؤثرترین عامل محیطی و وراثتی، در پرورش و رشد شخصیت کودک نقش به سزایی دارد.

حضرت خدیجه علاوه بر این که به نص قرآن، مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش، فرزندان نیک و صالحی برای رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم تربیت نمود. وی شش فرزند برای پیامبر به دنیا آورد و در دامن پر مهر خویش پرورش داد که در میان آنها حضرت

فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام از رتبه خاصی برخوردار است.

دختری که رهبری اسلام بعد از پیامبر اکرم و علی علیهما السلام از نسل او پدید آمد و ادامه یافت.

این دختر بـا مادرش، آنچنان ارتباط تنگاتنگ داشت، که هنگام رحلت حضـرت خـدیجه، فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام که در حـدود پنج سال داشت، شدیداً بی تابی می کرد و به دور پدر بزرگوارش می چرخید و می گفت:

«یا اَبَه اَیْنَ اُمّی؛ پدر جان! مادرم کجاست؟» حضرت جبرئیل نازل شد و فرمود:

یا رسول اللّه! خداوند می فرماید:

سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه های بهشتی، با آسیه و مریم زندگی می کند (۷۲).

این دختر پاکیزه، هنگام رحلت مادر وقتی احساس کرد که حضـرت خدیجه شدیداً در فراق او و پدر ارجمندش ناراحت اسـت و نگران تنهایی و بی یاوری حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم می باشد، به مادرش دلداری داد و گفت:

«یـا اُمّـاهُ لا تَحْزَنی وَ لا تَرْهَبی فَاِنَّ اللّه مَعَ اَبی (۷۳)؛ مادر جان! انـدوهگین و مضـطرب نباش، زیرا خداونـد یار و یاور پدرم می باشد.»

امامان معصوم علیهما السـلام نیز همیشه به وجود چنین مادری افتخار می کردند؛ همچنانکه حضرت مجتبی عَلَیْهِ السَّلَام هنگامی که با معاویه مناظره می کرد، در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقیِ وی و سعادت و خوشبختیِ خود، به نقش مادر در تربیت افراد اشاره کرده و فرمود:

معاویه! چون مادر تو «هند» و مادر بزرگت «نثیله» می باشد (و در دامن چنین زن پست و فرومایه ای پرورش یافته ای) این گونه اعمال زشت از تو سر می زند و سعادت ما خانواده در اثر تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا، همچون

خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام می باشد (۷۴).

امـام حسـین عَلَیْهِ السَّلَام در روز عـاشورا برای معرفی خویش و آگاه کردن دل های بیـدار، به مادرش فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام و مادر بزرگ شایسته و فداکارش، حضرت خدیجه اشاره نموده و فرمود:

اُنْشِدُکُمُ اللَّه هَلْ تَعْلَمُونَ اَنَّ اُمّی فاطِمَهَ الزَّهراءَ بِنْتُ محمّد؟! قالُوا: اللّهمَّ نَعَمْ ... اُنْشِدُکُمْ اللَّه هَلْ تَعْلَمُونَ اَنَّ جَدَّتی خَدیجَهَ بِنْتُ خُوَیْلِدَ

اَوَّلُ نِساءِ هذِهِ الْاُمَّهِ اِسْلاماً؟! قالُوا: اللّهمَّ نَعَمْ (۷۵)

«شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید که مادر من «فاطمه زهرا» دختر محمّد (مصطفی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم) است؟!

گفتند:

آری ... (فرمود:)

شما را به خـدا قسم می دهم! آیا می دانید که مادربزرگ من خدیجه، دختر خویلد، نخستین زنی است که اسـلام را پذیرفت؟! گفتند:

آری.»

حضـرت خدیجه علاوه بر اینکه در دامان پر مهر و عطوفت خویش فرزندان پیامبر را پرورش داد، فرزندان شایسته ای را نیز قبل از ازدواج با پیامبر تربیت کرده بود، که از جمله آنها هند بن ابی هاله می باشد.

او (هند) در مدت سه شـبانه روزی که پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در هنگام هجرت در غار ثور مخفی شده بود، به همراه علی عَلَیْهِ السَّلَام دور از چشـم مشـرکان مکـه، محرمـانه برای پیـامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم آذوقه می برد و بر می گشت. وی مردی بزرگوار، شریف، فصیح و محدث بود و از شوهر دیگر خدیجه بنام ابی هاله بن زراره تمیمی متولد شده بود (۷۶).

هند پسـر خدیجه، همان کسـیست که امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام به عنوان دایی خود از وی نام می برد. وی اوصاف و شمایل رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را برای

امام مجتبی عَلَیْهِ السَّلَام توصیف می کرد و بسیار مورد علاقه رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم بود.

او بت های مشرکان را می شکست (۷۷) و در جنگ جمل در رکاب حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام به شهادت رسید. (۷۸) و (۷۹)

۳ – توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان

مهرورزی و محبت به کودکان و رفع نیازهای معنوی و عاطفی فرزندان، یکی دیگر از اصول تربیتی اسلام می باشد.

حضرت خدیجه به عنوان یک مادر دلسوز و مربی آگاه در این مورد حساسیت ویژه ای داشت. ماجرای زیر بیانگر این ویژگی حضرت خدیجه می باشد.

در ایام بیماری خدیجه که به مرگ وی انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه را گریان و ناراحت مشاهده کرد و به او دلداری داده و گفت:

تو از بهترین زنان عالم محسوب می شوی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسر رسول گرامی اسلام هستی و بارها تو را به بهشت بشارت داده است.

با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام فرمود:

اسماء! من در فکر این هستم که دختر هنگام زفاف، نیاز به مادر دارد، تا نگرانی ها و اسرارش را به مادر بگوید و خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام کوچک است، می ترسم کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود و برایش مادری کند.

اسماء بنت عمیس گفت:

ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه مادری کنم و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم.

بعد از وفات خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام هنگامی که شب زفاف حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام فرا رسید، پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه

وَ سَلَّم فرمود:

همه زن ها از اتاق عروس خارج شوند و کسی در آنجا باقی نماند. همه رفتند، اما پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم متوجه شد که هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق باقی مانده است.

فرمود:

آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟ اسماء گفت:

چرا یا رسول اللَّه من شنیدم و قصد مخالفت با فرمایش شما را نداشتم، ولی عهد من با خدیجه مرا بر آن داشت که در این جا بمانم؛ چون با خدیجه پیمان بسته ام که در چنین شبی برای فاطمه مادری کنم. (۸۰)

حضرت رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با شنیدن این سخن به گریه در آمد و فرمود:

تو را به خدا سوگند برای این کار ایستاده ای؟ اسماء عرض کرد:

آری. پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دست به دعا برداشته و برای اسماء بنت عمیس دعا کرد. (۸۱)

همچنین حضرت خدیجه در مورد آینده دختر خردسال خویش خطاب به پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دغدغه هایی را به این ترتیب بیان نمود:

یا رسول اللَّه! این دختر من – بااشاره به حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام – بعد از من غریب و تنها خواهد شد.

مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتاری تند و خشن داشته باشد (۸۲).

۴ – رعایت آیین شوهرداری

یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان می باشد.

اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری های خانواده ها توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات، به رفتارهای بانوان و زنان و دختران جوان بر

می گردد و این همه، به خاطر ناآگاهی و عدم توجه به حقوق شوهران، رعایت نکردن آداب معاشرت، عدم آگاهی از اصول شوهرداری در اسلام است.

حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در ترویج آیین شوهرداری اسلامی و رعایت حقوق همسر، نهایت تلاش را به عمل می آورد.

حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام با شیوه های مختلفی، فضای خانواده را آرام نگاه داشته و امنیت روحی و روانی را برای شوهر و فرزندان برقرار و زمینه را برای رشد فضائل اخلاقی فراهم می آورد. در اینجا به برخی از روش های تکریم شوهر و همسرداری حضرت خدیجه اشاره می کنیم:

الف)

ابراز محبت:

حضرت خدیجه در فرصت های مناسب، به همسر گرامی خویش ابراز علاقه و محبت می کرد. او در قالب اشعاری زیبا، دربارهی پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم مکنونات قلبی خویش را چنین ابراز می دارد:

فَلَوْ اَنَّنی اَمْشَیْتُ فی کُلِّ نِعْمَهٍ

وَ دامَتْ لیَ الدُّنْیا وَ مُلْکُ الا کاسِرَهِ

فَما سُوِّیَتْ عِنْدی جَناحَ بَعُوضَهٍ

اذا لَمْ یَکُنْ عَیْنی لِعَیْنِکَ ناظِرَهً (۸۳)

«اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آنها همیشه از آن من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد، زمانی که چشم من بر چشم تو نیفتد».

ب)

طرح غیر مستقیم خواسته ها

بدون شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد. این درخواست های معقول زن، اگر در محیطی محبت آمیز و همراه با حفظ حریم های اخلاقی باشد، امری پسندیده تر و جذاب خواهد بود.

اگر این خواسته ها به صورت غیر مستقیم انجام گیرد، در تحکیم روابط خانوادگی و افزایش محبت، تأثیری فوق العاده خواهد داشت.

حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم انجام داده و صدمات فراوانی

متحمل شده بود، از این رو به صورت طبیعی می توانست انتظارات و توقعاتی را نیز از آن حضرت داشته باشد، امّا او هیچ گاه خواسته های شخصی خویش را به صورت مستقیم بیان نمی کرد، بلکه سعی می کرد آنها را به عنوان یک پیشنهاد و یا خواهش غیر مهم و در کمال ادب و احترام مطرح نماید.

حضرت خدیجه در آستانه وفات خویش، هنگامی که وصیت های خود را بیان می کرد، آنها را در قالب یک گفت و گوی صمیمانه و محبت آمیز، مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم عرض کرد:

«یا رسول اللّه! چند وصیت دارم، البته من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن.

پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرمود:

هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم. تو نهایت درجه تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی.

حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام عرض کرد:

یا رسول اللّه! می خواهم خواسته ای را توسط دخترم فاطمه به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقیماً بازگو نمایم.

پیامبر از منزل خدیجه بیرون رفت، آنگاه خدیجه دخترش فاطمه را صدا کرد و به او گفت:

عزیزم! به پدر بزرگوارت بگو که مادرم می گوید:

من از قبر هراسناکم، دوست دارم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی بر تن داشتی، کفن کرده و در قبر بگذاری. فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام به نزد پدر آمده و پیام مادرش را رساند. پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم آن لباس را برای خدیجه فرستاد. هنگامی که فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام آن را آورد، نشاط زایدالوصفی وجود

خدیجه را فرا گرفت.

آنگاه حضرت خدیجه با دلی آرام چشم از جهان فرو بست. پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم مشغول تجهیز و غسل و حنوط وی شد، هنگامی که خواست خدیجه را کفن کند، حضرت جبرئیل امین نازل شد و گفت:

یا رسول اللّه! خداوند سلام می رساند و می فرماید:

کفن خدیجه به عهده ماست و آن یک کفن بهشتی خواهد بود.

پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم اول با پیراهن خود و از روی آن با کفن بهشتی خدیجه را کفن کرد.

ج)

دلجویی و دلداری همسر

خانواده کانون آرامش و راحتی بخش هر انسانی است.

مردی که در بیرون خانه با هزاران مشکل و گرفتاری رو به روست و گاهی در راه رسیدن به هدف و کسب روزی حلال، سخنان ناروا شنیده و لطمات روحی و جسمی زیادی را متحمل می شود، انتظار دارد که کسی از وی دلجویی کرده و حرف دلش را شنیده و با کلمات شفا بخش و برخوردهای آسایش آفرین، مرهم گذارِ در دهای انباشته در دل او باشد.

حضرت خدیجه، چنین همسری برای پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم بود.

مشرکان با سخنان توهین آمیز و اعمال وقیحانه ای پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم را ناراحت می کردند و از این ناحیه، مشکلات فراوانی پیش روی پیامبر اکرم بود، اما همه این گرفتاری ها به وسیله خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام جبران می شد.

او شخص پیامبر و مشکلات آن حضرت را آگاهانه درک می کرد و بدین جهت در پیشرفت اهداف آن حضرت تلاش می نمود و سخنانش را تصدیق می کرد و او را از تمام غم ها و غصه ها می رهانید.

علامه، سید شرف الدین، در

این مورد می نویسد:

«او مدت ۲۵ سال با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم زندگی کرد بدون آنکه زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می ماند، پیامبر باز هم شریک دیگری انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگیِ زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود، زیرا با مال خود به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از او دفاع می نمود و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبش می کردند، تسلی می داد. او به همراه علی عَلَیْهِ السَّلَام هنگام نزول نخستین وحی آسمانی به پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در غار حرا بود (۸۴).»

پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در مورد همسر گرامی خویش می فرماید:

«خدیجه زنی بود که چون همه از من روی می گردانیدند، او به من روی می کرد و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد.

در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود. (۸۵)

خدیجه آنچنان در روح و جان همسر بزرگوارش تأثیر گذاشته بود، که مدت ها بعد از رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام هر گاه حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم گوسفندی را ذبح می کرد، می فرمود:

سهمی هم به دوستان خدیجه بفرستید، زیرا من دوست خدیجه را هم دوست می دارم.

۵ – برترین معیارهای انتخاب همسر

هر جوانی در زندگی خویش نیاز به ازدواج دارد و ازدواج در اسلام، یک امر مقدس

و عبـادت محسـوب می شـود. دخـتر و پسـری که می خواهنـد به سوی امر مقـدس ازدواج قـدم بردارنـد، اولین گـام را از خود دوستی، به سوی غیر دوستی بر می دارنـد، آنـان بـا امضـای پیمـان مقـدس زنـاشویی، از دایره خودخواهی بیرون رفته و با وارد شـدن به مرحله جدیـدی از زنـدگی، بخشـی از کمبودهـای خود را جبران می کننـد، که از جمله آنهـا می توان به بقـای نسل، رسـیدن به آرامش و سـکون، تکمیـل و تکامـل، تأمین نیاز جنسـی، سـلامت و امنیت اجتماعی و تأمین نیازهای روحی و روانی اشاره کرد. امّا در این میان مهم ترین دغدغه های هر دختر و پسر جوان، که در آستانه ازدواج قرار می گیرد، برترین معیارها و ملاک های ازدواج در انتخاب همسر آینده اش می باشد.

حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به عنوان الگوی دختران و زنان مسلمان در مورد انتخاب حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به عنوان همسـر آینـده خویش، ملاـک ها و اصولی را مطرح می کنـد، که از گفت و گوی وی با پیامبر اکرم صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم معلوم می شود.

خدیجه هنگام پیشنهاد ازدواج با رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به وی گفت:

به خاطر خویشاونـدیت با من، بزرگواریت، امانتـداریِ تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گوییت، مایلم با تو ازدواج کنم. (۸۶)

ارزش این انتخـاب خـدیجه آنگـاه نمایـان می شود که بـدانیم او در آن هنگـام، موقعیتی عالی و ممتاز در جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه ها برای ازدواج وی با هر یک از جوانان نامدار و ثروتمند قریش فراهم بود.

مقاله پنجم

در کتاب «ره توشه راهیان نور» که به قلم گروهی از نویسندگان می باشد، مقاله ای دربارهی حضرت

خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام آمده است، که تقدیم می گردد:

خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بانوی بزرگ اسلام، مظهر مقاومت و تجلّی ایمان

«ضَرَبَ اللّه مَثَلًا لِلَّذین کَفَروُا امْرَأَة نوحٍ و امرأة لوطٍ کانَتا تَحتَ عَبْدَینِ مِن عِبادِنا صالِحَیْنِ فَخانَتاهُما فَلَم یُغْنیا عنهُما مِن اللّه شَیئاً وَ قیلَ ادْخُلا النّارَ مَعَ الدّاخِلینَ * وَ ضَرَبَ اللّه مَثَلًا لِلّذینَ آمَنُوا امْرأة فِرعَونَ اذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِندَکَ بَیْتاً فِی الجَنَّةِ و نَجِّنی مِنْ فِرعَونَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنی مِنَ القَومِ الظالمینَ * وَ مَرْیَمَ ابنَةَ عِمْرانَ الّتی اَحصَنَت فَرْجَها فَنَفَخنا فیهِ مِنْ روُحِنا وَ صَدَّقَت بِکَلِماتِ رَبِّها وَ کُتُبِهِ وَ کانتَ مِنَ القانِتینَ.» (۸۷)

مقدمه

زنان همواره سنگ زیربنا و بنیادین اجتماعات بشری هستند و به همین جهت گرایشها، افکار، تمایلات و خواستهای ایشان، در اجتماع منشأ اثر و تحولات بزرگی بوده است.

این گرایشات و خواستها، گاه از سوی خود آنان به منصّه ظهور و بروز رسیده و گاه، به جهت تأثیر انکارناپذیر روحیّات بانوان، در بروز تحولات اجتماعی، به دست فرزندان آنان و مردان اجتماع، به تجلّی نشسته است.

از این رو، قرآن کریم زن مؤمن را منشأ و خاستگاه جامعه ایمانی و زنِ کافر را منشأ و خاستگاه جامعه کفر معرفی کرده است.

در آیات شریفه فوق، چون خداوند در صدد بیان ضرب المثلی از انسانهای مؤمن بر آمده، به ذکر نام و شرح حال دو بانو می پردازد و چون احوال انسانهای کافر را به مثال می کشد، به ذکر نام دو زن از این طایفه اکتفا می نماید.

زنان نه تنها نیمی از پیکره اجتماع انسانی را تشکیل می دهند، بلکه به مقتضای سِمَت مادری و مدیریّت خانه، منشأ حضور یک نسل، در جامعه انسانی خواهند بود و

چنین است که زن مؤمن برابر با جامعه مؤمن و زنِ کافر به معنی جامعه کفر است.

گـاه در میـان صـفحات تاریـخ می بینیم که، وظیفه حفظ دین و پاسـداریِ آن از گزنـد دشـمنان و بـدخواهان، بر دوش بانوانی سنگینی می کند که سند افتخار «بیان رسالات الهی» و «تبلیغ دین» را به نام خویشتن زده اند.

در این رهگـذر، یکی از درخشـانترین چهره هـای تاریـخ اسـلام «خـدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام» است که به حق، مظهر مقاومت و تجلّی ایمـان می باشـد؛ هم او بود که در اولین ساعـات بعثت پیـامبر صَـلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَـلَّم به او ایمـان آورد و تا آخرین لحظات عمر، بر این هدف پای فشرد و استقامت ورزید. علاّمه مجلسی در بحار می گوید:

«کانت خدیجهُ وزیرهَ صِدْقٍ عَلَی الاِسْلامِ وَ کانَ رسولُ اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم يَسكُن اِليها.» (۸۸)

فضایل خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

۱ – معرفت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام نسبت به رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

خدیجه کبری عَلَيْهاالسَّلَام با پیشنهاد ازدواج به رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم (قبل از بعثت پیامبر) افتخار همسری او را یافت؛ راز این پیشنهاد را خود آن حضرت چنین بیان می کند:

«اِنّی قَد رَغِبْتُ فیکَ لِقَرابَتِکَ مِنّی وَ شَـرَفِکَ فی قَومِکَ وَ اَمانَتِکَ عِنْدَهُم و حُسنِ خُلْقِکَ وَ صِدْقِ حَدیثِک ...» (۸۹) به سبب خویشاوندی ات با من و شرف و بزرگی و امانتداری ات در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیك و راستگویی ات، مایلم با تو ازدواج کنم.

از این سـخن دانسـته می شود که، علاقه و ارادت این بانوی بزرگ به پیامبر اکرم صَـلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم تنها به سبب علقه زوجیّت

و محبّتهای شهوانی نبوده است، بلکه او فوق العادگیهای شخصیّتی رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم را به درستی دریافته بوده و لذا به پاس این معرفت، جان خویش را در طبق اخلاص نهاده، با اهداف پیامبر تشریک مساعی می نموده است.

او ایثار و از خود گذشتگی را به آنجا رسانید که به واسطه علاقه و ارادت فراوان به رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در میان بانوان قریش مهجور ماند و در لحظات ولادت فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام هیچکدام از آنان بر بالین خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام حاضر نشدند (۹۰)؛ امّا این همه فشار برای این بانو، به خاطر معرفتی که در سینه دارد سنگین نیست!

۲ - خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام اولین زن مسلمان

«یا نِساءَ النَبیِّ لَسْتُنَّ کَاَحَدٍ مِن النّساءِ اِنِ اتَّقَیْتُنَّ ...» (۹۱)

به نقل همه مورخین، خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام نخستین بانوییست که به شرافت اسلام مشرّف گردید؛ «ابن عبدالبرّ» از قول «قتاده» می گوید:

اولین کسی که به خدا و رسولش ایمان آورد خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بود.» (۹۲)

«ابن عبدالبر» به سند خود از «پدر ابی رافع» می نویسد:

«صلّی رسولُ اللَّه یَومَ الاثنَینِ وَ صَلَّت خَدیجهُ آخِرَ یَومِ الاثنَینِ» (۹۳) پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در روز دوشنبه (روز مبعث) نماز گذارد و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در ساعات آخر همان روز نماز خواند.

۳ - خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام برترین بانوان اهل بهشت

«عکرمه» از «ابن عباس» نقل می کند که گفت:

«خَطَّ رَسولُ اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فِی الأرْضِ اَربَعَهَ خُطوطٍ ...

فَقالَ رسولُ اللَّه: أفضلُ نِساءِ اهلِ الجَنَّهِ، خَدیجهُ بنتُ خُوَیْلِدٍ وَ فاطِمهُ بِنتُ محمّدٍ وَ مَرْیمُ ابنَهُ عِمرانَ وَ آسِیهُ بنتُ مُزاحمٍ اِمرَأَهُ فِرعَونَ.» (۹۴)؛ رسول

خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم چهار خط بر روی زمین کشید و سپس فرمود:

بهترین زنان بهشت اینانند:

خدیجه دختر خُویلِد، فاطمه دختر محمّد و مریم دختران عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.

ابن اثیر به سند خود از انس بن مالک از رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم روایت کرده که فرمود:

خَیرُ نِساءِ العالَمینَ، مریمُ و آسیهُ و خدیجهُ و فاطمهُ (۹۵)

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه برترین زنان عالمند.

این حدیث را شیعه و سنّی با عبارات مشابه و به طرق مختلف روایت نموده اند

۴ – خدیجه برترین همسر پیامبر: «اُم المؤمنین»

«و ازواجُهُ اُمَّهاتُهُم.» (۹۶) همسران پیامبر مادران مؤمنین هستند.

شیخ صدوق از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند:

«تَزَوَّجَ رَسولُ اللَّه بِخَمسَ عَشَرَ امرأهً افضَلُهُنَّ خَدیجهُ بنتُ خُوَیْلِدٍ» (۹۷) پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با پانزده زن ازدواج کرد که برترین آنان خدیجه بنت خویلد بود.

۵ – خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام مادر فرزندان رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام با آنکه بنا به نص قرآن مادر روحانی همه مؤمنین است.

امّا بی واسطه و به طور مستقیم سمت مادری بر همه فرزندان پیامبر را نیز دارد. مؤرخین می گویند به جز «ابراهیم» که از «ماریه قبطیه» بود، سایر فرزندان پیامبر از خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام هستند و این خود بر جایگاه این بانو و فضیلت قدر و جلالت معنوی او می افزاید.

فرزندان حضرت عبارتند از:

«قاسم، عبداللَّه، زینب، ام کلثوم، رقیه و فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام؛ پسران در خردسالی از دنیا رفتند، ولی دختران زنده ماندند (۹۸).

ازمیان همه عظمتهای این بانو، همین بس که شرافت مادریِ فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام را داشت. او مادر بانوییست که

امامت و وصایت پس از نبی اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از نسل او استمرار یافت.

محدث قمی قدس سره در منتهی الآمال در ضمن حدیثی از زبان خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام نقل می کند که «از اولین لحظاتی که به فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام حمل یافتم، نور او را در شکم خویش می دیدم.»

افزون بر این، صدوق از «مفضّل بن عمرو» از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند که «چون خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام به فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام حامله شد، فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام در شکم با او سخن می گفت و مونس او بود و او را به صبر توصیه می فرمود. خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام این حالت را از پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پنهان می کرد. تا آنکه روزی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم داخل شد و شنید که خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام با آنکه شخصی نزد او نیست سخن می گوید.

فرمود:

ای خدیجه با که سخن می گویی؟ خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام پاسخ داد:

فرزندی که در شکم من است با من سخن می گوید.

آنگاه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

اینک جبرئیل مرا خبر می دهد که این فرزند دختر است و او صاحب نسل طاهر، با میمنت و با برکتیست و حق تعالی نسل مرا از او به وجود خواهد آورد و امامان و پیشوایان دین از نسل او به وجود خواهند آمد.»

چون لحظات ولادت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام نزدیک شد، خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام کسی را نزد زنان قریش و فرزندان هاشم فرستاد تا نزد او حاضر شوند؛ امّا آنان در پاسخ گفتند:

تو فرمان ما را نبردی و همسر یتیم ابوطالب شدی که فقیر است و مالی ندارد، به همین سبب ما به خانه تو نمی آییم!

وقتی

پاسخ را به خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام عرض کردند، اندوهناک شد، امّا ناگاه دید که چهار زن گندمگون و بلند بالا نزد او حاضر شدند. خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام از دیدن آنها ترسید، امّا یکی از آنان گفت:

ای خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام نترس که ما فرستادگان پروردگاریم و به جهت کمک و یاری تو آمده ایم. اوّلی گفت:

من ساره ام همسر حضرت ابراهیم و دومی گفت:

من آسیه دختر مزاحم و سومی گفت:

من مریم هستم، دختر عمران و چهارمی خود را کلثوم خواهر موسی بن عمران معرفی کرد.

این چهار بانوی بهشتی به همراه ده حورالعین، خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام را در ولادت فاطمه عَلَيْهاالسَّلَام یاری دادند (۹۹).

۶ - خدیجه و ایمان او به علی ابن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام

مرحوم مجلسی قدس سره در بحارالانوار در زمینه محبت و علاقه حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام نسبت به علی عَلَيْهِ السَّلَام مطالبی را نقل کرده که مضمون آن چنین است:

«پس از ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام، علی عَلَيْهِ السَّلَام به دنیا آمد. رسول خدا با خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام دربارهی دوستی و محبت علی عَلَيْهِ السَّلَام سخن گفت و خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام از آن پس به علی عَلَيْهِ السَّلَام محبت فراوان داشت و برای آن حضرت به وسیله خدمتکارانش لباس، زیور آلات و ملزومات می فرستاد، به گونه ای که مردم می گفتند:

علی محبوبترین افراد نزد او و نور چشم خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام است.

الطاف و محبتهای خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام صبح و شام به خانه ابوطالب روان بود.» (۱۰۰)

علاوه بر این، خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَام و اولادش را پذیرفته بود، با آنکه در آن زمان به این امر مکلّف نشده بود.

مرحوم محلاتی به نقل از مجلسی قدس سره می گوید:

«روزی رسول

خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام را نزد خود خواست و فرمود:

این جبرئیل است و می گوید برای اسلام شروطی است:

اوّل اقرار به یگانگی خداوند.

دوّم:

اقرار به رسالت پیامبران.

سوّم:

اقرار به معاد و عمل به اصول و مهمّات شریعت.

چهارم:

اطاعت اولی الأمر و ائمه طاهرین از فرزندان او و برائت از دشمنان آنها. خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به همه آنها اقرار نمود و تصدیق کرد.» (۱۰۱)

۷ – انفاق خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام

مورخان ثروت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام را بدین ترتیب نگاشته اند:

۱ – هزاران شتر (شتران فراوانی) اموال تجارتی او را حمل می کردند.

۲ – قبّه ای از حریر سبز با طنابهای ابریشمی بر بام خانه اش افراشته شده بود و نمایانگر ثروت فراوان او بود.

۳ – چهارصد غلام و کنیز خدمات ارجاعی او را انجام می دادند. (۱۰۲)

ثروت این بانوی معظمه به قدری زیاد بود که ثروتمندان درجه یک قریش چون «ابوجهل» و «عقبه بن ابی معیط» در نزد او ناچیز به شمار می رفتند. پس از ازدواج با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام همه این ثروت را بیدرنگ در اختیار رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم قرار داد. (۱۰۳)

در مقابل سخن سخیف منافقین، که سعی داشتند با محاصره اقتصادی راه نفوذ اسلام را سد نمایند:

«یَقولونَ لا تُنفِقوا عَلی مَن عِنْدَ رَسولِ اللَّهِ حتّی یَنْفَضّوا مِنْ حَوْلِهِ». (۱۰۴) بانوی فداکار و ثروتمندی چون خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام، همه هستی خود را در راه اعتلای اسلام خرج کرد و در روزهای سختِ اسارت در شعب ابیطالب، علاوه بر همراهی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و دلگرمیهای عاطفی و روانی او، همه سرمایه اش را نیز برای نجات اسلام و

حمایت از مسلمانان صرف کرد.

به حق دربارهی او بایـد گفت که او مصداق متّقین در سوره بقره است؛ «اَلَّذینَ یُؤمِنونَ بِالغَیبِ و یُقیمونَ الصـلاهَ وَ مِمّا رَزَقْناهُم یُنفِقونَ.» (۱۰۵) تقوا پیشگان آنانند که به غیب ایمان دارند و نماز بر پای می دارند و از آنچه خدای روزیشان نموده انفاق می کنند.

«یا اَیُّها النَّبیُّ قُل لِأزواجِکَ ان کُنتُنَّ تُرِدنَ الحیوهَ الدُّنیا وَ زینَتَها فَتعالَینَ اُمَتَّعکُنَّ وَ اُسَـرِّحْکُنَّ سَـراحاً جمیلاً و ان کُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللّه وَ رَسولَهُ و الدّارَ الآخِرهَ فَانَّ اللّه اَعَدَّ لِلْمُحْسِناتِ مُنْکُنَّ اجراً عظیماً.» (۱۰۶) ای پیامبر، به همسرانت بگو:

اگر شـما زنـدگی خوب و زیور دنیـا را طالبیـد، بیاییـد تـا مهریّه شـما را پرداخته و طلاقتان دهم. اما اگر طالب خـدا و رسول و مشتاق خانه آخرتید، همانا خدا به نیکوکاران از شما اجر عظیم عنایت می فرماید.

«وَ مَنْ یَقْنُت مِنْکُنَّ لِلّهِ وَ رَسولِهِ و تَعمَـل صالحاً نُؤتِها اجرَها مَرَّتَیْنِ و اعتَـدنا لَها رِزقاً کریماً». (۱۰۷) و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسولش باشد و نیکوکار شود، او را دو بار پاداش می دهیم و برایش روزی با کرامتی مهیا می سازیم.

مقام خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در نزد خداوند

«زُرارهُ و حُمرانُ ابنُ اَعْیَن و محمّدُ بنُ مسلمٍ عَنْ ابی جَعْفرٍ عَلَیْهِ السَّلَام قال:

حدّث ابو سعید الخدری: أنَّ رسولَ اللّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم قال:

اِنَّ جبرئیلَ عَلَیْهِ السَّلَام قال لی لَیلهً اُسرِیَ بی حینَ رَجَعتُ وَ قُلتُ یا جَبرَئیلُ هَل لکَ مِن حاجَهٍ؟ قال:

حاجَتی أن تَقرَأ علی خـدیجهَ مِن اللّه و منّی السـلامَ وحَدَّثَنا عند ذلک أنَّهاقالَت حینَ لَقِیَها نَبیُّ اللّه صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَـلَّم. فقالَ لَها الَّذی قال جَبرئیلُ. فقالت عَلَیْهِ السَّلَام:

ان

اللَّه هُو السّلامُ و منهُ السلامُ و اِلیهِ السّلامُ و علی جَبرَئیلَ السلامُ.» (۱۰۸) امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام به حمران و زراره و محمّد بن مسلم چنین روایت کرده که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

همانا شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت از سفر روحانی به جبرئیل گفتم:

ای جبرئیل، آیا حاجتی داری؟ جبرئیل پاسخ داد:

حاجت من اینست که از طرف خدا و من، به خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام سلام برسانی، چون رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیغام جبرئیل را به خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام رسانید، آن حضرت پاسخ داد:

همانا خدا سلام است و سلام از اوست و سلام به سوی اوست و بر جبرئیل سلام باد!

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

آن زمان که خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام وفات یافت، فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام اطراف پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم می گشت و از او می پرسید:

یا رسول اللَّه مادرم کجاست؟

ولی رسول خدا پاسخ او را نمی داد. فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام در سؤالش اصرار می کرد و رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم نمی دانست چه پاسخی باید به فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام بدهد. پس جبرئیل نازل شد و گفت:

همانا خدایت به تو امر می کند که به فاطمه سلام برسانی و به او بگویی:

همانا مادرت در خانه ای از زمرّد است که دیوارهایش از طلاست و پایه هایش از یاقوت قرمز. او در میان آسیه - همسر فرعون - و مریم دختر عمران جای دارد. پس فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام گفت:

همانا خداوند خود سلام است و سلام از اوست و به سوی اوست! (۱۰۹) همچنین روایت شده است که وقتی رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در بستر

احتضار بود؛ فاطمه زهرا عَلَيْهاالسَّلَام دربارهی جایگاه آن حضرت در قیامت سؤالاتی پرسید. از آن جمله پرسید:

«اَینَ والدتی خدیجه؟» در آن روز مادرم خدیجه کبری کجاست؟

رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

فی قصرٍ لَهُ اَربَعَهُ اَبوابٍ اِلَی الجنّهِ» خدیجه در قصریست که چهار درب به سوی بهشت دارد. (۱۱۰)

در سفینه البحار، مرحوم محدث قمی می گوید:

«در وحی خداوند به حضرت مسیح، از خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام به «مبارکه» تعبیر شده، به این صورت که در رابطه با پیامبر آمده:

«نسلُه من مبارکه.» (۱۱۱)

در کنز العمّال آمده:

«و عَلَی الأعرافِ رِجالٌ یَعرِفونَ کُلّاً بِسیماهم.» خدیجه با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و علی و فاطمه و حسن و حسین عَلَيْهِمُالسَّلَام بر اعراف بودند. (۱۱۲) و نیز «ابومسلم خولایی» از پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم دربارهی آیه شریفه: «اِن اللّه اصطفی آدَمَ و نوحاً و ...» نقل کرده که حضرت فرمود:

«و علیّاً و الحسنَ و الحسینَ و حَمزه یَ و جَعفراً و فاطِمَهَ و خدیجهَ علیهمُ السلام.» (۱۱۳)

علاقه رسول اللّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم به خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام

خدیجه کبری ۲۴ سال با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم زندگی کرد. (۱۱۴) و تا زنده بود پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم همسر دیگری اختیار ننمود. پس از مرگ خدیجه نیز، ابتدا رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در قبر آن حضرت داخل شد و سپس خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام را در آن جای داد. (۱۱۵)

«عبداللّه بن جعفر عن علی عَلَیْهِ السَّلَام قال رسولُ اللّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم:

أفضلُ نِساءِ اُمّتی خَدیجهُ و افضلُ

نِساءِ الاُمَمِ الماضینَ مَریمُ.» رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

برترین بانوان امّتم خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام است و برترین بانوان امتهای گذشته مریم عَلَیْهاالسَّلَام بود.

«روی عن انس قال:

کانَ النبیُّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم اِذا اُتی بهَدیّهٍ قال اذهَبوا بِها الی بیتِ فُلانَه فَانَّها کانَت صَدیقهً لِخَدیجهَ انّها کانَت تُحِبُّ خدیجهَ.» (۱۱۶) از انس بن مالک (غلام پیامبر) روایت شده که هر وقت برای پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم هدیه ای می آوردند، حضرت می فرمود:

آن را به خانه فلان خانم ببرید، او دوست خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بود و خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام را دوست می داشت.

عایشه گوید:

هرگز آن مقدار که بر خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام غیرت ورزیده و حسد بردم، بر زنی غیرت نورزیدم؛ آن هنگام که پیامبر او را یاد می کرد و من می شنیدم و نیز هنگامی که گوسفند ذبح می کرد و آن را به دوستان خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام هدیه می داد.

«عن عایشهَ: کانَ رسولُ اللَّه لا یَکادُ یَخرُجُ مِن البَیتِ حتی یَذْکُرَ خدیجهَ فَیُحْسِنُ الثَّناءَ عَلَیها وَ الِاسْتِغفارَ لَها فَذَکَرَها ذاتَ یَومٍ فَحَمَلَتنی الغَیْرَهُ فَقُلْتُ عَوَّضکَ اللَّه مِن کبیرهِ السنَّ، قالت: فرأیتُ رسولُ اللَّه غَضِبَ غَضَباً شدیداً ...»؛ عایشه گوید:

رسول خدا از خانه بیرون نمی آمد، مگر اینکه خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام را یاد می کرد و برایش استغفار می نمود. روزی از او یاد کرد و من حسد بردم و گفتم:

او پیرزنی بیش نبود.

خدا بهتر از او را به شما عوض داده!؟ پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم خشمگین شد و فرمود:

نه به خدا قسم، که بهتر از او را به من نداده است؛ «خدیجهُ و أینَ مثلُ خدیجهَ، صَدَّقَتنی حینَ کَذَّبَنی الناسُ و وازَرَتنی علی دینِ اللَّه

و أعانَتنی بِما لِها»؛ خـدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و دیگر کجاست مثل خـدیجه عَلَیْهاالسَّلَام؟ او به من ایمان آورد، آن هنگام که مردم مرا انکار می کردند.

او مرا تصـدیق کرد آن گاه که مردم مرا تکـذیب می نمودنـد. او با مال خود مرا یاری کرد و خداوند از میان همسـران، فقط از خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام به من فرزند داد.

و گویند:

هر وقت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نام خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام را می شنید، گریه می کرد و نیز روایت شده:

زمانی پیرزنی بر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم وارد شد، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بر او تلطف و مهربانی نمود؛ پس از خروج او عایشه علت آن را جویا شد، حضرت فرمود:

این بانو در زمان خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بر من وارد می شد.

(۱۱۷)

وفات خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام

پس از آنکه تـازه مسـلمانان سه سال سـختی و رنـج را در شِعْب ابیطالب تحمل کرده و با فـداکاریها و اتفاقهای مالی خـدیجه عَلَیْهاالسَّلَام از شـعب ابیطالب به سـلامت رهایی یافتند. متأسـفانه، تحمل رنجها و سختی ها کمر استقامت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام را خم کرد و عمر او را کوتاه نمود؛ لذا از آن پس خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در بستر بیماری افتاد.

ابتدا ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام، بزرگ حامی رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، وفات یافت و سپس، به نقل بعضی از مورخین: سه روز بعد، خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام در ۶۵ سالگی وفات کرد و در محلی به نام «حجون» دفن شد.

آنچـه در انتهـای ایـن مقـال گفتنی است آنکه، خـدیجه کـبری عَلَیْهاالسَّلَام در لحظـات احتضـار «اسـماء بنت عمیس» را به نزد خویش طلبید و در مورد دخترش فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام به او

سفارشاتی کرد و سپس فاطمه عَلَيْهاالسَّلَام را به نزد پیامبر فرستاد و از طریق فاطمه عَلَيْهاالسَّلَام و به وساطت او، از رسول اللَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم خواهش کرد که یکی از لباسهای خود را کفن او قرار دهد؛ سپس چشم از جهان فرو بست!

این حادثه، چنان بر رسول اللَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ناگوار بود که پس از آن، چند روز از خانه خارج نشد و آن سال را «عام الحزن» نامید.

علی ابن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام نیز در رثای آن دو بزرگوار اشعاری سرود:

«أعَيْنَيَّ جُودا بارَکَ اللَّه فیکُما

علی هالِکَینِ لاتری لَهُما مثلاً ...»

ای چشمان من! آفرین بر شما! بر آن دو رفته ای که دیگر مانندشان را نمی بینند، بر بزرگ بطحاء و بر بانوی بانوان؛ آن نخستین کسی که نماز گذارد؛ بر آن زن پیراسته و خجسته ای که خداوند او را پاک داشت و برتری اش داد، اشک بریزید. مرگ این دو، روز را بر من تاریک ساخته و از این پس، شبها را درانده و سوگ آن دو سر می کنم. آن دو در برابر ستمکاران به دین، آیین محمّد را یاری کردند و پاس پیمان خویش داشتند! (۱۱۸)

مقاله ششم

بانوی نویسنده، خانم عذرا انصاری دام عزّها، در مجله «پیام زن» سال سوم شماره اول، در مقاله ای دربارهی حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام عرض ادب و اخلاص نموده و به مناسبت سالروز ازدواج پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام نکات برجسته ای از عظمت آن حضرت و عقیده و روحیات و فداکاریهای آن افتخار عالم نسوان را به تصویر کشیده است، که ذیلاً گزیده ای از آن مقاله

تقدیم می گردد.

... خدیجه دلش با محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود، زیرا از علمای یهود و نصارا مطالبی دربارهی نبوت آن حضرت شنیده بود.

او عقیده داشت که همسریِ پیامبر خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت، افتخار و نشاط را برایش به ارمغان می آورد (۱۱۹). بدین جهت نزد پسر عموی خود ورقه بن نوفل رفت و گفت، می خواهم ازدواج کنم، لیکن نمی دانم با چه کسی، خواستگاران زیادی برایم آمده اند، دلم هیچ یک را نمی پذیرد.

در این هنگام «ورقه» با تخصصی که در کتاب و ادیان داشت، او را از خصوصیات و کمالات و ویژگیهای پیامبر آینده آگاه کرده، گفت:

محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم تاج کرامت بر سر و نعمت و شفاعت در کف دارد، سرور و بزرگ عرب بوده، فرزند عبداللَّه بن عبدالمطلب است.

پس از شنیدن اوصاف پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بر علاقه قلبی و محبت شدید حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام افزوده شد، تا جایی که قرار و آرام را از او گرفت و در تنهایی به یاد او می گریست (۱۲۰).

بی مناسبت نیست برخی ویژگیهای حضرت خدیجه را باز گو کنیم:

۱ - سبقت در ایمان به خدا و رسول او.

۲ - معرفت و زیرکی و تلاش در راه رسیدن به حقیقت و سیراب کردن کام تشنه خویش از سرچشمه زلال معنویت و شرافت.

۳ - شکستن سنّتهای جاهلیّت.

۴ - پاسداری از جان و سلامت رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، گویی خدا به وسیله خدیجه پیامبرش را از گزند دشمنان حفظ کرد.

۵ - برخورداری از ثروت سرشار و سهیم کردن مردم در سود تجارت، به نقاط مختلف

نظیر حجاز، مصر، حبشه و غیره (۱۲۱).

حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام زنی بود که بیشترین محبت و توجه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را به خود جلب کرد، به گونه ای که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم تا خدیجه زنده بود، همسر دیگری نگرفت و پس از مرگ خدیجه نیز همیشه به یاد او بود و چون گوسفندی را قربانی می کرد، دستور می داد، اول برای خویشان و دوستان خدیجه ببرند.

۷ - یاور سالهای تنهایی و غربت رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و مایه تسکین قلب و رفع اندوه و غصه آن حضرت بود.

۸ - گسستن از همه و پیوستن به حق.

۹ - ایثار تمام ثروت خویش به پیشگاه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در راه تحقق آرمانهای اسلام

۱۰ – حفظ نسل پاک رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به خصوص وجود مقدس حضرت زهرا عَلَیْهاالسَّلَام که جریان کوثرِ برکت و خیر و فضیلت او، به ابدیت متصل است.

۱۱ - بیعت با حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام و پذیرش امامت آن حضرت. شیوه این بیعت بدین گونه بود که رسول خدا دست خود را روی دست امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَام گذاشت، سپس خدیجه دست خود را روی دست پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نهاد.

۱۲ - عبادت، استقامت و حسن خانه داری و همسر داری.

۱۳ - شهامت طرفداری از حق و تحت تأثیر محیط قرار نگرفتن.

۱۴ - پاک سرشت و مورد اعتماد بودن، به گونه ای که در زمان جاهلیت او را «طاهره» نامیدند.

منزلت حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در پیشگاه خدا به اندازه ای

بود که جبرئیل به پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم عرض کرد:

من هر گاه از سدره ی المنتهی فرود می آیم، خدای تبارک و تعالی می فرماید:

سلام مرا به خدیجه برسان. یکی از همسران پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم می گوید:

هر وقت نام خدیجه برده می شد، پیامبر خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم به خوبی از او یاد می کرد و برایش غفران الهی را طلب می نمود (۱۲۲). من عرض کردم:

خدیجه مسن بود و خدا بهتر از او به شما داده است.

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم خشمگین شد، به طوری که من پشیمان شدم و تصمیم گرفتم دیگر چنین حرفی نزنم. پیامبر فرمود:

چرا این گونه سخن می گویی! به خدا قسم او زمانی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند، زمانی به من پناه داد که دیگران طردم می کردند.

او مرا تصدیق کرد و فرزندان من از آن اوست (۱۲۳).

روزی خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام با عده ای از زنان در خانه نشسته بود، یکی از علمای یهود آنجا حضور داشت، در این بین حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از آنجا عبور کرد، مرد یهودی به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام گفت:

این جوان را به اینجا دعوت کن، خدیجه کنیز خود را به دنبال ایشان فرستاد، چون محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم وارد شد، مرد یهودی از آن حضرت خواست که کتف خود را نشان دهد، وقتی که چشم مرد یهودی به شانه محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم افتاد و مهر نبوت را دید، گفت:

به خدا قسم این مهر پیامبری صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه

وَ سَلَّم است.

خدیجه گفت:

اگر عمویش اینجا بود، نمی گذاشت به بدن او نگاه کنی. یهودی گفت:

هیچ کس نمی تواند به محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم زیان برساند، به موسی قسم که او پیامبر خاتم است.

در این هنگام که دل خدیجه از عشق به محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم لبریز شده بود، از مرد یهودی پرسید:

تو از کجا دانستی که ایشان پیامبر است.

او در جواب گفت:

در تورات آمده است که پیامبری به نام محمّد مبعوث می شود، او در کودکی پدر و مادر خود را از دست می دهد و جد و عموی او کفالتش را به عهده می گیرند. سپس به طرف خدیجه اشاره کرد و گفت:

او زنی از قریش را به عقد خود در می آورد و خوشا به حال کسی که همسر او باشد (۱۲۴) که او بزرگ و سرور خاندان است.

سپس هنگام بیرون رفتن به خدیجه گفت:

مواظب باش که محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را از دست ندهی، چرا که پیوند با او سعادت دو جهان را تأمین می کند.

این مطلب در ذهن خدیجه باقی ماند.

روزها برای خدیجه به کندی می گذشت و او به دنبال فرصتی بود تا زمینه ای فراهم کند و به همسری اشرف مخلوقات نایل شود.

مدتی گذشت، روزی ابوطالب به محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چنین گفت:

من ثروت و اندوخته ای ندارم، پیر و ضعیف شده ام و دلم می خواهد زندگی ات را سامان داده و همسر بگیری تا در کنار او آرامش بیابی.

حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم گفت:

نظر شما چیست؟

ابوطالب پاسخ داد:

خدیجه هر ساله عده ای را به تجارت می فرستد، اگر می خواهی از او

برایت سرمایه ای بگیرم، تا با آن تجارت کنی و از سود آن زنی برایت خواستگاری کنم، آن حضرت نیز پذیرفت.

ابوطالب، عباس و دیگر بستگان محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم تصمیم گرفتند، به خانه خدیجه بروند. سر انجام، جملگی به راه افتادند تا به خانه خدیجه رسیدند. چون آهنگ در نواختند شوقی در قلب خدیجه پدیدار شد و به کنیز خود گفت:

برو ببین چه کسی در می زند.

کنیز خبر آورد که بزرگان عرب و فرزندان عبدالمطلب اجازه ورود می خواهند. خدیجه شادمان شد و گفت:

زود در را باز کن و به غلامان بگو:

فرشها را بگسترانند و هر کس را در جایگاه خود قرار دهند و از آنها پذیرایی نیکویی به عمل آورند.

خدیجه گفت:

ای بزرگواران مکه و کعبه! کلبه ما را صفا دادید، هر خواهشی که داشته باشید، پذیرا هستم. ابوطالب گفت:

ما تقاضایی داریم که بهره اش به شما هم می رسد و آن درخواست سرمایه ای است، برای پسر برادرم. چون خدیجه نام محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم را شنید دلش آرام گرفت. سپس گفت:

محمّد کجاست تا خواسته اش را از زبان خود او بشنوم. در این هنگام عباس برای آوردن محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم حرکت نمود. قدری جستجو کرد تا اینکه او را در خوابگاه ابراهیم یافت. بی درنگ به آن حضرت گفت:

به خانه خدیجه برویم که می خواهد تو را امین مال خود گرداند.

آن حضرت چون خورشیدی درخشان رو به خانه خدیجه نهاد. عباس با عموهای محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم به استقبال ایشان شتافته، حضرتش را به داخل خانه آوردند و در بالای مجلس نشاندند. خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام دستور

داد از ایشان پذیرایی کنند.

سپس خطاب به محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم گفت:

خانه ما را روشن کردی، آیا میل داری امین من در امور تجارت باشی. محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم جواب داد:

آری، مایلم سفری به شام داشته باشم. خدیجه گفت:

هر طور دوست دارید، عمل کنید، من در این سفر برای شما بهره قابل توجهی معین کرده ام، آیا به این راضی هستید؟ ابوطالب گفت، همه راضی هستیم، شما نیز به چنین شخص امین و درستکاری نیاز داری. تمام مردم حسن دیانت و امانت و تقوای او را قبول دارند.

پس از آن، به دستور خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام شتری قوی که دارای چشمانی سرخ بود، آوردند تا پیامبر شیوه بار بستن را بیازماید و نکات لازم را فرا گیرد.

چون شتر را پیش آوردند، در مقابل محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم زانو زد و صورت خود را به پای محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چسباند (۱۲۵). محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم او را نوازش کرد و بر پشت او دست کشید، شتر از این محبت بر خود بالید. این صحنه باعث شگفتی حاضران شد.

خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام نگاهی به او کرد و گفت:

ای بزرگوار! این لباسهای شما مناسب سفر نیست، اجازه دهید برایتان لباس بیاورند. سپس دستور داد، دو دست لباس یکی مصری و دیگری عدنانی، دو برد یمانی، عمامه، کفش و عصا برای حضرتش آوردند. پس از آنکه لباس آوردند، خدیجه به محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم گفت:

این لباسها برای شما بلند است، اجازه بدهید آن را کوتاه کنم.

و محمّد صَلَّی اللَّهُ

عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم جواب داد:

لازم نیست، من هر لباسی که بپوشم، بر اندامم برازنده است (۱۲۶). محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم لباسها را پوشید و همه برازنده ایشان بود، گویی در میان آن جامه ها چون قرص ماه می درخشید. خدیجه چون به ایشان نظر انداخت، دلش از مهر محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم به وجد آمد.

عزیزم کاسه چشمم سرایت

میان هر دو چشمم جای پایت

از آن ترسم که غافل وانهی پا

نشیند خار مژگانم به پایت

باباطاهر عریان

خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام دستور داد شتر مخصوص خویش را برای سواری آن حضرت آوردند. سپس دو غلام خود «میسره» و «ناصح» را طلبید و گفت:

بدانید که من محمّد را بر اموال خویش امین و حاکم قرار دادم. او بالاترین مقام است و در مورد اموال من اختیار تام دارد، شما در هیچ مورد با او سخن مگویید و بیشترین احترام و تکریم را داشته باشید و در خرید و فروش او دخالت نکنید. «میسره» گفت:

من از قبل، محمّد را دوست می داشتم و اکنون که شما او را دوست دارید، علاقه من نیز بیشتر شد.

حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم با خدیجه خداحافظی کرد، سوار مرکب شد و از خانه خارج گشت، در حالی که دو غلام خدیجه با او بودند (۱۲۷).

مسافرت با جریانات آن طی شد و سود سرشاری نیز نصیب محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم گردید، پس از مدتی محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از راه رسید و کاروان درِ خانه خدیجه فرود آمد و خدیجه از سودی که نصیبش شده بود، آگاه شد.

آن بانوی

بزرگوار از سود چشمگیر این سفر در شگفت ماند و مطلب را با پدر خود «خویلد» در میان گذاشت. سپس از میسره غلام خود پرسید:

در این مسافرت چه چیزهایی از محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دیدی؟ او جواب داد:

کرامات ایشان بیشتر از آن است که من بتوانم بیان کنم. سپس بعضی از حوادث بین راه را تعریف کرد، از جمله پیام «فلیق» راهب را به خدیجه رساند. آن گاه خدیجه «میسره» و زن و فرزندانش را آزاد کرد و او را با هدایای گرانبها از جمله دو شتر و دویست درهم نقره خوشحال کرد. پس از آن، دستور داد صندلی مخصوصی برای محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم درست کنند، تا هر وقت حضرت صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم تشریف آورد، روی آن بنشیند.

صندلی مخصوص فراهم شد و حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم روی آن نشست. شکوه و هیبت از قیافه آن حضرت می بارید، گویی قرص ماه بر صندلی طلوع کرده است.

خدیجه بار دگر سخن از شعر و تجارت به میان آورد و گفت، دیدار شما برای من بس گوارا و خوش است، ای آقای عالم! پاداش شما نزد من است، اگر اجازه می دهید، بپردازم، آن حضرت فرمود:

اجازه می خواهم که ابتدا با عموی خود ابوطالب ملاقات کنم و بر می گردم.

پس از آن محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نزد ابوطالب رفت و داستان تجارت و حوادث آن را بیان کرد و گفت:

می خواهم سود این سفر را به شما هدیه کنم. ابوطالب از شِدَّت محبت، او را در آغوش کشید و پیشانی حضرتش

را بوسید و گفت:

دوست دارم از سود این تجارت، زنی در خور شخصیت تو برایت عقد کنم. محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

هر چه شما بفرمایید، می پذیرم.

حضرت پس از این گفتگو، گرد و غبار سفر از تن خود شست و لباسهای نیکو پوشیده، عصر دوباره به خانه خدیجه بازگشت.

در این حال، خدیجه از دیدار او به شوق آمد.

صورت خوبت نگارا خوش به آیین بسته اند

گوییا نقش لبت، از جان شیرین بسته اند

خط سبز عارضت، بس خوب و دلکش یافتم

سایبان از گَرد عنبر گِرد نسرین بسته اند

از برای مقدم خیل خیالت مردمان

ز اشک رنگین در دیار دیده آیین بسته اند

...

جمله وصف عشق من دو دست و حسن روی او

پیش از این آنها که بر فرهاد و شیرین بسته اند

خدیجه از محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پرسید:

با سود این تجارت چه خواهی کرد؟ آن حضرت فرمود:

عمویم ابوطالب قصد دارد که همسری از خویشانم برایم خواستگاری کند.

خدیجه گفت:

اجازه می دهی من برای شما زنی شایسته انتخاب کنم. محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

بله، خدیجه گفت:

زنی برای شـما سراغ دارم که اهل مکه و از خویشان شماست و ثروتمند و با جمال و کمال بوده، پاکدامن، با عفت، سخاوتمند و پسندیده است، در کارها به شما کمک می کند و به کم قانع است.

در این هنگام، رخسار مبارک محمّد صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَـلَّم گلگون شد و عرق آن را شستشو داد و سکوت کرد. خدیجه دوباره سخن خود را تکرار نمود و عرض کرد:

به خدا قسم من در هیچ کاری با شما مخالفت نمی کنم و از بذل مال در راه شما و اهدافت دریغ

ندارم. در این حال، محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

او را معرفی کن. خدیجه گفت:

کنیز شما خدیجه!! (۱۲۸)

شما را به کعبه و صفا قسم می دهم درخواست مرا بپذیرید. آن گاه سرشک اشک از دیدگانش جاری شد.

حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در میان گریه و اشک با محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم چنین گفت:

اکنون برخیز و خویشان خود را برای خواستگاری نزد پدرم بفرست و از جهت مهریه نیز نگران مباش، زیرا آن را از مال خود می پردازم.

حضرت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم برخاست و نزد ابوطالب آمد. عموهای دیگرش نیز حضور داشتند. به آنها فرمود:

به خانه خویلد بروید و خدیجه را برای من خواستگاری کنید. ابوطالب گفت:

ای برادر زاده! ثروتمندان از خدیجه خواستگاری کردند و او به هیچ کس راضی نشد، در حالی که تو فقیر هستی؛ شاید شوخی کرده باشد.

پس از گفتگو به این نتیجه رسیدند که صفیه خواهر خود، که عمّه محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم بود را به خانه خدیجه بفرستند، تا دربارهی این مطلب مهم تحقیق کند و معلوم شود که خدیجه جدّی گفته یا نه.

صفیه وارد خانه خدیجه شد.

خدیجه دستور داد، از وی پذیرایی کنند، صفیه گفت:

آنچه من شنیده ام راست است؟

خدیجه جواب داد:

بله.

من به جلالت و امانت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پی برده ام و ازدواج با او را پیروزی بزرگ می دانم و مهر را نیز خود می پردازم. سپس هدیه با ارزشی به صفیه داد و او شاد و خرم به خانه برگشت و به برادران خود خبر داد (۱۲۹). در این حال همه شاد شدند، جز

ابولهب که کینه دیرینه داشت.

ابوطالب لباس زیبا به محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم پوشاند و شمشیر هندی بر کمرش بست و او را سوار اسب تازی کرده، عموهایش چون شمعی او را در بر گرفتند و به سوی خانه خویلد حرکت کردند.

خویلد چون جمع بنی هاشم را دید احترام کرده، خوشامد گفت و مقدم آنان را گرامی داشت.

ابوطالب لب به سخن گشود و چنین گفت:

ما از یک نژاد و فرزندان یک پدریم. اینک آمده ایم تا بین زن و مردی پیمان زناشویی بندیم. خویلد گفت:

آن زن و مرد کیانند؟ ابوطالب جواب داد:

بزرگ و سرور ما محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و دختر شما خدیجه! خویلد رخسارش دگرگون شد و گفت:

شما از بزرگان عرب هستید و میدانید که چه کسانی از او تقاضای ازدواج کرده اند و او نپذیرفت. کار محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چه می شود که فقیر و تنگدست است؟

حمزه بلند شد و گفت:

این نشانه جهل و گمراهی توست؛ مگر نمی دانی که اگر محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم طلب کند، ما هر چه داشته باشیم از او دریغ نمی کنیم. سپس با همراهان از آنجا خارج شدند.

وقتی این خبر به خدیجه رسید، از برخورد پدرش به شدت آزرده شد و گفت:

هر چه زودتر پسر عمویم ورقه را حاضر کنید. چون ورقه بر خدیجه وارد شد و او را محزون دید، علت ناراحتی اش را جویا شد.

خدیجه جواب داد:

چگونه نگران نباشد کسی که مونس و پرستاری ندارد.

ورقه: فکر می کنم تصمیم ازدواج داری. خدیجه: همین طور است.

ورقه: سران عرب و بزرگان تو را می خواستند و برای رسیدن

به تو رنج زیاد کشیدند، ولی همه را رد کردی. خدیجه: دلم نمی خواهد از مکه بیرون بروم.

ورقه: عده ای از خواستگاران از جمله عتبه، شیبه، عقبه بن ابی معیط، ابوجهل و صلت بن ابی یهاب در مکه بودند.

خدیجه: اینها گمراهند. آیا غیر از این افراد کسی را سراغ داری.

ورقه: شنیده ام که محمّد بن عبداللّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم نیز تو را می خواهد (۱۳۰).

خدیجه: ای پسر عمو! اگر محمّد عیبی دارد بگو.

ورقه مدتی سر به زیر انداخت، سپس گفت، محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از ریشه ای استوار و پایدار و شاخه های گسترده و خلقت زیبا و فضیلت فراوان و کمالات زیاد برخوردار است.

خدیجه: آنچه تو گفتی، همه فضایل او بود، عیبش را بگو.

سر انجام پس از مدتی گفتگو، خدیجه گفت:

من هر چه عیب او را جستجو می کنم، باز از حسن او سخن می گویی.

ورقه: ای خدیجه! من کسی نیستم که بتوانم فضیلت و منزلت بی کران محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم را توصیف کنم.

خدیجه: من به عظمت و بزرگواری و منزلت او آگاه هستم و به این نتیجه رسیده ام که جز او را به همسری نگیرم.

ورقه: حال که چنین است، به تو مژده می دهم که او به زودی پیامبر و فرمانروای شرق و غرب خواهد شد.

اگر همین امشب ترتیب ازدواج شما را بدهم چه مژدگانی به من می دهی؟

خدیجه: تمام ثروت من در اختیار توست، هر چه می خواهی بردار.

ورقه: از مال این جهان نمی خواهم. من شفاعت محمّد در روز قیامت را می خواهم، زیرا رهایی و رستگاری آن جهان جز به تأیید و تصدیق او حاصل نمی شود.

خدیجه: من شفاعت تو را نزد

آن حضرت تضمین می کنم (۱۳۱).

پس از آن ورقه نزد خویلد رفت و گفت:

این چه فکریست که در سر داری؟ چرا وسیله نابودی خود را فراهم کرده ای؟

خویلد: مگر چه کرده ام؟

ورقه: دل خاندان عبدالمطلب را آزرده و برادرش را تحقیر کرده ای و خواسته آنها را نپذیرفته ای.

خویلد:

ای پسر برادر! مقام و شخصیت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم برای همه روشن است، لیکن اگر او را بپذیرم، جواب خواستگاران قبلی را چه بگویم. آنها برای همیشه با من دشمن خواهند شد؛ به علاوه خود خدیجه نیز با این امر موافقت نمی کند.

ورقه: مردم عرب چون محمّد را به پاکی و نیکی شناخته اند، از این جهت کارشکنی نمی کنند و خدیجه نیز او را کاملاً شناخته و به او دل بسته است؛ پس تا دیر نشده بر خیز و دل بنی هاشم را به دست آور، به خصوص دل حمزه را.

خویلد و ورقه به خانه ابوطالب آمدند. بزرگان بنی هاشم همه آنجا جمع بودند. ورقه کوبه در را به صدا در آورد. محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

ای خویشان من! خویلد و ورقه پشت در اجازه ورود می خواهند. حمزه در را باز نمود و آنها را به داخل خانه راهنمایی کرد. ورقه و خویلد خطاب به اهل خانه چنین گفتند:

همواره غرق نعمت بوده و خوش باشید، شر دشمنان از شما دور باد ای فرزندان زمزم و صفا!

ابوطالب به گرمی جواب آنها را داد، ولی حمزه گفت:

من جواب کسی را که از وصلت با ما سرباز می زند، به خوبی نمی دهم (۱۳۲).

خویلد گفت:

شما خود می دانید که خدیجه زنی خردمند و داناست و من از میل قلبی او خبر

نداشتم، حال که علاقه او را به شما دریافتم، از شما می خواهم که گذشته را فراموش کنید و پوزش مرا پذیرا باشید.

حمزه: شما برای ما محترم هستید، ولی ما از شما انتظار نداشتیم این گونه با ما برخورد کنی. در این هنگام، ورقه گفت:

محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم محبوب همه ماست.

من هم با این وصلت موافق هستم، اما بهتر است این مسأله را فردا نزد بزرگان عرب مطرح کنیم، تا همه بدانند.

حمزه: بسیار خوب.

ورقه: خویلد چنان زبان گویایی ندارد که بتواند بزرگان عرب را قانع کند، خوب است در کار خدیجه مرا وکیل کند.

خویلد:

تو وکالت داری.

ورقه: این سخن را کنار کعبه بگو، همان جایی که بزرگان عرب اجتماع می کنند سپس همه نزد کعبه آمدند و ورقه در جمع بزرگان عرب فریاد زد:

روزگارتان به خیر و شادی باد ای ساکنان حرم!

آنها نیز جواب دادند:

اهلاً و سهلاً ای گوینده والا.

ورقه: ای مردم آیا شما شخصیت خدیجه را شناخته اید؟

مردم:

بله در میان عرب و عجم نظیری ندارد.

ورقه: آیا درست است که زنی با این مقام به تنهایی زندگی کند؟

مردم:

سران جهان خواستگار او بودند، ولی هیچ یک را نپذیرفت.

ورقه: خدیجه تصمیم گرفته با یکی از شخصیتهای قریش ازدواج کند و پدرش خویلد مرا وکیل ازدواج او کرده است.

حال وکالت خویلد را گوش کنید و فردا در خانه خدیجه حاضر شوید.

خویلد نیز در حضور مردم به ورقه وکالت داد و مسؤولیت را از دوش خود برداشت و نظر او را نافذ دانست. چون بزرگان قوم متوجه موضوع شدند به خویلد گفتند:

ما خواهان خدیجه ایم، لیکن او جواب داد که من مسؤولیت ازدواج دخترم را از خود سلب کرده و

کفالت را به ورقه سپردم و رأی او صائب است و هیچ نظری بالای آن نیست.

ورقه: مردم بدانید که خویلد دیوانه و مجبور نیست و در کمال سلامت عقل می باشد و من دخترش را به هر کس که بخواهم می دهم.

مردم:

شنیدیم و اطاعت می کنیم و شهادت می دهیم (۱۳۳).

در این هنگام ورقه، روانه خانه خدیجه شد، در حالی که بسیار شادمان بود.

وقتی خدیجه او را دید گفت:

خوش آمدی! مثل اینکه قضیه را حل کردی.

ورقه جواب داد:

بله مبارک باشد.

اختیار از پدرت گرفتم و وکیل تو شدم، فردا تو را برای محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم عقد می کنم.

خدیجه از این سخن خوشحال شد و جایزه ای به ارزش پانصد دینار طلا به او داد ورقه: من شفاعت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم را می خواهم و چشم به مال دنیا ندارم.

خدیجه: جایزه شفاعت هم داری (۱۳۴).

ورقه: ای دختر برادر! اینک خانه را آراسته و وسایل مهمانی و پذیرایی را آماده کن و چنان مهمانی تشکیل بده که نظیر نداشته باشد و دشمنان را مأیوس کن، زیرا بزرگان عرب فردا به خانه تو می آیند. خدیجه بی درنگ دستورات لازم را صادر کرد و هشتاد نفر کنیزان و غلامان وسائل جشن را مهیا کردند و میوه و شیرینی و طعام به بهترین صورت تهیه شد.

در این بین ورقه به خانه ابوطالب آمد و موضوع عقد خدیجه را به اطلاع آنان رساند.

محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم برای ورقه دعا کرد. ابوطالب گفت:

اینک قلبم آرام شد.

سپس به تدارک لوازم مهمانی و مراسم عقد پرداخت.

فردای آن روز بزرگان و اشراف قریش به خانه خدیجه آمدند. در این میان

ابوجهل وارد مجلس شد و یک راست به طرف صندلی با شکوهی رفت که مخصوص محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود.

«میسره» غلام خدیجه فریاد بر آورد که سر جای خود بنشین و شرمسار برگشت. در این هنگام محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در حالی که حمزه با شمشیر کشیده پیشاپیش او حرکت می کرد و فرزندان عبدالمطلب بر گردش حلقه زده بودند وارد مجلس شد.

حمزه خطاب به حاضرین چنین گفت:

ادب را رعایت و سخن را کوتاه کنید، این محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم برگزیده خدای صاحب اقتدار است و در صورتش نور موج می زند و دارای هیبت و شوکت و وقار است.

در این حال، محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم عمامه ای سیاه بر سر، پیراهن عبدالمطلب در بر، عبای الیاس بر دوش، کفشهای شیث در پا، عصای ابراهیم در دست و انگشتری از عقیق سرخ در انگشت داشت و جمال درخشانش چنان خیره کننده بود که همه مبهوت شدند. او خرامان راه می رفت و قریش جملگی از جا برخواستند و ادای احترام کردند و حضرتش را بر صندلی مخصوص نشاندند.

ابوطالب شروع به خواندن خطبه کرد و گفت:

خدای کعبه را شکر گذاریم که ما را از نسل ابراهیم و ذرّیه اسماعیل قرار داد و حرم امن خود را به ما سپرد و ما را مقتدای مردم قرار داد و در شهر ما برکت آفرید. سپس چنین گفت:

پسر برادر من، کسیست که در میان قریش همانندی ندارد و در عظمت و جلال کسی چون او یافت نمی شود، هر چند از نظر مال غنی نیست. همه بدانید که

مال از بین می رود و چون سایه ای محو می شود. محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به درخواست خدیجه از وی خواستگاری کرد و خدیجه نیز به او دلبسته و مهریّه او پانصد درهم است که پرداخت می شود (۱۳۵).

خویلد گفت:

من دخترم خدیجه را به عقد محمّد در آوردم. پیامبر نیز قبول کرد.

حمزه برخواست و قدری پول در میان حاضران پاشید. ابوجهل بلند شد و به تمسخر گفت:

ما شنیده بودیم که مرد مهر زن را بدهد، ولی نشنیده بودیم که زن مهر خود را پرداخت کند! ابوطالب خشمگین شد و گفت:

اگر مرد، کسی چون پسر برادر من باشد، زن بالاترین مهریه را می پردازد، ولی اگر مرد، کسی مثل تو باشد، زن مهریه را می گیرد.

وقتی خطبه ازدواج خوانده شد، منادی در آسمان ندا داد که خداوند، طاهر و طاهره، صادق و صادقه را به ازدواج یکدیگر در آورد و توسط جبرئیل بر در و بام جهان عطر افشانده شد و هر کس سؤال کند که این عطر از کجاست؟

جواب می شنود که این عطر محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم است.

در این هنگام، خدیجه لب به سخن گشود و گفت، ای محمّد! من خود را به عقد تو درآوردم و مهریه را نیز خودم می پردازم. اکنون به عمویت بگو:

ترتیب پذیرایی را بدهد و من نیز در خدمت تو خواهم بود.

بدین گونه حضرت خدیجه به گفته های قبلی خود جامه عمل پوشاند و به افتخار همسری اشرف مخلوقات دست یافت و بیشترین نقش را در پیشبرد اهداف رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ایفا کرد.

مقاله هفتم

اشاره

کتاب ارزشمندیست به نام «زنان صدر اسلام» تألیف نویسنده

عالیقـدر آقای محمد علی بحر العلوم و ترجمه آقای محمد علی امینی، که بخشـی از آن دربارهی حضـرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام می باشد، که به صورت داستانی نگارش یافته، فرازهای جالبی از ازدواج و زندگی و همراهی و فداکاریهای آن حضرت را در دوره رسالت پیامبر گرامی اسلام به تصویر کشیده است، که ملاحظه می فرمائید.

خدیجه بنت خُوَیْلِدْ

شب فرا آمد و مردم در مسـجد پیامبر صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَـلَّم نماز گزاردند. در حالی که یاد جاودان او، گرد مسـجد موج می زد و آنگاه، مردم در آن جا دسته دسته، حلقه زدند و چون همیشه، در هول و هیبت شب، مجلس خویش بیاراستند ... همه چیز در اطراف آنها خاموش بود و آرامشـی عجیب بر شهر سایه افکنده ب ٠ود، که ترس می زاد و هراس می افکند، بدانگونه که هیأت خانه ها نیز می نمود که گویی همه چیز به خوابی عمیق در غلتیده است.

شیخ «ابومعاذ» به مجلس خویش می رسد. مشتاقان سخن شیخ و شیفتگان احوال گذشتگان، در هر سو او را در بر گرفته اند ... شیخ، سـکوت می گزینند. سـیلاب خاطره ها، در ذهنش موج می زند. یادهای آشـفته را به رشـته نظم می کشد و زنجیره ای از سخن، سراسر مایه پند و عبرت، به شنوندگانش عرضه می دارد، تا دلهایشان، از یاد دلیران شکوهمند، به تپش آید.

نسیم سرگذشت بانویی، از ذهن شیخ گذر می کند که حیاتی تازه بدو می بخشد.

آنگاه، انگشتانش را وا می نهد، تا چشمش را نوازش کند.

چشمی که پیری بر شکوهش افزوده و بدان جلوه ای سپید و زیبا بخشیده بود.

با کلامی شیرین، لب به سخن می گشاید و می گوید:

«اما امشب، گفتاری از بانوی پاکدامن، خدیجه ام المؤمنین داریم.»

سرها به سوی او بر می گردد و

چشم ها بدو معطوف می شود. همه با شوقی سرشار، به انتظار شنیدن سرگذشت او و پایگاه بلندش در صدر اسلام هستند.

چنین آغاز می کند:

شبی از شبهای دل انگیز زمستان مکه بود، خواب از چشمان خدیجه دختر خویلد کوچیده بود و او در این اندیشه، که وقتش را با پسر عمویش «ورقه بن نوفل» به سر آرد. که هرگاه بی خوابی به ستوهش می آورد. به او پناه می جست و هر زمان که اندوهی او را می آزرد، به گفتارش انس می یافت و گاهی که سخت در اندیشه فرو می رفت، به صدق و وفای او روی می آورد.

کنیزش «امیمه@» را صدا زد و او با شتاب به نزدش آمد و در برابرش ایستاد:

- بله بانویم ...

- «میسره» را سوی «ورقه» روانه ساز، تا هم اکنون نزد من آید ...

- هر چه فرمان دهی اجرا می کنم، سرورم ...

کنیزک، نزد «میسره»، یکی از غلامان مقرب خدیجه رفت. او را از فرمان سرورش با خبر ساخت. میسره بر خاست و رو به سوی خانه ورقه گذارد ... و در زد.

مردی سیه چهره از سوراخ در نمایان شد و از آنجا «میسره» را دید. در را به رویش گشود و پرسید چرا در آن تاریکی شب، بدانجا آمده است.

او گفت:

«سرورم! خدیجه، پسر عمویش را می طلبد، می خواهد فوراً او را ببیند».

- ورقه گوشه عزلت گزیده و روزهاست که با کسی دیدار نکرده است.

لحظه ای به من مهلت دهید. او را از گفته شما آگاه خواهم نمود.

آنگاه، به آن سوی خانه رفت. پس از لختی بیرون آمد. بدو گفت، که سرورش ورقه هم اکنون می آید تا رهسپار خانه خدیجه شود.

دیری نگذشت که ورقه به خانه دختر عمویش خدیجه، رسید

... همان لحظه، خانه ای که سیمایش، حاکی از مال و مکنت صاحب ثروتمندش بود.

«امیمه» به پیشباز ورقه، جلو در شتافت. خوش آمد گفت و او را نزد سرورش برد ... چون خدیجه دید که ورقه پا به خیمه رنگینش نهاد، از جا برخاست، پیش او رفت و او را نزد خود، در نیکوترین جای مجلس نشاند، از کنیزش خواست، که کسی را اجازه دخول ندهد ...

آنگاه رو به پسر عمویش کرد و با حالی دردناك و رنجور گفت:

«این مردم، مرا تحت رنج و فشار قرار می دهند، در خانه ام را می کوبند و هر گاه که در خود داری اصرار ورزم حریصتر می گردند ... من، هر که را به قصد ازدواج آمده از نزد خود رانده ام، اما این خود داری سودی نبخشیده است ... امروز، ابولهب آمد و مالی را برای مهریه به من داد و من او را راندم، پیش از او نیز، ابوسفیان، عمرو بن هشام، شیبه و دیگران آمده بودند. چرا آنها مرا تحت فشار قرار می دهند ... و از غصه و اندوه، گریست.

ورقه او را تسکین بخشید و به او وعده داد که نهایت تلاش خود را به کار می گیرد، تا از این پس، کسی در خانه اش را (به مزاحمت) نکوبد.

پاره دوم شب سر آمد. از این رو ورقه، او را وداع گفت و مراجعت کرد. در حالی که خدیجه، به وفاداری او چشم دوخته و امید بسته است.

هنوز یك روز سپری نشده بود، که یکی از نزدیکان خدیجه به دیدارش آمد، به تلخی او را سرزنش کرد که چرا سرشناسان عرب و چهره های قومش را رد کرده است ... خدیجه پاسخ داد

که تمایلی به ازدواج نـدارد و آنچه در زندگی مشترک پیشـین به او رسـیده، از ازدواج بی نیازش می گرداند. اما آن آشـنا که در مرز امیـد و نا امیـدی، پایـداری می نمود، کوشـید که او را به ازدواج معتقد سازد و بدو بگوید که: بزرگان عرب آماده اند که هر کالای ارزنده و نفیسی را برای خشنودی او عطا کنند.

خدیجه، از این سـخن دلتنگ شد، ناگزیر، قیافه متفکرانه ای به خود گرفت، تا آشـنایش بپندارد که او به راستی در این اندیشه است و نیـاز به آرامش و آسودگی دارد، تـا پاسـخ آن افراد را بدهـد ... روز دیگر، ربـاح - که می گوینـد نام آن فرد است - خدیجه را ترک گفت و به دنبال کارش رفت.

خدیجه، بانویی دوراندیش و از زنان خوش نسب قریش بود و نیز شریفترین و ثروتمندترین آنها.

تمـام مردان قومش، خیال ازدواج با او را در سـر می پروراندنـد. او آنها را یکی پس از دیگری می رانـد. پیش از این، با «عتیق بن عبداللّٰه» و بعد با «ابوهاله» ازدواج نمود (۱۳۶) و پس از فوت آن دو، دیگر ازدواجی ننمود.

آنگـاه، دست به تجـارت زد. او بسـیار ثروتمنـد بود و مردان را به کار می گرفت و بهره و در آمـدی برایشان مقرر می ساخت. آنها را به شهرها می فرستاد و با این اشتغال، از ازدواج باز ماند.

«ابوطالب»، بزرگ بخشـندگان، از کسانی بود که به امر بازرگانی خـدیجه، می پرداخت و نزد او به شـهامت، پارسایی و امانت شناخته شده بود.

اما ابوطالب، به علّت سن زیاد و نیز سـرپرستی پسـر برادرش امین (محمّد صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَـلَّم)، از کار باز ماند و راهی تجارت خدیجه نگشت.

این، برای خدیجه ناگوار آمد زیرا که در آن شخصیت بی نظیر، سجایای عظیمی یافته بود، که کمتر چهره ای، در مکه مانند داشت.

تنگدستی و فقر، خاندان ابوطالب را در فشار نهاد و مرارت های روزگار، آنها را رنجانید. ابوطالب ناگزیر گشت که پسر برادرش امین (محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم) را از جریان بیاگاهاند.

سر انجام آن دو به این نظر رسیدند که ابوطالب نزد خدیجه رود و به او بگوید که کاروانی برای حرکت محمّد به سوی شام، تدارک ببیند، بدان امید که خداوند، دریچه ای بر روزی آنها بگشاید.

محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چون عموی مهربانش را دوست می داشت از پذیرش سخنش سر باز نزد، بدین امید که بتواند او را یاری دهد و از رنج و فقرش بکاهد.

ابوطالب، نزد خدیجه رفت و تصمیمش را با او باز گفت. خدیجه از سرگذشت امین راستگو، غافل نبود و او را کاملاً می شناخت. پس به ابوطالب گفت:

«اگر این را، حتّی برای دشمنی سرسخت می خواستی، بجا می آوردیم. پس اکنون که آن را برای دوستی آشنا خواسته ای، چگونه نپذیرم».

ابوطالب با چهره ای باز و روشن، نزد پسر برادرش باز آمد. پاسخ مهرآمیز خدیجه را با او گفت:

خدیجه کاروانی برای محمّد مهیا گرداند و غلامش «میسره» را به خدمت او گماشت، تا کارهایش را سامان دهد و خواست هایش را برآورد. «میسره» غلام برگزیده خدیجه است و در کارهای مهم، مورد اعتماد او.

خدیجه به دو علت، او را برای خدمت به محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، انتخاب کرد:

نخست آنکه، به رفاه و آسودگی محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بسیار علاقه داشت

و دیگر آنکه، می خواست تـا آنجـا که می شود از کار او با خبر گردد، زیرا به این مسأله، اهمیت زیادی می داد و بـدان علاقه مند بود.

روزها می گذرد، کاروان به شام نزدیک می گردد و در این مسـیر، بیش از حد انتظار، سود بدست می آورد، میسره آرزو می کرد که به سوی بانویش خـدیجه پر گشایـد و این چهره بیماننـد را به او بشـناساند و بزرگواریهایی را بازگو کنـد، که بیانگر مقام بلند پایه اوست.

کاروان به مکه عزیمت کرد، در حالی که خبر بازگشت آن پیشاپیش می رسـید. قلب خـدیجه، آن بانوی پاکـدامن به تپش در می آیـد. وَجْد سـرشار او، بیش از آنکه به خاطر بازگشت کاروان و سود بازرگانیش باشد، به سـبب سـلامت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و مراجعت پر بار او بود.

خـدیجه، در ژرفـای وجودش، چنـان ایمانی به این شخصـیت داشت و چنان احساس عجیبی به او می یافت، که در وصف نمی گنجد.

خدیجه، نزد میسره، امانتدار نیکرفتارش رفت، غلامی که از دوران کودکی، هرگز به او خیانت نکرده بود.

میسره با او از جوان هاشمیان، آن راستگوی امانتدار سخن گفت و از آنچه در سفرش از او دیده بود.

این همه، ایمان خدیجه را در محبت او افزود و او را در وفاداری نسـبت به او پایدارتر کرد. زیبنده نبود که آثار شادی و سـرور بر سـیمای خـدیجه، آن بانوی پارسای پر شوکت پدیـدار شود. اما این، مانع از بروز محبت و اخلاصـی که به محمّـد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم داشت و به اوج جانبازی می رسید نگشت.

یک شب، خواهر خدیجه به خانه او آمد. خدیجه احساس قلبی خویش را نسبت به آن جوان عبدالمطلب

و سرور قریش و امین راست کردار - که جوانی بیست و پنج ساله بیش نبود - با او در میان گذارد. تفاوت سنی، او را در درون، می آزرد. او چهل ساله گشته (۱۳۷) و با وجود این، به او روی آورده است.

آیا محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، او را با این سن می پسندد؟ در حالی که مال و ثروت، برای او اهمیتی ندارد.

تنها، ایمان این پارسا زن، او را به تلاش برای پیوند با محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم واداشته، تا یاوری راستین در زندگی او باشد.

چه می شود که خدیجه خواستار انسانی باشد که در شرف و انسانیت، کسی به پای او نمی رسد و اگر چه، این با عرف عادی مردم بیگانه است، اما عرف و عادت ها در برابر جوان بنی هاشم، خوار و بی ارزشند.

سر انجام دو خواهر به این نتیجه رسیدند، که آن را با ابوطالب، عموی محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، در میان گذارند و آن دو به خوبی می دانستند که ابوطالب نزد محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، مقامی بی همتا دارد.

خواهر خدیجه نزد بزرگ بنی هاشم رفت و راز خواهرش را با او گفت و آمادگیش را برای صرف هر قدر مال ضروری، ابراز نمود. این خواهش، به دل ابوطالب نشست، زیرا خدیجه به صفات نیکی آراسته بود که بیشتر زنان قریش، از آن بهره ای نداشتند. او با همه اختلاف سن، شایسته پسر برادرش بود.

ابوطالب، با پسر برادرش در مورد خدیجه صحبت نمود. محمّد نسبت به این موضوع بی میل نبود، به ویژه که خدیجه، برای او مقامی پاک و پیراسته

داشت.

ابوطالب، برادران و بزرگان خاندان و سرشناسان قبیله اش را جمع کرد و آنها را به خانه خدیجه دختر خویلد برد. بزرگان قبیله خدیجه و نامداران خانواده اش نیز حضور داشتند ... چون بنی هاشم در جای خود قرار یافتند، ابوطالب برخاست و چنین آغاز سخن کرد:

«سپاس خدایی راست که، ما را از بازماندگان ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و سرزمین حرام و خانه ای برای به پا داشتن حج به ما بخشید و ما را فرمانروای مردم نمود ... همانا محمّد، پسر برادرم عبداللّه، که هیچ جوانی از قریش، همتای او نیست، از تمامی آنها پارساتر، متفکرتر، بزرگوارتر و نجیب تر است ...

اگر ثروت او اندک است، به راستی که مال سایه ای گذرا بیش نیست و عاریتیست که بازستانده می شود ... او تمایلی به خدیجه دارد و خدیجه نیز او را دوست می دارد هر مقدار مهریه که معین کنید، من می پردازم. به خدا سوگند که خدیجه، نامزد محترمی برای اوست و آوازه محمّد نیز همه جا را پر کرده است.»

چون ابوطالب، سخنش را تمام کرد، ورقه بن نوفل بپا خاست و به او چنین پاسخ گفت:

«حمد خدایی را سزد که ما را بد انسان که یاد نمودی، گرداند و فضائلی که بر شمردی، به ما عطا کرد ... ما سروران و پیشگامان عرب هستیم و شما نیز شأنی دارید. قبیله من فضائل شما را انکار نمی نماید و هیچ کس افتخار و شوکت شما را نادیده نمی گیرد ... ما خواستار آن بودیم که با محبت و جلال شما، پیوند برقرار کنیم. پس ای گروه قریش، گواه باشید که ما خدیجه را به عقد محمّد در آوردیم

...»

بدین گونه پیوند میان محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم - انسانی که کسی به او نمی مانست - و خدیجه، - که شرافتی عظیم داشت - تحقق پذیرفت. این واقعه برای مردم عرب و بزرگان مکه، به سادگی فرجام نگرفت، آنها به خواستگاری به در خانه خدیجه شتافته و او آنها را رانده، به دارایی، ریاست و مقامشان اندک توجهی نکرده بود ... او که مالی هنگفت دارد، ...

عمرو بن هشام بلرزید، ابوسفیان را غبار اندوه در میان گرفت و عقبه بن معیط دلتنگ شد و بسیاری چون اینان را، حیرتی عظیم سراپا بگرفت ... یکی از آنها، در حالی که حسد، چشم و دل و وجودشان را به تباهی می برد، گفت:

که این سحری بیش نیست ... بیچاره خدیجه، که محمّد یتیم او را به جادوی خود اسیر ساخت و او را دلباخته خود کرد!

شیخ ابومعاذ، چندی سکوت می گزیند، چشمانش را به زمین می دوزد و آنگاه رو به یارانش می کند و ادامه می دهد:

اینهایی که به شوق ازدواج خدیجه می آمدند، اکنون حسرتی بر مال او می خوردند، که بر محبتش نمی خوردند.

و چون او با چنین تمایل پر شوری با محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم وصلت نمود و به همگان اعلام کرد که تمامی مال و غلامان و دیگر دارائی های خویش را به پاس بزرگداشت و احترام محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، به او واگذار ساخته است، کینه و حسد از اعماق وجودشان زبانه بر کشید و آنها را به بی تابی و افسردگی در افکند.

آنها حاضر بودند که هر چه خدیجه می خواهد، برایش فراهم آرند، اما محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ

وَ آلِه وَ سَلَّم به چنین مال و منالی دست نیابد ...

قریشیان با پیامبر امین صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، تا بدین پایه دشمنی می ورزیدند و سخت از او بیزار بودند و آسایش او بر آنها تلخ می نمود.

سالها از پی هم می آمد و بانوی پاکدامن در خانه رسالت، والاتر از یک همسر بود.

او زندگی مرفه و پر شکوه خویش را به فراموشی سپرد، همان دورانی که کنیزان در خدمتش، بر یکدیگر پیشی می جستند و غلامان بر در خانه اش، پاس می دادند. اکنون، همه چیز دگرگون شده است.

او آنها را به کلی رها ساخته و خانه نشین شده است.

تنها محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم به خانه اش می آید و او اکنون سراپا نعمت و رفاه را وداع گفته است ... اما با وجود این، در زندگی نوین خود، نیکبخت است ... هرگز زندگانی پیشین او، شادمانه تر از حیات تازه اش نبود.

حیاتی که در سایه پیامبر بزرگ، همراه با زهد و پارسایی می گذشت.

بناگاه، «دعوت آغاز گرفت» ...

وحی، بر رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرود آمد، «اَنْذِر عشیرَتک الاَقْرَبین» (پیام و دعوت را به خویشان نزدیکت برسان) و سیمای خدیجه از سرور و ایمان، درخشیدن گرفت. که رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، همسر راستگوی امینش، او را به نیکی و سربلندی فرا می خواند. دستش را پیش آورد، تا با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم بیعت کند و به آیین او بگرود و به این گفته، اخلاص و وفا نشان دهد، که «ما یَنْطِق عَن الْهَوی، اِنْ هُوَ الا وَحْیٌ یوحی» و در آن هنگام، کسی جز

علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام، در اسلام بر او پیشی نجسته بود.

سر انجام، در یک روز که مردم دسته دسته گرد خانه خدا حلقه زده بودند و آفتاب سر بر کشیده بود، مردی به کعبه نزدیک شد.

سر به آسمان گرفت، نگاهی کرد و آنگاه رو به قبله آورد. نوجوانی به او نزدیک شد و سمت راست او ایستاد. لحظه ای نگذشت که زنی آمد و پشت سر آن دو قرار گرفت.

مرد به رکوع رفت، آن دو نیز رکوع نمودند، سر برداشت، آن دو نیز اینچنین کردند و آنگاه به سجده در افتادند. شخصی از عباس بن عبدالمطلب، در مورد آنان پرسید:

«ابا عبداللَّه، چیز عجیبی می بینیم.»

عباس پاسخ داد:

سوگند به خدای کعبه که این امری بزرگ است تو می دانی که این جوان کیست؟

- نمی دانم.

- او محمّد بن عبداللَّه، پسر برادرم است.

این نوجوان، علی بن ابیطالب نیز پسر برادرم می باشد.

اما این زن، خدیجه، همسر محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم است و این پسر برادرم، محمّد را که می بینی، بما می گوید که پروردگارش، پروردگار آسمان ها و زمین است و او را به آیینی که بدان پایبند است، فرمان داده است ...

سوگند به خدا که جز این سه تن، کسی را نمی شناسم که بدین آیین گرویده باشد خدیجه، چون به ایمان فرا خوانده شد، اجابت نمود. نزول وحی، تنها یک روز، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را به بهت و ابهام گرفت. در دومین روز دعوت خویش را آشکار ساخت و روز سوم بود که خدیجه ایمان آورد.

کدامین ایمان، یارای آن دارد که خدیجه را، این چنین وادار به ترک زندگیش گرداند، تا خود

را در راه این دعوت آسمانی – که به وسیله همسر امینش، شگفت آسا، بر سراسر دنیا سایه افکنده است – فنا نماید.

هر گاه، روزگار بنای ناسازگاری با این دعوت نوخاسته می گذارد، آن بانوی پارسا، دلبستگی بیشتری بدان یافته، فداکارتر می گشت و ایمان و اعتقاد بیشتری به همسرش می یافت. بدین گونه است که زندگی با محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، عبادت، نیکی و سعادت است.

این همه شور و حرارت خدیجه، برای تحکیم پایه های عقیدتی، نه به خاطر محبت شوهرش بود و نه پاسخی به دعوت او، نه، هرگز چنین نبود ...

خدیجه، خود توانسته بود مفاهیم گسترده دعوت و حقیقت آن را از زبان همسرش دریابد. آن گاه، او بهترین یار پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، در راه پرورش نهال دعوت بود.

آری، او بهترین یاور بود و آنگاه، فاجعه «شعب» در رسید ...

قریش، از دعوت محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به تنگ آمدند. هیچ حیله ای نتوانست محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را از دعوتش رو گردان کند.

سر انجام، پس از آنکه قریش به ابوطالب اصرار نمودند، که با پسر برادرش سخن گوید و او را از دشنام خدایانشان باز دارد، محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چنین فرمود:

«به خدا سوگند، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم بگذارند، تا از این دعوت دست بردارم، نخواهم کرد.»

قریش، از ابوطالب نومید شدند، هیچ راهی برای تسلیم پسر برادرش، در او مؤثر نیفتاد.

آنگاه رؤسای قریش، در «دارالنَّدوه» گرد آمدند و تصویب نمودند که پیوندهای خود را با بنی هاشم قطع

کنند.

بدین سبب، سندی تنظیم کردند و آن را به دیوار کعبه آویختند.

بنی هاشم و پیروان محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ناگزیر شدند از جامعه مکه - که بر محمّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و دعوتش شوریده بودند - کناره گیری کنند و در درّه ای از کوه های خارج مکه، سکنی گزینند. اقامت آنان، سه سال متوالی به طول انجامید، که در سرتاسر آن، با رنج و گرسنگی، دست به گریبان بودند.

ولید بن مغیره، هر روز در بازارهای مکه می گردد و فریاد می زند:

«هر گاه، مردی از یاران محمّد و خاندانش را یافتید، که برای تهیه غذا آمده بود، قیمت ها را بیفزائید، با او داد و ستد مکنید و هر که به آنها یاری نماید، خونش مباح است.»

ابوجهل، نزدیک شعب می ایستد و راه را می پاید، تا کسی توشه و آذوقه ای برای آنها نبرد، که از گرسنگی جان سپارند.

ابوسفیان (صخر بن حرب) آن کینه ورز انتقام کش، کعبه را پایگاهی برای طرح برنامه نابودی گروه مؤمنان قرار می دهد. او ولید را نیز بدین کار می خواند و عمرو بن هشام را با بی رحمی بر آنها می شوراند ... کینه است و خشم و به راستی که کینه آنها از هر کینه ای تیزتر است، چه که از دیرباز، ریشه دوانیده است.

ابوسفیان، گاه می گوید:

«چه مناسبتی میان ما و بنی هاشم، که ما از یک سلاله ایم، اما آنها برتر از ما هستند.

اگر با آنها به مقابله برخیزیم، بر ما پیشی می گیرند و ما باز می مانیم. راهی جز این نیست که این خاندان را نابود کنیم، تا آتش خشممان فرو نشیند»

خدیجه، در این محاصره، مسؤولیتی عظیم داشت. او همه

دارایی خود را به شعب نشینان بخشید و این چنین بود که «حکیم بن حزام بن خویلد» به اسم عمه خود، برای آنها گندم می برد.

مسلمانان، سه سال زندگی وحشتبار را در این حصار، پشت سر نهادند و اگر ثروت خدیجه نمی بود، آنها از گرسنگی جان می دادند. او از روی صفا و سخاوت، تمامی دارایی خود را نثار دعوت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم گرداند، تا اینکه خداوند گشایشی در کار آنها پیش آورد.

به سبب همین جانفشانی، او در دل پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، تأثیری عظیم به جای نهاد و رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، پس از وفات او، هر گاه مناسبتی می یافت، از نیکوئی های او سخن می راند. روزی عایشه دختر ابوبکر بر آشفت و گفت:

«مگر نه اینست که او پیرزنی از پیرزنان بنی اسد بود و خدا برتر از او را به تو ارزانی داشته است ...»

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم را خشم فرا گرفت، به گونه ای که از فرط غضب، موهای جلوی پیشانیش نیز بلرزید، آنگاه فرمود:

«نه! به خدا سوگند که نیکوتر از او را به من نبخشیده است.

هنگامی که مردم کفر می ورزیدند، او به من ایمان آورد و زمانی که مردم گفتارم را دروغ می پنداشتند، او مرا راستگو خواند و چون مردم مرا به تنگ آوردند، با اموال به یاری من برخاست و فرزندی به دنیا آورد، زمانی که شما نازا بودید.»

عایشه می گوید:

«آنگاه من همواره با یاد او نزد رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم عزیز می شدم.»

خدیجه یاور راستین پیامبر در راه اسلام محسوب می گردد

و اسلام بر دو پایه استوار بود:

دارایی خدیجه و شمشیر علی ...

و بدین گونه، او در تاریخ حیات رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، زنی عادی نبود، به سبب فداکاری شگفت انگیز این بانوی پارسا، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم او را بسیار بزرگ می داشت او بسی فراتر از اینها بود، پیامبر دیدگانش را در زیر بال و پر مهر و عطوفت می یافت و بر لبهایش نشانه های چنان تصدیق و اعتمادی نسبت به خود می دید که بر دلگرمی و ایمان آن بزرگوار به خویش رونقی می بخشید.

سه سال پیش از هجرت، در تلاطم وقایع و تند باد مصائبی که از سوی قریش و سایرین بر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم وارد می شد، شعله ای فروزان رنگ باخته، به خاموشی می گراید. همو که در سیر دعوت، چون یاری وفادار، تا سر حد توان، می کوشید.

رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، به سادگی نمی توانست این خبر دلخراش را بپذیرد. او بدین ترتیب، انسانی را از کف می نهاد، که عالیترین نمونه وفا و فداکاری و جامع ترین بیانگر راستی بود ...

آخرین سخن خدیجه، به هنگامی که بر بستر مرگ خفته بود، از درد و رنجهایی که در راه اسلام پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دیده بود، کمارج تر نبود.

لحظه ای که شَبَح مرگ، بر چهره او سایه افکنده بود، به پیامبر چنین می گوید:

«ای رسول خدا ... من در حق تو کوتاهی کردم و آنچه شایسته تو بود، انجام ندادم. از من در گذر و اگر اکنون، دل در طلب چیزی داشته باشم، خشنودی تست.»

کلمات، بر لبان پاکش می لغزد و

آخرین نفسهایش را با خشوع و ایمان بر می آورد ... خدا، خدیجه را رحمت کند.

آن نمونه بارز زن مسلمان که برای عقیده و ... رسالتش، پیکار کرد.

مقاله هشتم

اشاره

اثر گرانمایه ای از نویسنده محقق و نامدار عرب، علی محمد دخیل دربارهی زندگی و فضائل حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام منتشر گردیده، که به وسیله آقای دکتر فیروز حریرچی، ترجمه شده است.

فصل آخر این کتاب، به سخنان بزرگان و دانشمندان دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام اختصاص داده شده، که به محضر علاقه مندان به آن حضرت، تقدیم می نماییم.

سخنان بزرگان و دانشمندان دربارهی خدیجه

در صدد این نیستیم که با این سخنان، منزلت ام المؤمنین عَلَیْهاالسَّلَام را بالا ببریم، زیرا برای علو درجه و رفعت مقام این بانو، کافیست آن احادیثی که از رسول گرامی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم در فضیلت و بیان مقام والای او روایت گردیده است.

غرض از این سخنان آن است که، خواننده گرامی لمس کند که دانشمندان و نویسندگان و مورخان، با گذشت ادوار و اختلاف مذاهب و فرقه ها، در ستایش و مقدس شمردن این بانو اتفاق نظر دارند. همه آنها خدیجه را با کمال نیکی یاد کرده اند، برای آنکه در وجود او عقیده صادق و ایمان استوار و فداکاری و از خودگذشتگی در راه مبدأ مشاهده نموده اند، در حالی که می بینیم در ارزشیابی زنان دیگر پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم اختلاف دارند. این نویسندگان و مورّخان، برخی از زنان پیغمبر را با طعن و انتقاد یاد می کنند و در آنها به موقعیتها و موضع گیریهایی اشاره می نمایند، که هیچ یک از آنها جای رشک و حسد نیست و این همان فرقها و امتیازاتیست که میان آنها و خدیجه وجود دارد.

اکنون سخن آنها را ذکر می نماییم:

۱ - اُمِّ سَلمه به پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم گفت:

تو از خدیجه امری را ذکر نمی کنی،

مگر اینکه او آنچنان بود که می گویی. جز اینکه به سوی پروردگارش شتافت. پس خداونـد این را برای او گوارا کند و میان ما و او را در بهشت خود گرد آورد (۱۳۸).

۲ – زُبَیْر بن بَکّار گفته است:

خدیجه در جاهلیت طاهره خوانده می شد (۱۳۹).

۳ – ابن اسحاق گفته است:

خدیجه برای اسلام وزیر صداقت بود (۱۴۰).

۴ – و ابن اسحاق گفته است:

خدیجه زنی دوراندیش و شریف و خردمند بود، با آن کرامتی که پروردگار آن را برای او خواسته بود (۱۴۱).

۵ – هِشام بن محمّد گفته است:

رسول اللَّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم خدیجه را دوست داشت و به او احترام می گذاشت و در همه کارها با او مشورت می کرد. او وزیر صدق و راستی بود و او نخستین کسیست که به پیغمبر ایمان آورد و پیغمبر تا زمانی که خدیجه حیات داشت، هرگز همسر دیگری برنگزید. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم از خدیجه اند (۱۴۲).

۶ – ابن اثیر گفته است:

خدیجه زنی دوراندیش و خردمند و شریف بود، با آن همه بزرگواری و کرامتی که پروردگار برای او اراده کرده بود.

پس خدیجه به نزد رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم کس فرستاد و ازدواج خود را بر او پیشنهاد نمود. او شریف ترین زنان قریش از لحاظ نسبت بود و از همه آنها ثروتمندتر و شریفتر بود.

همه قوم او بر ازدواج با او حریص بودند، اگر بدین امر قدرت داشتند (۱۴۳).

۷ – محمّد ابن احمد ذَهَبی گفته است:

او امُّ المؤمنین و سرور زنان جهانیان زمان خویش است و او اُمُّ القاسم، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعُزّی بن قُصَی بن کلاب

قُرشَی اسدی و مادر فرزند رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم است.

وی نخستین بانوییست که اسلام آورد و پیش از هر کس پیغمبر را تصدیق نمود و به او پر دلی و شجاعت داد و او را به نزد پسر عموی خویش ورقه برد.

مناقب خدیجه فراوان است و او از میان زنان کسیست که به مرحله کمال رسیده است.

او خردمند و با جلال و متدین و پاکدامن و بزرگوار و از اهل بهشت بود.

پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم او را ستایش می کرد و بر دیگر زنان مؤمنان برتری می داد و او را بسیار بزرگ می داشت، تا جایی که عایشه می گفت:

به زنی رشک نبردم آنچنان که به خدیجه حسد ورزیدم، زیرا که پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم او را بسیار یاد می کرد.

دلیل بر گرامی بودن خدیجه نزد پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم آن است که آن حضرت پیش از او با زنی ازدواج ننمود. پیغمبر از او دارای فرزندانی شد و با وجود او همسر دیگری انتخاب نکرد و کنیزی نگرفت، تا اینکه او دعوت حق را لبیک گفت. پس پیامبر از فقدان او غمگین گشت، زیرا او بهترین خویشاوند بود.

از مال خویش به پیغمبر انفاق می کرد و پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم برای او تجارت می نمود و خداوند به او فرمان داد که خدیجه را به خانه ای زبرجدین در بهشت، که در آن سر و صدایی و رنج و اندوهی نباشد بشارت دهد (۱۴۴).

۸ – جمال الدین ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی گفته است:

چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه به اسلام

گرویـد. او نخستین بانوییست که به او ایمان آورد و پیغمبر هم با زن دیگر ازدواج ننمود، تا اینکه او از دنیا رفت. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم از خدیجه اند (۱۴۵).

۹ – عبدالملک بن هشام گفته است:

خـدیجه دختر خُویلـد به او ایمان آورد و آن چه را که از خداوند به پیغمبر آمده بود تصدیق کرد. پس پروردگار بدین امر بار انـدوه را از پیغمبرش صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم سبک کرد و پیغمبر جوابی ناخوشاینـد و تکـذیبی از برای رسالتش که او را غمگین کند نشنید، مگر اینکه خداوند آن را به وجود خدیجه برطرف ساخت، هنگامی که پیامبر به نزد او برگشت (۱۴۶).

۱۰ – حافظ عبدالعزیز جَنابِذی حنبلی در کتاب خود به نام (معالمُ الْعترهِ النَّبَویه) گفته است:

خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام زنی دوراندیش و خردمند و شریف بود.

او در آن روز از لحاظ نسب پاکترین قریش و شریفترین و ثروتمندترین آنها بود.

همه قومش سـخت بر ازدواج با او حریص بودنـد، ولی او خود داری ورزیـد و ازدواج خود را بر پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم پیشنهاد کرد و گفت:

ای پسـر عمویم من به تو میـل و رغبت دارم، به خـاطر خویشاونـدی تو از من و شـرف تو در قومت و امـانتت نزد آنها و خوش اخلاقیت و راستی گفتارت (۱۴۷).

۱۱ – اشرف علی هندی گفته است:

خدیجه از بهترین زنان پیغمبر و محبوبترین آنها بدو بود.

او در انتظار نبوت پیغمبر بود و این امر را از پسـر عمویش می پرسید و از دلایلی که آنها را می شناخت سؤال می کرد و این را به او خبر می داد و می گفت:

سوگند به پروردگار،

او نبی منتظر است.

۱۲ – سید عبدالحسین شرف الدین گفته است:

خدیجه صدّیقه این امت و از حیث ایمان به پروردگار و تصدیق کتاب او و یاری رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نخستین کس است.

او مدت بیست و پنج سال با پیغمبر بی آنکه زنی دیگر در زندگی او شریک باشد زندگی کرد و اگر در حیات باقی می ماند، پیغمبر باز هم شریک دیگری برای او انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگانی زناشویی شریک درد و رنج پیغمبر بود.

زیرا که با مال خود به او نیرو می بخشید و با تمام گفتار و کردار از او دفاع می نمود و به او آنچه را که از عذاب و درد کافران در راه رسالت و ادای آن نصیبش می کردند تسلی می داد. او با علی عَلَیْهِ السَّلَام در غار حراء بود، هنگامی که اولین بار وحی نازل شد (۱۴۸).

۱۳ – عبداللّه علایلی گفته است:

خدیجه از در دهای مبارزه ای که همنشین پیغمبر در آن وارد می شد استقبال می کرد و در امواج این مجاهده و پیکار دوشادوش با او در کمال فعالیّت و شکیبایی و قاطعیت و خداجویی غوته ور می گشت، بی آنکه سست شود یا هراسی بدل راه دهد؛ بلکه از این پل های غم و اندوه و حوادث سنگین، با تبسمی از بزرگواری و عظمت عبور می کرد، آنچنان که نظیر این جز از سازندگان تاریخ سابقه نداشته است.

او با سینه باز و گشاده و قامت شعله ور از ایمان، خود از طوفان حوادث استقبال می کرد، بی آنکه احساسی از بازتابی ویرانگر و یا اضطرابی چون صاعقه داشته باشد (۱۴۹).

۱۴ – عمر ابونصر گفته است:

به خدیجه، دختر خویلد، بانوی

جلیل القدر عرب شرف نسب و کرامت گوهر و سروری قبیله و عزت عشیره و فراوانی مال ختم شده است.

به همین علت نیاز تهیدست را برآورده می کرد و گرسنه را اطعام می نمود و برهنه را می پوشانید. پس خدیجه در اخلاق و نسب و ثروتش میان قوم خود و همگنانش یگانه و منحصر بود (۱۵۰).

۱۵ - دکتر علی ابراهیم حسن گفته است:

هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص و پاکدامن و زنی با وقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از خدیجه اُمُّ المؤمنین (مادر مؤمنان) نمی توانیم پیدا کنیم. این بانوی بسیار خردمند، جاهلیت و اسلام را درک کرد و در هر دو دوره، از منزلتی ممتاز بهره داشت، تا جایی که طاهره نامیده می شد.

پس او میان مال و جمال و کمال را در یک جا جمع کرد و این صفات سه گانه هر گاه در یکجا جمع شوند، که معمولاً کم اجتماع می کنند، به زن آثاری از عظمت و بلندی مقام می دهند و حال خدیجه این چنین بود و او گفته است:

همچنین خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام نخستین بانویی بود که به اسلام گروید و از همان زمان با همسرش نماز می گزارد و با تشویق و شجاعت دادن او را یاری می نمود و از روح خود در وجود او استواری و نیرو می بخشید.

پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بیرون می رفت، تا اسلام را به قوم بشارت دهد، ولی از آنها جز تکذیب و اهانت به دست نمی آورد. پس غمگین و نا امید به خانه بر می گشت و این خدیجه بود که غم را از چهره او می زدود و نا امیدیش را به امید مبدل می ساخت

و کار را بر او آسان می کرد (۱۵۱).

۱۶ – عمر رضا کحّاله گفته است:

خدیجه به سال ۶۸ هجری از خانه مجد و سروری متولد شد و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دور اندیشی و خرد و پاکدامنی متصف گردید، تا اینکه قومش او را در جاهلیت طاهره نامیدند (۱۵۲).

۱۷ – بودلی، در کتاب خود به نام (رسول) گفته است:

اطمینان خدیجه به مردی که او را دوست می داشت و تصدیق او و ایمان به او، تا واپسین دم، افزاینده جو اعتمادیست که در نخستین مراحل عقیده وجود داشت، آن مراحلی که امروز هر یک نفر از شش نفر ساکنان عالم مدیون آن است (۱۵۳).

۱۸ – سلیمان کتّانی گفته است:

خدیجه دوستی خود را به همسرش بخشید و حال آنکه احساس بخشش نمی کرد، بلکه احساس می کرد محبت و دوستی از او می گیرد و همه سعادت را از او کسب می کند.

ثروتش را به او بخشید و حال آنکه احساس نداشت که می بخشد، بلکه این احساس داشت، که از او هدایت را که بر همه گنجهای روی زمین برتری دارد کسب می نماید. پیغمبر به نوبه خود به او دوستی و قدرشناسی داد، که همین امر او را به عالیترین درجه رسانید و او هم احساس نمی کرد که آن را به خدیجه داده است، بلکه می گفت:

«ما قامَ الاسلامُ الّا بِسیْفِ علیٍّ و ثَرْوَهِ خَدیجَه»؛ (اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیجه بر پا نشد). پیغمبر عمر و بهترین دوره جوانی خود را به او بخشید و به جای او همسر دیگری هم انتخاب نکرد، تا اینکه او روی در نقاب خاک کشید و پیغمبر باز هم این احساس

را نداشت، که آن را به او بخشیده است، بلکه می گفت:

نه، سوگند، پروردگار مرا بهتر از او عوض نداده است.

او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خویش مرا یاری نمود، هنگامی که دیگران مرا محروم کردند (۱۵۴).

۱۹ - خانم دکتر بنت شاطیء گفته است:

خدیجه دختر خویلد، نخستین مادر برای مؤمنین و نزدیکترین زنان پیغمبر از لحاظ خویشاوندی و گرامی ترین آنها بر او در حیات و ممات است.

او به محبت و گرامی داشت پیغمبر مدت بیست و پنج سال منحصر و یگانه بود و در آن مدت زن دیگری با او شریک نمی بود.

خدیجه در کنار پیغمبر در سالهای نخستین مظلومیت او، مانند یاری غمخوار و مبارز قرار گرفت و مقاومت کرد و رنج و عذابی را که پیغمبر در راه رسالتش از قریش نصیبش شد بر او آسان نمود (۱۵۵).

و همین بانو گفته است:

به زودی، پس از خدیجه، میلیونها زن در اسلام وارد خواهند شد، ولی فقط او به عنوان نخستین زن مسلمانی که پروردگار او را برگزید، تا نقش عظیم خود را در زندگانی رسول قهرمان ایفا کند، باقی خواهد ماند و در آینده تمام مورخان مسلمان و غیر مسلمان این نقش را در تاریخ ثبت خواهند کرد (۱۵۶).

۲۰ - زینب دختر علی فواز عاملی گفته است:

خدیجه، خردمند و دوراندیش و شریف و از لحاظ نسب شریفترین قریش و ثروتمندترین آنها بود.

همه قوم او آرزوی ازدواج با او را داشتند، ولی نتوانستند (۱۵۷).

۲۱ - ستّیه قَرّاعه گفته است:

خدیجه سرور قریش و ثروتمند چشمگیر آنها بود و منزلتی والا و نسبی عالی داشت و او گفته است:

خدیجه آن زنی

نبود که این آرزوی محمّد امین صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را به زودی برآورده کند.

زیرا خداوند متعال او را خواسته بود و مقدر کرده بود و خدیجه از مدتها پیش در علم او بوده است و گفته است:

تاریخ در مقابل عظمت ام المؤمنین خدیجه، سر فرود می آورد و در برابرش متواضعانه و دست بسته می ایستد. نمی داند این بانو را در کدام شناسنامه بزرگان ثبت نماید (۱۵۸).

۲۲ – قدریه حسین گفته است:

سرور زنان، خدیجه کبری نمونه ای از پاکترین و باشکوهترین و والامقام ترین نمونه های زنان اسلام است (۱۵۹).

سروده های شعراء دربارهی حضرت خدیجه

اشاره

از دیر زمان، شعراء عالیقدر، دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام سروده هایی را به محضر آن حضرت تقدیم داشته اند، ولی شمار آنها بسیار محدود می باشد و بعضاً در اختیار عموم قرار نگرفته است، ولی در دوسال گذشته، در اثر تلاش های انجام شده، برای بزرگداشت آن بانوی بزرگ، سرودن شعر دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بسیار گسترده شده است.

در سال ۱۴۲۶ مجموعه ای از سروده ها، بنام «غروب ماه حجاز» و در سال ۱۴۲۷ مجموعه ای گسترده تر بنام «شمع محفل طه» به وسیله مدّاح اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور دام عزّه، تهیه و منتشر گردید.

از سال گذشته تا کنون (۱۴۲۸ قمری) عده ای از شعراء خاندان رسالت و امامت، شعرهای تازه ای سرودند و شماری از آنها، شعرشان به دستمان رسید، که شایسته می دانیم، که در این یادواره، این دو بخش از سروده ها را که در دو مجموعه نامبرده، به چاپ نرسیده، در اختیار علاقه مندان قرار دهیم، که عرض ادبی به ساحت مقدس حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام و قدرشناسی از سرایندگان آنها باشد و اینک، اشعار یاد شده را، به ترتیب حروف تهجیِ عنوان

تخلّص آنها، تقدیم می نماییم.

مظهر آزادی و ایثار ... «آثم همدانی»

ای مظهر آزادی و ایثار، خدیجه

بر ختم رسل یار وفادار، خدیجه

ای باعث آزادی و آزادگیِ زن

ای نام تو یادآور پایندگیِ زن

ای یاور و همسنگر پیغمبر اسلام

با ختم رسل یاور و همسنگر اسلام

محتاج سخای تو، دو صد حاتم طایی

در پیش عطای تو، سلیمان به گدایی

هم اسوه شرم و شرف و پاکی و عفت

هم مادر زهرایی و هم مظهر عصمت

هم در دو جهان، جلوه تو، مظهر ایثار

هم بهر نبیِّ مدنی، یار وفادار

در برج مقام تو ملک راه ندارد

گردون به سخا، چون تو یکی ماه ندارد

ظاهر شده از دامن تو پرتو زهراء

پرورده دامان تو، انسیّه حوراء

ز اسلام زمانی که نَبُد هیچ پیامی

معلوم نبُد هیچ حلالی و حرامی

آثار حقیقت، ز کلام تو عیان بود

اسلام، درون دل پاک تو نهان بود

چون دید خداوند همه حسن صفات ت

تغییر بدادی به جهان، سیر حیاتت

در بین همه پادشهان حضرت سرمد

آورد تو را در کنف پاک محمد

حق عشق نبی را به دل پاک تو جا داد

با عشق نبی، بر دل و جان تو صفا داد

چون مهر نبی در دل پاک تو نهان گشت

قدر تو فزون تر ز همه کون و مکان گشت

در راه وصالش ز جهان دست کشیدی

قبل از همه بر ختم رسولان گرویدی

از عشق نبودی به دلت صبر و قراری

کردی به دو صد شوق، از او خواستگاری

چون دید و پسندید تو را، آن گل سرمد

گشتی به جهان، همسر محبوب محمّد

دیدی به وجودش چو دو صد حجب و نجابت

دادی به رهش، هستیِ بی حد و حسابت

چون حق بنمودی به تو این لطف و عنایت

کردی تو ز آیین خداوند حمایت

چون ذات احد، آن همه ایثار تو را دید

ی کجا همه هستیِ خود را

به تو بخشید

مهر تو به جان و دل معبود چو جا کرد

از بین همه، فاطمه را بر تو عطا کرد

تو هستی خود را به خدا دادی و او هم

هستی خودش را به تو بخشید، به یک دم

پس هستیِ تو، ای به نبی مونس و یاور

با هستی خلاق مبین گشت برابر

آری تویی آن شیر زن پاک، خدیجه

مهرورز تو خواجه لولاک، خدیجه

آن روز که دین را نَبُدی هیچ پناهی

شد ثروت تو، حافظ آیین الهی

ای گشته وجوت به جهان مظهر پاکی

جای تو نبودی چو در این عالم خاکی

حق برد از این دار فنا، روح عزیزت

ای خلق جهان ریزه خورِ خوان کنیزت

بهتر که از این غمکده رفتی و نبودی

بینی به رخ دختر خود، رنگ کبودی

از داغ تو ای نخل امیدِ شه بطحا

جان و دل «آثم» شده زندانیِ غمها

سعی خدیجه میان بیت و حرا ... حامد اهور «اَهْوَر همدانی»

حرا، دو چشم تو هر روز قامتش می دید

خراب و خسته این راه های ناهموار

به دوش عاطفه اش سفره ای ز نان و رطب

میان کام عطشناک او، سرود بهار

حرا، دو چشم تو هر روز می پرستیدش

میان آن همه احساس ناب یکرنگی

دمی که آبله پا، بی قرار می پویید

هزار باره رهِ پر تلاطم سنگی

حرا، دو چشم تو امیدوار می دیدش

که باز قصد تماشای آسمان دارد

نشد که یک سحر از خستگیش، بی لبخند

قدم به خلوت ماه منیر بگذارد

حرا، خوشا به سعادت تو را که هر شب و روز

تو میزبان چنین آسمان دلی بودی

چه رازها که به گوش تو خوانده هر وعده

چه رمزها که تو از حق به دوست بنمودی

سراست از همه عالم به اعتبار، گلی

که در کویر، نگاه محمّدش می کاشت

تمام دار و ندارش فقط محمد بود

رسول نیز به عالم، خدیجه را می داشت

کجاست حضرت حوّا که تا وفا گیرد

ز دسته ای کریمانه اش به

رسم وفا

کجاست هاجر سعی و صفا، که تا بیند

کمی ز سعی خدیجه، میان بیت و حرا

کجاست مریم عذرا، که تا قیام کند

به پیش پایِ قیامت بپا کننده او

کجاست فرصت یک امتحان که تا بلقیس

تمام ملک بریزد، به پای خنده او

نه اینکه جمله زنان، بلکه جمله مردان

سرِ نیاز به پای خدیجه می سایند

مجال نیست، وگرنه فدای او گردند

قرار نیست و گرنه ذبیح آرایند (۱۶۰)

حریم حرمت ایشان، حریم توحید است

که عشق از دم ایشان، چراغ افروزد

سکوت می کنم از این مقال، می ترسم

که غیرتش پرِ جبریل شعر را سوزد عصمت داور، خدیجه

امیر ایزدی «ایزدی همدانی»

الا ای عصمتِ داور، خدیجه

به ختم الانبیا یاور، خدیجه

تو پیش از آن که او گردد پیمبر

نمودی بعثتش باور، خدیجه

به قدر و کوثری مادر، ز رتبت

فروغ مشعل خاور، خدیجه

تو اول بانوی اسلام هستی

نبی را یار، در ایّام هستی

خدیجه، معنی ایثار و ایمان

تویی اول زنی کاو شد مسلمان

کنی تا یاری دین محمّد

به بستی با خدای خویش پیمان

تو را این فخر بس، کز خیل زنها

تو زهرا پروراندی روی دامان

تو معیار سخا و بذل و جودی

تو هم، چون فاطمه مامِ وجودی

الا ای رشته عشقت مطوّل

یقین دارم که در آن روز اوّل

شدی چون میزبانِ ختم مرسل

در آن قصر مصفّا و مجلّل

نمودی از دل و جان بر پیمبر

کلید خانه دل را محوّل

نبی هم کاو لوای عشق افراشت

تو را از جان و از دل، دوست می داشت

الا ای مست صهبای الستی

که دل از غیر پیغمبر گسستی

در آن تحریم سخت اقتصادی

ز جاه و ثروت خود دیده بستی

سپس با ثروت بی حد و حصرت

تو سد مشکلات دین شکستی

بسی سختی به راه دین کشیدی

غم و اندوه را بر جان خریدی

الا ای عصمت دادار هستی

که عهد یکدلی با یار

بستی

چو شد تحریم اصحاب پیمبر

پیِ آن عهد کز اوّل ببستی

سه سال از جور کفّار جفا جو

تو در شِعب ابوطالب نشستی

نه تنها زر، ره دادار دادی

که جان را بر سر این کار دادی

تو ای بانوی والای قریشی

که هم پیمان مولای قریشی

نمی دانست کس آن روز، کز حق

دلیل فخرِ فردای قریشی

چو گشتی همسرِ آن پاک گوهر

بریدند از تو زنهای قریشی

دلت خون گشت، ای دلدار احمد

کسی یارت نشد، ای یار احمد

خدیجه، دختر حوّا و آدم

به وقت زادنِ مام دو عالم

نشد چون یاورت کس، زار و خسته

نهادی سر به روی زانویِ غم

که از امر خدا، آندم رسیدند

پیِ خدمت برت، سارا و مریم

تو را، هم صحبت و غمخوار گشتند

پرستارِ تو، از دادار گشتند

زمان درد و هجرانت سرآمد

ز گنج غیب، بهرت گوهر آمد

خدایت دختری شایسته بخشید

که او بر خیل زنها سرور آمد

فروغ دیدگانت بهر احمد

به رتبه در جلالت، مادر آمد

تلافی کرد، ایثار تو خالق

شدی مادر تو بر مامِ خلایق

الا ای جود مسکین در برِ تو

که می گردد کرم، بر محور تو

سلام خاص حق را بر تو، جبریل

رسانیده است بر پیغمبرِ تو

مشام مصطفی را عطر جنّت

رسد از دخترِ نیک اختر تو

خدا را جلوه در آیینه ات بود

سپهر برد باری، سینه ات بود

سلام ای محرم راز محمّد

طرفدار سر افراز محمد

در آن روزی که پیغمبر شبان بود

خبر بودت ز اعجاز محمّد

در آن دوران که در موج بلا بود

ز جان بودی تو دمساز محمّد

نبی بعد از تو با داغ تو سر کرد

روان بر تربتت اشک بصر کرد

چو شد از سِیر این دنیای فانی

بهار زندگی تو خزانی

نبودت یک کفن حتّی مهیّا

از آن ثروت که می بودت زمانی

همی می کرد بر احوال زهرا

سپهر دیده ات اختر فشانی

کفن شد پیش چشم دختر تو

لباس مصطفی

بر پیکر تو

شنیدستم که در ساعات آخر

به اسما گفته ای، با دیده تر

تو می دانی که در شام زفافش

بُود هر دختری محتاج مادر

بگریم، چونکه هنگام عروسی

ندارد مادری زهرای اطهر

به اسما گفتی: ای بانوی مذهب

به زهرایم تو مادر باش آن شب

تو گفتی دخترت یاور ندارد

شب وصلت، به بر مادر ندارد

بسی افغان نمودی زین غم او

تو گویی کاو غمی دیگر ندارد

سزا بُد گریه ات، از بهر این بود

که او یاور به پشت در ندارد

چو طفلش پشت در جان هدیه می کرد

به حالش میخ در، خون گریه می کرد

یکی زد آتشی بر درب خانه

که از آن شعله ها می زد زبانه

یکی بشکست پهلویش ز کینه

یکی زد بر تن او تازیانه

غلاف تیغ آن دیگر به بازوش

بَرِ چشمِ علی زد وحشیانه

عدو بر زخم های او نمک زد

فدک را برد و زهرا را کتک زد

خدیجه! دخترت با آن کمالش

که می باشد جلال اللّه، جلالش

نبودی بعد احمد، تا به بینی

نشان ضرب سیلی بر جمالش

نمی دانم چه شد کاندر جوانی

کمان شد قامت طوبی مثالش

دعا هر وقت آن دلریش می کرد

ز حق درخواست مرگ خویش می کرد

نه تنها مقتل او پشت در شد

که زهرا پشت آن در بی پسر شد

نه تنها پهلوی او شد شکسته

شکسته حرمت پیغامبر شد

بگو ای «ایزدی» با دیده ی تر

کزین غم چشم حیدر نیز تر شد

قلم مُسَمّار و لوحش سینه گردید

رخ زهرا کبود از کینه گردید

همسر خیرالوری خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام ... مصطفی بهرامی از شهر ری

ای همسر خیر الوری، خدیجه

ای مادر خیر النساء، خدیجه

هنگام کفر و شورِ بت پرستی

یار و معین مصطفی، خدیجه

در روزگار غربتِ رسالت

ای با رسالت آشنا، خدیجه

در راه دینِ خاتم النبیین

لطف تو شد بی منتها، خدیجه

کوکب برج شرف، خدیجه کبری ... «جان نثار»

کوکب برج شرف، بانوی نام آور، خدیجه

همسر خیرالوری، محبوبه داور، خدیجه

فخر نسوان، اسوه عفت، جلودار نجابت

آسمان فضل را تابان ترین اختر، خدیجه

زوج او معصوم و خود معصومه، نسلش پاک و معصوم

عصمت کبرای حق را مُظهر مظهر، خدیجه

پاک می بود از پلیدی ها عصر جاهلیت

جامه ایمان و تقوی داشتی در بر، خدیجه

بر کنار از کفر و شرک و ظلمِ وران ظلالت

بود بیزار از خصال قوم کین پرور، خدیجه

گشت در آن روزگار تیره از جهل و تباهی

یار و همدست رسول معدلت گستر، خدیجه

با وجود منع دشمنهای سرسخت و مخالف

گشت ختم انبیا را همدم و همسر، خدیجه

در زمان غربت اسلام و توحید و عدالت

مکتب اسلام را شد بهترین یاور، خدیجه

پیشگام جمله زنها در قبول دین حق بود

داشت چون اسلام را از ابتدا باور، خدیجه

ثروت انبوه خود را داد در دست پیمبر

هم گذشت از جان و هم از مال و سیم و زر، خدیجه

در طریق یاری احمد نمی دادی به خود راه

ترسی از طعن زنان مشرک و کافر، خدیجه

داعی حق را اجابت کرد و از روی بصیرت

دین حق را داد یاری تا دم آخر، خدیجه

تا نبرد مصطفی با کفر و باطل گشت آغاز

بود او را از وفا همراه و همسنگر، خدیجه

با چنین سعی بلیغ و همت والا و ایثار

باشد از اهل جهاد اصغر و اکبر، خدیجه

بود با رفتار و با گفتار آرامش قرینش

مایه امّید و دلگرمی پیغمبر، خدیجه

در حمایت از نبی و نصرت دین الهی

اولین شخص است حیدر، تالی

حیدر، خدیجه

زان همه خدمت که آن بانو به دین حق نموده

شد میان مسلمین بانوی نام آور، خدیجه

ای عجب، کاندر زمین نشناخت کس او را کماهی

هست نزد قدسیانِ آسمان اشهر، خدیجه

با چنین جاه و جلال و منزلتهایی که دارد

در فضیلت برتر است از مریم و هاجر، خدیجه

هر چه در اوصاف او گویند تا صبح قیامت

باز هم در فضل دارد دفتری دیگر، خدیجه

من چه گویم در مدیح آن مهین بانوی عظمی

در ثنایش هر چه گویم، هست بالاتر، خدیجه

در مناقب گوی سبقت برده از زنهای عالم

چونکه باشد مادر صدّیقه اطهر، خدیجه

افتخار او همین بس کز میان جمله زنها

اوصیای پاک احمد را بُوَد مادر، خدیجه

حق تعالی مصطفی را نعمت کوثر عطا کرد

حضرت زهراست کوثر، مادر کوثر، خدیجه

هر زنی شایسته دختی چنین والا گهر نیست

چونکه لایق بود، شد مادر بر این دختر، خدیجه

بر پیمبر گشت عام الحزن سال رحلت او

ز آنکه بودی حضرتش را بهترین یاور، خدیجه

من کجا و گفتن مدحش یکی از صد هزاران

چون بُوَد بر عالم هستی، سَرو و سَرْوَر، خدیجه

خواستم تا بیشتر نامش بلند آوازه گردد

گرچه دارد خود مقام و رتبه برتر، خدیجه

مدتی در انتخاب وزن بودم در تفکر

تا که شد در عالم رؤیا هدایتگر، خدیجه

یک اشارت بود و چون بیدار گشتم

شد خروشان چشمه طبعم به مدح زوج پیغمبر، خدیجه

رحمت بی منتهای حق به روح پاک او باد

کز همه خیرات دارد بهره اکثر، خدیجه

در ثنایش چند بیتی «جان نثار» ناتوان گفت

ورنه دارد عز و شأن بی حد و بی مر، خدیجه

خدیجه عَلَیهاالسَّلَام مهین بانوی اسلام ... محمد حیاتی کاشانی «حیاتی»

خدیجه ای مهین بانوی اسلام

نظیرت را ندیده چشم ایّام

که باشد همسرت ختم رسولان

حبیب خالق منّان سبحان

پی ترویج آیین محمّد

بدادی ثروت بسیار و بی حد

که تا احیا کنی دین مبین را

فنا سازی

رژیم ظلم و کین را

تو یاری بخش اسلام مبینی

به پیغمبر تو یار بی قریمی

ز تو اسلام و حق باقی بماند

ستمگر را به جای خود نشاند

بگو با مردم و خلق زمانه

خدیجه نام او شد جاودانه

«حیاتی» رد مطلع کن تو اعلام

خدیجه ای مهین بانوی اسلام

جهان بانوی اسلام حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام ... حسین زارعی «خائف»

خدیجه اولین بانوی عالم

که باشد بر همه نسوان مُقَدَّم

بهین محبوبه ی خلاق یکتا

به احمد همسر و همراز و همدم

به استقلال ایمان کرد کوشش

برای یاریِ دین شد مُصمّم

به زخم بینوایان و فقیران

نهاد از دِرهم و دینار، مَرهم

درخت دین شد از جود و سخایش

بلی، بی حد و مر، سرشار و خرّم

برای بیدلان و غم نصیبان

بساط شادمانی شد فراهم

نمی گویم بود بهتر ز حوّا

بود بل بهتر از سارا و مریم

به پاس حرمت دین داد از کف

تمام هستی، آن بانوی عالم

ز نیروی کرامت، حضرت او

ستون دین حق را کرد محکم

نوا بخشید بر کل فقیران

ز دل ها کرد بیرون، غصّه و غم

خداوندا به حق ذات احمد

به تقوای رسول اللّه اعظم

به عقبی ساز «خائف» را تو محشور

به آل مرتضی شاه دو عالم

الگوی زنهای عالم ... شیخ علی اکبر وزنه «ذرّه»

خدیجه بانوی اسلام، جان جانان است

خدیجه همسر احمد، عزیز یزدان است

تمام ثروت خود را به پای احمد ریخت

و این نهایت احسان و حد امکان است

خدیجه هستیِ خود را فدای احمد کرد

عوض ز حق به خدیجه، چه کوثر احسان است

خدیجه الگوی زنهای عالم امکان

خدیجه اسوه ایثار، همچو مردان است

خدیجه مادر زهرا، حبیبه داور

خدیجه مادر امّت، به حکم ایمان است

خدیجه جدّه زینب، که زین اب باشد

خدیجه جدّه آن سیّد شهیدان است

خدیجه جدّه سبط نبی، حسن باشد

چه جدّه ای که به ارض و سما فروزان است

خدیجه شاعره دهر، در زمان رسول

یگانه مادح احمد، بسان حسّان است

خدیجه مظهر علم و تدبّر و ادراک

خدیجه صاحب عقل و دلیل و برهان است

خدیجه آنکه در انجیل نام او باشد

کنار مریم و عذرا، به باغ رضوان است

خدیجه آن زن یکتا که حضرت سبحان

ستوده نزد ملائک، که خیر نسوان است

خدیجه در همه اوصاف بی نظیر و بدیل

ولی ز فرط حیا، در حجاب پنهان

است

خدیجه ز امر پیمبر، لقب به کبری یافت

خدیجه سیّده بانوان دوران است

خدیجه چون که ز دنیا روان به جنّت شد

نبی ز داغ خدیجه، همیشه گریان است

خدیجه چون ز جهان رفت، حضرت زهرا

دلش ز رحلت مادر، همیشه سوزان است

شب زفاف عزیزش، خدیجه را به جنان

غم نبودن مادر، ز رخ نمایان است

سروده مدح خدیجه ز لطف حق «ذرّه»

به پاس اینکه خدیجه عزیز یزدان است

ام فاطمه ... مهدی روحی همدانی «روحی»

ای بانوی بزرگ حرم، ام فاطمه

ای سر دبیر دفتر غم، ام فاطمه

ای در کتاب شعر نبی بهترین غزل

ای مادر خدای دلم، ام فاطمه

نامت خدیجه، همسر محبوب مصطفی

کارت همیشه بذل و کرم، ام فاطمه

شمشیر مرتضی شد و دارایی شما

سرمایه نجات امم، ام فاطمه

مجموع عشقهای جهان مثل قطره ای

عشق تو بر رسول، @چریم، ام فاطمه

با خلعت بهشتی و با جامه نبی

بگذاشتی به عرش قدم، ام فاطمه

دارم امید آنکه شفاعت کنی مرا

ای سایه ات بروی سرم، ام فاطمه

روشنی بخش شب تار ... «ژولیده نیشابوری»

خدیجه بهر نسوان بهترین نام

خدیجه اولین بانوی اسلام

خدیجه ثروتش سرمایه دین

که ازو مکتب ما یافت آذین

خدیجه مظهر احسان و ایثار

خدیجه روشنی بخش شب تار

خدیجه بین زنها شد سر آمد

از آن روزی که شد کفو محمّد

خدیجه مظهر پاکی و تقوا

خدیجه از بدیها هست منها

خدیجه رونق بازار دین شد

کز او خشنود ختم المرسلین شد

خدیجه هستی خود را فدا کرد

خدا را زین فداکاری رضا کرد

خدیجه مصطفی را بود همدم

به نقد جان شریک شادی و غم

بود قدرش ز درک ما فراتر

که بر پیغمبر ما هست همسر

خدیجه دِین خود بر دین ادا کرد

تمام هستی خود را فدا کرد

خدا او را یگانه محوری داد

چو زهرای مطهر دختری داد

چه دختر، بانی هستی عالم

شکوه آفرینش را مجسّم

چه دختر، عصمت کبرای داور

چه دختر، صاحب قدر و جلالت

چه دختر، زینت ملک ولایت

زنان را مشعل راه هدایت

پرتو جاوید ... فضل اللّه شیرانی «سخای اصفهانی»

آیت عز و وقار و مظهر تقوا

پرتو جاوید «شمع محفل طه»

مبدأ و سرچشمه زلال حقیقت

محرم اسرار حق، خدیجه ی کبری

همسر محبوب و با وفای پیمبر

جدّه سادات، اُمِّ «ام ابیها»

اوج شرف، آسمان پاکی و ایمان

مشرق نشو و نمای زهره زهرا

معنی ایثار و ترجمان سخاوت

منشأ فکر بلند و منطق گویا

در دلِ پر نورِ او صداقت خورشید

در سرِ پر شورِ او، کرامت دریا

پیش ز بعثت شناخت قدر محمّد

در اثر روح پاک و دیده بینا

بود علیرغم دشمنان بد آیین

در ره دین، راسخ و صبور و شکیبا

چون به محمّد رسید وحیِ رسالت

از طرف کردگارِ قادر یکتا

گشت نخستین کسی که پیرو اسلام

بود همان حضرت خدیجه کبری

طبق روایات، زان وجود مقدس

فاطمه چون می گشود دیده به دنیا

از پیِ دیدارش آمدند ز جنّت

آسیه، کلثوم، ساره، مریمِ عذرا

فاطمه چون زاده شد، ز عطر وجودش

گشت فضا سر به سر، بهشت مصفا

طبع

«سخا» طرح این چکامه چومی ریخت

خواست مدد از علی عالیِ اعلا

خدیجه در تاریخ اسلام ... صدیقه صابری «شهلا»

دوباره در دلم امروز شورشی بر پاست

که سالروز وفاتِ خدیجه کبراست

فضای خاطرم آنگونه گشته حزن انگیز

که جای اشک اگر خون رود ز دیده رواست

صدیقه، طاهره، مرضیّه، پاک بانویی

که از عفاف، نمودارِ عصمت و تقواست

بزرگ بانوی اسلام، کز سخاوت طبع

همیشه در دل تاریخ نام او برجاست

همان حمیده خصالی که همسرش «احمد»

همان صدف، که گرانمایه گوهرش «زهراست»

وجود فاضله و فیض بخش و با ایمان

که از وقار و شرف، همسر رسول خداست

هم آنکه پیش ز بعثت، ز چشم دل می دید

که نور وحی، ز سیمای مصطفی پیداست

به خلق و خوی «محمّد» ز بس که عاشق بود

ز جان و دل، پی همراهیش بپا برخاست

عزیز داشت خدایش چنانکه در نسوان

ز قدر و عز و شرف، بی نظیر و بی همتاست

پی جلالتِ قدرش همین بس است که او

شفیعه همه ی مسلمین، به روز جزاست

نثار در ره دین کرد، هر چه از خود داشت

جهان معرفت و کوه بذل و بحر سخاست

به وصف جدّه سادات، گفته ی «شهلا»

به سان قطره باران و ساحت دریاست

رباعی دربارهی حضرت خدیجه ... علی شیرانی اصفهانی «صحت»

بود آینه در بزم سحر نوش چمن

گلبانگ زلال نور، در گوش چمن

می آمد و بود غرق شبنم، که بهار

انداخت قبای سبز، بر دوش چمن

خدیجه عَلَیهاالسَّلَام ... «شادروان طالع»

در روز دهم، گشت به ماه رمضان

سُکّان سما زار و پریش و نالان

گردید بپا غلغله در کون و مکان

از داغ خدیجه شد محمّد گریان

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام ... عباس «عنقا تهرانی»

خدیجه همسر پیغمبر خداوند است

که بر وصال نبّی، از دل آرزومند است

چنان به شوهر خود عرضه ی محبّت کرد

که تا به روز جزاء، نا گسسته پیوند است

ندیده، دیده، زنی چون خدیجه، شوهر دوست

که مهر و عاطفه اش، بر زنان ما پند است

به راه دین خدا، داده ثروت خود را

از آن، به سنّت احمد، زمانه پابند است

بزرگ بانوی اسلام و دین و دنیا بود

نهال دین حق، از همّتش برومند است

سلام حق به خدیجه، امین به احمد داد

نگر مقام خدیجه، به پیش حق چند است

به دامنش به جهان، پرورانده زهرا را

که قلب کون و مکان، زین ودیعه خرسند است

شرف ز احمد و زهرا و مرتضی دارد

که قدر و منزلت او، رهین فرزند است

اگر چه شعر و سخن در زمانه بسیار است

کلام و مدحت «عنقا» به کام ما قند است

سلام آورده جبریلش ز سرمد ... علی اصغر فراهی «فاطر»

خدیجه همسر پاک پیمبر

فروزان ماه افلاک پیمبر

خدیجه آن که می باشد مؤیَّد

سلام آورده جبریلش ز سرمد

خدیجه آنکه بهر نشر اسلام

بسی دیدست درد و رنج و آلام

خدیجه آنکه بهر یاریِ دین

گذشت از ثروتش در راه آیین

خدیجه مادر دخت پیمبر

که از او مفتخر باشد پیمبر

خدیجه مادری نیکو سرشت است

که مشتاق جمال او بهشت است

خدیجه آنکه زهرای مطهر

به خود می بالد از این گونه مادر

خدیجه آنکه غمخوار نبی بود

نکو مادر زنی، بهر وصی بود

خدیجه وقت زادن بُد مکدّر

نبودی بهر او چون یار و یاور

خدیجه دید ناگه پنج بانو

نکو روی و نکو بوی و نکو خو

برای وضع حملش یار گشتند

برایش یاور و غمخوار گشتند

خدایا حق این بانوی عظما

تو «فاطر» را ببخش، ای حی یکتا

در وصف خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام ... «مرحوم فراهی کاشانی»

هیچ تو دانی که شاهبانوی اسلام

داشت بَرِ مؤمنین، مقام مهین مام

آنکه ورا برگزیده ایزد علّام

آنکه ز هستی گذشت در ره احکام

بانوی روز جزا خدیجه کبراست

مادر والامقام حضرت زهراست

همّت مردانه داشت، گرچه بُدی زن

در ره دین و رضای قادر ذوالمن

پای توکل به بحر معرفتش زن

دست توسّل، به ذیل مرحمتش زن

کاو همه مشمول لطف خالق یکتاست

مادر والامقام حضرت زهراست

همسر نیکو خصال ختم رسولان

پیرو حق گشته، پیش از همه نسوان

برده ره از صدق، بر حقیقت ایمان

شد دلش از نور کردگار فروزان

زین روش از هر مقام و مرتبه والاست

مادر والامقام حضرت زهراست

مال و منالش، ز حد و حصر فزون بود

نقد زر و سیمش، از شماره برون بود

شرح دهم چون که او ب مرتبه چون بود

پیش جلالش هر آنکه بود زبون بود

فخر سزاوار از او به ساره و حواست

مادر والا مقام حضرت زهراست

خواست نبی را چو بانوی حرم آید

وز شرف و قدر و رتبه، محترم آید

در همه عالم نمونه کَرَم آید

خاک درش

رشک روضه ارم آید

مَهرِ خود از مال خویش کرده مهیاست

مادر والا مقام حضرت زهراست

دین خدا را سه چیز کرده مقرّر

زان سه، یکی خُلق نازنین پیمبر

و آن دگری تیغ و دست قدرت حیدر

سوّم آن، ثروت خدیجه اطهر

آنکه فضیلت در او به مریم عذراست

مادر والا مقام حضرت زهراست

از همه اموال خویش چشم بپوشید

در ره دین از صمیم قلب بکوشید

هر چه شماتت ز اهل کفر بنوشید

دیده ز شوی و خدای خویش نپوشید

اوست که اسلام از او مؤیَّد و بر پاست

مادر والامقام حضرت زهراست

حامله گردید چون به زهره زهرا

شد صدفِ آن ستوده گوهر یکتا

آنکه بُد او را هر آنچه خواست مهیّا

بود ز جور زمانه بیکس و تنها

لیک چه غم بهر او، که بانوی عظماست

مادر والامقام حضرت زهراست

خواست در آندم که وضع حمل نماید

کس نَبُدش، تا که عقده ای بگشاید

بهر ملاقات او، ز مهر بیاید

وز دل تنگش، ملامتی بزداید

آنکه مباهات از او به جمله زنهاست

مادر والامقام حضرت زهراست

بود ز تنهایی آن زمانه مکدّر

کس زِ زَنانش نبود مونس و یاور

در برش آمد ز امر خالق اکبر

آسیه، حوّا، ساره، مریم و هاجر

خادمه او ز رتبه آمده لعیاست

مادر والامقام حضرت زهراست

آنکه به مُکنت، شهیر عصر و زمن بود

شُهره به شام و عراق و مصر و یمن بود

حامی دین خدا به سر و علن بود

برتن پاکش ردا، به جای کفن بود

قدر و مقام آنکه را فزود ز تن کاست

مادر والا مقام حضرت زهراست

هست روا از مقام لا یتناهی

کامده او را عطا، ز فضل الهی

بر همه عالم بود، همیشه مُباهی

آری، تادین حق به جاست «فراهی»

زان زن آزاده ای که قدر هویداست

مادر والا مقام حضرت زهراست

خدیجه بنت خویلد عَلَیهاالسَّلَام ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»

شعب ابی طالب چه سخت و جانگزا بود

زندان طاقت سوزِ مردانِ خدا

بود

بیش از سه سال آنجا چه غربتها کشیدند

در راه دین بر خود مرارتها خریدند

مرد و زن تازه مسلمان، در تب و تاب

در تنگنای قحطی نان، قحطی آب

دشمن که با این کار قصد سرکشی داشت

پیروزی خود را در اول سهل پنداشت

می خواست تا از دین نشان دیگر نماند

حتّی اثر از نام پیغمبر نماند

او را نداد این کارِ شرم آور نتیجه

با این که شد بیمار و دل خسته خدیجه

هر روز حالش بدتر از روز دگر بود

زخم زبانها بر دل او نیشتر بود

تا عاقبت از این جهان بار سفر بست

از انزوای غربت دنیا نظر بست

آن زن که در اسلام شأنش هست والا

همپای زنهای بهشتی مثل حوّا

آن زن که هستِ خویش را در پای دین داد

دارائیش را در پی احیای دین داد

بنت خویلد، افتخار دین توحید

جاوید شد از جود او آیین توحید

در روزهای آخر عمر از تب و درد

شمع وجودش آب می شد، گریه می کرد

بنت عمیس اسما، کنیز خانه اش بود

بر گِرد شمع او، چنان پروانه اش بود

پرسید بی بی جان، چرا در التهابی

از مرگ می ترسی و یا فکر حسابی؟

تو شوهری چون مصطفی داری خدیجه

در پیشگاه حق، جزا داری خدیجه

با اینکه می دانی به محشر یاورت کیست

بر گریه و اندوه تو، دیگر سبب چیست؟

فرمود با اسما خدیجه، غرق ناله

بی تاب زهرایم، که باشد چار ساله

آیینه جان من است این روح پرور

سخت است بر آن چار ساله، داغِ مادر

اندوه من از بهر آن روح عفاف است

بی مادری، جان سوز در شام زفاف است

اسما، تو بر زهرایم آن شب مادری کن

آن شب به جای من، تو او را یاوری کن

شام زفافِ فاطمه، اسما وفا کرد

پیغمبر اکرم برای او دعا کرد

بگذشت چندین سال، تا یک شام دیگر

آن شامِ

یلدای غم و اندوه حیدر

اشک غم از چشم شب و مهتاب می ریخت

اسما به روی جسم زهرا آب می ریخت

خدیجه، بانوی ایثار ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»

از خدا بر تو سلام آورده جبریل امین

ای خدیجه بانوی ایثار و خاتون یقین

هم طراز هاجر و حوّا و مریم در مقام

خرمن فیض و کمالت را ملائک خوشه چین

در سخاوت گوی سبقت برده ای از آفتاب

در طواف تربتت خورشید می بوسد زمین

روز سختی ها شدی سنگ صبور مصطفی

خاتم پیغمبران را نام تو نقش نگین

سینه ات شد گوهر ناب ولایت را صدف

مادر ام ابیهایی و ام المؤمنین

ریختی در پای پیغمبر، تمام هست خویش

چشم عالم خیره بر این عشق پاک و راستین

شمع جانت آب شد در التهاب دردها

ساختی با غصه ها، تا سوختی در پای دین

پنجه شِعب ابی طالب، گلویت را فشرد

پر کشیدی تا خدا، در باغ فردوس برین

غربت و بی مادری، بر دوش او آوار شد

فاطمه بعد از تو تنها ماند، با قلبی حزین

سال مرگت را رسول اللّه عام الحزن خواند

بس که سنگین بود داغت بر دل حبل المتین

سلام بر خدیجه ... «علی غفرالهی، ماهر اصفهانی»

همسر ختم رسولان بانوی با اقتدار

مادر زهرا خدیجه دینستا و حق شعار

اختر تابنده ای از آسمان عاطفت

گوهر ارزنده ای از بحر عز و افتخار

نادی فطرت ندا دادش بر این عزم عظیم

تا نماید یاری پیغمبر والاتبار

پاک بانویی مجاهد، کز تلاش مستدام

بهر استعلای دین بنمود عزمی استوار

عصمت اللّهی که از تقوی و آیین پروری

اهتمامش ساخت شرع احمدی را پایدار

همّت مردانه ی این زن پیِ ترویج دین

برد الحق گوی سبقت از رجال نامدار

در طریق وحدت و یکتا پرستی بی امان

کرد همراه پیمبر هستیِ خود را نثار

گشت اقدام خدیجه در میان مسلمین

باعث تحکیم وحدت، موجب عز و وقار

کرد تا سر حد امکان، بهر نشر دین تلاش

با نثار ثروت خود، آن زن ایمان مدار

تا ابد بازار احکام خدا رونق گرفت

زان حمایتها که بنمود از حبیب کردگار

خاتم پیغمبران پیروز شد بر دشمنان

زان

رشادتها که از او شد به عالم آشکار

مادری دیگر نزاید، دختری چون فاطمه

تا ز والایی، شود خیر النّساء روزگار

جای دارد نام والای خدیجه تا ابد

زیب تاریخ جهان گردد، به کلک زرنگار

مسألت دارد ز حق «ماهر» که باشد از وفا

در شمار خادمان حضرتش روز شمار

بانوی خردمند و وفا کیش، خدیجه عَلَیهاالسَّلَام ... «علی غفراللّهی «ماهر اصفهانی»

از لطف خدایی، ز سرا پرده ی اسرار

گردید عیان، شیر زنی راد و فداکار

پرورده ی مهد شرف و شوکت و اعزاز

گنجینه ی سرشار سخا، مظهر ایثار

آیینه ی آیین گرانقدر عطوفت

سرچشمه ی جوشان وفا، نخبه ی اخیار

بانوی خردمند و وفا کیش، خدیجه

کز اصلِ گهر بود به تمجید سزاوار

در محضر سرخیل رسل، از ره ایمان

بنمود به یکتاییِ رب الفلق اقرار

بنمود قبول از دل و جان، دین نبی را

پیش از همه زنهای عرب، با دل بیدار

از جانب خلاق جهان گشت شرف یاب

بر همسرِیِ ختم رسل، احمد مختار

از صلب نبی و ز صدف بطن خدیجه

گردید عیان فاطمه، آن گوهر شهوار

زهرا که نبی خواند وِرا ام ابیها

زهرا که بود خاک رهش سرمه ی دیدار

چون دید خدیجه، که محمّد شده تنها

او را نبود غیر خدا یار و مددکار

مردانه کمر بست ز جان، یاریِ او را

با آنکه بسی دید ز هر طایفه آزار

همراه نبی یاری دین کرد ز ایمان

آن مظهر ایثار و کرم، زبده ابرار

در عهد سیاه ستم و کفر و قساوت

گردید خدیجه به نبی، یاور و غمخوار

بسیار جفا دید از اقوام مخالف

وز کینه ی اهل ستم و طعنه ی کفار

پیوسته ز جان کرد حمایت ز پیمبر

تا دین خدا شد به جهان، محکم و سُتوار

دارائیِ خود را به ره دین خدا داد

در عهد فساد و ستم و فتنه ی اشرار

گردید علی رغم عدو، یار محمّد

از راه گذشت و کرم و ثروت بسیار

«ماهر» به جهان نام گرانسنگ خدیجه

تا حشر

بود ثبت، به تاریخ و به طومار

ام الائمّه ... شیخ علیرضا محمدی «مسافر»

ای خدیجه، آفرین بر همّت والای تو

فخر باید کرد بر اندیشه زیبای تو

پایه اسلام از انفاق تو شد استوار

چون فدای دین و قرآن شد همه دنیای تو

در وقار و عفت و عصمت که بودی بی نظیر

شد زبانزد در میان مردمان تقوای تو

فخر می کردی به عالم چون که از لطف خدا

بود در بیت محمد، منزل و مأوای تو

گر چه تنها گشتی و بودند یاران بی وفا

در کنارت بود لیکن، شوی بی همتای تو

سرزنشها می شدی از ازدواجت با نبی

لیک آمد فاطمه، شد بر طرف غمهای تو

ما بصیرت را در این عالم ز تو آموختیم

دیده بینا شد ز یُمن دیده بینای تو

صبر کردی در میان آن همه رنج و ستم

صبر را آموخت از تو، زینب کبرای تو

ما تو را الگوی خود دانیم و از سوی دگر

سرور و تاج سرِ زنها بود زهرای تو

یازده ماه درخشان ز آسمان معرفت

گشت ظاهر از طلوع کوثر رخشای تو

من نمی دانم چها بگذشت بر ختم رُسُل

در زمان رحلت و آن داغ جانفرسای تو

چشم امید «مسافر» در قیامت، مادرم

سوی خوانِ پر نعیمت باشد و اِعطای تو

مدح حضرت خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام ... سید رضا مؤید خراسانی «مؤید»

ترجیع بند – بند اول

ای رسول خدای را همدم

در حریم رسالتش محرم

اولین زن تویی که قامت بست

در نمازِ پیمبرِ خاتم

شوهرت کیست، بهتر از عیسی

دخترت کیست، برتر از مریم

دامنت جای زُهره الزّهرا

که بود نور نیّر اعظم

کهکشانست در رهت مشعل

آفتابست بر گُلت شبنم

مکه و صخره های سُتوارش

طائف و نخلهای سر در هم

عاشق بردباریت همه جا

شاهد جانفشانیت همه دم

بُد ز تیغ علی و ثروت تو

که شد این گونه کاخ دین محکم

یار احمد شدی که تا نشود

یکسرِ مویْ از سر او کم

زخم پاهای سنگ خورده او

یافت از دست لطف تو مرهم

سر بلند از شهامت تو صفا

اشک ریز از مصائبت زمزم

به علی

و محمّد و زهرا

اشفعی یا خدیجه الکبری

بند دوم

خیمه ی عشق را عمود تویی

صفت مهر را نمود، تویی

در کنارِ تمامی رحمت

مظهری بر تمام جود، تویی

فاطمه گوهر وجود بُود

مخزن گوهر وجود، تویی

اولین زن که از زنان رسول

سخن وحی را شنود، تویی

با سلام پیمبری به رُخش

اولین کس که در گشود، تویی

آنکه با جبرئیل، در هر وحی

آمدش از خدا درود، تویی

مادری که چهار قابله اش

آمد از آسمان فرود، تویی

منعمی را که با تهیدستی

کردگارش بیازمود، تویی

آنکه در خانه بود و یکدم هم

غافل از رهبرش نبود، تویی

باغبانی که شد گل یاسش

بین دیوار و در کبود، تویی

به علی و محمّد و زهرا

اشفعی یا خدیجه الکبری

بند سوم ... ای خریدار جان پیغمبر

همسر مهربان پیغمبر

احترامی نداشت چون تو کسی

در میان زنان پیغمبر

در حیات و ممات تو، نَفِتاد

نام تو از زبان پیغمبر

در شب ازدواج زهرایش

وان دل شادمان پیغمبر

آمد از یادِ جایِ خالیِ تو

اشک از دیدگان پیغمبر

ای چراغ همیشه تاریخ

در صف دودمان پیغمبر

به وجود تو افتخار کند

همه جا خاندان پیغمبر

هستی خویش را فدا کردی

در ره آرمان پیغمبر

سر زد از مشرق گریبانت

کوثر جاودان پیغمبر

روزگاری بود که دارم من

داغ دارالامان پیغمبر

تا نهم بار دیگر ای مادر

جبهه بر آستانِ پیغمبر

به علی و محمّد و زهرا

اشفعی یا خدیجه الکبری

تشکر و سپاسگزاری ...

از همه شعرای عالیقدری که سروده های خودشان را در اختیار ما قرار دادند و همچنین از همکاری شاعر و مدّاح اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام آقای امیر ایزدی همدانی و نیز مداح اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام آقای حاج حسین باقری تهرانی و همچنین مداح اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام آقای حاج محمد علی موبدی کاشانی «دام توفیقهم» که در تشویق شعراء شهرهایشان جهت سرودن شعر برای حضرت خدیجه عَلَيْهاالسَّلَام تلاش نمودند و سروده های آنها را برای چاپ در یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه ارسال نمودند، کمال سپاسگزاری را داریم.

امید است مورد لطف خاص الهی و عنایات گسترده رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و علی مرتضی عَلَيْهِ السَّلَام و فاطمه زهراء عَلَيْهاالسَّلَام قرار گیرند.

پِینوشت

۱) علاوه بر دو اثر یاد شده، ایشان تا کنون، مجموعه های نفیسی از سروده های وِلائیِ شعرا مکتب اهل البیت عَلَيْهِمُالسَّلَام را به نامهای:

نوای بهشت،

خزان در بهاران،

پیمانه ای از غدیر،

سوگواره سامراء

منتشر نموده انـد و در حال اقـدام برای مجموعه ای بنام «سـرود روح القدس» می باشـند که مجموعه های یاد شده و سایر آثار ایشان، تأثیر بسزایی در نشر آثار اهل بیت (ع) داشته است.

۲) نمونه ای از جمله های مناسب، که در نامه هایی زیبا چاپ شود و به خانواده های نیازمند داده شود.

۳) برخی از علاقه منـدان، با جسـتجو در سایت های گوناگون، به موارد مورد اشاره، دست یافته انـد، که امیـدواریم دعای خیر علاقه مندان به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام بدرقه راه و پشتوانه زندگیشان باشد.

۴) آیت الله العظمی صـافی گلپایگـانی مـد ظلّه العـالی، علاـوه بر اطلاـعیه مـذکور در ذیـل، پیـام دیگری در سال ۱۴۲۷ صادر فرمودند.

و همچنین آیت اللّه العظمی شیرازی مد ظلّه العالی، علاوه بر متن مذکور در ذیل، پیام دیگری در سال ۱۴۲۶

ارسال فرموده اند.

۵) در شهر اصفهان از دیر زمان، در شبهای ماه مبارک رمضان، جلسات بسیار مفصلی برای خواندن تمام دعای ابوحمزه ثمالی تشکیل می گردید. با حضور جمعیَّت های فراوان، که این مجالس در مساجد بزرگی همانند:

«مسجد جامع» و «مسجد سیّد» و ... و مراکز مهمی همانند:

ساختمان «قائمیه» و «مهدّیه صاحب العصر» و ... تشکیل می گردد.

۶) امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام معروف به «شاه کرم» از امامزاده های مورد توجه می باشد و مردم زیادی با فیض گرفتن از توسل به آن حضرت، دلبستگی خاصی به آن بزرگوار دارند و کرامات فراوانی در جریانات مختلف دیده اند.

ساختمان بقعه و بارگاه این بزرگوار، با گستردگی و عظمت بسیار، در حال انجام می باشد و مجموعه حرم و رواقها و صحن و ساختمان های اطراف آن، بسیار عظیم می باشد و شعرای عالیقدر دربارهی این امامزاده و صحن و سرایشان، سروده هایی دارند، که به عنوان نمونه، سروده استاد محمد علی صاعد (رئیس انجمن ادبی صائب) را در اینجا تقدیم علاقه مندان می نماییم.

مدح امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام

معروف به شاه کرم «استاد صاعد اصفهانی»

این روضه ی منیر، که چون خلد جانفزاست

میعاد استجابت و مقبولِی دعاست

هم مورد عنایت خلاق اکبر است

هم مورد توجّه امجاد اولیاست

این مضجع مطهّر و این مرقد شریف

از سروِ دلنواز و گُل باغ مصطفاست

نور دل و دو دیده و فرزند سوّمین

از هشتمین امامِ هدی، حضرت رضاست

جعفر کریم آل محمد، که مشتهر

بر «شه کرم» شده و این شهرتش سزاست

در این مقام جای خضوع و ارادت است

دست دعا برآر، که منظور کبریاست

از روی صدق حاجت خود را از او بخواه

کز صدق هر چه را طلبی، بی سخن رواست

بیرون در گذار، هواهای نفس را

اینجا ز حق طلبِ مغفرت

بجاست

«صاعد» چه احتیاج به ابراز حاجت است

در محضری که گفته و ناگفته، بر ملاست

۷) سخنرانی یاد شده، به وسیلهی (سی - دی) در سطحی گسترده در شهرهای مختلف پخش گردیده و هم چنین متن پیاده شده آن، در تیراژی وسیع چاپ و منتشر شد.

۸) تجارَه لن تَبُور - قرآن کریم.

۹) ای کسی که ذکر بر او فرود آمده، تو مجنون هستی.

۱۰) مَن طَلَبَ شَیئاً نَالَهُ اَو بَعضَهُ.

۱۱) حتی تعبیر عشق هم در اینجا زیبا نیست، که امری بالاتر و فراتر از اینهاست.

۱۲) بلاذری، انساب الاشراف، ص ۹۸؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ حلبی، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۱۴۰؛ ابن عساکر، مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۷۵.

۱۳) ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۳۵۹.

۱۴) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۹، کوفی، الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۰؛ حصینی، الهدایه الکبری، ص ۴۵؛ اصفهانی، دلایل النبوه، ص ۱۷۸.

۱۵) حضینی، الهدایه الکبری، ص ۱۷۹.

۱۶) خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۰۹.

۱۷) مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱.

۱۸) طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۷۵.

۱۹) کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

۲۰) علامه حلی، القواعد، ج ۳، ص ۷۳.

۲۱) آیه اللّه شیرازی، امّهات المؤمنین، ص ۹۰.

۲۲) مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۱۶.

۲۳) محدث قمی، کحل البصر، ص ۷۰.

۲۴) مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

۲۵) بخاری، الصحیح، ج ۵، ص ۱۱۲.

۲۶) ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۲۸۱.

۲۷) زرقانی، شرح المواهب اللدّنیّه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲۸) ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۷۴، ص ۸۷.

۲۹) کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۹.

۳۰) ابن جوزی، تذکره ی الخواص، ص ۳۱۲.

۳۱) ذهبی، سیر

اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳۲) سیلاوی، الانوار الساطعه، ص ۷.

۳۳) ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۷۴، ص ۸۷.

۳۴) طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۷۶.

۳۵) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۷۰.

۳۶) طبرانی، همان.

۳۷) مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۴۴.

۳۸) ابن شهر آشوب، همان، ج ۳، ص ۳۸۳.

۳۹) ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۱۳۴.

۴۰) عبدالرزاق، المصنّف، ج ۱۰، ص ۱۵۴.

۴۱) ابن حجر، همان، ص ۱۳۷.

۴۲) طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۵۵.

۴۳) ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۷۰.

۴۴) ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۰.

۴۵) یعقوبی، التاریخ، ج ۲، صَ ۱۶.

۴۶) تفسیر روح المعانی / ج ۳ / ص ۱۵۵؛ در المنثور ذیل آیه ی ۴۲ از آل عمران.

۴۷) به منظور قدرشناسی از زحمات ارادتمندان به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام هر مجموعه ای را با نام فراهم کننده آن عرضه می نماییم.

۴۸) الخرایج ص ۱۸۶ - بحار ج ۱۶ ص ۴

۴۹) طبقات کبری، ج ص ۱۴۰

۵۰) بحار، ج ۱۵ ص ۱۸.

۵۱) لم یجمع بیت واحد، یومئذ فی الاسلام غیر رسول اللّه و خدیجه و انا ثالثهما. نهج البلاغه خطبه قاصعه

۵۲) ماعلمت علی ظهرالارض کلها علی هذاالدّین غیر هؤلاء الثلثه. اسدالغابه ماده «عفیف»

۵۳) سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶.

۵۴) بحار، ج ۱۶ صَ ۱۹.

۵۵) بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۰۴.

۵۶) سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۴.

۵۷) معروف اینست که پدر خدیجه (خویلد) در جنگ فجار فوت کرده بود از این جهت عموی او از طرف او صیغه عقد جاری کرد، روی این حساب، مطلبی که برخی از تاریخ نویسان، ضبط کرده اند که خویلد در آغاز کار،

رضایت نداشت، سپس روی تمایلات شدید خدیجه راضی شد، بی اساس است.

۵۸) تهان ابن اخی هذا محمّد بن عبداللّه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم لا یوازن برجل من قریش الارجح به و لا یناس باحد منهم، الاعظم منه و ان کان فی المال مقلافان المال، ورق حائل و ظل زائل.. مناقب ج ۱، ص ۲۰ بحار، ج ۱۵، ص ۶.

۵۹) امالی طوسی، ج ۲، ص ۸۲.

۶۰) برداشت از بحارالانوار، ج ۱ ص ۱۶. در اینجا بخش اول نوشته آیت اللّه قزوینی پایان می یابد.

۶۱) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

۶۲) از جمله: «خوارزمی» در مقتل الحسین، ص ۶۳ و ۶۸.

«ذهبی» در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۶.

«عسقلانی» در لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۶.

و تلخیص المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۶. در اینجا بخش دوم نوشته آیت اللّه قزوینی راجع به حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام پایان می یابد.

۶۳) طبق برخی روایات؛ این بانوان نامدار، در بهشت در عقد پیامبر خواهند بود.

به همین جهت پیامبر تعبیر به «ضرائرک» فرمود. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۴ به نقل از «من لا یحضره الفقیه»

۶۴) در اینجا قسمت سوم نوشته آیت اله قزوینی دربارهی حضرت خدیجه به پایان می رسد.

۶۵) اسد الغابه، ۵ / ۴۳۸.

۶۶) اسد الغابه، ۵ / ۵۳۷.

۶۷) مستدرک صحیحین ۳ / ۱۸۴.

۶۸) الفصول المهمّه / ۱۲۹.

۶۹) الأصابه ۴ / ۲۸۱.

۷۰) مناقب امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۱۸۶.

۷۱) بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۵.

۷۲) امالی شیخ طوسی، ص ۱۷۵.

۷۳) فرهنگ سخنان حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام، ص ۱۶۴.

۷۴) الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۸۲.

۷۵) الامالی شیخ طوسی، ص ۴۶۳.

۷۶) همان.

۷۷) اکمال الکمال، ج ۱، ص ۱۱۹.

۷۸) مکارم الاخلاق، ص ۱۱.

۷۹) برخی از متفکران

اسلامی معتقدند که، حضرت خدیجه قبل از حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ازدواج نکرده بود و فرزندانی همچون هند خواهر زادگان وی بودند، که حضرت خدیجه آنان را در دامان خود پرورش داد.

۸۰) اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰.

۸۱) شجره طوبی، ج ۲، ص ۳۳۴.

۸۲) همان.

۸۳) مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۴.

۸۴) خدیجه، علی محمّد علی دخیل، ص ۳۱.

۸۵) بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۸۶) کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۲.

۸۷) تحریم؛ ۹ – ۱۲.

۸۸) بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۲ و ج ۱۶، ص ۱۱، نقل از فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ص ۱۲۶.

۸۹) ریاحین الشریعه، ج ۲ – بحار الانوار، ج ۱۶.

۹۰) منتهی الآمال، مرحوم محدث قمی.

۹۱) احزاب، ۳۲.

۹۲) ابن سعد، ال طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷، نقل از محدثات شیعه، تألیف نهلا غروی نائینی.

۹۳) استیعاب، ج ۲، ص ۳۱۹، ش ۱۳.

۹۴) اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۷ و استیعاب، ج ۴، ص ۲۱ ش ۱۸ نقل از محدثات شیعه، تألیف نهلا غروی نائینی.

۹۵) خصال صد و ق، باب اربعه.

۹۶) احزاب، ۵.

۹۷) خصال صدوق، باب اربعه.

۹۸) بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۱ و سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۰.

۹۹) منتهی الآمال، باب ولادت فاطمه زهرا عَلَيْهاالسَّلَام

۱۰۰) بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۴۳.

۱۰۱) ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹.

۱۰۲) الوقایع و الحوادث، محمّد باقر ملبوبی، به نقل از ناسخ التواریخ، ص ۱۳.

۱۰۳) همان.

۱۰۴) سوره منافقون، ۷.

۱۰۵) بقره، ۳.

۱۰۶) احزاب، ۲۹ - ۲۸.

۱۰۷) احزاب، ۳۱.

۱۰۸) بجار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۵.

۱۰۹) بحار الانوار، ج ۴۳، باب مناقب فاطمه عَلَيْهاالسَّلَام، ص ۲۷.

۱۱۰) بحار الانوار، ج ۲۲، باب وفاته و غسله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، ص ۵۱۰.

۱۱۱) التعبیر عن خدیجه بمبارکه فی الوحی الی المسیح فی وصف النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم:

نسله من مبارکه.»

۱۱۲) همان.

۱۱۳) همان.

۱۱۴) سفینه البحار، ج ۱، باب خاء، ص ۳۷۹.

۱۱۵) سفینه البحار، ج ۱، باب خاء، ص ۳۸۰.

۱۱۶) سفینه البحار، ج ۱، باب خاء، ص ۳۸۰.

۱۱۷) سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۷۹ و ۳۸۱.

۱۱۸) دیوان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، قطب الدین حسن بیهقی نیشابوری، ص ۳۶۰

۱۱۹) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳.

۱۲۰) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۱.

۱۲۱) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

۱۲۲) کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۸.

۱۲۳) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۲ و ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۴.

۱۲۴) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۰ و ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۱۲۵) بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۲۷.

۱۲۶) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸ و ریاحین الشریعه ج ۲ ص ۲۱۶.

۱۲۷) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۹.

۱۲۸) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۵۴.

۱۲۹) ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۳۸.

۱۳۰) بحارالانوار، ج ۱۶، صفحه ۶۰.

۱۳۱) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۶۱.

۱۳۲) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۶۳.

۱۳۳) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۶۵.

۱۳۴) ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۴۲.

۱۳۵) السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۶۵.

۱۳۶) طبق تحقیقات کامل محقق عظیم الشأن، علامه بزرگوار، جعفر مرتضی عاملی، خدیجه کبری عَلَیْهاالسَّلَام قبل از رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با شخص دیگری ازدواج ننموده اند.

۱۳۷) طبق نقل برخی از محققین، حضرت خدیجه عَلَیْهاالسَّلَام در آن هنگام ۲۶ ساله بودند.

۱۳۸) اعیان الشیعه – ۱۵ – ص ۷۹.

۱۳۹) سیر اعلام النبلاء – ۲ – ۸۲ –

اسد الغابه –

۵ – ص ۴۳۵ –

الاصابه – ۴ – ص ۲۷۳ –

السمط الثمین.

۱۴۰) اسد الغابه – ۵ – ص ۴۳۹.

۱۴۱) سیره ابن هشام – ۱ – ص ۲۰۰.

۱۴۲) تذکره ی الخواص – ص ۳۱۲.

۱۴۳) الکامل فی التاریخ – ۲ – ص ۱۴.

۱۴۴) سیر اعلام النبلاء – ۲ – ص ۸۱.

۱۴۵) صفوه الصفوه – ۲ – ص ۲.

۱۴۶) السیره النبویه – ۱ – ص ۲۵۷.

۱۴۷) الفصول المهمه – ص ۱۳۳.

۱۴۸) عقیله الوحی – ص ۲۰.

۱۴۹) مثلهن الاعلی – خدیجه بنت خویلد – ص ۹۸.

۱۵۰) فاطمه بنت محمّد – ص ۶.

۱۵۱) نساءٌ لهن فی التاریخ الاسلامی نصیب – ص ۲۱ – ۲۳.

۱۵۲) اعلام النساء – ۱ – ص ۳۲۶.

۱۵۳) بطله کربلاء – ۱۴.

۱۵۴) فاطمه الزهراء و ترفی غمد – ص ۱۱۲.

۱۵۵) بطله کربلاء – ۱۳.

۱۵۶) موسوعه آل النبی – ۲۳۰.

۱۵۷) الدر المنشور، فی طبقات ربّات الخدور – ص ۱۸۰.

۱۵۸) نساء محمّد – ۱۶ – و ص ۲۰ و ص ۳۷.

۱۵۹) شهیرات النساء، فی العالم الاسلامی – ص ۲ – ۵.

۱۶۰) اشاره است به آراستن ذبیح و قربانی، برای بردن به قربانگاه.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

